

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



جمهوری اسلامی ایران
شورای فرهنگ عمومی کشور



مرکز رصد فرهنگی کشور



پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

عنوان: فرهنگ اقتصادی (ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اقتصادی ایرانیان)

تهیه و تنظیم: مرکز رصد فرهنگی کشور

صفحه‌آرایی: حسین آذری

نوبت چاپ: اول - بهار ۱۴۰۲

شمارگان: برای مخاطبان خاص

این نسخه به سفارش دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور تهیه شده است.

همه حقوق این اثر برای مرکز رصد فرهنگی کشور محفوظ است.
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی‌عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
صندوق پستی: ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۸۹۳۰۷۶. www.ir cud.ir

گزارش رصد فرهنگی

(۴۱)



فرهنگ اقتصادی

(ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای

اقتصادی ایرانیان)

مرکز رصد فرهنگی کشور

اردیبهشت ۱۴۰۲

فهرست مطالب

۱	طرح مسئله
۴	رهیافت تحلیلی
۱۲	شاخص‌ها و مؤلفه‌ها
۱۷	نتایج توصیفی
۲۶	مدارس غیرانتفاعی
۲۹	برابری و نابرابری
۴۲	تصور از اکنون و آینده
۵۶	اعتماد اقتصادی
۶۶	دولت و بخش خصوصی
۷۸	رفاه و خدمات اجتماعی
۸۱	ارزش‌های اقتصادی
۹۷	نگرش به الگوها و روندهای جهانی
۱۰۹	نتیجه‌گیری
۱۱۱	فرا تحلیل و تحلیل مضمون نخبگانی
۱۲۰	تولیدمحوری در نظام اقتصادی
۱۲۸	نقش بازار در تخصیص کالاها
۱۳۰	توقف خصوصی‌سازی غیرکارشناسی
۱۳۳	تأمین کالاهای عمومی
۱۴۷	برنامه‌ریزی
۱۵۱	نظام حکمرانی
۱۵۹	فهرست منابع

فهرست نمودارها

- نمودار ۱: فکر می‌کنید بیشتر مردم جزء کدام طبقه قرار می‌گیرند؟ ۱۷
- نمودار ۲: شما خودتان را متعلق به کدام طبقه جامعه می‌دانید؟ ۲۰
- نمودار ۳: از دید شما موفقیت ثروتمندان در جامعه ما تا چه حد محصول کار و تلاش خود آنان است؟ ۲۳
- نمودار ۴: موافقید اینکه گروهی در جامعه فقیرند، تقصیر خودشان است چون به اندازه کافی کار و تلاش نمی‌کنند؟ ۲۵
- نمودار ۵: چقدر موافقید که دولت مدارس غیرانتفاعی را تعطیل کند و همه دانش آموزان در مدارس دولتی درس بخوانند؟ ۲۹
- نمودار ۶: طیف بندی پاسخگویان بر اساس دو سؤال انتخاب میان برابری و رقابت و نگرش به مالیات ۳۳
- نمودار ۷: طیف بندی بر اساس پاسخ به سه سؤال انتخاب میان آزادی و برابر، نگرش به مالیات و خصوصی سازی ۳۶
- نمودار ۸: طیف بندی افراد بر اساس پاسخ به انتخاب ۴ سؤال میان آزادی و برابری، نگرش به مالیات، خصوصی سازی و سرمایه گذاری خارجی ۳۸
- نمودار ۹: فکر می‌کنید در ۵ سال آینده وضعیت اقتصادی کشور بهتر می‌شود یا بدتر؟ ۴۴
- نمودار ۱۰: فکر می‌کنید چقدر بتوانید در ایران از نظر اقتصادی به آن چیزی که می‌خواهید، برسید؟ ۴۶
- نمودار ۱۱: به نظر شما وضعیت کلی اقتصاد کشور نسبت به سه ماه گذشته چه تغییری کرده است؟ ۴۹
- نمودار ۱۲: به نظر شما وضعیت کلی اقتصادی تا سه ماه آینده چه تغییری خواهد کرد؟ ۴۹
- نمودار ۱۳: به نظر شما تعداد افراد بیکار در کشور به نسبت سه ماه گذشته چه تغییری کرده است؟ ۵۰
- نمودار ۱۴: به نظر شما تعداد افراد بیکار کشور تا سه ماه آینده چه تغییری خواهد کرد؟ ۵۱
- نمودار ۱۵: قدرت خرید مردم تا سه ماه آینده چه تغییری خواهد کرد؟ ۵۱
- نمودار ۱۶: به نظر شما کل قیمت‌ها در سه ماه آینده چه تغییری خواهد کرد؟ ۵۲
- نمودار ۱۷: توزیع پاسخگویان به نسبت ادراک آن‌ها از افزایش نرخ تورم نسبت به یک سال گذشته ۵۲
- نمودار ۱۸: توزیع افراد بر اساس ادراک آن‌ها از افزایش نرخ تورم ۵۳
- نمودار ۱۹: به نظر شما افزایش قیمت دلار تا یک سال آینده چقدر خواهد بود؟ (درصد) ۵۳
- نمودار ۲۰: مطمئن‌ترین راه سرمایه‌گذاری کدام است؟ ۵۵
- نمودار ۲۱: به نظر شما، مردم چقدر برای شراکت در کار اقتصادی قابل‌اعتمادند؟ ۵۸
- نمودار ۲۲: چقدر به بانک‌های کشور برای سپرده‌گذاری اعتماد دارید؟ ۶۰
- نمودار ۲۳: چقدر با این حرف موافقید که در جامعه ما بیشتر مردم به دنبال منافع و سود شخصی هستند؟ ۶۳
- نمودار ۲۴: تا چه حد حاضرید برای کمک به وضعیت کشور ارز و طلاهایتان را به دولت بفروشید؟ ۶۵
- نمودار ۲۵: اصلی‌ترین عامل مشکلات اقتصادی فعلی را کدام یک از موارد می‌دانید؟ ۶۸
- نمودار ۲۶: چقدر با خصوصی سازی‌های انجام شده در ایران موافقید؟ ۷۲

- نمودار ۲۷: شما با اصل خصوصی سازی چقدر موافقت می‌کنید؟ ۷۴
- نمودار ۲۸: به نظر شما دولت تا چه حد در قبال زیان دیدگان بورس مسئولیت دارد؟ ۷۷
- نمودار ۲۹: توزیع پاسخگویان بر حسب حمایت از کالای داخلی ۹۱
- نمودار ۳۰: موافقت با برداشتن تعرفه خودروی خارجی ۹۳
- نمودار ۳۱: شما با زندگی خیلی مرفه و لاکچری در ایران موافقت می‌کنید؟ ۹۶
- نمودار ۳۲: سطح رفاه مردم ما در مقایسه با سایر کشورهای نفت خیز خاورمیانه مثل عربستان و قطر چه وضعیتی دارد؟ ۹۹
- نمودار ۳۳: به نظر شما سرمایه گذاری شرکت های خارجی چه تأثیری می تواند در اقتصاد ایران داشته باشد؟ ۱۰۲
- نمودار ۳۴: به نظر شما تأسیس شعب بانک های اروپایی در ایران چقدر به سود کشور و مردم است؟ ۱۰۵
- نمودار ۳۵: دیدگاه مردم در مورد نقش دولت در اقتصاد ۱۱۴
- نمودار ۳۶: قیمت زمین، مسکن و اجاره خانه در دوره ۱۳۷۲ تا ۱۳۹۲ ۱۲۷

فهرست جدول‌ها

- جدول ۱: مفاهیم و مقولات اصلی پیمایش نگرش‌های اقتصادی ایرانیان و پرسش‌های متناظر با آن‌ها (۱۳۹۹) ۴۱
- جدول ۲: مؤلفه‌های ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتار اقتصادی ۱۶
- جدول ۳: شما خودتان را متعلق به کدام طبقه جامعه می‌دانید؟ ۱۹
- جدول ۴: از دید شما موفقیت ثروتمندان در جامعه ما تا چه حد محصول کار و تلاش خود آنان است؟ ۲۱
- جدول ۵: آیا موافقت این‌که گروهی در جامعه فقیرند، تقصیر خودشان است چون به اندازه کافی کار و تلاش نمی‌کنند؟ ۲۴
- جدول ۶: چقدر موافقت می‌کنید که دولت همه مدارس غیرانتفاعی را تعطیل کند و همه دانش آموزان در مدارس دولتی درس بخوانند؟ ۲۷
- جدول ۷: توزیع پاسخ به چهار سؤال معطوف به ارزش‌های اقتصادی (۱۳۹۹) ۱۳
- جدول ۸: جدول تقاطعی دو سؤال انتخاب میان برابری و رقابت با نگرش به مالیات ۳۲
- جدول ۹: مقایسه مشخصات دو گروه طرف‌دار برابری و طرف‌دار بازار آزاد ۳۴
- جدول ۱۰: نگرش هواداران برابری و بازار آزاد به مقوله خصوصی‌سازی ۳۵
- جدول ۱۱: مقایسه نگرش طرف‌داران برابری و بازار آزاد به سرمایه‌گذاری خارجی ۳۷
- جدول ۱۲: مقایسه مشخصات دو گروه طرف‌دار برابری و طرف‌دار بازار آزاد بر اساس طیف‌بندی نهایی ۳۹
- جدول ۱۳: فکر می‌کنید در ۵ سال آینده وضعیت اقتصادی کشور بهتر می‌شود یا بدتر؟ ۴۳
- جدول ۱۴: فکر می‌کنید چقدر بتوانید در ایران از نظر اقتصادی به آن چیزی که می‌خواهید، برسید؟ ۴۵
- جدول ۱۵: وضعیت درآمدی افراد در یک سال منتهی به ۱۳۹۵ ۴۸
- جدول ۱۶: به نظر شما در شرایط امروز کشور از بین مواردی که می‌خوانم مطمئن‌ترین راه سرمایه‌گذاری کدام است؟ ۵۴
- جدول ۱۷: به نظر شما، مردم چقدر برای شراکت در کار اقتصادی قابل اعتمادند؟ ۵۷
- جدول ۱۸: چقدر به بانک‌های کشور برای سپرده‌گذاری اعتماد دارید؟ ۵۹
- جدول ۱۹: چقدر با این حرف موافقت می‌کنید که در جامعه ما بیشتر مردم به دنبال منافع و سود شخصی هستند؟ ۶۱
- جدول ۲۰: تا چه حد حاضرید برای کمک به وضعیت کشور ارز و طلاهایتان را به دولت بفروشید؟ ۶۴
- جدول ۲۱: اصلی‌ترین عامل مشکلات اقتصادی فعلی را کدام یک از موارد می‌دانید؟ ۶۷
- جدول ۲۲: چقدر با خصوصی‌سازی‌های انجام‌شده در ایران موافقت می‌کنید؟ ۷۰
- جدول ۲۳: شما با اصل خصوصی‌سازی چقدر موافقت می‌کنید؟ ۷۳
- جدول ۲۴: به نظر شما دولت تا چه حد در قبال زیان‌دیدگان بورس مسئولیت دارد؟ ۷۶
- جدول ۲۵: باید نظام اقتصادی و مالیاتی جوری طراحی شود که ثروت افراد از یک حدی بیشتر نشود ۲۸
- جدول ۲۶: نگرش پاسخگویان به برابری و رقابت ۸۵
- جدول ۲۷: به نظر شما در وضعیت فعلی کشور خرید و فروش طلا و ارز با نیت کسب سود تا چه حد اخلاقاً درست است؟ ۸۸

- جدول ۲۸: توزیع پاسخگویان بر حسب حمایت از کالای داخلی ۹۰
- جدول ۲۹: موافقت با برداشتن تعرفه خودروی خارجی ۹۲
- جدول ۳۰: شما با زندگی خیلی مرفه و لاکچری در ایران موافقت می‌کنید؟ ۹۵
- جدول ۳۱: سطح رفاه مردم ما در مقایسه با سایر کشورهای نفت‌خیز خاورمیانه مثل عربستان و قطر چه وضعیتی دارد؟ ۹۸
- جدول ۳۲: به نظر شما سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی چه تأثیری می‌تواند در اقتصاد ایران داشته باشد؟ ۱۰۱
- جدول ۳۳: به نظر شما تأسیس شعب بانک‌های اروپایی در ایران چقدر به سود کشور و مردم است؟ ۱۰۳
- جدول ۳۴: کدام یک از کشورهای جهان می‌تواند به لحاظ اقتصادی برای ما الگوی بهتری باشد؟ ۱۰۶
- جدول ۳۵: کدام یک از کشورها می‌تواند به لحاظ اقتصادی برای ما الگوی بهتری باشد؟ (فقط مقایسه چهار کشور اول) ۷۰۱
- جدول ۳۶: سیاست‌های اقتصادی افزایش سرمایه اجتماعی ۱۱۸
- جدول ۳۷: الزامات تولیدمحوری در نظام اقتصادی ۱۲۴
- جدول ۳۸: الزامات بازارمحوری در کالاهای غیراساسی ۱۳۰
- جدول ۳۹: الزامات دولت‌محوری در کالاهای اساسی ۱۳۷
- جدول ۴۰: کدگذاری و مضامین پایه ۱۴۳



طرح مسئله

در طول دهه‌های اخیر همواره بحث و گفتگو حول نظام‌ها، مکانیسم‌ها و مفاهیم اقتصادی (همچون نظام بازار، نظام برنامه‌ریزی شده یا دولتی، نظام مختلط، اقتصاد اسلامی، عدالت اقتصادی، رقابت، کارآفرینی، قناعت و سخت‌کوشی، الگوی مصرف، مالکیت و...) داغ بوده است. در روزهای گذشته نیز مناظره‌های تلویزیونی درباره اقتصاد سوسیالیستی یا اقتصاد لیبرالی و نظام بازار، مباحثی در حوزه عمومی برانگیخته است. برخی از کاربران در رسانه‌های اجتماعی، انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ را نوعی چپ‌گرایی اقتصادی دانسته و فعالان و مدافعان انقلاب را نقد می‌کنند. از نظر آن‌ها، جامعه ایران کنونی به این نتیجه رسیده است که باید در حوزه اقتصادی، راست باشند و نه چپ؛ این سخنان در حالی به زبان رانده می‌شود که کاهش خدمات عمومی و هزینه‌های اجتماعی، کاهش مقررات دولتی، آزادسازی قیمت‌ها، خصوصی‌سازی منابع عمومی و... از عناصر مشترک ایدئولوژی عمده جریان‌های سیاسی در ایران بوده است. از یک سو، دولت در حال کاهش

هزینه‌های اجتماعی و رفاهی بوده و هم‌زمان فردگرایی رقابتی در حال ترویج است و از سوی دیگر جریان حقیقی عدالت‌خواهی در لایه‌های سیاست‌گذار و قانون‌گذار حضوری پررنگ نداشته است و در جامعه مدنی نیز ضعف نهادهای عدالت‌خواه نشان از آن دارد که وجود اقتصاد چپ‌گرا در ایران به‌عنوان جریان غالب سخنی بی‌راه است. البته محققانی مانند کوان هریس در کتاب انقلاب اجتماعی، نظام اقتصادی پس از انقلاب اسلامی را نوعی دولت رفاهی قلمداد کرده‌اند (هریس، ۱۴۰۱). اما گذشته از روندهای عینی در نظام اقتصادی ایران، داده‌های پیمایش‌های موجود در مورد پدیده‌های اقتصادی نیز پیچیده‌تر از این نتیجه‌گیری ساده‌اند (که مردم راست‌گرا شده‌اند) و اتفاقاً نقش دولت برای برنامه‌ریزی اساسی برای اقتصاد را پشتیبانی می‌کنند.

بنابراین، ارزش‌ها و نگرش‌های طیف‌های مختلف مردم در حوزه اقتصاد اساسی و مهم است (آنچه نگرش اقتصادی خوانده می‌شود، نگرش‌های اجتماعی در حوزه اقتصاد است). از منظر «جامعه‌شناسی اقتصادی»^۱، مهم است که مردم یا طیف‌های مختلف مردم در مورد پدیده‌های اقتصادی چه می‌اندیشند و این ارزش‌ها و نگرش‌ها در باب اقتصاد بر کرد و کار یک نظام اقتصادی اثر می‌گذارد. به‌عنوان نمونه محققان در کتاب «راه‌حل‌های برای مسائل اجتماعی»^۲، «تسلط ایدئولوژی فردگرایی رقابتی بر فرهنگ عمومی» در آمریکا را یکی از عوامل حمایت فرهنگ عمومی از اقتصاد سرمایه‌دارانه و درپیش‌نگرفتن سیاست‌های اجتماعی رفاهی همچون بیمه همگانی توسط دولت دانسته‌اند.

علاوه بر نگرش مردم در باب حدود نقش و دخالت دولت در تنظیم اقتصاد و نقش بازار و آزادی اقتصادی (نگرش به خدمات عمومی، نگرش به مالیات، نگرش به مالکیت و...)، اینکه مردم در

1. Economic sociology

۲. استانی آیتزن و کریگ لیدهام (۱۳۹۹) «راه‌حل‌هایی برای مسائل اجتماعی: درس‌هایی برگرفته از سایر جوامع»؛ ترجمه سید ضیاء هاشمی و معصومه ایزدبین؛ انتشارات وهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

شرایط و وضعیت‌های مختلف چه کنش‌های اقتصادی انجام می‌دهند نیز اهمیت زیادی دارد. اینکه مردم چه کالاهایی مصرف می‌کنند، چگونه مصرف می‌کنند و به‌طور کلی الگوهای مصرفی آن‌ها چگونه است نیز سهم مهمی در حوزه جامعه‌شناسی اقتصادی دارد. به‌عنوان نمونه منش‌های اقتصادی متفاوت می‌تواند مسیرهای متفاوتی را برای توسعه و انباشت سرمایه در جامعه رقم بزند؛ برای نمونه، در جامعه‌ای که افراد تعهد بالایی به قناعت و پرهیز از تجمل‌گرایی داشته باشند، نسبت به جامعه‌ای که میل به مصرف بیشتر و تجمل‌گرایی دارد امکان بالاتری برای انباشت سرمایه وجود دارد. کنش اقتصادی نیز شامل رفتارهای اقتصادی می‌شود که ریشه در ارزش‌ها دارند و منش‌ها به آن جهت می‌دهند؛ بنابراین مواردی مثل قناعت/تجمل‌گرایی، پس‌انداز، میل به مصرف، نگرش‌های اقتصادی، حمایت اجتماعی، سخت‌کوشی، سودجویی و نظایر آن را که برخی از آن‌ها ذهنی و برخی دیگر عینی هستند، می‌توان نمودهای فرهنگ اقتصادی در نظر گرفت و برای بررسی فرهنگ اقتصادی در یک جامعه باید وضعیت آن‌ها را در نظر گرفت (عزیزی‌مهر، ۱۴۰۰).

البته شرایط عینی و ذهنی اقتصادی در حوزه فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی مانند حجاب نیز بازتاب می‌یابد. به‌عنوان نمونه در پیمایش وهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در اردیبهشت ۱۴۰۲، ۵۸/۴ درصد پاسخگویان، شرایط بد اقتصادی و سختی تأمین معیشت را عامل بی‌حجابی یا بدحجابی تلقی کرده‌اند. در پیمایشی دیگر از زنانی که کشف حجاب شده یا شل حجاب تلقی می‌شوند، ۱۲ درصد از آن‌ها اعلام کرده‌اند که در صورت بهبود اوضاع اقتصادی، حاضرند که پوشش و حجاب بیشتری داشته باشند.

بنابراین، آگاهی از اینکه ارزش‌ها و نگرش‌ها و رفتارهای عمومی در حوزه اقتصادی چگونه است از الزامات اساسی یک وهش است.

در ایران، پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های اقتصادی از سال ۱۳۹۹ کلید خورد. وهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در اسفند همین سال، پیمایشی انجام داده است که داده‌ها و متن آن محور گزارش حاضر است. منبع دوم، گزارش «فرهنگ اقتصادی ایرانیان» است که در مرکز رصد فرهنگی کشور در سال ۱۴۰۰ منتشر شد که از داده‌های پیمایش نگرش‌های اقتصادی ایرانیان، موج سوم پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۹۵)، گزارش وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران^۱ (۱۳۹۶) و گزارش‌هایی مرکز آمار، مرکز وهش‌های مجلس و... استفاده کرده است. همچنین از نظرسنجی‌های اخیر مرکز نظرسنجی ملت بهره در بخش نگرش به وضع موجود و آینده اقتصاد کشور بهره خواهیم برد. در نهایت از داده‌های مصاحبه‌ای با کارشناسان اقتصادی و اجتماعی کشور در باب مکانیسم‌های اقتصادی مطلوب برای ایجاد یک جامعه با انسجام اجتماعی بالاتر نیز بهره خواهیم برد.

رهیافت تحلیلی

کنکاش در فرهنگ اقتصادی (ارزش‌ها، نگرش‌ها و کنش‌های اجتماعی در حوزه اقتصادی) به این معنی است که تاریخ، فرهنگ، نهادهای اجتماعی و به‌طور کلی عواملی غیر از فرد کنشگر عقلانی (متغیر اصلی مکتب اقتصاد کلاسیک و لیبرال) در شکل‌گیری نظام‌ها و پدیده‌های اقتصادی نقش جدی دارند. ترکیب دو اصطلاح فرهنگ و اقتصاد، به این معنی است که رفتار اقتصادی لزوماً منشأ عقلانی و محاسباتی ندارد. اینکه اقتصاد امری فرهنگ محور نیز هست، دیدگاهی مخالف اقتصاد کلاسیک و نئوکلاسیک بوده است. فرهنگ اقتصادی، شامل نگرش‌ها و کنش‌های اقتصادی، مؤلفه مهمی در مسیر توسعه و رشد اقتصادی است.

۱. موج سوم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان و پیمایش وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی ایرانیان به ترتیب در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ اجرا و گزارش‌های آنها نیز به ترتیب در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ منتشر شده است.

فرهنگ یک فرآورده تاریخی به شمار می‌رود که از شرایط کنونی نیز تأثیر می‌پذیرد و در عین حال اثر خود را در تمام جنبه‌های زندگی امروزی نشان می‌دهد. یک بعد مهم فرهنگ اقتصادی نگرش‌های اقتصادی است که در میان افراد جامعه رواج دارد و با وجود ریشه تاریخی، به صورت پنداشت از شرایط موجود نمایان می‌شود (عزیزی مهر، ۱۴۰۰).

این نگرش ابتدا در مکتب تاریخ‌گرایی اقتصادی رشد کرد که رهیافتی در علم اقتصاد و اداره جامعه بود که در سده نوزدهم در امپراتوری آلمان برآمد و تا سده بیستم دوام یافت. این مکتب که در طی ۳۰ سال یعنی از سال ۱۸۴۰ تا ۱۸۷۰ در رونق بود، واکنشی در برابر مکتب اقتصاد کلاسیک بود و اصول آن را به نقد می‌کشید. بنیادگذاران این مکتب عبارت‌اند از فریدریش لیست (۱۷۸۹-۱۸۴۶)، ویلهلم روشر (۱۸۱۷-۱۸۹۴) و برونو هیلدبراند (۱۸۱۲-۱۸۷۸) بودند. نظریه‌پردازان تاریخی اقتصاد بر این باور بودند که تاریخ، منبع اصلی در شناخت کنش آدمی و موضوعات اقتصادی است از این رو اقتصاد، فرهنگ-محور است و نمی‌توان برای آن اصولی کلی مستقل از زمان و مکان در نظر گرفت. علم اقتصاد نه برآمده از منطق و ریاضیات که برآیند موشکافی‌های تاریخی و تحلیل واقعیت محقق شده است و واقعیت‌های سیاسی، اجتماعی و تاریخی را بر مدل‌سازی ریاضی ارجح است. پیش‌تر اعضای این مکتب پشتیبان سیاست‌گذاری‌های اجتماعی بودند و اصلاحات اجتماعی و بهبود شرایط عمومی انسان‌ها در دوره صنعتی شدن پرشتاب اروپای غربی را سرلوحه کارشان داشتند. مکتب نهادگرایی در اقتصادا دومین ریشه نظری کنکاش در فرهنگ برای تبیین و تحلیل پدیده‌های اقتصادی است که نقش نهادها و روند تکامل فرهنگی-اجتماعی جوامع را در شکل‌گیری رفتار اقتصادی مورد تأکید قرار می‌دهد. نهادها شامل نهادهای غیررسمی (عرف، هنجارها،

آداب و رسوم و ...) و نهادهای رسمی (قوانین و مقررات و ...) است. بنابراین نهادها هم جنبه ذهنی (هنجارها، ارزش‌ها و ...) و هم جنبه عینی (قوانین، مقررات و ...) دارند. نهادها ممکن است خلق شوند (مانند قانون تجارت و ...) و هم ممکن است به تدریج در طول زمان شکل بگیرند و متحول شوند مانند حقوق عرفی (نورث، ۱۳۷۷: ۲۱).

در رویکرد نهادگرایی به اقتصاد، شاهد تعامل و همگرایی جامعه‌شناسی و اقتصاد هستیم که بعدها به رشته علمی «جامعه‌شناسی اقتصادی» منجر شد؛ رشته‌ای که موضوعات اقتصادی مانند بازارها، بنگاه‌های اقتصادی، مراکز صنعتی تا تولید، مصرف و توزیع را مورد توجه قرار داده است؛ جامعه‌شناسی اقتصادی، کاربرد مفاهیم و روش‌های جامعه‌شناختی برای تحلیل تولید، توزیع، مبادله و مصرف کالاها و خدمات است و مانند اقتصاد تاریخی و نهادگرایی، رقیبی برای علم اقتصاد رایج در شناخت ابعاد مختلف پدیده‌های اقتصادی بوده است.^۱ تمرکز جامعه‌شناسی اقتصادی جدید بر نقش روابط و نهادها و ساخت اجتماعی در اقتصاد است. بسیاری از فرض‌های تئوریک جامعه‌شناسی اقتصادی در مقابل اقتصاد نئوکلاسیک و نئولیبرال قرار می‌گیرد. از منظر جامعه‌شناسی اقتصادی، پدیده‌های اقتصادی از پدیده‌های غیراقتصادی (اجتماعی، فرهنگی و سیاسی) تأثیر می‌پذیرند و بر آن تأثیر می‌گذارند. پدیده‌های چون رقابت، مالکیت، مبادله آزاد، کار، بیکاری، قیمت بنزین، تورم، رشد، بهره‌وری و امثال آن که صرفاً اقتصادی به نظر می‌رسند، تحت تأثیر ساختار و نهادهای اجتماعی و فرهنگی (تاریخی و غیرتاریخی) و ساختار سیاسی هستند؛ بنابراین در اینجا رابطه ساختار اقتصادی و دولت یا به‌طور کلی سیاست (اقتصاد سیاسی) نیز بحث می‌شود. ارزش‌ها و فرهنگ اقتصادی معطوف به

۱. البته منظور اقتصاد جریان اصلی یعنی اقتصاد لیبرال است. شاخه اقتصاد نهادگرا با جامعه‌شناسی اقتصادی مشترکات نظری و تجربی زیادی دارد.

این مفاهیم، در جوامع گوناگون با هم تفاوت می‌کنند. باتوجه‌به این استدلال است که جامعه‌شناسی به اقتصاد کلاسیک لیبرال نقد جدی دارد. علم اقتصاد (به‌ویژه اقتصاد کلاسیک اسمیتی و نئوکلاسیک‌های طرف‌دار اسمیت مانند فردریش هایک، فون میزس و...) سعی در کشف قوانین اقتصادی داشتند و روابط میان متغیرهای اقتصادی را با فرض انسان اقتصادی و عقلانی که به دنبال منافع خویش است بررسی می‌کردند؛ یکی از موارد مورد اعتراض جامعه‌شناسی همین نکته است. جامعه‌شناسی به نظریه‌های اقتصادی محض در تعیین ارزش‌ها و رفتارهای اقتصادی افراد و همچنین تبیین پدیده‌ها و تغییر و تحولات اقتصادی صرفاً با متغیرهای اقتصادی اعتراض دارد و معتقدند که اقتصاددانان جنبه‌های غیراقتصادی (اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، بین‌المللی) زندگی اقتصادی را که بر عرصه اقتصاد تأثیر می‌گذارد و بر آن تأثیر می‌پذیرد را نادیده می‌گیرند. جامعه‌شناسی دقیقاً بر این جنبه‌ها انگشت گذاشت و تأثیر متقابل جامعه (ارزش‌ها، رفتارها و ساختارها و نهادهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی) و اقتصاد (ارزش‌ها، رفتارها و ساختارها و نهادهای اقتصادی) را مورد مطالعه قرار می‌دهد؛ بنابراین برخلاف نظریه نئوکلاسیک، عرصه اقتصاد و به‌ویژه بازار، مستقل از دیگر ابعاد جامعه و نظام اجتماعی نیست.

برخی از فرضیه‌های جامعه‌شناسی در مقابل فرضیه‌های نظریه اقتصاد لیبرال و کلاسیک قرار دارد. به‌عنوان نمونه برخلاف نظریه اقتصادی مسلط که کنش اقتصادی را به‌عنوان کنش عقلانی می‌شناسد، جامعه‌شناسی اقتصادی درباره مفهوم کنش، طیف وسیعی از رفتارهای مختلف را در نظر می‌گیرد. ماکس وبر، در کتاب «اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری» (۱۹۳۴ م) نشان می‌دهد که این رفتار عقلانی معطوف به هدف از پیش داده و در نهاد بشری نیست؛ بلکه این رفتار محصول یک تحول تاریخی خاص است. به نظر او در اوایل شکل‌گیری

سرمایه‌داری در قرن شانزده، ارزش‌ها و رفتارهای غیراقتصادی (تکلیف مذهبی پروتستانی یا اخلاق پروتستانی در چارچوب فرقه کالوینی) به پیامدهای اقتصادی شکل‌گیری رفتار سرمایه‌دارانه (روح سرمایه‌داری) و نهایتاً نظام سرمایه‌داری یاری رساند (وبر، ۱۳۸۵). ورنر سومبارت^۱ نیز سعی کرد در کتاب «یهودیان و حیات اقتصادی مدرن» به همان شیوه و بر اما برخلاف نتیجه‌گیری او، به وجود آمدن نظام سرمایه‌داری مدرن را پیامد اخلاق و رفتارهای یهودیان در اروپا و در موقعیت اجتماعی خاص آن‌ها تبیین کند (سومبارت، ۱۳۸۴). هم و بر و هم سومبارت متأثر از مکتب تاریخ‌گرایی اقتصادی آلمان و نمایندگان آن همچون گوستاو اشمولر^۲ بودند که فرضیه‌های آن در مقابل مکتب اقتصاد کلاسیک و بعداً مکتب اقتصاد اتریشی به‌ویژه کارل منگر^۳ قرار داشت. رویکرد استقرائی اشمولر که پدیده‌های اقتصادی نیازمند مطالعه موردی و تجربی در زمان و مکان هستند و تأکید او بر تکامل روندها و نهادهای اقتصادی و تأثیر فرهنگ اقتصادی و ارزش‌ها در مبادلات اقتصادی، در تضاد با برخی از اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک قرار داشت. مطالعات اشمولر و مکتب تاریخی آلمان، تأثیر زیادی بر رشته‌های تاریخ اقتصاد و جامعه‌شناسی داشت.

همان‌طور که گفته شد ورنر سومبارت متأثر از اشمولر و مکتب تاریخی اقتصاد، رویکرد تاریخی، اجتماعی و فرهنگی به پدیده‌ها و رفتارهای اقتصادی داشت؛ سومبارت در کتاب «تجمل و سرمایه‌داری: روایت فرهنگی تاریخ تحول سرمایه‌داری» (۱۹۱۲م)، داستان تحول منشاء ثروت و تأثیر آن بر افراد و قشرهای برخوردار جامعه را روایت می‌کند. همچنین تورستین وبلن^۴ (۱۸۷۵-۱۹۵۹) یکی از بنیان

1. Werner Sombart

2. Gustav Friedrich Schmoller

3. Carl Menger

4. Thorstein Veblen

مکتب نهادگرایی اقتصادی، در کتاب «نظریه طبقه تن آسا»: مطالعه اقتصادی تکامل نهادها» (۱۸۹۹م)، در مورد چگونگی تأثیرگذاری مالکیت یا تصاحب ثروت بر رفتار انسان بحث کرده است. کتاب او نقدی اجتماعی از «مصرف‌گرایی خودنمایانه»^۲ به‌عنوان تابعی از طبقه اجتماعی و مصرف‌گرایی ناشی از قشربندی اجتماعی و تقسیم کار است که دوره فئودالی تا دوران مدرن ادامه داشته است. مصرف‌گرایی خودنمایانه یا مصرف‌گرایی به‌قصد تمایز، نوعی خودشیفتگی و به معنی خرید و مصرف کالاها و خدمات لوکس به‌منظور به‌رخ کشیدن قدرت اقتصادی و نشان دادن منزلت اجتماعی بالاتر، باهدف ایجاد مرزبندی با دیگران است. روی آوردن طبقه تن آسا به مصرف‌گرایی خودنمایانه در واقع تلاشی است برای فاصله‌گذاری با دیگر اقشار و طبقات و تقلایی است برای مرزبندی با آنها از طریق ایجاد تمایز (وبلن، ۱۳۸۶). به نظر وبلن فئودال‌های معاصر، بازرگانانی هستند که با مالکیت ابزار تولید، امکانات را در شیوه‌های اقتصادی غیرمولد مصرف‌گرایی و تن‌آسایی خودنمایانه به کار گرفته‌اند که فعالیت‌های بی‌فایده‌ای هستند چون نه به اقتصاد کمک می‌کنند و نه به تولید مادی کالاها و خدمات مفید موردنیاز برای کارکردهای جامعه. در همین حال، وبلن استدلال می‌کند طبقه متوسط و طبقه کارگر به‌طور مفید در مشاغل مولد صنعتی به کار گرفته می‌شوند و به کل جامعه خدمت می‌کنند. وبلن نظریه‌های اقتصادی سده نوزدهم را به‌عنوان موردانتقاد قرار داد و گفت اقتصاددانان باید برای تبیین رفتارهای اقتصادی جامعه، به‌جای تکیه بر انتزاع استنتاج نظری، نحوه رفتار مردم از نظر اجتماعی و فرهنگی را در نظر بگیرند. درحالی‌که اقتصاد نئوکلاسیک مردم را به‌عنوان عامل منطقی تعریف می‌کند که

1. The Leisure Class

2. Conspicuous consumption

به دنبال فایده و حداکثر لذت از فعالیت‌های اقتصادی خود هستند، و بلن مردم را به عنوان عوامل غیرمنطقی و اقتصادی درک می‌کرد که حیثیت اجتماعی را دنبال می‌کنند. این مصرف‌گرایی خودنمایانه به منزله پیشرفت اجتماعی نبود. مفهوم مصرف‌گرایی خودنمایانه در مغایرت مستقیم با نگاه نئوکلاسیک قرار داشت که سرمایه‌داری را کارآمد می‌پنداشت (پیشین).

همچنین جمع‌کنش‌های اقتصادی مستقل افراد برای اقتصاد نئولیبرالی و جامعه‌شناسی یکی نیست. در عمل، اگر برای علم اقتصاد رایج، کنش افراد مستقل به طور خودکار و خودانگیخته (در قالب مکانیسم بازار خودتنظیم‌کننده) به سمت تعادل پیش می‌رود، برای جامعه‌شناسی برعکس، کنش‌ها بیانگر مبارزه‌گریزناپذیر منافع‌اند و به هر شکلی که آن‌ها به راه‌حل برسند، همیشه تنش‌هایی را به جا خواهند گذاشت. همچنین جامعه‌شناسی به مفهوم «قدرت» در کارکرد اقتصاد توجه دارد و علاقه‌مند به «تاریخ» پدیده‌های اقتصادی است و مانند اقتصاد رایج، به یک تصویر هم‌زمانی و غیرتاریخی راضی نخواهند بود. اقتصاد رایج، بیشتر با مفاهیم مجرد و انتزاعی کار می‌کند؛ چراکه خواهان دست‌زدن به پیش‌بینی علمی است؛ اما برای جامعه‌شناسان، تعریف و تشریح موقعیت واقعی و تجربی که افراد در آن دست به کنش و انتخاب می‌زنند بسیار مهم‌تر است. به همین دلیل جامعه‌شناسان کمتر از اقتصاددانان، به دنبال پیش‌بینی و تعمیم هستند؛ بلکه بیشتر خواهان ارائه توصیف و تبیین‌های وفادار به واقعیت تجربی هستند. ریچارد سوندبرگ^۱ در کتاب «اصول جامعه‌شناسی اقتصادی» بیان می‌کند که جامعه‌شناسی اقتصادی، بسیاری از وظایف و اهداف اقتصاد را مطرح می‌کند؛ اما در یک موضوع با اقتصاد رایج اختلاف عمیقی دارد که شامل توجه مستقیم و زیاد آن به نقشی است که روابط اجتماعی

1. Richard Swedberg

و نهادهای اجتماعی در اقتصاد ایفا می‌کنند. زندگی در جامعه به معنای ارتباط با انسان‌های دیگر و شرکت در نهادهای اجتماعی آن‌ها است و این موضوع عمیقاً فعالیت‌های اقتصادی تمامی فعالان در این عرصه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (سوئدبرگ، ۱۳۹۸). تأثیر آن به گونه‌ای است که فعالیت‌های اقتصادی فردی را به اندازه فعالیت‌های گروهی متأثر می‌کند. موضوع اصلی جامعه‌شناسی اقتصادی را الگوهای تعامل اجتماعی و نهادهایی تشکیل می‌دهد که مردم آن‌ها را به وجود آورده‌اند و در جهت برقراری زندگی بهتر و سود بیشتر، به کار می‌برند. به عنوان مثال در نظریه بازی، هیچ انسان اقتصادی تنها، در جامعه‌شناسی وجود ندارد و چنین ویژگی‌ای فقط مخصوص افرادی است که با همدیگر در فعالیت‌هایشان تعامل دارند تا منافع خود را بشناسند.

کتاب ریچارد سوئدبرگ و مارک گرانووتر^۱ با عنوان «جامعه‌شناسی اقتصادی: ساخت اجتماعی و کنش اقتصادی» برای مطالعه پدیده‌های اقتصادی خرد و کلان از منظر جامعه‌شناسی بسیار راهگشاست. آن‌ها در این کتاب، بین جامعه‌شناسی اقتصادی از یک سو و اندیشه اقتصاد نئوکلاسیک و اقتصاد نهادگرایان جدید از سوی دیگر تمایز قائل می‌شوند و به دقت هرکدام را تشریح می‌کنند تا جایگاه جامعه‌شناسی اقتصادی جدید را نمایان سازند. حمزه نوذری استاد دانشگاه خوارزمی و یکی از جامعه‌شناسان اقتصادی ایران در مقاله «نظرات قابل تأمل دانشجویان درباره اقتصاد ایران» معتقد است فهم نگرش‌های مردم نسبت به پدیده‌های اقتصادی گام نخست در سامان دادن به امور اقتصادی است. بدون توجه به نگرش‌های اقتصادی افراد در جامعه، برنامه‌ها و فعالیت‌های کلان اقتصادی ممکن است با باورهای اقتصادی افراد در تعارض قرار گیرد که در این میان هم راهبردهای اقتصادی کم‌اثر می‌شود و منابع بالقوه و بالفعل اقتصادی هدر می‌رود و هم کنشگران

1. Mark Granovetter

اقتصادی به سمت فعالیت‌های متفاوت با سیاست‌های اقتصادی پیش می‌روند؛ بنابراین سیاست‌گذاری اقتصادی مستلزم شناخت ارزش‌ها و رفتارهای اقتصادی مردم است. به این ترتیب برای دستیابی به فهم دقیق شرایط و وضعیت اقتصادی ضرورت بررسی نگرش‌ها و باورهای اقتصادی افراد جامعه وجود دارد.

شاخص‌ها و مؤلفه‌ها

«فرهنگ اقتصادی عبارت است از نگرش‌ها، گرایش‌ها، رفتارها و کنش‌های اقتصادی افراد در یک اجتماع و هر آنچه افراد در مورد پدیده‌های اقتصادی می‌اندیشند و در حوزه اقتصاد عمل می‌کنند. نگرش‌ها و گرایش‌ها بیانگر وجه ذهنی فرهنگ اقتصادی و کنش‌ها وجه عینی آن به شمار می‌رود، اما خود کنش‌ها بر گرایش‌ها و نگرش‌های ذهنی افراد استوار هستند... در بررسی فرهنگ اقتصادی ناگزیر از پرداختن به وجه ذهنی و عینی آن هستیم که در سه سطح بینش، منش و کنش قابل طرح است» (عزیزی‌مهر، ۱۴۰۰).

بینش اشاره به دیدگاه‌های ذهنی، جهت‌گیری‌ها و طرز تلقی از پدیده‌های مختلف دارد که اگر این پدیده‌ها اقتصادی باشند، آنگاه ما با بینش اقتصادی سروکار داریم. از این رو، ارزش‌هایی که در رفتارهای اقتصادی نمود پیدا می‌کنند و تلقی از کنش اقتصادی بازتاب‌دهنده بینش اقتصادی هستند؛ برای مثال کنش سودجویی شدید یا رفتار خیرخواهانه هرکدام از یک بینش اقتصادی خاص ناشی می‌شوند. منش اقتصادی دربردارنده تعهد به رفتار اقتصادی انسانی در جامعه و آمادگی و روحیه لازم جهت انجام فعالیت‌های اقتصادی است (نگاهداری، ۱۳۸۸، به نقل از عزیزی‌مهر، ۱۴۰۰). منش‌های اقتصادی متفاوت می‌تواند مسیرهای متفاوتی را برای توسعه و انباشت سرمایه در جامعه رقم بزنند؛ برای نمونه، در جامعه‌ای که افراد تعهد بالایی به قناعت

و پرهیز از تجمل‌گرایی داشته باشند، نسبت به جامعه‌ای که میل به مصرف بیشتر و تجمل‌گرایی دارد امکان بالاتری برای انباشت سرمایه وجود دارد. کنش اقتصادی نیز شامل رفتارهای اقتصادی می‌شود که ریشه در ارزش‌ها دارند و منش‌ها به آن جهت می‌دهند. باتوجه به این موارد، مواردی مثل قناعت/تجمل‌گرایی، پس‌انداز، میل به مصرف، نگرش‌های اقتصادی، حمایت اجتماعی، سخت‌کوشی، سودجویی و نظایر آن را که برخی از آن‌ها ذهنی و برخی دیگر عینی هستند، می‌توان نمودهای فرهنگ اقتصادی در نظر گرفت و برای بررسی فرهنگ اقتصادی در یک جامعه باید وضعیت آن‌ها را در نظر گرفت (پیشین). مفهوم فرهنگ اقتصادی یا نگرش اقتصادی می‌تواند صورت‌بندی‌ها و مصداق‌های متنوعی بیابد و با سنجه‌های متفاوتی سنجیده شود (نگرش‌های اقتصادی ایرانیان، ۱۳۹۹). در پیمایش نگرش‌های اقتصادی ایرانیان، مفاهیم و پرسش‌های متناظر با هر یک در جدول ۲ آمده است با ذکر این نکته که: «تفکیک مقوله‌ها و پرسش‌های معرف آن‌ها عمیقاً از الزامات گریزناپذیر پیمایش تأثیر پذیرفته است. به‌راحتی می‌توان پرسش‌های برخی مقولات را ذیل مقولات دیگر گنجانند. از آنجاکه همه مفاهیم / مقولات پیمایش قرار است به نحوی بازنمای مفهوم نگرش‌های اقتصادی باشند، این همپوشانی محتوایی و مضمونی عجیب نیست. برای ما بیش از هر چیز تعلق پرسش‌ها به هسته مفهومی مشترک مدنظر بوده است» (پیشین).

جدول ۱: مفاهیم و مقولات اصلی پیمایش نگرش‌های اقتصادی ایرانیان و پرسش‌های متناظر با آن‌ها (۱۳۹۹)

مفهوم/مقوله	سؤال در پرسش‌نامه
نابرابری‌های اجتماعی	شما خودتان را متعلق به کدام طبقه جامعه می‌دانید؟
	از دید شما موفقیت ثروتمندان در جامعه ما تا چه حد محصول کار و تلاش خود آنان است؟
	بعضی‌ها می‌گویند این که گروهی در جامعه فقیرند، تقصیر خودشان است؛ چون به اندازه کافی کار و تلاش نمی‌کنند. شما چقدر با این نظر موافقت می‌کنید؟
	چقدر موافقت می‌کنید که دولت همه مدارس غیرانتفاعی را تعطیل کند و همه دانش‌آموزان در مدارس دولتی درس بخوانند؟
نصورت وضعیت فعلی و آینده	فکر می‌کنید در ۵ سال آینده وضعیت اقتصادی کشور بهتر می‌شود یا بدتر؟
	فکر می‌کنید چقدر بتوانید در ایران از نظر اقتصادی به آن چیزی که می‌خواهید، برسید؟
	به نظر شما اگر ایران نفت نداشت وضعیت کلی جامعه امروز ما بهتر بود یا بدتر؟
	به نظر شما در شرایط امروز کشور از بین مواردی که می‌خوانم مطمئن‌ترین راه سرمایه‌گذاری کدام است؟
اعتماد	به نظر شما مردم چقدر برای شراکت در کار اقتصادی قابل اعتمادند؟
	چقدر به بانک‌های کشور برای سپرده‌گذاری اعتماد دارید؟ یعنی چقدر مطمئن هستید هر وقت بخواهید می‌توانید سپرده را از بانک بیرون بکشید؟
	چقدر با این حرف موافقت می‌کنید که در جامعه ما بیشتر مردم به دنبال منافع و سود شخصی خودشان هستند و به دیگران فکر نمی‌کنند؟
	اگر مسئولان نظام از شما بخواهند که برای کمک به وضعیت کشور ارز و طلاهایتان را به دولت بفروشید تا چه حد حاضر به این کار هستید؟
دولت / بخش خصوصی	اصلی‌ترین عامل مشکلات اقتصادی فعلی را کدام یک از مواردی که می‌خوانم می‌دانید؟
	شما چقدر با خصوصی‌سازی‌های انجام‌شده در ایران یعنی واگذاری شرکت‌ها و کارخانه‌های دولتی به بخش خصوصی موافقت می‌کنید؟
	برخی می‌گویند که خصوصی‌سازی در اصل به نفع اقتصاد کشور هست، ولی در ایران بد اجرا شده. برخی هم معتقدند خصوصی‌سازی از اساس به ضرر مردم است. شما با اصل خصوصی‌سازی چقدر موافقت می‌کنید؟
	به نظر شما دولت تا چه حد در قبال زیان‌دیدگان بورس مسئولیت دارد؟

مفهوم/مقوله	سؤال در پرسش نامه
رفاه اجتماعی	به نظر شما در حال حاضر یک خانواده چهارنفره چقدر باید درآمد ماهانه داشته باشد تا زیر خط فقر قرار نگیرد؟
	چقدر موافقت می‌کنید که یارانه کالاهایی نظیر بنزین، برق، گاز، گوشت، روغن، و... حذف شود و معادل آن پول نقد به مردم داده شود؟
	به نظر شما یارانه نقدی را باید به همه مردم داد یا فقط اقشار نیازمند؟
ارزش‌های اقتصادی	برخی می‌گویند که باید نظام اقتصادی و مالیاتی جوری طراحی شود که ثروت افراد از یک حدی بیشتر نشود، شما چقدر با این نظر موافقت می‌کنید؟
	به نظر شما کدام جامعه بهتر است: جامعه‌ای که همه از نظر اقتصادی در یک سطح متوسط شبیه به هم باشند و فقیر و غنی نداشته باشد یا جامعه‌ای که افراد آزاد باشند با هم رقابت کنند و هرکس موفق‌تر بود بیشتر پول‌دار شود؟
	به نظر شما در وضعیت فعلی کشور خرید و فروش طلا و ارز با نیت کسب سود تا چه حد اخلاقاً درست است؟
	برخی می‌گویند حتی وقتی توان خرید کالای خارجی داریم بهتر است برای حمایت از تولید داخلی، کالاهای ایرانی بخریم. شما چقدر با این نظر موافقت می‌کنید؟
	چقدر موافقت می‌کنید که تعرفه وارد کردن خودروی خارجی برداشته شود و مردم با قیمت ارزان خودروی خارجی سوار شوند حتی به بهای تعطیلی خودروسازهای داخلی؟
	بعضی‌ها نظرشان این است که اصلاً درست نیست گروهی در کشور ما زندگی‌های خیلی مرفه و لاکچری داشته باشند. بعضی هم می‌گویند دارندگی و برازندگی. شما با زندگی خیلی مرفه و لاکچری در ایران موافقت می‌کنید؟
تصور از الگوها و روندهای جهانی اقتصاد	به نظر شما سطح رفاه مردم ما در مقایسه با سایر کشورهای نفت‌خیز خاورمیانه مثل عربستان و قطر چه وضعیتی دارد؟
	به نظر شما سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی چه تأثیری می‌تواند در اقتصاد ایران داشته باشد؟
	به نظر شما تأسیس شعب بانک‌های اروپایی در ایران چقدر به سود کشور و مردم است؟
	به نظر شما کدام‌یک از کشورهای جهان می‌تواند به لحاظ اقتصادی برای ما الگوی بهتری باشد؟

به نظر می‌رسد که در سنجش نگرش‌های اقتصادی الگوی «استانداردی» نمی‌توان یافت؛ اما نوعی فضای مشترک در پیمایش‌های اجتماعی یا رفاهی به چشم می‌خورد؛ مقوله‌های کمابیش یکسانی مانند تصور از آینده، نابرابری اجتماعی و نگرش مردم نسبت به عملکردهای اقتصادی و رفاهی دولت‌ها میان این پیمایش‌ها قسمی شباهت ایجاد می‌کنند. به‌رغم چنین شباهت‌های کلی، این پیمایش‌ها لزوماً به مدل نظری یا چارچوب مفهومی منقحی استناد نمی‌کنند و به مولفه‌های مشابهی هم رجوع نمی‌کنند. اهداف هر پیمایش (مثلاً تولید داده در سطح ملی یا فراتر از آن، انگیزه‌ها و دغدغه‌های خاص نهادهای مجری، پیشینه پیمایش و تکرار پرسش‌ها به‌قصد ممکن ساختن مقایسه‌های روندی، چگونگی تلفیق دغدغه‌های آکادمیک و اجرایی و...) تا حد زیادی تعیین‌کننده سنجه‌های معین آن پیمایش است (ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۹۹).

جدول ۲: مؤلفه‌های ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتار اقتصادی

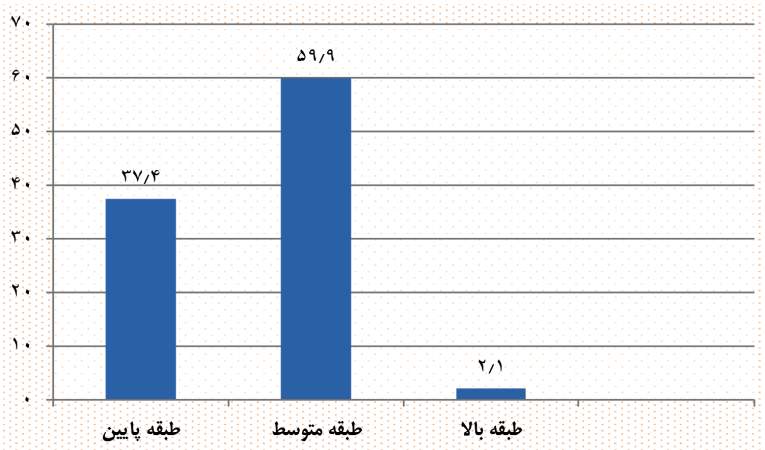
ردیف	مؤلفه‌ها
۱	نگرش درباره برابری و نابرابری
۲	پنداشت طبقاتی
۳	نگرش به فقر و ثروت
۴	ارزش‌های اقتصادی
۵	اعتماد اقتصادی
۶	نگرش درباره ارائه خدمات اجتماعی توسط دولت
۷	نگرش درباره مالیات‌ها
۸	نگرش درباره رقابت اقتصادی
۹	نگرش درباره خصوصی‌سازی
۱۰	تصور از آینده اقتصادی (فرد و جامعه)
۱۱	نگرش به روندهای و الگوهای جهانی اقتصاد

نتایج توصیفی

برابری و نابرابری

پنداشت از وضعیت طبقاتی

در پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۹۴ در مورد وضعیت ساختار قشربندی جامعه، نگرش‌ها را می‌توان تا حدی مثبت تفسیر کرد چراکه اکثریت پاسخگویان، هم اکثریت مردم و هم خود را جز «طبقه متوسط» ارزیابی کرده‌اند. معمولاً افرادی خود را جزء طبقه متوسط تصور می‌کنند که از حداقل دارایی و مالکیت و چیزهای باارزش در جامعه برخوردار بدانند. در پیمایش انجام شده، بررسی «نگرش به ساختار طبقاتی» جامعه بر اساس یک پرسش «ارزیابی ذهنی» بوده است: «اگر جامعه را به سه طبقه بالا، پایین و متوسط تقسیم کنیم، فکر می‌کنید بیشتر مردم جزء کدام طبقه قرار می‌گیرند؟»، اکثریت پاسخگویان (۵۹/۹ درصد)، معتقد بوده‌اند که بیشتر مردم ایران جزء «طبقه متوسط» هستند و به نظر ۳۷/۴ درصد نیز اکثریت مردم در «طبقه پایین» قرار دارند و فقط به نظر ۲/۱ درصد، افراد جامعه بیشتر در طبقه بالا قرار می‌گیرند.



نمودار ۱: فکر می‌کنید بیشتر مردم جزء کدام طبقه قرار می‌گیرند؟

پاسخگویان شهری و روستایی در استان‌ها و با سطح سواد و سن مختلف، به ساخت طبقاتی جامعه تا حدود زیادی نگرشی همگرا داشته‌اند و اکثریت مردم را در طبقه متوسط قرار می‌دهند. با وجود آنکه قشر بندی اجتماعی با بسیاری از مختصات زندگی اجتماعی از جمله ثروت، سیاست، اشتغال، خانواده، باشگاه‌ها، انجمن‌ها، و سبک‌های زندگی سروکار دارد؛ اما به نظر می‌رسد که در نظر مردم، طبقه بیشتر به تفاوت‌های اقتصادی یعنی نابرابری در مالکیت و منابع مادی اشاره دارد. مالکیت ثروت به همراه شغل و میزان درآمد، پایه‌های اصلی تفاوت طبقاتی را تشکیل می‌دهند. شغل و تحصیلات نیز بر اساس میزان کمکی که به افراد می‌کنند تا درآمد و ثروت بیشتری کسب کند و به «فرصت‌های زندگی»^۱ بیشتری دسترسی داشته باشند، اهمیت می‌یابند. در بررسی ساختار طبقاتی جامعه بر اساس «خودارزیابی افراد» نیز نتایج مشابه بوده است و اکثریت افراد (۶۲/۸ درصد) خود را در طبقه متوسط جامعه تصور و طبقه بندی می‌کنند. در این میان، ۱/۴ درصد خود را در طبقه بالا تصور می‌کنند و ۳۵ درصد نیز خود را جزء طبقه پایین جامعه می‌دانند. روستاییان، ۱۰ درصد بیش از افراد شهرنشین خود را جزء طبقه پایین ارزیابی کرده‌اند و افراد با تحصیلات عالی، ۲۵ درصد بیش از افراد بی‌سواد خود را جزء طبقه متوسط ارزیابی کرده‌اند و ۱۷ درصد بیش از افراد با تحصیلات ابتدایی. به طور کلی هر چه تحصیلات به سمت لیسانس و فوق لیسانس و بالاتر باشد، افراد بیشتر خود را جزء طبقه متوسط می‌دانند (غلامی‌پور، ۱۳۹۷).

البته این یافته تفسیر غیراقتصادی هم دارد به این معنی که افراد تحصیلات را به عنوان ملاک تعیین کننده در جایگاه اجتماعی در نظر داشته‌اند. این دو یافته نشان می‌دهد که با وجود روندهای منفی بی‌عدالتی و فساد که مردم نسبت به آن‌ها حساس شده‌اند (در نظر سنجی‌ها)، اما اکثریت افراد جامعه در طبقه متوسطی قرار دارند که ناشی از روندها و برنامه‌های توسعه بوده است و به همین دلیل

1. Life-Chance

اگر احساس محرومیت وجود داشته باشد، بیشتر نابرابری و احساس محرومیت نسبی است تا محرومیت مطلق و البته تاریخ تغییرات اجتماعی نشان می‌دهد که احساس محرومیت نسبی، تبعات اجتماعی و سیاسی بیشتری دارد (گر، ۱۳۷۸، به نقل از غلامی پور، ۱۳۹۷). در پیمایش نگرش‌های اقتصادی ایرانیان (۱۳۹۹)، محققان گزینه «طبقه متوسط پایین» را هم به پاسخ‌ها افزودند و به همین دلیل بسیاری خود را طبقه متوسط از نوع پایین آن دانسته‌اند (جدول ۳).

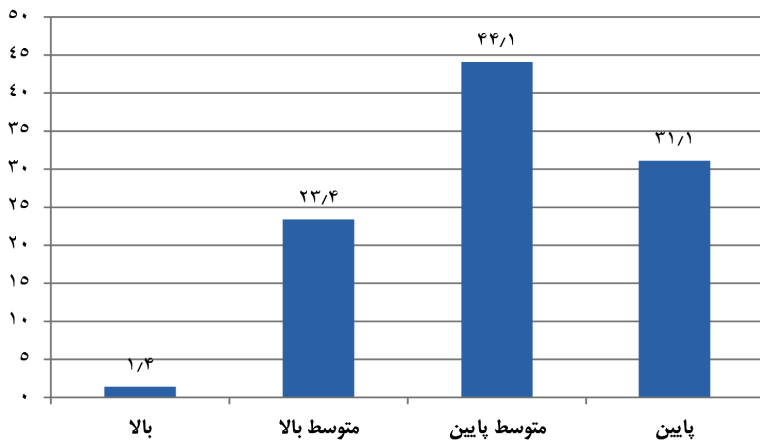
جدول ۳: شما خودتان را متعلق به کدام طبقه جامعه می‌دانید؟

متغیر	گروه‌ها	بالا	متوسط بالا	متوسط پایین	پایین	معناداری تفاوت ^۱
کل	کل جمعیت	۱/۴	۲۳/۴	۴۴/۱	۳۱/۱	
	کل تهران	۲	۲۸/۹	۴۶/۵	۲۲/۷	
تهران	شمال تهران	۲/۵	۳۶/۵	۴۲/۴	۱۸/۷	***
	جنوب تهران	۰/۹	۲۱/۷	۵۰/۵	۲۶/۹	
جنسیت	زن	۱/۶	۲۶/۵	۴۵/۶	۲۶/۳	***
	مرد	۱/۲	۲۰/۴	۴۲/۶	۳۵/۷	
سن	۱۸ تا ۳۵ سال	۲/۲	۲۹/۸	۴۳/۴	۲۴/۶	***
	۳۶ تا ۵۵ سال	۱/۰	۱۹/۸	۴۵/۰	۳۴/۲	
	۵۵ سال و بالاتر	۰/۳	۱۴/۸	۴۳/۶	۴۱/۲	
تحصیلات	تحصیلات عالی	۱/۵	۳۲/۶	۴۹/۱	۱۶/۸	***
	دیپلم و کمتر	۱/۴	۱۸/۲	۴۱/۲	۳۹/۲	
سرانه درآمد خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۱/۲	۱۱/۰	۴۲/۳	۴۵/۵	***
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۰/۶	۲۴/۴	۴۹/۹	۲۵/۱	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۱/۷	۴۱/۳	۴۴/۹	۱۲/۲	
سرانه هزینه خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۱/۴	۱۳/۸	۴۱/۴	۴۳/۵	***
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۰/۷	۲۲/۴	۵۰/۱	۲۶/۸	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۲/۳	۳۴/۲	۴۳/۳	۲۰/۲	

متغیر	گروه‌ها	بالا	متوسط بالا	متوسط پایین	پایین	معناداری تفاوت ^۱
وضع فعالیت	فعال	۱/۴	۲۳/۲	۴۱/۴	۳۴/۰	*
	غیرفعال	۱/۳	۲۳/۶	۴۷/۰	۲۸/۱	
وضع اشتغال	بخش دولتی	۱/۱	۲۶/۶	۵۲/۷	۱۹/۶	**
	بخش خصوصی	۰/۹	۲۴/۵	۴۱/۲	۳۳/۳	
محل سکونت	شهری	۱/۲	۲۶/۶	۴۶/۶	۲۵/۵	***
	روستایی	۱/۹	۱۴/۵	۳۶/۹	۴۶/۷	

* معنادار در سطح ۰/۰۵، ** معنادار در سطح ۰/۰۱، *** معنادار در سطح ۰/۰۰۱

منبع: پیمایش نگرش‌های اقتصادی ایرانیان، ۱۳۹۹: ۲۲



نمودار ۲: شما خودتان را متعلق به کدام طبقه جامعه می‌دانید؟

مطابق جدول ۳ حدود یک سوم پاسخگویان خود را متعلق به طبقه پایین می‌دانند. ۱,۵ درصد خود را جزء طبقه بالا می‌پندارند و بقیه خود را متعلق به طبقه متوسط تصور می‌کنند. این نتیجه تا حد زیادی با یافته موج سوم پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۹۴) همخوانی دارد لیکن تقسیم طبقه متوسط به دو گروه مجزا در این پیمایش می‌تواند درک ما را از پنداشت طبقاتی بهبود بخشد؛ کسانی

که خود را متعلق به طبقه متوسط روبه پایین می‌دانند، تقریباً دوبرابر کسانی هستند که خودشان را از طبقه متوسط روبه بالا معرفی کرده‌اند. مطابق انتظار، بخش بزرگ‌تری از ساکنان نیمه جنوبی تهران، افراد با سرانه درآمد و هزینه خانوار پایین‌تر، افراد با تحصیلات پایین‌تر و ساکنان روستا خود را متعلق به طبقه پایین می‌دانند. به این نکته باید توجه کرد که مردان بیش از زنان خود را به طبقات پایین‌تر منتسب می‌دانند.

نگرش به فقر و ثروت

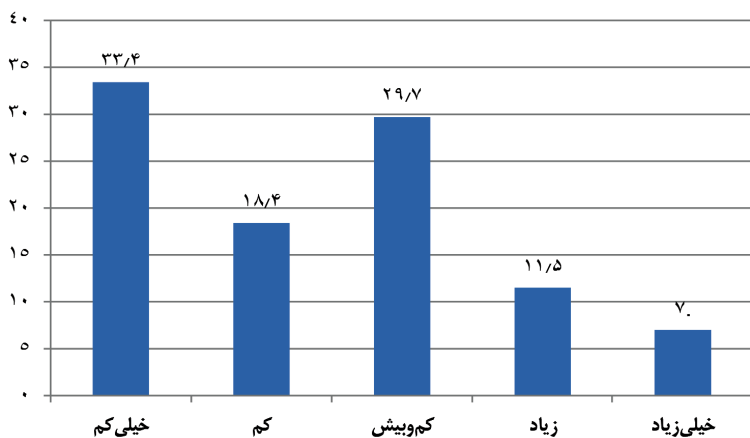
یکی از پرسش‌های مهم در حوزه نابرابری‌های اجتماعی که نگرش به نابرابری و علل آن را نشان می‌دهد، تلقی پاسخگویان از چگونگی ثروتمند شدن یا فقیر ماندن افراد است که در پیمایش نگرش‌های اقتصادی ایرانیان (۱۳۹۹) هر دو در قالب دو پرسش مجزا سنجیده شده است. ابتدا از پاسخگویان سؤال شده است: «از دید شما موفقیت ثروتمندان در جامعه ما تا چه حد محصول کار و تلاش خود آنان است؟» افراد پاسخ‌ها را از میان طیف پنج‌تایی لیکرت «خیلی کم» تا «خیلی زیاد» انتخاب کرده‌اند. نتیجه در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴: از دید شما موفقیت ثروتمندان در جامعه ما تا چه حد محصول کار و تلاش خود آنان است؟

متغیر	گروهها	خیلی کم	کم	کم و بیش	زیاد	خیلی زیاد	معناداری تفاوت ^۱
کل	کل جمعیت	۳۳/۴	۱۸/۴	۲۹/۷	۱۱/۵	۷/۰	
			۵۱/۸	۲۹/۷	۱۸/۵		
تهران	کل تهران	۳۶/۴	۲۰/۳	۳۰/۴	۷/۸	۵/۲	
	شمال تهران	۳۶/۴	۲۲/۸	۲۹/۶	۶/۳	۴/۹	-
	جنوب تهران	۳۶/۱	۱۷/۸	۳۱/۲	۹/۴	۵/۴	
جنسیت	زن	۲۸/۷	۱۷/۳	۳۳/۸	۱۲/۴	۷/۷	***
	مرد	۳۸/۱	۱۹/۴	۲۵/۶	۱۰/۷	۶/۳	

معناداری تفاوت ^۱	خیلی زیاد	زیاد	کم و بیش	کم	خیلی کم	گروهها	متغیر
-	۷/۸	۱۱/۰	۳۱/۴	۱۷/۳	۳۲/۴	۱۸ تا ۳۵ سال	سن
	۶/۶	۱۱/۱	۲۸/۴	۲۰/۶	۳۳/۴	۳۶ تا ۵۵ سال	
	۵/۴	۱۳/۴	۲۸/۷	۱۵/۶	۳۶/۹	۵۵ سال و بالاتر	
***	۴/۹	۸/۲	۲۸/۵	۲۱/۴	۳۷/۰	تحصیلات عالی	تحصیلات
	۸/۳	۱۳/۴	۳۰/۵	۱۶/۷	۳۱/۲	دیپلم و کمتر	
-	۷/۱	۱۰/۵	۳۰/۷	۱۷/۸	۳۳/۸	۱ میلیون تومان و کمتر	سرنه درآمد خانوار
	۴/۶	۱۰/۴	۲۶/۱	۱۹/۷	۳۹/۱	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	
	۷/۸	۷/۸	۲۷/۵	۲۱/۱	۳۵/۸	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	
**	۶/۷	۱۲/۲	۳۱/۱	۱۸/۴	۳۱/۷	۱ میلیون تومان و کمتر	سرنه هزینه خانوار
	۶/۸	۱۰/۲	۲۹/۵	۱۸/۸	۳۴/۷	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	
	۷/۰	۸/۴	۲۵/۵	۱۹/۶	۳۹/۵	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	
***	۶/۶	۱۰/۴	۲۶/۱	۲۰/۱	۳۶/۸	فعال	وضع فعالیت
	۷/۳	۱۲/۹	۳۳/۱	۱۶/۷	۳۰/۰	غیرفعال	
-	۳/۴	۱۰/۱	۲۱/۳	۲۴/۲	۴۱/۰	بخش دولتی	وضع اشتغال
	۶/۶	۱۰/۴	۲۶/۶	۱۹/۴	۳۷/۰	بخش خصوصی	
***	۶/۱	۹/۷	۲۹/۹	۱۹/۲	۳۵/۰	شهری	محل سکونت
	۹/۴	۱۶/۹	۲۹/۰	۱۶/۰	۲۸/۷	روستایی	
***	۸/۴	۱۴/۷	۳۵/۶	۱۷/۷	۲۳/۶	بالا و متوسط روبه بالا	پنداشت طبقاتی
	۶/۸	۹/۶	۲۹/۷	۱۸/۸	۳۵/۰	متوسط روبه پایین	
	۶/۴	۱۱/۸	۲۴/۴	۱۸/۵	۳۹/۰	پلین	

۱ * معنادار در سطح ۰/۰۵، ** معنادار در سطح ۰/۰۱، *** معنادار در سطح ۰/۰۰۱



نمودار ۳: از دید شما موفقیت ثروتمندان در جامعه ما تا چه حد محصول کار و تلاش خود آنان است؟

همان گونه که در جدول دیده می شود، حدود نیمی از پاسخگویان ثروت افراد ثروتمند را محصول تلاش آن ها نمی دانند. بدبینی نسبت به ثروتمندان در میان مردان، افراد با تحصیلات بالاتر و شهری ها بیش از دیگران است. سرانه درآمد اثری بر این نگرش ندارد، اما کسانی که سرانه هزینه شان بالاتر است به ثروتمندان بدبین ترند. ارتباط سرانه هزینه با نگرش به ثروتمندان در نقطه مقابل یافته مرتبط با پنداشت طبقاتی قرار می گیرد که در آن کسانی که خود را به لحاظ طبقاتی پایین تر تصور می کنند، نسبت به شیوه های کسب ثروت در جامعه بدبین ترند. در موج سوم پیمایش ارزش ها و نگرش های ایرانیان در سال ۱۳۹۴ سؤالی مشابه اما با جمله بندی متفاوت به این صورت مطرح شده بود: «با این نظر که بیشتر ثروتمندان ایران از طرق غیرقانونی یا رانت و پارتی به این ثروت دست یافته اند، چقدر موافق یا مخالفید؟» در آنجا ۴۷ درصد پاسخگویان با این گزاره موافق و ۱۷ درصد مخالف بودند که تا حد زیادی مشابه یافته پیمایش سال ۱۳۹۹ است.

سهام فقرا و فرودستان در وضعیتی که به آن دچار شده اند، یکی از

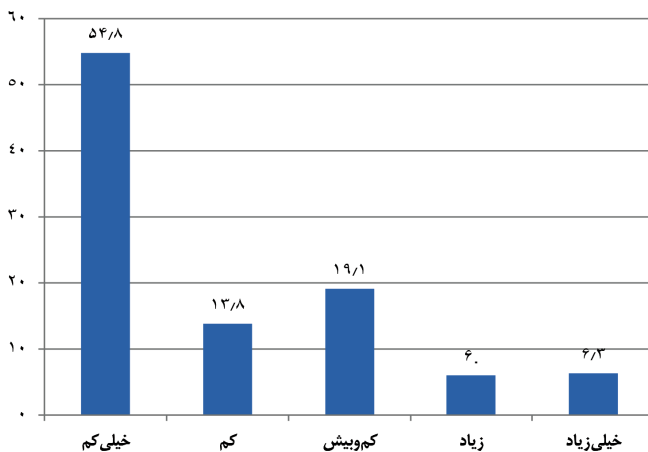
موضوعات مناقشه‌برانگیز، چه در مباحث آکادمیک و چه در نگرش عمومی مردم است. در پیمایش نگرش‌های اقتصادی ایرانیان (۱۳۹۹) برای سنجش نگرش مردم، از میزان موافقت آن‌ها با گزاره «بعضی‌ها می‌گویند این که گروهی در جامعه فقیرند، تقصیر خودشان است؛ چون به اندازه کافی کار و تلاش نمی‌کنند» سؤال شده است. نتایج در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵: آیا موافقید اینکه گروهی در جامعه فقیرند، تقصیر خودشان است چون به اندازه کافی کار و تلاش نمی‌کنند؟

متغیر	گروه‌ها	خیلی کم	کم	کم و بیش	زیاد	خیلی زیاد	معناداری تفاوت ^۱
کل	کل جمعیت	۵۴/۸	۱۳/۸	۱۹/۱	۶/۰	۶/۳	
		۶۸/۶		۱۹/۱	۱۲/۳		
تهران	کل تهران	۵۵/۱	۱۵	۱۹/۳	۵/۱	۵/۶	
	شمال تهران	۵۵/۸	۱۵/۸	۱۸/۱	۴/۷	۵/۶	-
	جنوب تهران	۵۴/۵	۱۴/۱	۲۰/۲	۵/۶	۵/۶	
جنسیت	زن	۵۴/۷	۱۳/۲	۲۰/۳	۵/۹	۵/۹	-
	مرد	۵۴/۹	۱۴/۴	۱۷/۹	۶/۰	۶/۸	
سن	۱۸ تا ۳۵ سال	۵۲/۱	۱۵/۰	۱۹/۹	۵/۲	۷/۷	*
	۳۶ تا ۵۵ سال	۵۶/۸	۱۲/۷	۱۸/۴	۶/۶	۵/۵	
	۵۵ سال و بالاتر	۵۷/۴	۱۴/۱	۱۸/۲	۵/۶	۴/۷	
تحصیلات	تحصیلات عالی	۵۲/۸	۱۵/۵	۲۲/۴	۳/۹	۵/۴	-
	دیپلم و کمتر	۵۵/۹	۱۳/۰	۱۷/۳	۷/۲	۶/۶	
سرانه درآمد خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۵۸/۲	۱۳/۱	۱۷/۱	۶/۱	۵/۵	-
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۵۳/۴	۱۵/۰	۲۱/۵	۴/۶	۵/۵	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۵۳/۶	۱۴/۲	۲۱/۴	۴/۶	۶/۳	
سرانه هزینه خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۵۵/۸	۱۳/۴	۱۸/۸	۶/۳	۵/۷	-
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۵۴/۴	۱۴/۷	۱۹/۶	۵/۱	۶/۲	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۵۵/۴	۱۴/۴	۱۹/۰	۵/۶	۵/۴	

معناداری تفاوت ^۱	خیلی زیاد	زیاد	کم و بیش	کم	خیلی کم	گروه‌ها	متغیر
-	۷/۱	۵/۷	۱۷/۹	۱۴/۳	۵۵/۱	فعال	وضع فعالیت
	۵/۵	۶/۲	۲۰/۳	۱۳/۴	۵۴/۶	غیرفعال	
-	۶/۰	۷/۱	۱۵/۸	۱۵/۸	۵۵/۲	بخش دولتی	وضع اشتغال
	۷/۳	۵/۸	۱۸/۵	۱۳/۶	۵۴/۸	بخش خصوصی	
-	۶/۳	۵/۶	۲۰/۶	۱۳/۲	۵۴/۳	شهری	محل سکونت
	۶/۴	۶/۹	۱۴/۸	۱۵/۷	۵۶/۲	روستایی	
***	۹/۹	۸/۲	۲۴/۶	۱۶/۱	۴۱/۲	بالا و متوسط روبه بالا	پنداشت طبقاتی
	۵/۵	۵/۹	۱۸/۷	۱۳/۸	۵۶/۱	متوسط روبه پایین	
	۴/۸	۴/۵	۱۴/۸	۱۲/۰	۶۳/۹	پایین	

^۱ معنادار در سطح ۰/۰۵، ** معنادار در سطح ۰/۰۱، *** معنادار در سطح ۰/۰۰۱



نمودار ۴: موافقید اینکه گروهی در جامعه فقیرند، تقصیر خودشان است چون به اندازه کافی کار و تلاش نمی‌کنند؟

همان‌طور که دیده می‌شود، کسانی که فقرا را مقصر اصلی وضعیت خودشان می‌دانند، حدود ۱۲ درصد جامعه‌اند. حدود یک‌پنجم از افراد نیز گزینه کم‌و‌بیش را انتخاب کرده‌اند که احتمالاً «تنبلی» خود

فقرا را در کنار سایر عوامل مهم می‌دانند. اکثر جمعیت (۶۸ درصد) با گزاره «مقصر دانستن فقرا» مخالف‌اند. جنسیت، تحصیلات، سرانه درآمد، سرانه هزینه، شهری یا روستایی بودن، وضع فعالیت و وضع اشتغال، تفاوتی در نگرش به مقصر دانستن فقرا ایجاد نمی‌کند. در میان متغیرهای زمینه‌ای، سن ارتباط اندکی با نحوه پاسخ به این سؤال دارد و افراد با سن پایین‌تر اندکی بیش از دیگران فقرا را مقصر وضعیتشان می‌دانند. اما پنداشت طبقاتی در نحوه نگرش به علت فقر مؤثر است و افرادی که خود را طبقه پایین می‌دانند، به مراتب بیش از افراد طبقه بالا و متوسط روبه‌بالا با مقصر دانستن فقرا مخالف‌اند. در کل جمعیت، ۴۰ درصد از پاسخگویان نه ثروت ثروتمندان را محصول تلاش آن‌ها می‌دانند و نه فقرا را مقصر وضعیتشان می‌پندارند. در مقابل فقط ۴/۴ درصد پاسخگویان دیدگاهی کاملاً متضاد دارند؛ یعنی هم تلاش ثروتمندان را عامل اصلی موفقیت آنان می‌دانند و هم خود فقرا را مسبب وضعیتشان می‌شمارند.

مدارس غیرانتفاعی

مدارس غیرانتفاعی را می‌توان یکی از مظاهر نابرابری‌های اجتماعی و در زمره عوامل بازتولید نابرابری دانست. از نیمه‌های دهه شصت که بحث تأسیس مدارس غیرانتفاعی به میان آمد تا آغاز دهه هفتاد که روند تأسیس این مدارس سرعت گرفت، در سطح جامعه و سیاست ایران درباره این مدارس مناقشه وجود داشت. مطابق آمار پراکنده رسمی کمتر از ۱۵ درصد دانش‌آموزان کل کشور در مدارس غیرانتفاعی درس می‌خوانند. در سال‌های اخیر، برتری دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی و «مدارس خاص» (سمپاد و...) در کنکور سراسری، پرسش‌های جدی‌ای را درباره عملکرد نظام آموزشی کشور ایجاد کرده است. برداشت منفی از مدارس خصوصی یا غیرانتفاعی مختص به کشور ما نیست. این مدارس

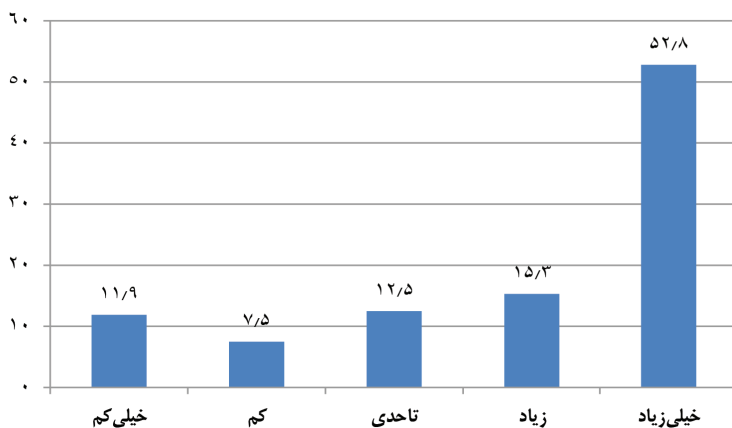
از این بابت مورد انتقادند که حقی عمومی یعنی آموزش رایگان را به کالایی بدل می‌کنند که بخشی از جامعه دسترسی بیشتری یا بهتری به آن دارد. این مدارس به‌عنوان نمادی از حاکمیت ثروت تفسیر شده‌اند. البته این مدارس مدافعانی هم دارند که مثلاً در ایران از تأسیس این مدارس با این استدلال دفاع می‌کنند که مدارس غیرانتفاعی در مجموع کیفیت آموزش را افزایش داده است. و رای این مناقشات، مردم بر اساس تجربه‌های زیست روزمره‌شان دلایل خود را برای موافقت یا مخالفت با مدارس غیرانتفاعی دارند. در یکی از پرسش‌ها از تمایل افراد به تعطیلی همه مدارس غیرانتفاعی سؤال شده است. صورت سؤال بدین شکل طرح شده که: «چقدر موافقید که دولت همه مدارس غیرانتفاعی را تعطیل کند و همه دانش‌آموزان در مدارس دولتی درس بخوانند؟» پاسخگویان می‌توانسته‌اند در یک طیف پنج‌تایی لیکرت از «خیلی کم» تا «خیلی زیاد» را انتخاب کنند. نتایج در جدول زیر آمده است.

جدول ۶: چقدر موافقید که دولت همه مدارس غیرانتفاعی را تعطیل کند و همه دانش‌آموزان در مدارس دولتی درس بخوانند؟

متغیر	گروه‌ها	خیلی کم	کم	تا حدی	زیاد	خیلی زیاد	معناداری تفاوت ^۱
کل	کل جمعیت	۱۱/۹	۷/۵	۱۲/۵	۱۵/۳	۵۲/۸	
		۱۹/۴		۱۲/۵	۶۸/۱		
تهران	کل تهران	۱۱/۳	۹/۲	۱۲/۴	۱۳/۳	۵۳/۸	
	شمال تهران	۱۱/۸	۶/۶	۱۳/۷	۱۱/۸	۵۵/۹	-
	جنوب تهران	۱۱/۱	۱۱/۵	۱۱/۱	۱۴/۹	۵۱/۴	
جنسیت	زن	۱۰/۸	۷/۹	۱۳/۹	۱۶/۰	۵۱/۵	-
	مرد	۱۳/۲	۷/۱	۱۱/۲	۱۴/۵	۵۴/۰	
سن	۱۸ تا ۳۵ سال	۱۶/۰	۸/۳	۱۵/۹	۱۴/۸	۴۵/۰	***
	۳۶ تا ۵۵ سال	۹/۷	۷/۷	۱۰/۳	۱۴/۷	۵۷/۶	
	۵۵ سال و بالاتر	۶/۶	۵/۱	۹/۰	۱۷/۷	۶۱/۶	

معناداری تفاوت ^۱	خیلی زیاد	زیاد	تا حدی	کم	خیلی کم	گروه‌ها	متغیر
***	۴۷/۵	۱۳/۱	۱۴/۵	۸/۸	۱۶/۱	تحصیلات عالی	تحصیلات
	۵۵/۸	۱۶/۷	۱۱/۳	۶/۹	۹/۳	دیپلم و کمتر	
***	۵۵/۷	۱۷/۱	۱۲/۴	۶/۹	۷/۹	۱ میلیون تومان و کمتر	سرانه درآمد خانوار
	۵۰/۷	۱۶/۷	۱۲/۵	۷/۵	۱۲/۷	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	
	۴۹/۹	۱۱/۳	۱۲/۰	۹/۴	۱۷/۳	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	
-	۵۳/۹	۱۶/۹	۱۱/۵	۸/۶	۹/۱	۱ میلیون تومان و کمتر	سرانه هزینه خانوار
	۵۴/۲	۱۴/۹	۱۲/۴	۶/۶	۱۱/۹	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	
	۵۲/۴	۱۳/۳	۱۲/۰	۷/۴	۱۴/۹	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	
*	۵۱/۹	۱۳/۸	۱۱/۸	۸/۴	۱۴/۱	فعال	وضع فعالیت
	۵۳/۹	۱۶/۶	۱۳/۲	۶/۶	۹/۷	غیرفعال	
-	۵۲/۷	۱۴/۰	۱۰/۲	۹/۷	۱۳/۴	بخش دولتی	وضع اشتغال
	۵۲/۶	۱۲/۴	۱۲/۰	۸/۲	۱۴/۹	بخش خصوصی	
-	۵۳/۲	۱۳/۳	۱۲/۹	۷/۵	۱۳/۲	شهری	محل سکونت
	۵۱/۷	۲۰/۸	۱۱/۴	۷/۶	۸/۵	روستایی	
***	۴۵/۲	۱۵/۱	۱۳/۴	۹/۲	۱۷/۱	بالا و متوسط روبه بالا	پنداشت طبقاتی
	۵۲/۷	۱۵/۹	۱۲/۸	۷/۳	۱۱/۳	متوسط روبه پایین	
	۵۹/۳	۱۴/۸	۱۱/۰	۵/۸	۹/۱	پایین	

^۱ * معنادار در سطح ۰/۰۵، ** معنادار در سطح ۰/۰۱، *** معنادار در سطح ۰/۰۰۱



نمودار ۵: چقدر موافقید که دولت مدارس غیرانتفاعی را تعطیل کند و همه دانش آموزان در مدارس دولتی درس بخوانند؟

تقریباً دو سوم پاسخگویان تا حد زیادی موافق تعطیل شدن مدارس غیرانتفاعی هستند، اما ۱۹ درصد چندان موافق نیستند. تفاوتی میان مردان و زنان وجود ندارد، اما افرادی که سرانه درآمد خانوارشان پایین تر است، تحصیلات کمتری دارند و کسانی که خود را به لحاظ طبقاتی پایین تر تصور می کنند با تعطیلی این مدارس موافقت بیشتری را ابراز می کنند. البته باید توجه داشت حتی در میان کسانی که خود را متعلق به طبقه بالا یا متوسط روبه بالا می دانند، نزدیک به ۶۰ درصد با این مدارس مخالفاند. بخشی از این مخالفت را می توان با توجه به هزینه بالای این مدارس و سهم قابل توجه آن در هزینه های خانوار دانست که حتی بر خانواده های «طبقه متوسط» هم فشار اقتصادی قابل ملاحظه ای وارد می کند. این میزان از مخالفت با مدارس غیرانتفاعی، جالب و تا حدی غیرمنتظره است.

برابری و نابرابری

چپ یا راست؟ برابری یا نابرابری؟: به نظر آنتونی گیدنز در کتاب «فراسوی چپ و راست»: آینده سیاست رادیکال» (۱۹۹۴ م) در حوزه سیاست جدید

که ناشی از ظهور بحران دولت رفاهی در اروپا است، مرزبندی‌های رایج سیاسی مانند چپ و راست بر اساس مفاهیم برابری و نابرابری کاربرد ندارد و باید مفهوم‌سازی جدیدی بکنیم (گیدنز، ۱۳۸۷). اما نوربرتو بایو در کتاب «چپ و راست: اهمیت یک تفکیک سیاسی» (۱۹۹۷م)، معتقد است که تمایز چپ و راست به‌عنوان دو گفتار سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در جهان واقعی وجود دارد. گفتار چپ‌ها، گسترش برابری است و راست‌ها این اعتقاد را ندارند. به نظر بایو گفتار چپ معتقد است که جامعهٔ مبتنی بر بازار، محدودیت‌هایی دارد و متعهد به بسط برابری و دموکراسی در حوزه‌های مختلف زندگی است؛ اما راست‌ها با نابرابری راحت‌تر برخورد می‌کنند و در این مسئله تردید دارند که دولت بتواند یا باید آن را محدود کند و نابرابری را ناشی از ذات طبیعت می‌داند (بایو، ۱۳۸۴). به نظر بایو، علی‌رغم اینکه سیاستمداران تلاش می‌کنند تا تفاوت بین چپ و راست را تیره‌وتار کنند، اما این تمایز اساسی در جهان واقعی بر پایهٔ «مسئلهٔ برابری» وجود دارد. اما گفتارهای راست و چپ در ایران به لحاظ گفتارهای سیاسی و اقتصادی چندان شکل و شمایلی نداشته است که بتواند اذهان عمومی را برسازد. اما در هر صورت، مردم از طیف‌های مختلف در این زمینه نگرش‌هایی دارند و باید تلاش کرد تا از خلال پیمایش‌ها و نظرسنجی‌های صورت گرفته، تا حد امکان با اذهان عمومی در باب این مسائل نزدیک شد. در پیمایش نگرش‌های اقتصادی ایرانیان (۱۳۹۹)، چند سؤال وجود دارد که می‌تواند نشان‌دهندهٔ اعتقاد طیف‌های گوناگون به مسئلهٔ برابری، نابرابری، دخالت دولت در اقتصاد و مسائلی از دست باشد. بخش عمدهٔ این بخش از گزارش، از فصل هشتم کتاب «نگرش‌های اقتصادی ایرانیان» (۱۴۰۰) برداشت شده است. در جدول ۷، چهار سؤال پیمایش نگرش‌های اقتصادی ایرانیان مربوط به نگرش‌های برابری و نابرابری، دخالت دولت در اقتصاد، رقابت و... است.

جدول ۷: توزیع پاسخ به چهار سؤال معطوف به ارزش های اقتصادی (۱۳۹۹)

پاسخ‌ها			سؤال	
رقابت	نمی‌دانم	برابری	به نظر شما کدام جامعه بهتر است: جامعه‌ای که همه از نظر اقتصادی در یک سطح متوسط شبیه به هم باشند و فقیر و غنی نداشته باشد یا جامعه‌ای که افراد آزاد باشند با هم رقابت کنند و هرکس موفق‌تر بود بیشتر پول‌دار شود؟	۱
۴۹/۲	۳/۵	۴۷/۳		
مخالف	بی‌نظر	موافق	برخی می‌گویند که باید نظام اقتصادی و مالیاتی جواری طراحی شود که ثروت افراد از یک حدی بیشتر نشود، شما چقدر با این نظر موافقت می‌کنید؟	۲
۴۴/۳	۸/۰	۴۷/۸		
موافق	بی‌نظر	مخالف	برخی می‌گویند که خصوصی‌سازی در اصل به نفع اقتصاد کشور هست، ولی در ایران بد اجرا شده. برخی هم معتقدند خصوصی‌سازی از اساس به ضرر مردم است. شما با اصل خصوصی‌سازی چقدر موافقت می‌کنید؟	۳
۴۷/۶	۲۰/۲	۳۲/۲		
ضروری است	نمی‌دانم	تأثیری ندارد	به نظر شما سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی چه تأثیری می‌تواند در اقتصاد ایران داشته باشد؟	۴
۵۶/۳	۱۴/۵	۱۵/۳		
		بدتر می‌کند		
		۱۳/۹		

همان‌طور که در جدول بالا دیده می‌شود در سؤال انتخاب میان رقابت و برابری و سؤال مربوط به مالیات افکار عمومی به دو گروه نسبتاً مساوی تقسیم می‌شوند. حدوداً نیمی از پاسخگویان نیز با اصل خصوصی‌سازی موافق و یک‌سوم افراد نیز مخالف‌اند. در مورد سرمایه‌گذاری خارجی نگاه نسبتاً مثبتی وجود دارد و تنها ۱۴ درصد با آن به طور صریح ابراز مخالف کرده‌اند. گرچه هر کدام از این سؤالات می‌تواند نگرش افکار عمومی به یک مسئله مشخص را نشان دهد اما در اینجا هدف یافتن میزان همسازی نگرش‌ها در میان پاسخگویان است. برای پیشبرد این تحلیل، در گام نخست دو سؤال «انتخاب میان

رقابت و برابری» و «نگرش به مالیات» در نظر گرفته شده‌اند. گرچه به شکل منطقی انتظار داریم موافقان جامعه برابر با مالیات موافق باشند و طرفداران اقتصاد بازار به نظام مالیاتی محدودکننده رقابت روی خوش نشان ندهند اما واقعیت یافته‌ها تا حد بسیار زیادی از این چشمداشت و تصور منطقی فاصله دارد. جدول تقاطعی میان این دو سؤال در زیر آمده است.

جدول ۸: جدول تقاطعی دو سؤال انتخاب میان برابری و رقابت با نگرش به مالیات

برخی می‌گویند که باید نظام اقتصادی و مالیاتی جوری طراحی شود که ثروت افراد از یک حدی بیشتر نشود، شما چقدر با این نظر موافقت می‌کنید؟							
کاملاً مخالف	مخالف	بی‌نظر	موفق	کاملاً موفق			
۹۶	۲۸۳	۸۰	۳۸۳	۲۱۲	تعداد	برابری	به نظر شما کدام جامعه بهتر است: جامعه‌ای که همه از نظر اقتصادی در یک سطح متوسط شبیه به هم باشند و فقیر و غنی نداشته باشد یا جامعه‌ای که افراد آزاد باشند با هم رقابت کنند و هرکس موفق‌تر بود بیشتر پول‌دار شود؟
۴/۳	۱۲/۷	۳/۶	۱۷/۱	۹/۵	درصد		
۲۰۵	۳۷۸	۷۵	۲۶۹	۱۷۵	تعداد	رقابت	
۹/۲	۱۶/۹	۳/۴	۱۲/۰	۷/۸	درصد		
۷	۲۱	۲۵	۱۶	۱۱	تعداد	نمی‌دانم	
۰/۳	۰/۹	۱/۱	۰/۷	۰/۵	درصد		

همان‌طور که در جدول دیده می‌شود وقتی این دو سؤال در تقاطع با هم قرار می‌گیرند نحوه پاسخ سه شکل متفاوت به خود می‌گیرد که بر اساس آن می‌توان پاسخگویان را به سه دسته تقسیم کرد. دسته اول کسانی هستند که رویکرد واحد و ظاهراً آگاهانه‌ای در نحوه پاسخگویی به هر دو سؤال نشان می‌دهند؛ ۲۶,۶ درصد کسانی هستند که برابری را انتخاب می‌کنند و با اخذ مالیات برای کنترل میزان ثروت موافق‌اند و ۲۶,۱ درصد نیز جامعه رقابتی را می‌پسندند و با مالیات برای کنترل ثروت مخالف‌اند. دسته دوم در پاسخ به این دو سؤال تردید نشان داده و به یک سؤال یا هر

دو سؤال پاسخ نمی‌دانم یا/و بی‌نظر داده‌اند (۱۰/۵ درصد). دسته سوم کسانی هستند که پاسخ‌هایشان به این دو پرسش متناقض است؛ ۱۹,۸ درصد از پاسخگویان، جامعه رقابتی را انتخاب کرده‌اند؛ اما با مالیات برای مهار میزان ثروت موافق‌اند و ۱۷ درصد نیز طرف‌داری برابری‌اند اما با مالیات مخالف کرده‌اند. تناقض در پاسخ‌های دسته‌آخر نشان می‌دهد که برای این دسته نمی‌توان یک نگرش معین و تعریف‌شده اقتصادی در نظر گرفت و ظاهراً این گروه آگاهی چندانی نسبت به این انتخاب بنیادی و پیامدهایش ندارد. این پاسخ‌های متناقض می‌تواند علل متفاوتی داشته باشد؛ یکی این که پاسخ بخشی از پاسخگویان به شماری از پرسش‌ها بسته به شیوه طرح پرسش و جمله‌بندی سؤال و حتی نحوه قرارگرفتنش در پرسش‌نامه تغییر می‌کند. حتی می‌توان این دو پرسش را در سنجش نگرش اقتصادی پاسخگویان نابسند یا تفسیر ما از پاسخ‌ها را نادرست دانست، اما چون فقدان انسجام در نگرش‌های اقتصادی پاسخگویان فقط به یافته‌های یکی دو سؤال منحصر نمی‌شود اصل ماجرا به قوت خود باقی است. با توجه به آنچه گفته شد تنها دسته اول، با لحاظ کردن این دو سؤال رویکرد غیر متناقض و نگرش روشنی از خود نشان می‌دهند. اگر بر اساس تک سؤال انتخاب میان برابری و رقابت، افکار عمومی به دودسته تقریباً مساوی تقسیم می‌شد با افزودن سؤال مربوط به مالیات حدود نیمی از جمعیت به سبب جواب مبهم یا متناقض کنار می‌روند و با دو قطب حدود ۲۶ درصدی در دو طرف مواجه هستیم (نگاه کنید به نمودار ۶).



نمودار ۶: طیف بندی پاسخگویان بر اساس دو سؤال انتخاب میان برابری و رقابت و نگرش به مالیات

منبع: نگرش‌های اقتصادی ایرانیان، ۱۳۹۹

نمودار ۶ طیفی را نشان می‌دهد که بلوک سمت چپ را کسانی تشکیل می‌دهند که برابری را ترجیح داده و بلوک سمت راست طرفداران ایده بازار

آزاد و اقتصاد رقابتی هستند. ۴۷ درصد از جمعیت هم در میانه قرار دارند. این گروه، به دو سؤال «انتخاب میان جامعه برابر و رقابتی» و «تنظیم نظام مالیاتی باهدف کنترل ثروت» پاسخ‌هایی ناهم‌ساز یا متناقض داده‌اند و به نظر می‌رسد ایده روشنی درباره این دوگانه ندارند. پیش از آنکه دو سؤال مرتبط به خصوصی‌سازی و سرمایه‌گذاری خارجی را اضافه کنیم بهتر است ویژگی‌های جمعیت‌شناختی این دو گروه اصلی در دو سر طیف مورد توجه قرار گیرد و مقایسه شود. از کل نمونه این تحقیق با در نظر گرفتن این دو سؤال ۵۹۵ نفر طرفدار برابری و ۵۸۳ نفر هوادار رقابت هستند. در جدول ۹ ترکیب هر یک از این دو گروه بر اساس متغیرهای جمعیت‌شناختی آمده است.

جدول ۹: مقایسه مشخصات دو گروه طرفدار برابری و طرفدار بازار آزاد

معناداری	رقابت	برابری	گروه‌ها	متغیر
***	۳۵,۳	۶۰,۳	زنان	جنسیت
	۶۴,۷	۳۹,۷	مردان	
	۱۰۰	۱۰۰	جمع	
-	۴۶/۱	۴۳/۳	۱۸ تا ۳۵ سال	سن
	۴۰/۶	۴۳/۳	۳۶ تا ۵۵ سال	
	۱۳/۳	۱۳/۵	۵۵ سال و بالاتر	
	۱۰۰	۱۰۰	جمع	
***	۵۰/۳	۶۹/۲	دیپلم و کمتر	تحصیلات
	۴۹/۷	۳۰,۸	تحصیلات عالی	
	۱۰۰	۱۰۰	جمع	
*	۷۹,۳	۷۳,۳	شهری	محل سکونت
	۲۰/۶	۲۶/۷	روستایی	
	۱۰۰	۱۰۰	جمع	
	۱,۵	۱	میانه درآمد سرانه ماهانه (میلیون تومان)	درآمد خانوار
	۱,۶۷	۱,۲۵	میانه هزینه سرانه ماهانه (میلیون تومان)	هزینه خانوار

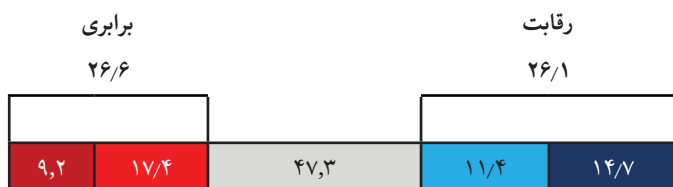
منبع: پیمایش نگرش‌های اقتصادی ایرانیان، ۱۳۹۹

مطابق جدول ۹، ۶۰ درصد از گروه طرفدار برابری را زنان تشکیل می‌دهند و در برابر در دسته مدافعان رویکرد بازار ۶۵ درصد مرد هستند. از نظر تحصیلات نیز تفاوت قابل ملاحظه‌ای میان دو گروه وجود دارد و تقریباً نیمی از افراد مدافع اقتصاد بازار دارای تحصیلات عالی هستند. میانه سرانه درآمد و سرانه هزینه خانوار در دو گروه نیز متفاوت است و میانه طرفداران رویکرد برابری در هر دو شاخص پایین تر است. در نتیجه مردان دارای تحصیلات عالی و درآمد بالاتر بیشتر احتمال دارد مدافع ایده بازار آزاد باشند و در برابر زنان با تحصیلات پایین به ایده برابری تمایل بیشتری نشان می‌دهند. در گام بعد برای تشخیص دقیق‌تر پاسخگویان هوادار بازار آزاد و مخالف بازار آزاد، یافته‌های سؤال درباره «موافقت با اصل خصوصی سازی» را دو سؤال قبل اضافه می‌شود. طبقاً ۴۶ درصدی که در سؤال قبل در میانه دو گروه اصلی قرار گرفتند کنار گذاشته می‌شوند و صرفاً دو گروه چپ و راست طیف مد نظر خواهند بود. باید مشخص شود از میان کسانی که پاسخ همساز به دو سؤال قبل دادند چه بخشی به سؤال مربوط به خصوصی سازی نیز متناسب با انتظار پاسخ می‌دهند. نتیجه در جدول ۱۰ آمده است.

جدول ۱۰: نگرش هواداران برابری و بازار آزاد به مقوله خصوصی سازی

موافقان جامعه برابر و موافقان مالیات	موافقان جامعه برابر و موافقان مالیات	نگرش به اصل خصوصی سازی	
مخالفان مالیات و رقابتی و مالیات	۳۳۲	تعداد	موافق
	۵۷,۴	درصد	
مخالفان مالیات و رقابتی و مالیات	۷۶	تعداد	بی نظر
	۱۳,۲	درصد	
مخالفان مالیات و رقابتی و مالیات	۱۶۹	تعداد	مخالف
	۲۹,۳	درصد	
مخالفان مالیات و رقابتی و مالیات	۵۷۷	تعداد	کل
	۱۰۰	درصد	

آن‌گونه که جدول ۱۰ نشان می‌دهد با اضافه‌شدن سؤال مرتبط با نگرش به خصوصی‌سازی، در هر دو گروه بخش از پاسخگویان جواب‌های ناهم‌ساز ارائه کرده‌اند؛ ۴۲ درصد از کسانی که در گروه هوادار برابری (یا مخالف بازار آزاد) قرار گرفته‌اند با اصل خصوصی‌سازی موافق‌اند و همین‌طور ۲۹ درصد از موافقان اقتصاد بازار مخالف اصل خصوصی‌سازی‌اند. بدین‌سان، اگر طرف‌داران اقتصاد بازار را کسانی بدانیم که جامعه رقابتی را می‌پسندند، مخالف مالیات برای کنترل ثروت هستند و خصوصی‌سازی را نفع‌جامعه می‌دانند تعداد این گروه ۳۳۲ نفر معادل ۱۴٫۸ درصد کل پاسخگویان خواهد بود. در مقابل ۲۰۶ نفر معادل ۹٫۲ درصد خواهان جامعه برابرند، با مالیات برای کنترل ثروت موافق‌اند و خصوصی‌سازی را به نفع جامعه نمی‌دانند. با این‌وصف طیف قبلی را می‌توانیم به‌صورت زیر اصلاح کنیم.



نمودار ۷: طیف بندی بر اساس پاسخ به سه سؤال انتخاب میان آزادی و برابر، نگرش به مالیات و خصوصی‌سازی

منبع: پیمایش نگرش‌های اقتصادی ایرانیان، ۱۳۹۹

در نمودار ۷ صرف‌نظر از ۴۷ درصدی که بر اساس نحوه پاسخ به دو سؤال انتخاب میان جامعه بازار و مالیات در وسط قرار گرفته و از محاسبه ما کنار گذاشته شدند، دو گروه چپ و راست هر یک به‌دو زیرگروه تقسیم شده‌اند. در دو سر طیف دو گروهی قرار دارند که به هر سه سؤال مطابق انتظاری که از یک طرف‌دار اقتصاد بازار می‌رود و یک برابری‌خواه در ایران انتظار می‌رود پاسخ داده‌اند. لیکن گروهی هم در هر دو سمت وجود دارد که گرچه به دو پرسش درباره «جامعه برابر یا رقابتی» و «نظام مالیاتی»

پاسخ منسجم داده است، اما در مورد خصوصی سازی یا مردد است یا برخلاف انتظار نظر داده است. به عبارت دیگر دو بلوک حدوداً ۲۶ درصدی در نمودار پیشین در اینجا خود به دودسته تقسیم شده است.

در نهایت می توان سؤال مربوط به سرمایه گذاری شرکت های خارجی را نیز وارد کرد. شاید نتوان میان برابری خواهی و سرمایه گذاری خارجی الزاماً رابطه ای برقرار کرد، بدین معنا که محتمل است پاسخگویی هم به ایده برابری یا «ایده های چپ» تمایل داشته باشد و هم سرمایه گذاری خارجی را مثلاً در سطوحی و با اعمال محدودیت هایی بپذیرد. اما انتظار داریم هواداران بازار آزاد با سرمایه گذاری خارجی موافق باشند. هم از این رو، این سؤال در تدقیق طیف پاسخگویان صرفاً در مورد طرفداران بازار آزاد لحاظ شده است. جدول زیر توزیع نگرش به سرمایه گذاری خارجی بر اساس رویکرد به سه سؤال پیشین آمده است.

جدول ۱۱: مقایسه نگرش طرفداران برابری و بازار آزاد به سرمایه گذاری خارجی

نگرش به سرمایه گذاری خارجی		موافقان جامعه برابر، موافقان مالیات و مخالفتان خصوصی سازی	موافقان جامعه رقابتی، مخالفتان مالیات و موافقتان خصوصی سازی
برای بهبود ضروری است	تعداد	۹۹	۲۴۰
	درصد	۴۷,۹	۷۲,۴
تأثیر ندارد/ نمی دانم	تعداد	۶۸	۵۹
	درصد	۳۲,۹	۱۸
وضعیت را بدتر می کند.	تعداد	۴۰	۳۲
	درصد	۱۹,۲	۹,۶
کل	تعداد	۲۰۶	۳۳۲
	درصد	۱۰۰	۱۰۰

از مجموع ۳۳۲ نفری که در سه سؤال قبلی مطابق الگوی بازار آزاد به سؤالات جواب دادند، ۲۴۰ نفر معادل ۱۰/۷ درصد کل پاسخگویان

با سرمایه‌گذاری خارجی نیز موافق‌اند. براین اساس می‌توان گفت در کل نمونه، ۲۴۰ نفر را خواهیم داشت که اگر چهار پرسش یادشده را ملاک قرار دهیم کاملاً با الگوی بازار آزاد موافق‌اند. این گروه را می‌توان در برابر ۲۰۶ نفری قرار داد که برابری خواه‌اند و با خصوصی‌سازی مخالف هستند. با محاسبه نحوه پاسخ به سؤال سرمایه‌گذاری خارجی در مورد طرفداران اقتصاد بازار طیف نهایی به صورت زیر درمی‌آید.



نمودار ۸: طیف بندی افراد بر اساس پاسخ به انتخاب ۴ سؤال میان آزادی و برابری، نگرش به مالیات، خصوصی‌سازی و سرمایه‌گذاری خارجی

منبع: پیمایش نگرش‌های اقتصادی ایرانیان، ۱۳۹۹

همان‌طور که مشاهده می‌شود گروه طرفدار سرسخت اقتصاد بازار ۱۰/۷ درصد در سمت راست خواهند بود و ۱۵/۴ درصد اگرچه از جامعه رقابتی دفاع می‌کنند و با مالیات مخالف‌اند اما با خصوصی‌سازی یا سرمایه‌گذاری خارجی موافق نیستند. حال با در نظر گرفتن این چهار سؤال به ترکیب نهایی مورد نظر نزدیک شده‌ایم. در جدول زیر ویژگی‌های این دو گروه یعنی ۲۴۰ نفر طرفدار اقتصاد بازار و ۲۰۶ نفر برابری‌خواه بر اساس متغیرهای جمعیت‌شناختی آمده است.

جدول ۱۲: مقایسه مشخصات دو گروه طرفدار برابری و طرفدار بازار آزاد بر اساس طیف‌بندی نهایی

متغیر	گروه‌ها	برابری	رقابت	معناداری
جنسیت	زنان	۵۸/۳	۲۴/۲	***
	مردان	۴۱/۷	۷۵/۸	
	جمع	۱۰۰	۱۰۰	
سن	۱۸ تا ۳۵ سال	۴۴/۵	۴۴/۹	-
	۳۶ تا ۵۵ سال	۴۵/۴	۴۴/۲	
	۵۵ سال و بالاتر	۱۰/۱	۱۰/۸	
	جمع	۱۰۰	۱۰۰	
تحصیلات	دیپلم و کمتر	۷۰/۶	۳۶/۹	***
	تحصیلات عالی	۲۹/۴	۶۳/۱	
	جمع	۱۰۰	۱۰۰	
محل سکونت	شهری	۷۴/۶	۸۲/۹	*
	روستایی	۲۵/۲	۱۷/۱	
	جمع	۱۰۰	۱۰۰	
درآمد خانوار	میان‌ه درآمد سرانه ماهانه (میلیون تومان)	۱	۲	
هزینه خانوار	میان‌ه هزینه سرانه ماهانه (میلیون تومان)	۱/۲۵	۲	

همان‌طور که مشاهده می‌شود طرف‌داران اقتصاد بازار بیشتر مرد و دارای تحصیلات عالی هستند و در مجموع هزینه و درآمد سرانه خانوارشان بالاتر است. از نظر ترکیب تحصیلی نیز تفاوت قابل ملاحظه‌ای میان دو گروه وجود دارد؛ در حالی که تقریباً نیمی از افراد مدافع اقتصاد بازار دارای تحصیلات عالی هستند، سطح تحصیلات ۷۰ درصد از پاسخگویان مخالف بازار آزاد در حد دیپلم یا کمتر از آن است. زنان با تحصیلات پایین و با وضعیت اقتصادی ضعیف‌تر بیشتر احتمال دارد برابری‌خواه باشند. در این جا هم از حیث ترکیب سنی تفاوتی میان دو گروه وجود ندارد. نتایج این تحلیل نشان می‌دهد حدود یک‌پنجم کل پاسخگویان به

چهار سؤال یادشده به شکلی پاسخ داده‌اند که می‌توان آنان را نزدیک یا متمایل به یکی از دو نگرش عمده اقتصادی دانست؛ در پاسخ‌های سایر پاسخگویان انسجامی نمی‌توان یافت. چنان‌که گفته شد این مدعا را می‌توان در قالب دوگانه‌ی هوادار / مخالف بازار آزاد صورت‌بندی کرد. هوادار بازار آزاد کسی است که جامعه‌ی مبتنی بر رقابت را ترجیح می‌دهد، به نظام مالیاتی محدودکننده‌ی ثروت و دارایی تمایل ندارد، از ایده‌ی خصوصی‌سازی دفاع می‌کند و به سرمایه‌گذاری خارجی هم به دیده‌ی مثبت می‌نگرد. اگر اینها را ملاک قرار دهیم چیزی حدود ده درصد جامعه به الگوی اقتصاد بازار گرایش دارند. روشن است که این میزان قطعی نیست؛ هرچند از دید ما اینها کمترین معیارهایی است که با آن می‌توان فردی را متمایل به الگوی بازار آزاد تصور کرد. اما بسته به آنکه معیارهای تحلیل چگونه تعریف شوند این عدد نیز تغییر می‌کند. مثلاً اگر پرسش درباره‌ی سرمایه‌گذاری خارجی را از محاسبه‌ی خود حذف کنیم یا یافته‌های پرسش دیگری از پرسش‌نامه را به محاسبه‌ی فوق بیفزاییم این عدد کم یا زیاد خواهد شد.

اگر پرسش‌های دیگری را ملاک ارزیابی قرار دهیم نیز استدلال اصلی این نوشته پابرجا می‌ماند. به‌عنوان نمونه، اگر یافته‌های سه پرسش به لحاظ محتوایی مرتبط درباره‌ی «استحقاق ثروتمندان»، «مقصر بودن فقرا» و «زندگی لاکچری» را در کنار هم قرار دهیم، با همان پدیده‌ی فقدان انسجام در نگرش‌های پاسخگویان روبرو می‌شویم. فقط حدود ۲۰ درصد از پاسخگویان هم‌زمان به شیوه‌های کسب ثروت بدبین‌اند، فقرا را در سرنوشتشان مسئول نمی‌دانند و با زندگی لاکچری نیز مخالف‌اند. ممکن است درباره‌ی ارتباط منطقی میان محتوای این پرسش‌ها تردیدی ابراز شود، اما در حال، یک نکته قطعی است: شمار آن بخش از جمعیت آماری که نگرش اقتصادی منسجمی را ابراز می‌کنند اندک است. هرچند این گزاره به هیچ‌روی نامنتظر و شگفت‌آور نیست، اما شایسته‌ی تحلیل و کندوکاو در جزئیات است. یک پرسش مهم، دیدگاه سیاسی این دو گروه از پاسخگویانی است که نگرش

اقتصادی منسجم‌تری را درباره پرسش‌های مرتبط با دوگانه‌ها و ادوار / مخالف بازار آزاد بیان کرده‌اند و هر کدام حدود ده درصد از جمعیت پاسخگویان را در برمی‌گیرند. از آنجاکه در پیمایش نگرش‌های اقتصادی ایرانیان، نگرش‌های سیاسی پاسخگویان مستقیماً سنجیده نشده است، نمی‌توان با دقت به این پرسش پاسخ داد. اما با در نظر گرفتن برخی سؤالات می‌توان تا حدی درباره دلالت‌های سیاسی نگرش‌های اقتصادی این دو گروه گمانه‌زنی کرد.

در پیمایش در بخش اعتماد سؤالی با این جمله‌بندی مطرح شده است: «اگر مسئولان نظام از شما بخواهند که برای کمک به وضعیت کشور ارز و طلاهایتان را به دولت بفروشید تا چه حد حاضر به این کار هستید؟». این سؤال شاید تا حدی گویای جهت‌گیری سیاسی پاسخگویان باشد. حال اگر نحوه پاسخ به این سؤال در دو گروه دو سر طیف یعنی ۹,۲ درصد برابری‌خواه و ۱۰/۷ درصد طرفدار بازار آزاد را مقایسه کنیم، آزمون آماری نشان می‌دهد تفاوت میان این دو گروه معنادار است. می‌توان نتیجه گرفت مخالفان بازار آزاد در قیاس با موافقان نگرش مثبت‌تری نسبت به حکومت ابراز کرده‌اند. نسبت به میانگین کل جمعیت هم «برابری‌خواهان» تمایل بیشتری به همکاری با دولت بر اساس درخواست مسئولان نظام نشان داده‌اند. باز هم باید تکرار کنیم که ما در این تحلیل عمدتاً دوگانه‌ها و ادواران / مخالفان بازار آزاد را با ارجاع به یافته‌های چهار پرسش این پیمایش ملاک قرار داده‌ایم. اگر تمایل به برابری یا عدالت اجتماعی با مولفه‌های دیگری تعریف شوند، احتمالاً نتایج متفاوتی به دست می‌آید.

اما پرسش جالب‌تری که می‌تواند دلالت‌های سیاسی این دو نگرش را نشان دهد، پرسش درباره ارزیابی پاسخگویان از بهترین دوره اقتصاد ایران بر حسب عملکرد دولت‌های مختلف است؛ تنها پرسش پیمایش که یافته‌های آن در این کتاب گزارش نشده است. اگر پاسخ‌های این دو گروه به پرسش یادشده را مقایسه کنیم، نتیجه این است که بخش عمده‌ای از هواداران بازار آزاد (یعنی از جمعیت ۱۰/۷ درصدی پیش‌گفته) دوره پیش از انقلاب را موفق‌ترین دوره اقتصادی ایران می‌دانند و شمار

زیادی از جمعیت ۹,۲ درصدی مخالف بازار آزاد، دوره دولت‌های نهم و دهم را به لحاظ اقتصادی موفق‌تر ارزیابی کرده‌اند.

تصور از اکنون و آینده

تصور از آینده، عاملی تعیین‌کننده در رفتار اقتصادی در سطوح خرد و کلان است. پنداشت از آینده ممکن است در مقیاس کلان در مقولاتی همچون امنیت سرمایه‌گذاری یا آنچه انتظارات تورمی می‌خوانند بازتاب یابد؛ یا می‌تواند در سطح فردی، متغیری تعیین‌کننده در تصمیم‌گیری‌های افراد باشد. تصور از آینده در مقام شاخصی برای شناخت ذهنیت جامعه، صرفاً تابع عوامل اقتصادی نیست، بلکه از کلیت وضعیت جامعه و مسیر پیش‌روی آن متأثر است. تصور مردم از وضعیت اقتصادی کلان کشور در ۵ سال آینده و نیز ارزیابی آن‌ها از احتمال موفقیت اقتصادی شخصی‌شان در آینده دو موضوع مهم است. به‌علاوه پرسش از مطمئن‌ترین شیوه سرمایه‌گذاری سؤال دیگری است که می‌تواند نگرش پاسخگویان را نسبت به وضعیت سال‌های آتی اقتصادی روشن سازد.

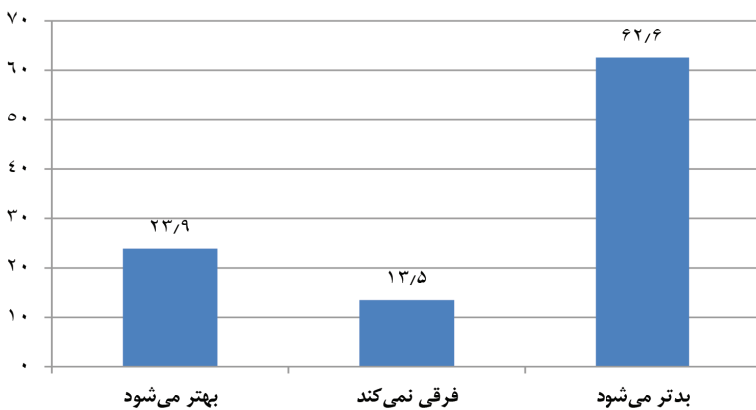
پرسش تصور از آینده، از جمله پرسش‌هایی است که در پیمایش‌های ملی در ایران تکرار شده است. چنین پرسش‌هایی به درک ذهنیت پاسخگویان کمک می‌کنند و چشم‌اندازی از نگرش و رفتار اقتصادی آنان را به دست می‌دهند. در ایران در سراسر دهه ۱۳۹۰ آینده اقتصادی کشور در پرده ابهام قرار داشته و مایه نگرانی مردم بوده است. این وضعیت بر نگرش‌ها و کنش‌های اقتصادی مردم سایه افکنده است. در پیمایش نگرش‌های اقتصادی ایرانیان (۱۳۹۹) به‌طور مشخص تصور از آینده اقتصادی با سؤال «فکر می‌کنید در ۵ سال آینده وضعیت اقتصادی کشور بهتر می‌شود یا بدتر؟» سنجیده شده است. نتایج در جدول ۱۳ آمده است.

جدول ۱۳: فکر می‌کنید در ۵ سال آینده وضعیت اقتصادی کشور بهتر می‌شود یا بدتر؟

متغیر	گروه‌ها	بهرتر می‌شود	فرقی نمی‌کند	بدتر می‌شود	معناداری تفاوت ^۱
کل	کل جمعیت	۲۳/۹	۱۳/۵	۶۲/۶	
	کل تهران	۲۰/۳	۱۳/۸	۶۵/۹	
تهران	شمال تهران	۲۲/۲	۱۵/۲	۶۲/۶	-
	جنوب تهران	۱۸/۲	۱۲/۵	۶۹/۳	
جنسیت	زن	۲۲/۴	۱۲/۶	۶۵/۱	*
	مرد	۲۵/۴	۱۴/۳	۶۰/۳	
سن	۱۸ تا ۳۵ سال	۲۰/۰	۱۵/۱	۶۴/۹	***
	۳۶ تا ۵۵ سال	۲۴/۰	۱۲/۳	۶۳/۷	
	۵۵ سال و بالاتر	۳۶/۸	۱۱/۴	۵۱/۸	
تحصیلات	تحصیلات عالی	۲۲/۷	۱۵/۴	۶۱/۹	-
	دیپلم و کمتر	۲۴/۶	۱۲/۴	۶۳/۰	
سراانه درآمد خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۲۰/۷	۱۳/۱	۶۶/۲	-
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۲۵/۴	۱۴/۰	۶۰/۶	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۲۴/۱	۱۳/۴	۶۲/۵	
سراانه هزینه خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۲۲/۳	۱۴/۱	۶۳/۶	-
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۲۳/۹	۱۱/۷	۶۴/۳	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۲۲/۹	۱۳/۸	۶۳/۳	
وضع فعالیت	فعال	۲۱/۹	۱۳/۹	۶۴/۱	-
	غیرفعال	۲۵/۹	۱۳/۰	۶۱/۱	
وضع اشتغال	بخش دولتی	۲۸/۰	۱۶/۶	۵۵/۴	*
	بخش خصوصی	۲۱/۵	۱۲/۷	۶۵/۸	
محل سکونت	شهری	۲۳/۶	۱۴/۰	۶۲/۴	-
	روستایی	۲۴/۹	۱۱/۸	۶۳/۳	

متغیر	گروه‌ها	بهبتر می‌شود	فرقی نمی‌کند	بدتر می‌شود	معناداری تفاوت ^۱
پنداشت طبقاتی	بالا و متوسط روبه‌بالا	۳۲/۷	۱۶/۰	۵۱/۴	***
	متوسط روبه‌پایین	۲۴/۷	۱۳/۶	۶۱/۸	
	پایین	۱۵/۵	۱۱/۰	۷۳/۵	

^۱ * معنادار در سطح ۰/۰۵، ** معنادار در سطح ۰/۰۱، *** معنادار در سطح ۰/۰۰۱



نمودار ۹: فکر می‌کنید در ۵ سال آینده وضعیت اقتصادی کشور بهتر می‌شود یا بدتر؟

به نظر اغلب پاسخگویان (۶۳ درصد) وضعیت اقتصادی در ۵ سال آینده بدتر خواهد شد و ۲۴ درصد به بهبود شرایط خوش بین هستند. در میان متغیرهای زمینه‌ای، سن مهم‌ترین عامل اثرگذار بر نگرش به آینده است و سالمندان نسبت به جوانان امیدوارترند؛ مردان نیز اندکی نسبت به زنان به آینده خوش‌بین‌ترند. پرسش از آینده در پیمایش‌های دیگر هم سابقه دارد؛ به‌عنوان مثال در موج سوم پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۹۴ از آینده اقتصادی دقیقاً با همین جمله‌بندی پرسش شده است. در آنجا ۲۴ درصد از پاسخگویان تصور می‌کردند وضعیت بهتر می‌شود، ۱۴ درصد معتقد بودند وضعیت فرقی نخواهد کرد و ۶۳ درصد هم بر این باور بوده‌اند که وضعیت بدتر

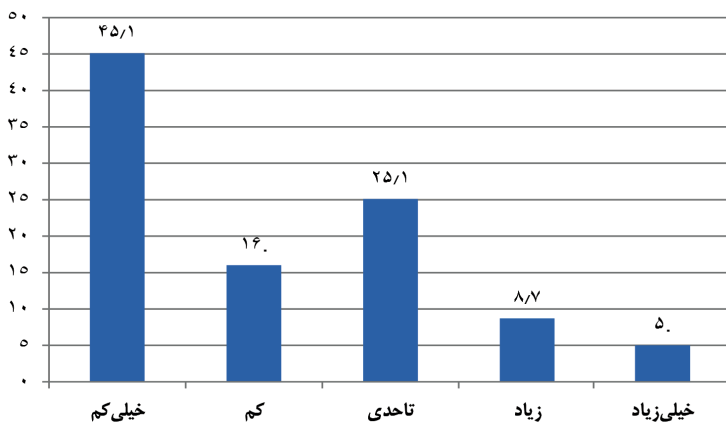
خواهد شد. از این جهت تغییر چندانی در نگرش افکار عمومی به آینده اقتصادی کشور دیده نمی‌شود. علاوه بر تصور افراد از آینده اقتصادی کلان جامعه، تصور آنان درباره آینده فردی خودشان هم سنجیده شده است. از پاسخگویان سؤال شده است: «فکر می‌کنید چقدر بتوانید در ایران از نظر اقتصادی به آن چیزی که می‌خواهید، برسید؟». پاسخگویان می‌توانستند بر روی طیفی پنج‌تایی از «خیلی کم» تا «خیلی زیاد» را انتخاب کنند. توزیع فراوانی پاسخ‌ها در جدول ۱۴ آمده است.

جدول ۱۴: فکر می‌کنید چقدر بتوانید در ایران از نظر اقتصادی به آن چیزی که می‌خواهید، برسید؟

متغیر	گروه‌ها	خیلی کم	کم	تا حدی	زیاد	خیلی زیاد	معناداری تفاوت ^۱
کل	کل جمعیت	۴۵/۱	۱۶/۰	۲۵/۱	۸/۷	۵/۰	
		۶۱/۱	۲۵/۱	۱۳/۷			
تهران	کل تهران	۴۹/۳	۱۴/۳	۲۲/۲	۸/۷	۵/۵	
	شمال تهران	۵۰/۷	۱۳/۹	۱۹/۱	۱۱	۵/۳	-
	جنوب تهران	۴۷/۸	۱۴/۶	۲۵/۴	۶/۳	۵/۹	
جنسیت	زن	۴۳/۸	۱۶/۷	۲۷/۲	۸/۰	۴/۲	-
	مرد	۴۶/۴	۱۵/۲	۲۳/۱	۹/۴	۵/۹	
سن	۱۸ تا ۳۵ سال	۴۱/۲	۱۵/۶	۲۸/۵	۸/۹	۵/۸	**
	۳۶ تا ۵۵ سال	۴۹/۷	۱۵/۷	۲۲/۵	۸/۵	۳/۷	
	۵۵ سال و بالاتر	۴۴/۲	۱۸/۲	۲۲/۷	۸/۴	۶/۵	
تحصیلات	تحصیلات عالی	۴۲/۶	۱۵/۸	۲۷/۳	۸/۷	۵/۶	-
	دیپلم و کمتر	۴۶/۶	۱۶/۱	۲۴/۲	۸/۷	۴/۴	
سرانه درآمد خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۵۰/۹	۱۵/۷	۲۲/۳	۷/۴	۳/۷	**
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۴۳/۷	۱۶/۰	۲۹/۲	۶/۰	۵/۱	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۴۳/۲	۱۶/۵	۲۴/۱	۱۰/۳	۵/۹	

متغیر	گروه‌ها	خیلی کم	کم	تا حدی	زیاد	خیلی زیاد	معناداری تفاوت ^۱
سرانه هزینه خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۴۵/۶	۱۵/۷	۲۵/۱	۹/۱	۴/۵	-
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۴۳/۸	۱۷/۳	۲۷/۱	۶/۱	۵/۷	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۴۷/۶	۱۴/۶	۲۳/۴	۱۰/۳	۴/۱	
وضع فعالیت	فعال	۴۸/۳	۱۵/۲	۲۲/۲	۸/۸	۵/۵	*
	غیر فعال	۴۱/۸	۱۶/۸	۲۸/۳	۸/۵	۴/۶	
وضع اشتغال	بخش دولتی	۴۳/۴	۱۹/۲	۲۳/۱	۶/۰	۸/۲	-
	بخش خصوصی	۴۸/۳	۱۳/۴	۲۲/۴	۱۰/۴	۵/۴	
محل سکونت	شهری	۴۵/۸	۱۵/۸	۲۴/۵	۸/۸	۵/۱	-
	روستایی	۴۳/۲	۱۶/۶	۲۶/۹	۸/۵	۴/۷	
پنداشت طبقاتی	بالا و متوسط روبه بالا	۲۴/۰	۱۲/۳	۳۶/۹	۱۶/۶	۱۰/۲	***
	متوسط روبه پایین	۴۳/۷	۱۸/۵	۲۶/۹	۷/۰	۳/۹	
	پایین	۶۴/۲	۱۵/۱	۱۳/۳	۵/۰	۲/۴	

^۱ * معنادار در سطح ۰/۰۵، ** معنادار در سطح ۰/۰۱، *** معنادار در سطح ۰/۰۰۱



نمودار ۱۰: فکر می‌کنید چقدر بتوانید در ایران از نظر اقتصادی به آن چیزی که می‌خواهید، برسید؟

بیش از ۶۰ درصد از پاسخگویان امید چندانی به موفقیت اقتصادی خود در ایران و دست‌یافتن به آمال اقتصادی‌شان ندارند. معنادارترین تفاوت در پاسخ به این سؤال را پنداشت طبقاتی نشان می‌دهد؛ قریب به ۸۰ درصد کسانی که خود را متعلق به طبقه پایین می‌دانند، احتمال دست‌یافتن به خواست‌های اقتصادی‌شان را اندک تصور می‌کنند؛ حال آنکه این نسبت برای کسانی که خود را متعلق به طبقه بالا یا متوسط روبه‌بالا می‌دانند، ۳۶ درصد است. به‌علاوه، آن دسته از پاسخگویان که سرانه درآمد آن‌ها یک میلیون تومان و کمتر است نیز نسبت به دیگران امید به موفقیت اقتصادی پایین‌تری دارند. تحصیلات دانشگاهی تفاوتی در تصور نسبت به آینده فردی ایجاد نمی‌کند. در کل جمعیت، ۴۷ درصد از پاسخگویان هم معتقدند که وضعیت اقتصادی کشور در ۵ سال آینده بدتر می‌شود. همچنین آنان احتمال چندانی برای دستیابی به آرزوهای اقتصادی شخصی خود قائل نیستند. حدود ۸ درصد هم در نقطه مقابل قرار دارند.

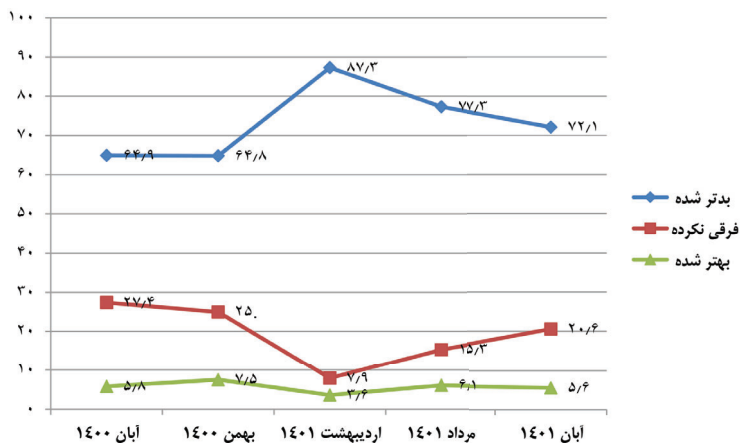
مطابق با نتایج پیمایش وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه در سال ۱۳۹۵، ۳۰/۶ درصد از پاسخ‌گویان در یک سال منتهی به پیمایش توانسته‌اند فراتر از نیازهای خویش درآمد کسب کنند و در طی سال یا پس‌انداز داشته باشند یا کالای خود را تبدیل به احسن کنند. این در حالی است که ۳۲/۹ درصد از پاسخ‌گویان نتوانسته‌اند با درآمدهای خویش نیازهایشان را تأمین کنند که برای ۲۴ درصد از آن‌ها نه تنها درآمدها کفاف هزینه‌ها را نداد، بلکه برای تأمین نیازهای خویش حتی مجبور به قرض گرفتن نیز شده‌اند. علاوه بر این، ۳۶/۸ درصد کل عایدی خویش را خرج کرده و ۸/۹ درصد نیز از سرمایه و پس‌اندازهای خویش برای تأمین نیازهایشان استفاده کرده‌اند که به معنای کاهش قدرت اقتصادی آن‌ها بوده است؛ بنابراین، نزدیک به ۷۰ درصد از پاسخ‌گویان نتوانسته‌اند پس‌اندازی داشته باشند و یا اینکه بخشی از پس‌انداز قبلی خویش را نیز خرج کرده‌اند (عزیزی مهر، ۱۴۰۰).

جدول ۱۵: وضعیت درآمدی افراد در یک سال منتهی به ۱۳۹۵

درصد معتبر	وضعیت
۲۰/۷	توانسته مقداری پس انداز داشته باشد
۹/۶	توانسته خرید یا جابه‌جایی واحد مسکونی داشته باشد
۳۶/۸	هرآنچه که عایدی داشته خرج کرده است
۸/۹	مقداری از سرمایه و پس انداز سابق را هم خرج کرده است
۲۴/۰	کم آورده، قرض و وام گرفته است

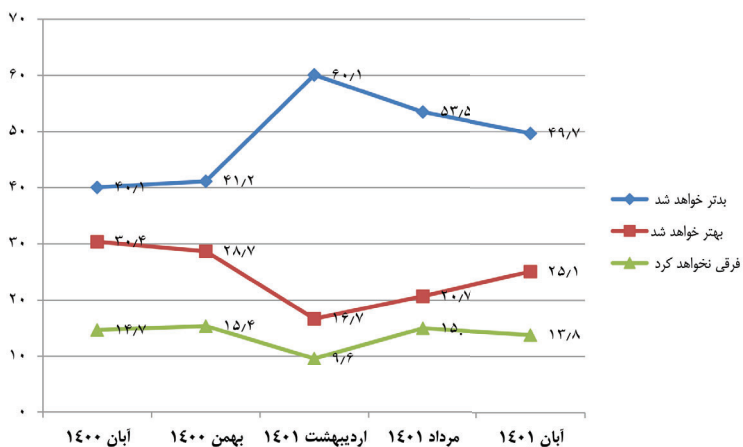
منبع: عزیزی مهر، ۱۴۰۰

باتوجه به اینکه افراد ارزیابی مناسبی از شرایط نداشته و درعین حال بسیاری از آن‌ها نتوانسته‌اند پس انداز داشته باشند احتمال موفقیت اقتصادی خویش در ایران را کم ارزیابی کرده و درعین حال امید آن‌ها برای بهبود وضعیت اقتصادی جامعه و کاهش نابرابری در آینده زیاد نیست. در موج سوم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۹۵)، ۶۵/۵ درصد از پاسخ‌گویان معتقد بودند که فاصله ثروتمندان با فقرا در ۵ سال گذشته بیشتر شده و ۶۳/۹ درصد نیز معتقد بودند که در ۵ سال آینده نیز این فاصله بیشتر خواهد شد، شرایط اقتصادی کشور از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ باعث شد آنچه بیشتر مردم انتظار داشتند به واقعیت بپیوندد. مرکز افکارسنجی ملت، نظرسنجی‌های دوره‌ای با عنوان «نگرش مردم به وضعیت اقتصادی کشور: مقایسه پنج موج از آبان ۱۴۰۰ تا آبان ۱۴۰۱» انجام داده است که تصور مردم از وضعیت کنونی و آینده اقتصاد کشور را نشان می‌دهد.



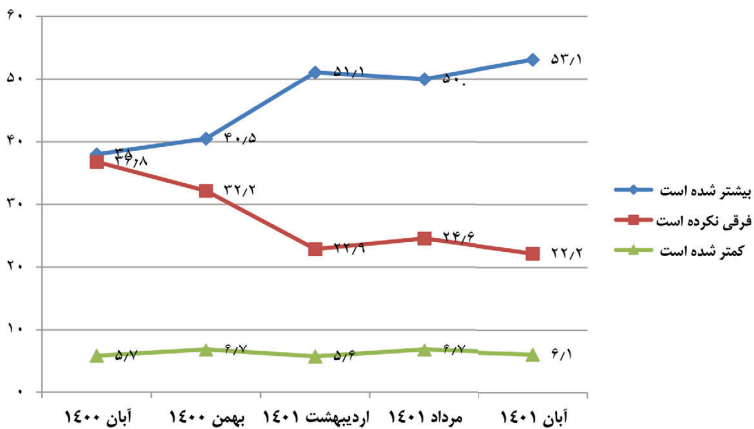
نمودار ۱۱: به نظر شما وضعیت کلی اقتصاد کشور نسبت به سه ماه گذشته چه تغییری کرده است؟

نمودار ۱۱ نشان می‌دهد که در گزینه بدتر شده وضعیت اقتصادی، دیدگاه پاسخگویان از آبان تا بهمن ۱۴۰۰ تغییر محسوسی نکرده است. در اردیبهشت ۱۴۰۱ جهش کرده است و از اردیبهشت ۱۴۰۱ به بعد روند نزولی داشته است.

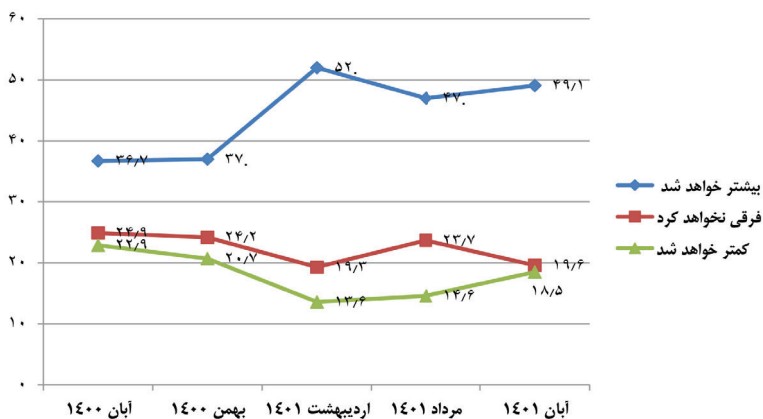


نمودار ۱۲: به نظر شما وضعیت کلی اقتصادی تا سه ماه آینده چه تغییری خواهد کرد؟

وضعیت کلی اقتصاد کشور تا سه ماه آینده: دیدگاه مردم در مورد بدتر شدن اقتصاد کشور در سه ماه آینده، از آبان تا بهمن ۱۴۰۰ تغییر محسوسی نکرده است. در اردیبهشت ۱۴۰۱ جهش کرده است و بعد از آن روند نزولی داشته است. در آبان ۱۴۰۱ نسبت به مرداد ۱۴۰۱ تغییر محسوسی نکرده است. خوش بینی به بهبود وضعیت کلی اقتصاد در سه ماه آینده نسبت به ابتدای سال ۱۴۰۱ اندکی رشد کرده است.

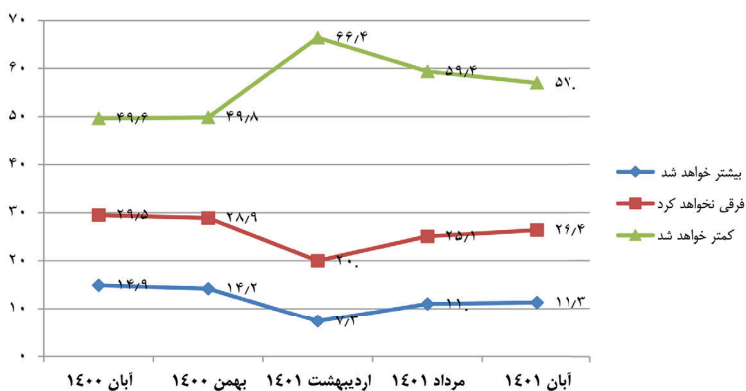


نمودار ۱۳: به نظر شما تعداد افراد بیکار در کشور به نسبت سه ماه گذشته چه تغییری کرده است؟
 نمودار ۱۳ نشان می‌دهد که دیدگاه مردم دربارهٔ بیشتر شدن تعداد افراد بیکار به نسبت سه ماه گذشته از آبان ۱۴۰۰ تا اردیبهشت ۱۴۰۱ افزایش یافته است و از اردیبهشت ۱۴۰۱ به بعد تغییر محسوسی نکرده است.

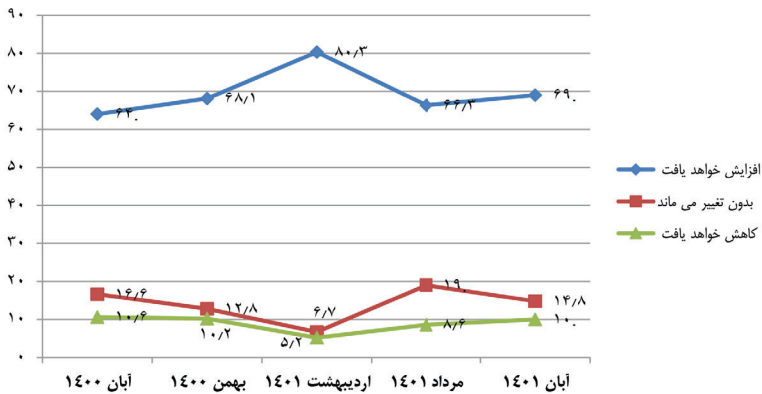


نمودار ۱۴: به نظر شما تعداد افراد بیکار کشور تا سه ماه آینده چه تغییری خواهد کرد؟

آمار نمودار ۱۴ نشان می‌دهد که دیدگاه مردم دربارهٔ افزایش تعداد بیکاران در سه ماه آینده از آبان تا بهمن ۱۴۰۰ تغییر محسوسی نکرده است. در اردیبهشت جهش کرده است. از اردیبهشت ۱۴۰۱ به بعد، تغییرات کم‌وبیش به هم نزدیک شده است. خوش‌بینی مردم به کاهش تعداد بیکاران در سه ماه آینده نسبت به ابتدای سال ۱۴۰۱ کمی رشد کرده است.

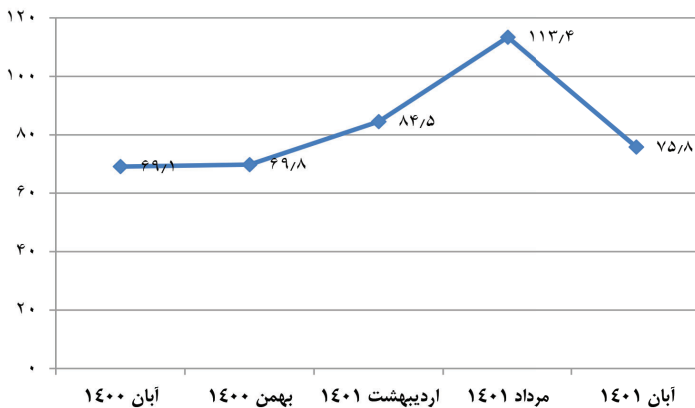


نمودار ۱۵: قدرت خرید مردم تا سه ماه آینده چه تغییری خواهد کرد؟



نمودار ۱۶: به نظر شما کل قیمت‌ها در سه ماه آینده چه تغییری خواهد کرد؟

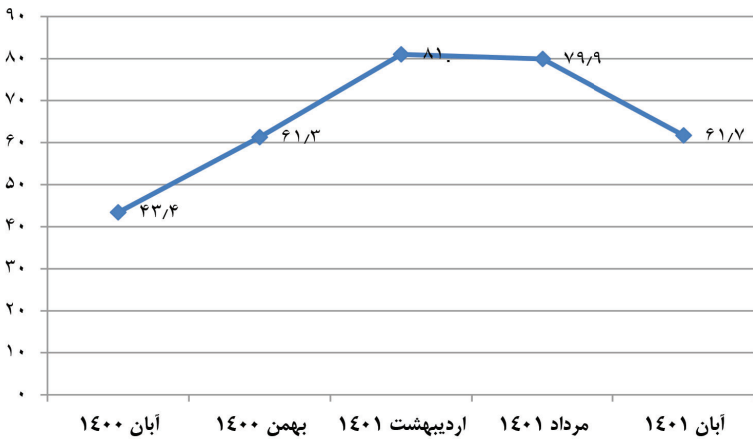
دیدگاه مردم درباره افزایش کلی قیمت‌ها در سه ماه آینده از آبان ۱۴۰۰ تا اردیبهشت ۱۴۰۱ جهت زیادی داشته است. در مرداد ۱۴۰۱ کاهش قابل توجهی داشته است و در آبان ۱۴۰۱ به نسبت مرداد ۱۴۰۱ تغییر محسوسی نکرده است.



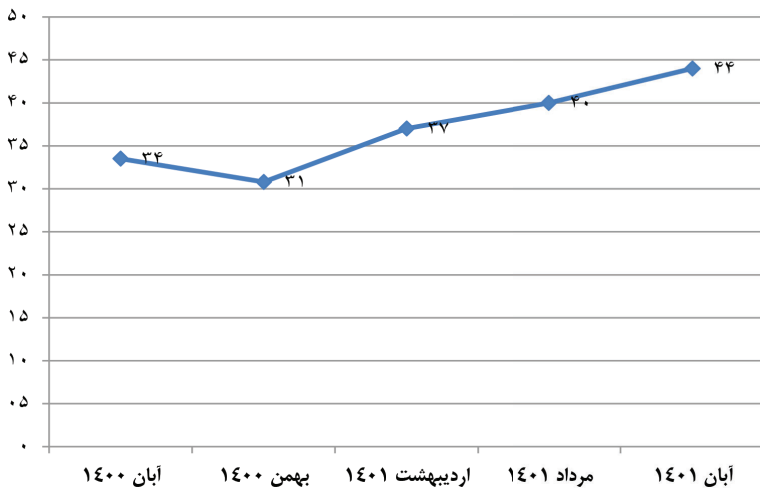
نمودار ۱۷: توزیع پاسخگویان به نسبت ادراک آن‌ها از افزایش نرخ تورم نسبت به یک سال گذشته

در مورد نمودار ۱۷، نکته‌ای را می‌توان مطرح کرد. در حالی که در

تایستان سال قبل، تورم اعلام شده توسط مرکز آمار و بانک مرکزی ۴۵/۸ و مرکز آمار ۵۱/۱ اعلام شده است، تورمی که مردم احساس کرده‌اند، ۱۱۳ درصد بوده است.



نمودار ۱۸: توزیع افراد بر اساس ادراک آنها از افزایش نرخ تورم



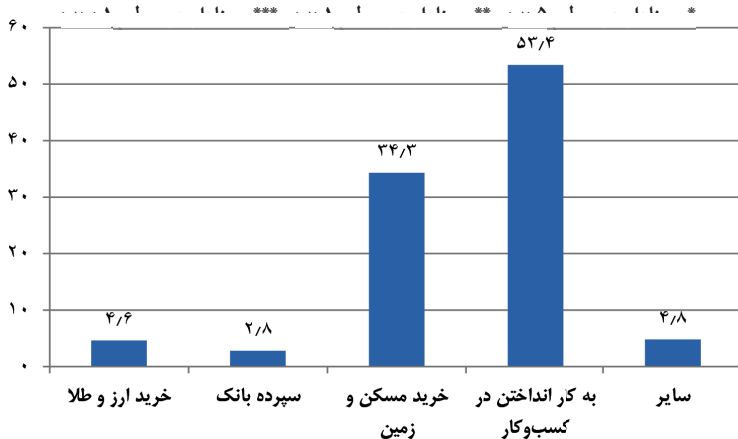
نمودار ۱۹: به نظر شما افزایش قیمت دلار تا یک سال آینده چقدر خواهد بود؟ (درصد)

یکی دیگر از موضوعاتی که تصور افراد از وضعیت کلان اقتصادی را نشان می‌دهد، «شیوه سرمایه‌گذاری» افراد برای کسب سود یا حفظ ارزش پول است. در پیمایش نگرش‌های اقتصادی ایرانیان (۱۳۹۹)، از افراد خواسته شد مطمئن‌ترین راه سرمایه‌گذاری از بین چهار گزینه اصلی خرید ارز و طلا، سپرده بانکی، خرید مسکن و زمین و به کار انداختن سرمایه در کسب و کار را انتخاب کنند. گزینه «سایر» هم اضافه شده است تا سایر روش‌های ممکن برای سرمایه‌گذاری را پوشش دهد. نتایج در جدول ۱۵ آمده است.

جدول ۱۶: به نظر شما در شرایط امروز کشور از بین مواردی که می‌خوانم مطمئن‌ترین راه سرمایه‌گذاری کدام است؟

معناداری تفاوت ^۱	سایر	به کار انداختن در کسب و کار	خرید مسکن و زمین	سپرده بانکی	خرید ارز و طلا	گروه‌ها	متغیر
	۴/۸	۵۳/۴	۳۴/۳	۲/۸	۴/۶	کل جمعیت	کل
	۶/۹	۴۸/۱	۳۶/۵	۲/۲	۶/۲	کل تهران	تهران
**	۶/۸	۴۰/۶	۴۳	۱/۴	۸/۲	شمال تهران	
	۷/۱	۵۵/۵	۳۰/۳	۲/۸	۴/۳	جنوب تهران	
***	۵/۰	۴۹/۱	۳۶/۶	۳/۵	۵/۸	زن	جنسیت
	۴/۷	۵۷/۶	۳۲/۰	۲/۳	۳/۴	مرد	
***	۳/۵	۵۰/۵	۳۸/۵	۱/۳	۶/۲	۱۸ تا ۳۵ سال	سن
	۴/۹	۵۴/۲	۳۳/۲	۳/۷	۴/۰	۳۶ تا ۵۵ سال	
	۸/۶	۵۸/۶	۲۵/۶	۵/۲	۱/۹	۵۵ سال و بالاتر	
*	۴/۲	۵۰/۹	۳۸/۰	۲/۰	۴/۹	تحصیلات عالی	تحصیلات
	۵/۲	۵۵/۲	۳۱/۹	۳/۴	۴/۳	دیپلم و کمتر	
**	۴/۲	۵۷/۶	۳۰/۸	۳/۲	۴/۳	۱ میلیون تومان و کمتر	سرانه درآمد خانوار
	۳/۵	۵۴/۳	۳۵/۱	۲/۵	۴/۶	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	
	۳/۹	۴۷/۰	۴۰/۲	۲/۷	۶/۳	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	

متغیر	گروه‌ها	خرید ارز و طلا	سپرده بانک	خرید مسکن و زمین	به کار انداختن در کسب و کار	سایر	معناداری تفاوت ^۱
سراانه هزینه خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۴/۳	۴/۳	۲۸/۸	۵۸/۰	۴/۶	**
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۵/۵	۱/۴	۳۵/۴	۵۴/۲	۳/۵	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۵/۱	۲/۷	۴۱/۴	۴۷/۰	۳/۸	
وضع فعالیت	فعال	۴/۶	۲/۱	۳۴/۰	۵۴/۵	۴/۷	-
	غیرفعال	۴/۶	۳/۶	۳۴/۸	۵۲/۰	۵/۰	
وضع اشتغال	بخش دولتی	۴/۹	۲/۲	۳۳/۰	۵۷/۱	۲/۷	-
	بخش خصوصی	۴/۶	۲/۰	۳۵/۴	۵۳/۳	۴/۷	
محل سکونت	شهری	۴/۹	۲/۸	۳۵/۶	۵۱/۸	۵/۰	-
	روستایی	۴/۱	۳/۰	۳۰/۷	۵۷/۸	۴/۴	
پنداشت طبقاتی	بالا و متوسط روبه بالا	۴/۱	۲/۹	۳۹/۴	۵۰/۸	۲/۸	-
	متوسط روبه پایین	۴/۸	۲/۷	۳۲/۷	۵۴/۰	۵/۸	
	پایین	۵/۲	۲/۹	۳۲/۱	۵۵/۰	۴/۸	



نمودار ۲۰: مطمئن‌ترین راه سرمایه‌گذاری کدام است؟

نتایج نشان می‌دهد که بیش از ۵۰ درصد از پاسخگویان، به کار انداختن سرمایه در کسب‌وکار را مطمئن‌ترین شیوه سرمایه‌گذاری می‌دانند. افراد با تحصیلات پایین‌تر، سرانه درآمد و هزینه کمتر، بیش از دیگران کسب‌وکار را مطمئن‌ترین شیوه سرمایه‌گذاری دانسته‌اند. در پهنه شمال تهران ۴۳ درصد از پاسخگویان خرید زمین و مسکن را مطمئن‌ترین شیوه سرمایه‌گذاری می‌دانند، در حالی که در جنوب تهران ۳۰ درصد زمین و مسکن را ترجیح می‌دهند. این یافته با واقعیت رفتار اقتصادی مردم منطبق به نظر نمی‌رسد و مثلاً خرید طلا یا ارز احتمالاً بیشتر از آنچه در اینجا اظهار شده در زندگی روزمره مردم رایج است؛ ضمن این که فرصت به کار انداختن سرمایه شخصی در کسب‌وکار برای بسیاری از افراد از اساس میسر نیست. بررسی فرایند پرسش و پاسخ در طول اجرای پیمایش نشان می‌دهد که در ذهن شماری از پاسخگویان عبارت «مطمئن‌ترین شیوه سرمایه‌گذاری» معنایی هنجاری یافته است و آنان این عبارت را به معنای «درست‌ترین شیوه» از حیث اخلاقی تفسیر کرده‌اند.

اعتماد اقتصادی

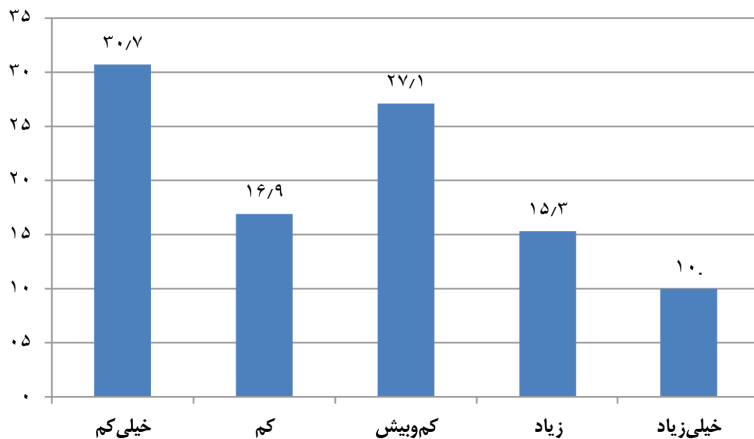
بی‌اعتمادی نظام‌مند در عرصه اقتصاد می‌تواند یک نظام اقتصادی را زمین‌گیر کند. به همین دلیل درباره اهمیت اعتماد در سپهر اقتصاد به‌عنوان یکی از پیش‌شرط‌های عملکرد درست بازار و در نتیجه توسعه اقتصادی بسیار سخن گفته شده است. اعتماد یکی از مؤلفه‌های مهم نگرش‌های اقتصادی به حساب می‌آید. در پیمایش نگرش‌های اقتصادی ایرانیان پرسیده شده است: «به نظر شما، مردم چقدر برای شراکت در کار اقتصادی قابل اعتمادند؟» پاسخگویان در یک طیف پنج‌تایی لیکرت از «خیلی کم» تا «خیلی زیاد» به این سؤال پاسخ داده‌اند. فراوانی پاسخ افراد به این سؤال در جدول ۱۷ آمده است.

جدول ۱۷: به نظر شما، مردم چقدر برای شراکت در کار اقتصادی قابل اعتمادند؟

متغیر	گروه‌ها	خیلی کم	کم	کم و بیش	زیاد	خیلی زیاد	معناداری تفاوت ^۱
کل	کل جمعیت	۳۰/۷	۱۶/۹	۲۷/۱	۱۵/۳	۱۰/۰	
		۴۷/۶		۲۷/۱	۲۵/۳		
تهران	کل تهران	۳۳/۷	۱۷/۵	۲۵/۱	۱۲/۱	۱۱/۵	
	شمال تهران	۳۶/۳	۱۷/۹	۲۵	۹/۴	۱۱/۳	-
	جنوب تهران	۳۰/۴	۱۷/۴	۲۵/۶	۱۵	۱۱/۶	
جنسیت	زن	۳۲/۰	۱۸/۷	۲۹/۴	۱۲/۷	۷/۲	***
	مرد	۲۹/۴	۱۵/۱	۲۴/۹	۱۷/۸	۱۲/۸	
سن	۱۸ تا ۳۵ سال	۲۸/۵	۱۹/۷	۲۸/۸	۱۴/۲	۸/۹	-
	۳۶ تا ۵۵ سال	۳۰/۳	۱۶/۰	۲۶/۱	۱۷/۰	۱۰/۶	
	۵۵ سال و بالاتر	۳۷/۴	۱۱/۴	۲۵/۴	۱۴/۱	۱۱/۷	
تحصیلات	تحصیلات عالی	۲۷/۰	۱۵/۴	۲۷/۶	۱۸/۵	۱۱/۵	***
	دیپلم و کمتر	۳۳/۰	۱۷/۶	۲۶/۹	۱۳/۲	۹/۲	
سرانه درآمد خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۳۱/۷	۱۶/۴	۲۸/۴	۱۵/۱	۸/۴	-
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۲۹/۲	۱۷/۷	۲۶/۰	۱۴/۶	۱۲/۵	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۳۲/۳	۱۵/۹	۲۶/۳	۱۵/۲	۱۰/۴	
سرانه هزینه خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۳۱/۲	۱۵/۵	۲۸/۰	۱۵/۵	۹/۹	-
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۲۸/۰	۱۸/۴	۲۷/۲	۱۶/۲	۱۰/۲	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۳۴/۲	۱۵/۴	۲۶/۲	۱۳/۱	۱۱/۰	
وضع فعالیت	فعال	۲۹/۵	۱۴/۹	۲۵/۹	۱۷/۵	۱۲/۳	***
	غیرفعال	۳۲/۱	۱۹/۱	۲۸/۵	۱۲/۸	۷/۵	
وضع اشتغال	بخش دولتی	۲۳/۱	۱۲/۱	۳۱/۹	۱۵/۹	۱۷/۰	*
	بخش خصوصی	۳۰/۶	۱۵/۸	۲۴/۳	۱۷/۹	۱۱/۵	

متغیر	گروه‌ها	خیلی کم	کم	کم و بیش	زیاد	خیلی زیاد	معناداری تفاوت ^۱
محل سکونت	شهری	۳۱/۱	۱۷/۵	۲۷/۲	۱۴/۴	۹/۹	-
	روستایی	۲۹/۵	۱۵/۱	۲۷/۰	۱۷/۹	۱۰/۵	
پنداشت طبقاتی	بالا و متوسط روبه بالا	۲۴/۲	۱۷/۵	۳۱/۷	۱۷/۷	۸/۹	**
	متوسط روبه پایین	۳۰/۸	۱۷/۴	۲۶/۳	۱۵/۱	۱۰/۴	
	پایین	۳۵/۹	۱۵/۶	۲۴/۸	۱۳/۸	۹/۹	

^۱ * معنادار در سطح ۰/۰۵، ** معنادار در سطح ۰/۰۱، *** معنادار در سطح ۰/۰۰۱



نمودار ۲۱: به نظر شما، مردم چقدر برای شراکت در کار اقتصادی قابل اعتمادند؟

تقریباً حدود نیمی از پاسخگویان اعتماد خود به دیگران برای شراکت اقتصادی را کم اعلام کرده‌اند. در مقابل، یک‌چهارم افراد نیز اعتمادشان به دیگران زیاد است. افراد با تحصیلات پایین‌تر و پنداشت طبقاتی پایین‌تر، میزان اعتماد کمتری ابراز کرده‌اند. کسانی که در بخش خصوصی شاغل‌اند و احتمالاً اعتماد نقش مهم‌تری در فعالیت آن‌ها دارد، اعتماد عمومی کمتری نسبت به شاغلان بخش دولتی ابراز کرده‌اند.

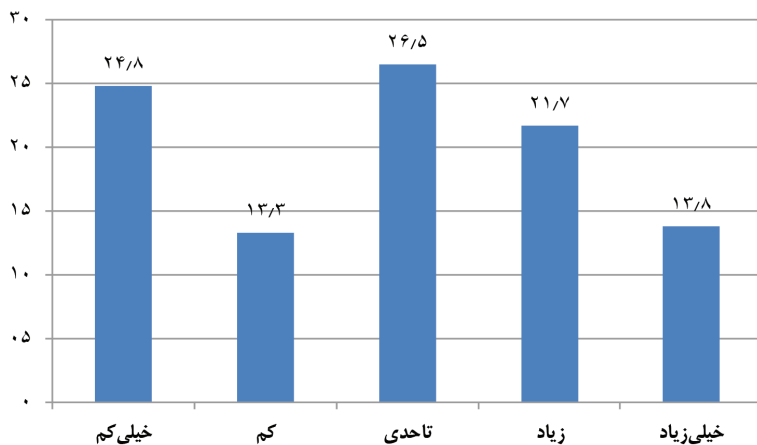
اعتماد به نهادهای اقتصادی یکی دیگر از مؤلفه‌های اعتماد است. در میان نهادهای اقتصادی، بانک یکی از عمومی‌ترین‌هاست و می‌تواند معیاری برای ارزیابی میزان اعتماد مردم به نهادهای اقتصادی باشد: «چقدر به بانک‌های کشور برای سپرده‌گذاری اعتماد دارید؟ یعنی چقدر مطمئن هستید هر وقت بخواهید می‌توانید سپرده را از بانک بیرون بکشید؟» پاسخگویان در یک طیف پنج‌تایی لیکرت از «خیلی کم» تا «خیلی زیاد» به این سؤال جواب داده‌اند. نتایج در جدول ۱۸ آمده است.

جدول ۱۸: چقدر به بانک‌های کشور برای سپرده‌گذاری اعتماد دارید؟

متغیر	گروه‌ها	خیلی کم	کم	تا حدی	زیاد	خیلی زیاد	معناداری تفاوت ^۱
کل	کل جمعیت	۲۴/۸	۱۳/۳	۲۶/۵	۲۱/۷	۱۳/۸	
		۳۸/۱		۲۶/۵		۳۵/۵	
تهران	کل تهران	۲۹/۴	۱۳/۶	۲۷/۶	۲۱	۸/۴	
	شمال تهران	۲۷/۴	۱۴/۴	۲۷/۴	۲۰/۹	۹/۸	-
	جنوب تهران	۳۰/۹	۱۲/۷	۲۷/۹	۲۱/۶	۶/۹	
جنسیت	زن	۲۰/۱	۱۳/۴	۲۸/۷	۲۴/۶	۱۳/۱	***
	مرد	۲۹/۲	۱۳/۱	۲۴/۳	۱۸/۹	۱۴/۵	
سن	۱۸ تا ۳۵ سال	۲۵/۰	۱۳/۱	۲۸/۵	۲۲/۰	۱۱/۳	-
	۳۶ تا ۵۵ سال	۲۴/۸	۱۲/۷	۲۶/۷	۲۰/۸	۱۵/۰	
	۵۵ سال و بالاتر	۲۳/۸	۱۴/۹	۲۰/۱	۲۳/۸	۱۷/۴	
تحصیلات	تحصیلات عالی	۲۶/۲	۱۳/۵	۲۶/۹	۲۱/۸	۱۱/۶	*
	دیپلم و کمتر	۲۳/۶	۱۳/۲	۲۶/۲	۲۲/۰	۱۴/۹	
سرانه درآمد خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۲۳/۰	۱۴/۷	۲۸/۲	۲۰/۰	۱۴/۱	**
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۲۵/۵	۱۲/۶	۲۴/۰	۲۶/۵	۱۱/۴	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۳۱/۸	۱۳/۴	۲۵/۸	۱۹/۴	۹/۶	

متغیر	گروه‌ها	خیلی کم	کم	تا حدی	زیاد	خیلی زیاد	معناداری تفاوت ^۱
سرنانه هزینه خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۲۱/۴	۱۴/۴	۲۷/۵	۲۰/۹	۱۵/۹	**
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۲۵/۸	۱۲/۳	۲۷/۰	۲۳/۴	۱۱/۵	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۲۹/۸	۱۵/۵	۲۳/۷	۲۰/۱	۱۰/۹	
وضع فعالیت	فعال	۲۸/۰	۱۲/۸	۲۶/۴	۱۹/۴	۱۳/۴	**
	غیرفعال	۲۱/۴	۱۳/۹	۲۶/۱	۲۴/۲	۱۴/۳	
وضع اشتغال	بخش دولتی	۲۰/۲	۱۰/۴	۲۹/۵	۲۴/۰	۱۵/۸	**
	بخش خصوصی	۳۰/۲	۱۲/۴	۲۶/۱	۱۸/۱	۱۳/۱	
محل سکونت	شهری	۲۶/۱	۱۲/۸	۲۷/۰	۲۱/۳	۱۲/۸	*
	روستایی	۲۰/۹	۱۴/۸	۲۵/۰	۲۲/۸	۱۶/۶	
پنداشت طبقاتی	بالا و متوسط روبه بالا	۲۱/۵	۱۱/۰	۲۵/۶	۲۷/۱	۱۴/۷	*
	متوسط روبه پایین	۲۴/۹	۱۴/۴	۲۸/۶	۲۰/۶	۱۱/۵	
	پایین	۲۷/۵	۱۳/۴	۲۴/۴	۱۸/۹	۱۵/۸	

^۱ * معنادار در سطح ۰/۰۵، ** معنادار در سطح ۰/۰۱، *** معنادار در سطح ۰/۰۰۱



نمودار ۲۲: چقدر به بانک‌های کشور برای سپرده‌گذاری اعتماد دارید؟

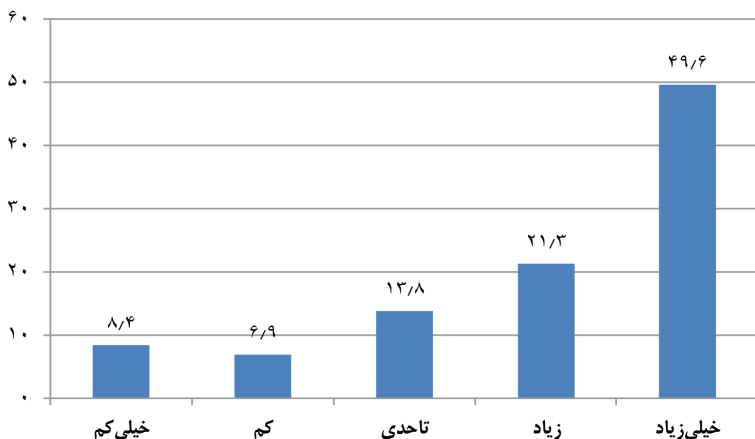
نتایج نشان می‌دهد تقریباً تعداد کسانی که به بانک اعتماد زیادی دارند و آن‌هایی که اعتمادشان را کم اعلام کرده‌اند، برابر است. میزان اعتماد در کل جمعیت بر اساس همه متغیرهای زمینه‌ای مطرح شده معنادار است؛ مردان، شاغلان و کسانی که هزینه و درآمد سرانه بالاتری دارند، بیش از بقیه نسبت به بانک بی‌اعتمادند. در میان شاغلان بخش دولتی و افرادی که خود را متعلق به طبقه بالا و متوسط روبه‌بالا می‌دانند، نسبت کسانی که اعتمادشان به بانک زیاد است به طور معنادار - اما نه چشمگیر - بیشتر از کسانی است که به بانک اعتماد ندارند.

منفعت‌طلبی فردی یکی از مؤلفه‌های مهم در رفتار اقتصادی افراد است. یکی از مؤلفه‌های شناخت ادراک عمومی از فضای اقتصادی و اجتماعی، تصور کنشگران از منطق کنش دیگران خصوصاً از جنبه ترجیح منافع جمعی بر سود شخصی است. در پیمایش سال ۱۳۹۹ از پاسخگویان پرسیده شده است: «چقدر با این حرف موافقید که در جامعه ما بیشتر مردم به دنبال منافع و سود شخصی خودشان هستند و به دیگران فکر نمی‌کنند؟» پاسخگویان در یک طیف پنج‌تایی لیکرت از «خیلی کم» تا «خیلی زیاد» به این سؤال جواب داده‌اند. نتایج در جدول ۱۹ آمده است. جدول ۱۹: چقدر با این حرف موافقید که در جامعه ما بیشتر مردم به دنبال منافع و سود شخصی هستند؟

متغیر	گروه‌ها	خیلی کم	کم	تا حدی زیاد	زیاد	خیلی زیاد	معناداری تفاوت ^۱
کل	کل جمعیت	۸/۴	۶/۹	۱۳/۸	۲۱/۳	۴۹/۶	
		۱۵/۳		۱۳/۸	۷۰/۹		
تهران	کل تهران	۶/۱	۴/۴	۱۳/۹	۲۱/۶	۵۳/۹	
	شمال تهران	۵/۱	۴/۲	۱۵/۷	۲۲/۲	۵۲/۸	-
	جنوب تهران	۷/۱	۴/۷	۱۱/۴	۲۱/۳	۵۵/۵	
جنسیت	زن	۸/۲	۶/۱	۱۳/۹	۲۲/۰	۴۹/۸	-
	مرد	۸/۶	۷/۷	۱۳/۶	۲۰/۷	۴۹/۵	

معناداری تفاوت ^۱	خیلی زیاد	زیاد	تا حدی	کم	خیلی کم	گروه‌ها	متغیر
-	۴۹/۵	۲۰/۹	۱۴/۰	۷/۴	۸/۱	۱۸ تا ۳۵ سال	سن
	۵۰/۵	۲۱/۰	۱۲/۹	۶/۳	۹/۲	۳۶ تا ۵۵ سال	
	۴۷/۹	۲۲/۸	۱۵/۴	۷/۱	۶/۸	۵۵ سال و بالاتر	
-	۴۷/۶	۲۳/۰	۱۵/۹	۶/۶	۷/۰	تحصیلات عالی	تحصیلات
	۵۰/۸	۲۰/۲	۱۲/۷	۷/۰	۹/۳	دیپلم و کمتر	
-	۴۸/۶	۲۱/۲	۱۲/۳	۷/۰	۱۱/۱	۱ میلیون تومان و کمتر	سرانه درآمد خانوار
	۵۰/۱	۲۲/۳	۱۴/۱	۵/۹	۷/۶	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	
	۴۹/۰	۲۳/۸	۱۴/۹	۴/۸	۷/۵	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	
-	۴۸/۶	۲۱/۲	۱۲/۹	۸/۶	۸/۸	۱ میلیون تومان و کمتر	سرانه هزینه خانوار
	۵۱/۵	۲۱/۳	۱۳/۴	۵/۳	۸/۴	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	
	۴۸/۶	۲۳/۳	۱۳/۴	۵/۲	۹/۴	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	
-	۵۰/۴	۲۰/۳	۱۴/۰	۷/۲	۸/۱	فعال	وضع فعالیت
	۴۸/۸	۲۲/۴	۱۳/۷	۶/۶	۸/۵	غیرفعال	
-	۴۸/۶	۲۱/۶	۱۱/۴	۱۱/۴	۷/۰	بخش دولتی	وضع اشتغال
	۵۲/۱	۲۰/۳	۱۳/۸	۵/۷	۸/۱	بخش خصوصی	
**	۵۰/۹	۲۱/۷	۱۳/۷	۶/۱	۷/۶	شهری	محل سکونت
	۴۵/۹	۲۰/۳	۱۴/۰	۹/۲	۱۰/۶	روستایی	
*	۴۵/۴	۲۲/۴	۱۸/۴	۵/۸	۸/۰	بالا و متوسط روبه بالا	پنداشت طبقاتی
	۴۹/۷	۲۰/۹	۱۳/۱	۷/۹	۸/۴	متوسط روبه پایین	
	۵۳/۱	۲۱/۵	۱۰/۵	۶/۴	۸/۵	پایین	

^۱ معنادار در سطح ۰/۰۵، ** معنادار در سطح ۰/۰۱، *** معنادار در سطح ۰/۰۰۱



نمودار ۲۳: چقدر با این حرف موافقید که در جامعه ما بیشتر مردم به دنبال منافع و سود شخصی هستند؟

بیش از ۷۰ درصد موافق این گزاره بوده‌اند و این نظر در میان اغلب گروه‌ها هم تفاوت معناداری نداشته است. فقط شهری‌ها و کسانی که خود را متعلق به پایین می‌دانند، بیش از دیگران مردم را خودخواه می‌دانند. در میان افرادی که هم شهری‌اند و هم خود را متعلق به طبقه پایین می‌دانند، ۷۸ درصد معتقدند که مردم به دنبال منافع و سود شخصی خودشان هستند و به دیگران فکر نمی‌کنند.

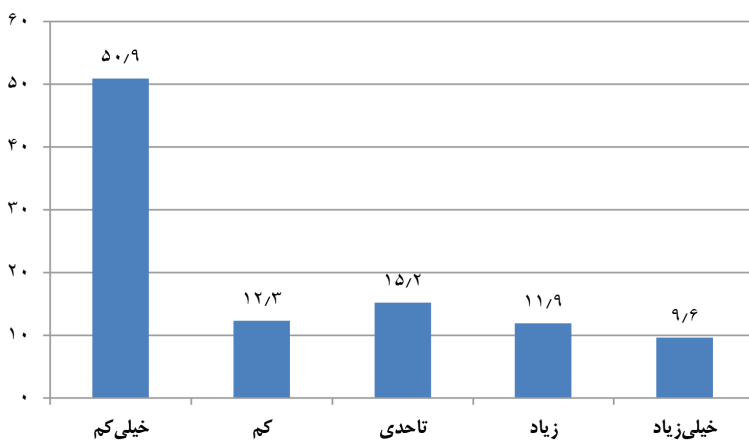
کنش اقتصادی افراد در نسبت با دولت نیز اهمیت زیادی دارد. از خودگذشتگی به نفع دولت (مسئولیت اجتماعی در برابر دولت) نیز می‌تواند مؤلفه مهمی در کنش اقتصادی افراد جامعه باشد. از زمانی که در مرداد ۱۳۹۷ در ترکیه جنبشی مردمی به دعوت رئیس‌جمهور این کشور برای فروش دلار جهت جلوگیری از کاهش نرخ لیر و کمک به دولت به راه افتاد، این بحث در ایران نیز مطرح شد که مردم تا چه اندازه حاضرند چنین شکلی از فداکاری را به نفع دولت انجام دهند. در پیمایش سال ۱۳۹۹ برای سنجش رغبت مردم برای کمک به دولت از طریق فروش دارایی‌های شخصی از افراد پرسیده شده است: «اگر

مسئولان نظام از شما بخواهند که برای کمک به وضعیت کشور ارز و طلاهایتان را به دولت بفروشید، تا چه حد حاضر به این کار هستید؟» پاسخگویان در یک طیف پنج‌تایی لیکرت از «خیلی کم» تا «خیلی زیاد» به این سؤال جواب داده‌اند. فراوانی پاسخ‌ها در جدول ۲۰ آمده است. جدول ۲۰: تا چه حد حاضرید برای کمک به وضعیت کشور ارز و طلاهایتان را به دولت بفروشید؟

متغیر	گروه‌ها	خیلی کم	کم	تا حدی	زیاد	خیلی زیاد	معماداری تفاوت ^۱
کل	کل جمعیت	۵۰/۹	۱۲/۳	۱۵/۲	۱۱/۹	۹/۶	
		۶۳/۲	۱۵/۲	۲۱/۵			
تهران	کل تهران	۶۰/۲	۱۱	۱۱	۱۱/۹	۶	
	شمال تهران	۶۷	۹/۹	۹	۸/۵	۵/۷	**
	جنوب تهران	۵۲/۵	۱۲/۴	۱۳/۴	۱۵/۳	۶/۴	
جنسیت	زن	۵۲/۵	۱۳/۵	۱۵/۴	۱۱/۲	۷/۵	*
	مرد	۴۹/۵	۱۱/۲	۱۵/۰	۱۲/۷	۱۱/۶	
سن	۱۸ تا ۳۵ سال	۵۱/۳	۱۳/۸	۱۵/۷	۱۱/۲	۸/۰	*
	۳۶ تا ۵۵ سال	۵۲/۰	۱۲/۶	۱۴/۱	۱۱/۵	۹/۸	
	۵۵ سال و بالاتر	۴۶/۹	۷/۷	۱۶/۷	۱۵/۴	۱۳/۳	
تحصیلات	تحصیلات عالی	۵۹/۵	۱۲/۰	۱۲/۱	۹/۹	۶/۴	***
	دیپلم و کمتر	۴۵/۳	۱۲/۴	۱۷/۳	۱۳/۵	۱۱/۵	
سرانه درآمد خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۴۲/۳	۱۵/۰	۱۷/۴	۱۳/۴	۱۱/۹	***
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۵۶/۹	۱۲/۴	۱۴/۲	۱۰/۷	۵/۸	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۶۴/۵	۱۰/۹	۱۰/۶	۷/۷	۶/۳	
سرانه هزینه خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۳۹/۶	۱۳/۶	۱۹/۶	۱۴/۵	۱۲/۸	***
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۵۵/۴	۱۳/۰	۱۵/۱	۹/۷	۶/۸	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۶۲/۹	۱۱/۰	۱۰/۱	۸/۶	۷/۴	

معناداری تفاوت ^۱	خیلی زیاد	زیاد	تا حدی	کم	خیلی کم	گروه‌ها	متغیر
-	۱۰/۱	۱۱/۲	۱۳/۸	۱۱/۱	۵۳/۸	فعال	وضع فعالیت
	۹/۱	۱۲/۶	۱۶/۶	۱۳/۶	۴۸/۰	غیرفعال	
*	۶/۶	۷/۲	۱۲/۷	۱۳/۸	۵۹/۷	بخش دولتی	وضع اشتغال
	۱۱/۱	۱۱/۳	۱۳/۳	۹/۶	۵۴/۶	بخش خصوصی	
***	۸/۳	۱۰/۲	۱۴/۹	۱۲/۵	۵۴/۱	شهری	محل سکونت
	۱۳/۵	۱۷/۱	۱۶/۲	۱۱/۸	۴۱/۳	روستایی	
***	۶/۷	۹/۹	۱۶/۱	۱۲/۵	۵۴/۸	بالا و متوسط روبه بالا	پنداشت طبقاتی
	۷/۵	۱۱/۹	۱۵/۱	۱۲/۸	۵۲/۶	متوسط روبه پایین	
	۱۴/۹	۱۳/۸	۱۴/۷	۱۱/۶	۴۵/۰	پایین	

^۱ معنادار در سطح ۰/۰۵، ** معنادار در سطح ۰/۰۱، *** معنادار در سطح ۰/۰۰۱



نمودار ۲۴: تا چه حد حاضرید برای کمک به وضعیت کشور ارز و طلاهایتان را به دولت بفروشید؟
 بیش از ۶۰ درصد پاسخگویان تمایلی به چنین شکلی از همکاری که می‌توان آن را فداکاری به سود دولت نام نهاد، نشان نمی‌دهند و تنها ۲۱ درصد گفته‌اند که حاضرند برای کمک به دولت ارز یا طلاهایشان را

بفروشدند. نکته مهم دیگر این است که تمایل بیشتر برای چنین شکلی از فداکاری اقتصادی در میان کسانی بیشتر است که خود را متعلق به طبقه پایین می‌دانند و درآمد سرانه، هزینه سرانه پایین‌تر و تحصیلات کمتری دارند. در پهنه شمال تهران، ۶۷ درصد از پاسخگویان گزینه «خیلی کم» را انتخاب کرده‌اند که بالاتر از همه گروه‌های دیگر است.

دولت و بخش خصوصی

اقتصاد دولتی یا بخش خصوصی یا ترکیبی از هر دو؟ برخی اقتصاد ایران را اقتصادی دولتی یا شکلی از سرمایه‌داری دولتی می‌دانند؛ اما در مقابل گروهی از اقتصاددانان ضمن آنکه به لحاظ تجربی تمایزهای سیستم اقتصادی ایران را می‌پذیرند، اما در کلیت آن تفاوتی بنیادی با نظام‌های اقتصادی رایج در جهان نمی‌بینند. یکی از مسائلی که این تفاوت دیدگاه را بازتاب می‌دهد، سیاست خصوصی‌سازی است. گروهی از تحلیل‌گران و مسئولان آنچه در ایران رخ داده را خصوصی‌سازی واقعی نمی‌دانند و همچنان به تحقق «خصوصی‌سازی واقعی» چشم دوخته‌اند. اما گروهی دیگر، تمایزی میان خصوصی‌سازی واقعی و غیرواقعی قائل نیستند و منطق هر دو را یکی می‌پندارند؛ انتقال دارایی‌های عمومی به اشخاص، گروه‌ها و نهادهایی خارج از حیطه منافع عمومی و نظارت همگانی. باتوجه به اهمیت نهاد دولت و همچنین مناقشات موجود درباره خصوصی‌سازی، در این بخش پرسش‌هایی درباره این موضوعات پرسیده شده است. در گام اول، باتوجه به وضعیت فعلی اقتصادی کشور (اسفند ۱۳۹۹) این پرسش طرح می‌شود که پاسخگویان علت مشکلات اقتصادی کشور را تا چه اندازه «دولت»، «مردم» یا «فشارهای خارجی» می‌دانند. سپس در دو سؤال به مسئله خصوصی‌سازی پرداخته می‌شود؛ مردم چقدر با «خصوصی‌سازی موجود» موافق‌اند و چقدر از اساس خصوصی‌سازی

را به نفع جامعه می‌دانند. در نهایت در سؤالی دیگر ارزیابی پاسخگویان از میزان مسئولیت دولت در برابر زیان‌دیدگان بورس سؤال شده است که از مهم‌ترین مسائل سال ۱۳۹۹ به شمار می‌رود.

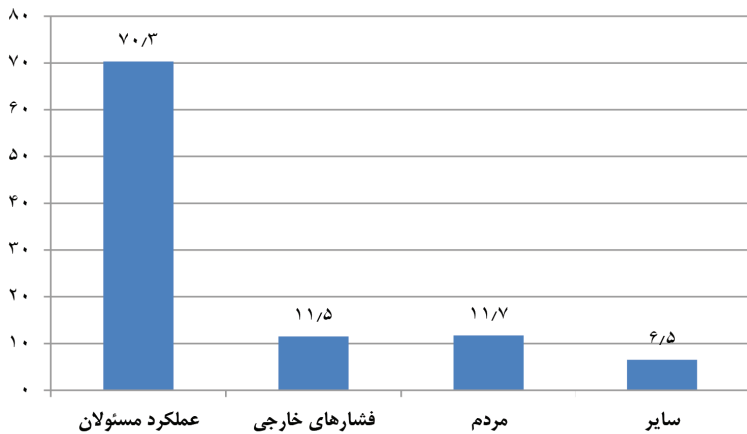
عامل اصلی مشکلات اقتصادی کشور: مردم، مسئولان و قدرت‌های خارجی، سه متهم اصلی مشکلات اقتصادی امروز ایران تصور می‌شوند. در پیمایش نگرش‌های اقتصادی ایرانیان (۱۳۹۹) برای شناخت سهم هر کدام از نگاه افکار عمومی از پاسخگویان سؤال شده است: «اصلی‌ترین عامل مشکلات اقتصادی فعلی را کدام‌یک از مواردی که می‌خوانم می‌دانید؟» توزیع فراوانی پاسخ‌ها در جدول ۲۱ آمده است.

جدول ۲۱: اصلی‌ترین عامل مشکلات اقتصادی فعلی را کدام‌یک از موارد می‌دانید؟

متغیر	گروه‌ها	عملکرد مسئولان	فشارهای خارجی	مردم	سایر	معناداری تفاوت ^۱
کل	کل جمعیت	۷۰/۳	۱۱/۵	۱۱/۷	۶/۵	
تهران	کل تهران	۷۳/۳	۶/۵	۱۰/۸	۹/۳	
	شمال تهران	۷۷/۳	۵/۴	۷/۴	۹/۹	-
	جنوب تهران	۶۸/۸	۷/۸	۱۴/۶	۸/۸	
جنسیت	زن	۶۹/۲	۱۱/۸	۱۲/۸	۶/۲	-
	مرد	۷۱/۳	۱۱/۱	۱۰/۷	۶/۹	
سن	۱۸ تا ۳۵ سال	۷۲/۵	۱۰/۷	۱۱/۶	۵/۲	**
	۳۶ تا ۵۵ سال	۷۰/۵	۱۱/۳	۱۱/۲	۶/۹	
	۵۵ سال و بالاتر	۶۲/۳	۱۳/۹	۱۴/۲	۹/۵	
تحصیلات	تحصیلات عالی	۷۷/۳	۸/۰	۷/۶	۷/۰	***
	دیپلم و کمتر	۶۶/۲	۱۳/۵	۱۴/۳	۶/۰	
سرانه درآمد خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۶۹/۷	۱۳/۴	۱۳/۵	۳/۴	**
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۷۷/۳	۹/۷	۸/۳	۴/۷	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۷۷/۲	۷/۴	۷/۲	۸/۲	

متغیر	گروه‌ها	عملکرد مسئولان	فشارهای خارجی	مردم	سایر	معناداری تفاوت ^۱
سرانه هزینه خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۶۶/۱	۱۳/۹	۱۶/۶	۳/۳	**
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۷۶/۵	۷/۷	۹/۹	۶/۰	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۷۵/۱	۱۱/۱	۶/۸	۷/۰	
وضع فعالیت	فعال	۷۳/۵	۹/۶	۱۰/۴	۶/۶	**
	غیرفعال	۶۶/۸	۱۳/۴	۱۳/۲	۶/۵	
وضع اشتغال	بخش دولتی	۷۹/۴	۶/۷	۷/۲	۶/۷	*
	بخش خصوصی	۷۲/۰	۹/۸	۱۱/۰	۷/۲	
محل سکونت	شهری	۷۲/۷	۱۰/۱	۱۰/۰	۷/۲	**
	روستایی	۶۳/۴	۱۵/۴	۱۶/۸	۴/۴	
پنداشت طبقاتی	بالا و متوسط روبه بالا	۶۸/۴	۱۰/۶	۱۳/۷	۷/۲	-
	متوسط روبه پایین	۷۳/۳	۱۰/۷	۹/۸	۶/۲	
	پایین	۶۷/۵	۱۳/۰	۱۳/۵	۵/۹	

^۱ * معنادار در سطح ۰/۰۵، ** معنادار در سطح ۰/۰۱، *** معنادار در سطح ۰/۰۰۱



نمودار ۲۵: اصلی‌ترین عامل مشکلات اقتصادی فعلی را کدام یک از موارد می‌دانید؟

همان‌طور که دیده می‌شود، ۷۰ درصد مردم عملکرد مسئولان را دلیل اصلی مشکلات اقتصادی کشور می‌دانند. سهم مردم و قدرت‌های خارجی با هم برابر و حدود ۱۲ درصد است. روستاییان، مسن‌ترها، کسانی که تحصیلات کمتری دارند، آن‌ها که سرانه هزینه و درآمدشان پایین‌تر است، کمتر از دیگران دولت را مقصر اصلی می‌دانند؛ گرچه در همه گروه‌ها نسبت کسانی که دولت را مقصر اصلی قلمداد می‌کنند، بیش از ۶۰ درصد است. جنسیت و پنداشت طبقاتی تفاوتی در نگرش به عامل مشکلات اقتصادی کشور ایجاد نمی‌کند. روستاییان بیش از همه گروه‌های دیگر مردم را مقصر مشکلات اقتصادی می‌دانند (۱۶٫۸ درصد). درحالی‌که به نظر می‌رسید افکار عمومی عملکرد مسئولان و فشارهای خارجی را مسبب وضعیت اقتصادی کشور بدانند، این یافته که از دید پاسخگویان خود مردم در وضعیت پدیدآمده حتی بیش از فشارهای خارجی دخیل‌اند، می‌تواند داده قابل توجهی تلقی شود. تفاوت میان ساکنان شمال و جنوب تهران نیز از این نظر جالب است. «شمال شهری‌ها» کمتر از ساکنان جنوب شهر مردم را مقصر می‌دانند. شاید یک علت این است که تبلیغات رسمی درباره نقش محترمان و دلالت در نابسامانی‌های اقتصادی در گروه دوم، پذیرش نسبتاً بیشتری (هرچند همچنان نه‌چندان قابل توجه) یافته است؛ گرچه نمی‌توان مطمئن بود پاسخگویان چه برداشتی از واژه «مردم» در این پرسش دارند، زیرا «سهم مردم در مشکلات اقتصادی» می‌تواند یادآور سودجویی و فرصت‌طلبی بخشی از مردم باشد و یا ناظر به این ایده کلی که به هر حال مردم نیز در پدیدآمدن وضعیت فعلی سهیم‌اند.

خصوصی‌سازی: خصوصی‌سازی یکی از خطی‌های مشی‌های مهم اقتصادی کشور در سه دهه اخیر بوده است. خصوصی‌سازی را به شکل‌های مختلفی می‌توان تفسیر کرد: از «واگذاری اموال دولت به سرمایه‌داران» تا «سپردن اقتصاد به مردم». انبوهی از بحث‌های اقتصادی،

حقوقی و سیاسی درباره خصوصی سازی در سه دهه اخیر مطرح شده است. به رغم انتقادهای نافذ منتقدان، هواداران سیاست خصوصی سازی بر این ایده پافشاری می کنند که مشکل نه در اصل خصوصی سازی بلکه در شیوه اجرای آن در ایران است. آنان دوگانه «خصوصی سازی واقعی» و «خصوصی سازی غیر واقعی» را در عرصه عمومی مطرح کرده اند. (پیمایش نگرش های اقتصادی ایرانیان، ۱۳۹۹).

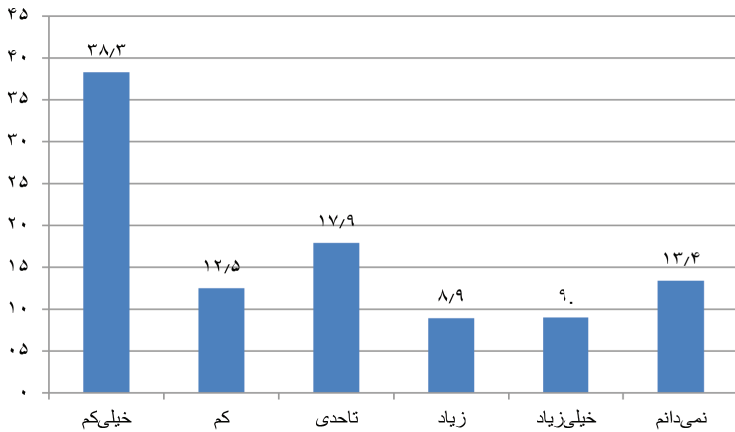
با این اعتبار، نگرش به خصوصی سازی از مهم ترین مؤلفه های نگرش های اقتصادی در ایران است که پیش تر در سایر پیمایش های ملی نیز سنجیده شده است. در پیمایش نگرش های اقتصادی ایرانیان (۱۳۹۹) نگرش به خصوصی سازی در قالب دو سؤال سنجیده شده که اولی از موافقت پاسخگویان با روند خصوصی سازی در ایران می پرسد و دیگری نگرش به اصل خصوصی سازی را می سنجد. ابتدا از پاسخگویان پرسیده شده است: «شما چقدر با خصوصی سازی های انجام شده در ایران یعنی واگذاری شرکت ها و کارخانه های دولتی به بخش خصوصی موافقید؟» پاسخگویان در یک طیف پنج تایی لیکرت از «خیلی کم» تا «خیلی زیاد» به این سؤال جواب داده اند. توزیع فراوانی پاسخ ها در جدول ۲۲ آمده است.

جدول ۲۲: چقدر با خصوصی سازی های انجام شده در ایران موافقید؟

متغیر	گروه ها	خیلی کم	کم	ناحدهی	زیاد	خیلی زیاد	نمی دانم	معناداری تفاوت ^۱
کل	کل جمعیت	۳۸/۳	۱۲/۵	۱۷/۹	۸/۹	۹/۰	۱۳/۴	
		۵۰/۸	۱۷/۹				۱۳/۴	
تهران	کل تهران	۳۶/۸	۱۳/۸	۱۷/۸	۹	۱۱/۳	۱۱/۲	
	شمال تهران	۴۱/۱	۱۰/۷	۱۸/۲	۶/۱	۱۴/۵	۹/۳	-
	جنوب تهران	۳۲/۴	۱۶/۹	۱۷/۸	۱۲/۲	۷/۵	۱۳/۱	
جنسیت	زن	۳۰/۸	۱۴/۴	۲۰/۴	۷/۷	۶/۰	۲۰/۸	***
	مرد	۴۵/۷	۱۰/۷	۱۵/۴	۱۰/۱	۱۲/۰	۶/۰	

معناداری تفاوت ^۱	نمی دانم	خیلی زیاد	زیاد	تا حدی	کم	خیلی کم	گروه‌ها	متغیر
-	۱۱/۶	۹/۸	۸/۵	۲۲/۵	۱۴/۲	۳۳/۴	۱۸ تا ۳۵ سال	سن
	۱۲/۹	۹/۴	۹/۲	۱۴/۸	۱۲/۶	۴۱/۲	۳۶ تا ۵۵ سال	
	۲۰/۰	۶/۲	۹/۱	۱۳/۵	۷/۶	۴۳/۵	۵۵ سال و بالاتر	
***	۸/۲	۹/۹	۱۰/۰	۱۷/۸	۱۳/۰	۴۱/۱	تحصیلات عالی	تحصیلات
	۱۶/۸	۸/۴	۸/۳	۱۷/۷	۱۲/۳	۳۶/۵	دیپلم و کمتر	
-	۱۴/۱	۷/۷	۸/۰	۱۹/۱	۱۴/۷	۳۶/۴	۱ میلیون تومان و کمتر	سراهنه درآمد خانوار
	۸/۴	۱۰/۵	۱۱/۰	۱۸/۵	۱۱/۶	۴۰/۰	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	
	۸/۴	۱۲/۰	۱۰/۵	۱۵/۳	۱۱/۲	۴۲/۶	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	
**	۱۳/۲	۸/۸	۹/۳	۱۸/۴	۱۴/۶	۳۵/۸	۱ میلیون تومان و کمتر	سراهنه هزینه خانوار
	۹/۵	۱۰/۶	۹/۹	۱۸/۵	۱۱/۵	۴۰/۱	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	
	۷/۵	۹/۸	۸/۸	۱۷/۵	۱۲/۵	۴۴/۰	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	
***	۷/۲	۱۲/۳	۱۰/۰	۱۶/۵	۱۱/۲	۴۲/۹	فعال	وضع فعالیت
	۱۹/۷	۵/۷	۷/۹	۱۹/۲	۱۳/۹	۳۳/۵	غیرفعال	
*	۴/۳	۱۰/۸	۹/۷	۱۵/۱	۱۱/۴	۴۸/۶	بخش دولتی	وضع اشتغال
	۷/۸	۱۳/۵	۱۰/۰	۱۶/۷	۱۰/۲	۴۱/۸	بخش خصوصی	
**	۱۱/۳	۹/۲	۸/۸	۱۸/۵	۱۲/۹	۳۹/۴	شهری	محل سکونت
	۱۹/۳	۸/۷	۹/۲	۱۶/۰	۱۱/۳	۳۵/۴	روستایی	
-	۱۱/۱	۱۱/۵	۱۰/۴	۲۴/۰	۱۱/۳	۳۱/۷	بالا و متوسط روبه بالا	پنداشت طبقاتی
	۱۲/۴	۸/۲	۹/۶	۱۶/۴	۱۳/۳	۴۰/۱	متوسط روبه پایین	
	۱۶/۲	۸/۶	۶/۸	۱۵/۲	۱۲/۶	۴۰/۶	پایین	

^۱ * معنادار در سطح ۰/۰۵، ** معنادار در سطح ۰/۰۱، *** معنادار در سطح ۰/۰۰۱



نمودار ۲۶: چقدر با خصوصی سازی های انجام شده در ایران موافقت می کنید؟

بیش از ۵۰ درصد پاسخگویان با خصوصی سازی های انجام شده (خصوصی سازی در عمل) چندان موافق نیستند. با در نظر گرفتن این که ۱۳ درصد هم گزینه «نمی دانم» را انتخاب کرده اند، تعداد کسانی که مخالف اند از مجموع کسانی که موافق اند یا گفته اند تا حدی موافق اند (در جمع ۳۶ درصد) بیشتر است. میزان تحصیلات با نگرش به خصوصی سازی های انجام شده رابطه مستقیم دارد و پاسخگویان با تحصیلات عالی بیش از دیگران با این روند موافق اند. افراد با تحصیلات دیپلم و کمتر تقریباً دوبرابر افراد دارای تحصیلات عالی، گزینه «نمی دانم» را انتخاب کرده اند. مردان و شاغلان بخش دولتی کمتر از دیگران با خصوصی سازی های انجام شده موافق اند، اما پنداشت طبقاتی تفاوتی در نگرش به این موضوع ایجاد نمی کند. صرف نظر از این که یک فرد با خصوصی سازی های انجام شده موافق باشد یا نه نگرش به اصل خصوصی سازی مقوله ای مجزاست. برخی ممکن است خصوصی سازی را فی نفسه امری مطلوب بشمارند، اما با شیوه اجرای آن در ایران مخالف باشند. در پیمایش نگرش های

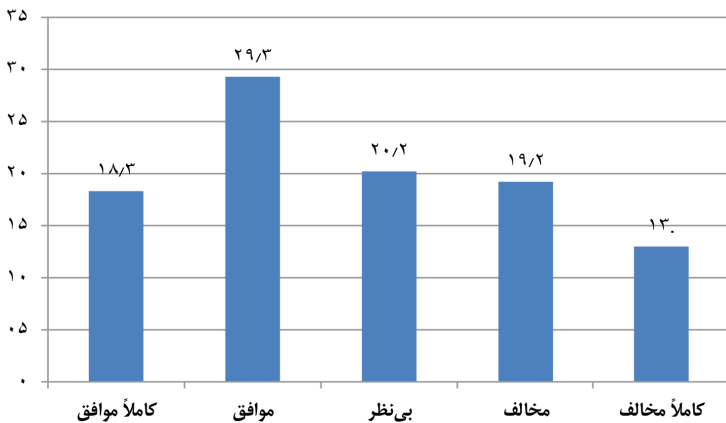
اقتصادی ایرانیان (۱۳۹۹) در سؤالی دیگر از میزان موافقت با اصل ایده خصوصی سازی پرسیده شده است: «برخی می گویند که خصوصی سازی در اصل به نفع اقتصاد کشور است، ولی در ایران بد اجرا شده. برخی هم معتقدند خصوصی سازی از اساس به ضرر مردم است. شما با اصل خصوصی سازی چقدر موافقت می کنید؟» نتایج در جدول ۲۳ آمده است.

جدول ۲۳: شما با اصل خصوصی سازی چقدر موافقت می کنید؟

متغیر	گروهها	کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف	معناداری تفاوت ^۱
کل	کل جمعیت	۱۸/۳	۲۹/۳	۲۰/۲	۱۹/۲	۱۳/۰	
		۴۷/۶	۲۰/۲		۳۲/۲		
تهران	کل تهران	۲۵/۷	۳۱	۱۵/۳	۱۷/۹	۱۰/۲	
	شمال تهران	۳۰/۱	۳۳/۸	۱۳/۴	۱۳/۴	۹/۳	**
	جنوب تهران	۲۰/۷	۲۸/۴	۱۷/۳	۲۲/۶	۱۱/۱	
جنسیت	زن	۱۲/۷	۲۶/۲	۳۰/۰	۱۹/۸	۱۱/۳	***
	مرد	۲۳/۸	۳۲/۲	۱۰/۶	۱۸/۷	۱۴/۶	
سن	۱۸ تا ۳۵ سال	۱۶/۷	۳۲/۹	۱۹/۶	۱۹/۸	۱۱/۰	
	۳۶ تا ۵۵ سال	۲۱/۴	۲۷/۳	۱۸/۳	۱۸/۱	۱۴/۹	-
	۵۵ سال و بالاتر	۱۴/۸	۲۳/۷	۲۶/۹	۲۱/۰	۱۳/۶	
تحصیلات	تحصیلات عالی	۲۶/۴	۳۴/۲	۱۲/۰	۱۵/۸	۱۱/۶	***
	دیپلم و کمتر	۱۳/۱	۲۶/۱	۲۵/۳	۲۱/۳	۱۴/۱	
سرانه درآمد خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۱۳/۰	۲۶/۳	۲۲/۵	۲۳/۳	۱۴/۹	***
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۲۰/۹	۳۱/۷	۱۷/۱	۱۷/۶	۱۲/۷	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۲۸/۳	۳۳/۱	۱۳/۴	۱۵/۱	۱۰/۱	
سرانه هزینه خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۱۴/۵	۲۷/۶	۲۰/۸	۲۱/۷	۱۵/۵	***
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۲۰/۲	۲۹/۵	۱۸/۶	۱۸/۹	۱۲/۸	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۲۳/۴	۳۴/۷	۱۲/۹	۱۸/۲	۱۰/۹	

متغیر	گروه‌ها	کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف	معناداری تفاوت ^۱
وضع فعالیت	فعال	۲۴/۴	۳۱/۲	۱۲/۶	۱۷/۸	۱۳/۹	***
	غیرفعال	۱۲/۲	۲۷/۳	۲۸/۱	۲۰/۴	۱۲/۱	
وضع اشتغال	بخش دولتی	۳۳/۵	۳۳/۰	۵/۹	۱۵/۱	۱۲/۴	*
	بخش خصوصی	۲۴/۷	۳۲/۲	۱۲/۵	۱۵/۶	۱۵/۰	
محل سکونت	شهری	۲۰/۵	۲۹/۸	۱۸/۵	۱۸/۳	۱۲/۹	***
	روستایی	۱۲/۲	۲۷/۸	۲۵/۲	۲۱/۷	۱۳/۲	
پنداشت طبقاتی	بالا و متوسط روبه بالا	۲۱/۲	۳۲/۷	۱۶/۸	۱۸/۵	۱۰/۹	***
	متوسط روبه پایین	۲۰/۷	۳۰/۳	۱۹/۳	۱۷/۶	۱۲/۰	
	پایین	۱۲/۷	۲۵/۳	۲۳/۷	۲۲/۲	۱۶/۱	

^۱ * معنادار در سطح ۰/۰۵، ** معنادار در سطح ۰/۰۱، *** معنادار در سطح ۰/۰۰۱



نمودار ۲۷: شما با اصل خصوصی سازی چقدر موافقت می‌کنید؟

همان‌طور که در جدول ۲۳ دیده می‌شود، ۴۷ درصد از پاسخگویان خصوصی سازی را مفید می‌دانند و ۳۲ درصد هم نظری برخلاف آن دارند. نگرش به خصوصی سازی در میان گروه‌های مختلف تفاوت معناداری نشان می‌دهد؛ مثلاً در شمال تهران بیش از جنوب تهران

نگرش به خصوصی‌سازی مثبت است. مردان، افراد با تحصیلات عالی، کسانی که سرانه درآمد و هزینه بالاتری دارند، کسانی که به لحاظ اقتصادی فعال هستند، شهری‌ها و آن دسته از پاسخگویان که خود را متعلق به طبقه متوسط و بالا می‌دانند، بیش از دیگران با اصل خصوصی‌سازی موافق‌اند و آن را به نفع جامعه می‌دانند.

اگر هر دو سؤال مربوط به خصوصی‌سازی را در نظر گرفته و کسانی را که گزینه «نمی‌دانم» انتخاب کرده‌اند، خارج کنیم، ۲۷ درصد از پاسخگویان هم با اصل خصوصی‌سازی مخالف‌اند و هم خصوصی‌سازی‌های انجام‌شده را درست نمی‌دانند؛ ۱۷ درصد پاسخگویان نیز هم خصوصی‌سازی را به نفع اقتصاد می‌دانند و هم با خصوصی‌سازی‌های انجام‌شده موافق‌اند؛ ۲۵ درصد از پاسخگویان نیز اگرچه با اصل خصوصی‌سازی موافق‌اند، اما با نحوه اجرای آن در ایران موافق نیستند.

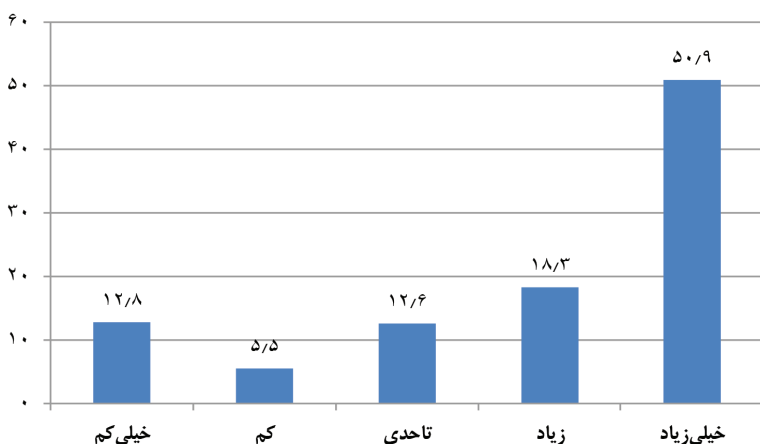
مسئولیت دولت در قبال زیان‌دیدگان بورس: دولت تا چه اندازه در برابر زیان‌دیدگان بورس مسئول است؟ در پیمایش نگرش‌های اقتصادی ایرانیان (۱۳۹۹) برای سنجش نگرش عمومی به این موضوع از پاسخگویان سؤال شد: «به نظر شما دولت تا چه حد در قبال زیان‌دیدگان بورس مسئولیت دارد؟». پاسخگویان در یک طیف پنج‌تایی لیکرت از «خیلی کم» تا «خیلی زیاد» به این سؤال جواب داده‌اند. نتایج در جدول ۲۴ آمده است.

جدول ۲۴: به نظر شما دولت تا چه حد در قبال زیان دیدگان بورس مسئولیت دارد؟

مغایر	گروهها	خیلی کم	کم	تا حدی	زیاد	خیلی زیاد	معناداری تفاوت ۱
کل	کل جمعیت	۱۲/۸	۵/۵	۱۲/۶	۱۸/۳	۵۰/۹	
		۱۸/۳		۱۲/۶	۶۹/۲		
تهران	کل تهران	۱۲/۸	۳/۶	۱۰/۷	۱۶/۶	۵۶/۴	
	شمال تهران	۱۱/۴	۲	۸/۹	۱۳/۹	۶۳/۹	**
	جنوب تهران	۱۴/۳	۵/۳	۱۲/۷	۱۹/۶	۴۸/۱	
جنسیت	زن	۹/۸	۵/۵	۱۳/۰	۲۱/۱	۵۰/۶	-
	مرد	۱۵/۵	۵/۴	۱۲/۳	۱۵/۷	۵۱/۱	
سن	۱۸ تا ۳۵ سال	۱۴/۱	۵/۹	۱۳/۹	۱۷/۷	۴۸/۴	*
	۳۶ تا ۵۵ سال	۱۱/۸	۵/۶	۱۱/۴	۱۸/۱	۵۳/۰	
	۵۵ سال و بالاتر	۱۱/۳	۳/۵	۱۱/۷	۲۰/۶	۵۲/۸	
تحصیلات	تحصیلات عالی	۱۱/۵	۴/۴	۱۱/۵	۱۶/۲	۵۶/۳	**
	دیپلم و کمتر	۱۲/۹	۶/۳	۱۳/۳	۱۹/۸	۴۷/۷	
سرايه درآمد خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۱۱/۷	۶/۸	۱۳/۴	۱۹/۹	۴۸/۲	*
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۱۲/۱	۵/۰	۱۰/۹	۱۹/۶	۵۲/۴	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۱۴/۰	۳/۰	۱۰/۷	۱۴/۰	۵۸/۴	
سرايه هزینه خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۱۲/۰	۸/۲	۱۴/۶	۱۸/۶	۴۶/۵	**
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۱۱/۶	۴/۲	۱۱/۴	۲۰/۵	۵۲/۳	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۱۳/۳	۳/۳	۱۰/۶	۱۵/۵	۵۷/۲	
وضع فعالیت	فعال	۱۵/۲	۵/۰	۱۱/۸	۱۵/۹	۵۲/۱	-
	غیر فعال	۹/۹	۶/۰	۱۳/۴	۲۱/۰	۴۹/۷	
وضع اشتغال	بخش دولتی	۱۲/۴	۷/۳	۸/۴	۱۹/۱	۵۲/۸	-
	بخش خصوصی	۱۵/۸	۳/۴	۱۲/۲	۱۴/۶	۵۴/۰	

معناداری تفاوت ۱	خیلی زیاد	زیاد	تا حدی	کم	خیلی کم	گروه‌ها	متغیر
*	۵۲/۶	۱۷/۹	۱۱/۹	۵/۱	۱۲/۵	شهری	محل سکونت
	۴۵/۷	۱۹/۴	۱۴/۹	۶/۵	۱۳/۵	روستایی	
-	۴۷/۵	۱۷/۴	۱۴/۸	۶/۱	۱۴/۳	بالا و متوسط روبه بالا	پنداشت طبقه‌ای
	۵۲/۱	۱۹/۵	۱۱/۹	۵/۰	۱۱/۵	متوسط روبه پایین	
	۵۲/۲	۱۶/۹	۱۱/۸	۵/۸	۱۳/۳	پایین	

* ۱ معنادار در سطح ۰/۰۵، ** معنادار در سطح ۰/۰۱، *** معنادار در سطح ۰/۰۰۱



نمودار ۲۸: به نظر شما دولت تا چه حد در قبال زیان‌دیدگان بورس مسئولیت دارد؟

مطابق جدول بالا ۶۹ درصد از پاسخگویان دولت را در قبال زیان‌دیدگان بورس مسئول می‌دانند و ۱۸ درصد مسئولیت چندانی را متوجه دولت نمی‌بینند. کسانی که ساکن پهنه شمال تهران هستند، افراد با تحصیلات عالی، کسانی که سرانه هزینه بالاتری دارند و شهرنشینان بیش از دیگران دولت را در این موضوع مسئول می‌دانند. این میزان از مسئولیتی که پاسخگویان برای دولت قائل‌اند، می‌تواند برآمده از این گرایش در افکار عمومی باشد که دولت در همه امور مسئول است و نیز در این نمونه خاص مرتبط با

این واقعیت که مسئولان مردم را به سرمایه‌گذاری در بورس به‌عنوان نوعی سرمایه‌گذاری مطمئن تشویق می‌کردند و بخشی از افکار عمومی نهادهای دولتی و عمومی را در وضعیت پیش‌آمده ذی‌نفع می‌پندارد.

رفاه و خدمات اجتماعی

افزایش رفاه اجتماعی یکی از اهداف عمومی دولت‌ها صرف‌نظر از جهت‌گیری‌های سیاسی است. رفاه اجتماعی گرچه در ابتدا مجموعه‌ای از نیازهای مادی و پایه را در برمی‌گرفت، اما امروز به معنای توجه به دایره وسیع‌تری از نیازهاست که در مجموع شادی و رضایت را برای آحاد جامعه به همراه داشته باشد. در ایران - همچون بسیاری از کشورهای دیگر - از حیث رفاه اجتماعی از دو منظر کاملاً متضاد به دولت نگاه می‌شود؛ از یک‌سو کسانی بر این گمان‌اند که دخالت دولت در حوزه‌های رفاهی نسبتاً گسترده است. به‌زعم آنان، دولت در ایران سخاوتمندانه و با ارائه بی‌قیدوشرط خدمات دست‌کم در برخی بخش‌ها تنها به افزایش انتظارات عمومی و عدم تعادل در اقتصاد دامن زده است. در مقابل، گروهی دیگر بر این باورند که سهم خدمات عمومی پایه از مجموع درآمدهای ملی در ایران نسبت به بسیاری از کشورهای دیگر نازل‌تر است و در نتیجه، تقویت نظام رفاهی برای کاهش فقر و نابرابری ضروری است. مقوله رفاه اجتماعی صرفاً سویه اقتصادی ندارد، بلکه با مفاهیمی مانند همبستگی اجتماعی، نظام حکمرانی و اعتماد اجتماعی پیوند خورده است (نگرش‌های اقتصادی ایرانیان، ۱۳۹۹).

در پیمایش نگرش‌های اقتصادی ایرانیان، ۴۸ درصد از شهروندان مخالف حذف یارانه سوخت و کالاهای اساسی و پرداخت یارانه نقدی به‌جای آن هستند و ۳۹ درصد با آن موافق‌اند. افراد با تحصیلات عالی، شاغلان بخش دولتی و کسانی که سرانه درآمد و هزینه بالاتری دارند و همین‌طور ساکنان شهرها بیشتر با یارانه نقدی مخالف‌اند.

۶۴ درصد از پاسخگویان معتقدند که یارانه نقدی باید صرفاً به اقشار نیازمند اختصاص داده شود. ۲۵ درصد از پاسخگویان موافق حذف یارانه سوخت و کالاهای اساسی و توزیع یارانه نقدی صرفاً در میان اقشار نیازمند هستند. ۱۶ درصد نیز با یارانه نقدی مخالفاند و معتقدند که اگر یارانه نقدی وجود داشته باشد، باید در میان همه مردم تقسیم شود. ۳۱ درصد نیز با حذف یارانه سوخت و کالاهای اساسی مخالفاند، اما اگر یارانه نقدی وجود داشته باشد، ترجیح می‌دهند فقط در میان اقشار فقیر توزیع شود (پیشین).

در پیمایش مرکز افکارسنجی ملت و دفتر مطالعات اجتماعی مرکز وهش‌های مجلس با عنوان «افکارسنجی درباره نگرش مردم به آسیب‌های اجتماعی در کشور» (کشافی نیا، وحید و دیگران، ۱۴۰۰) با نمونه ۱۰۰۰ نفری در سطح کشور، ۷۵/۶ درصد از پاسخگویان معتقد دولت را عامل اصلی برای کاهش حاشیه‌نشینی دانسته‌اند. همچنین، ۵۶ درصد معتقد بوده‌اند که دولت باید مسئله حاشیه‌نشینی را با تأمین زیرساخت‌ها حل و فصل کند. ۳۱/۲ درصد نیز معتقد بوده‌اند که دولت باید خانواده‌های حاشیه‌نشین را کمک معیشتی کند و فقط ۱/۵ درصد معتقد بوده‌اند که دولت اصلاً نباید در این مسئله دخالت کند.

در پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۹۴، از نظر دانشجویان ایرانی دولت با دخالت در اقتصاد باید بیش از هر چیزی دغدغه توزیع منابع و ثروت داشته باشد نه افزایش درآمد ملی. این نگرش نشان می‌دهد که دانشجویان در هر دو سال بر این دیدگاه هستند که درآمدهای کشور ناعادلانه توزیع می‌شود و انحصار ثروت در دست عده‌ای خاص است. مسئله دخالت دولت در توزیع منابع و ثروت در بین دانشجویان در سال ۱۳۸۲ بسیار بااهمیت بوده است، به‌نحوی که بیش از دو سوم (۷۴ درصد) دانشجویان چنین تفکری را دنبال می‌کرده‌اند. به دیگر سخن، نگرش دانشجویان

ابتدای دهه ۱۳۸۰ با نگرش دانشجویان ابتدای دهه ۱۳۹۰ در خصوص اولویت توزیع ثروت بر افزایش درآمد ملی هیچ تفاوتی نکرده است و نزدیک به دو سوم از پاسخ‌گویان در هر دو دهه توزیع عادلانه ثروت را بر رشد درآمد ارجح می‌دانند و معتقدند دولت باید در سیاست‌گذاری و طراحی راهبرد توزیع ثروت فعالانه عمل کند (نوذری، ۱۳۹۹). این سؤال که چه بخش‌هایی باید سهم بیشتری از بودجه سالانه داشته باشند، همیشه مهم و اساسی بوده است. دانشجویان اولویت تخصیص بودجه را در سال ۱۳۸۲ مسکن، آموزش و بهداشت درمان دانسته‌اند و دانشجویان شاغل به تحصیل در سال ۱۳۹۴ نیز معتقدند دولت باید اولویت تخصیص بودجه را بهداشت و درمان، مسکن، کمک به تولید و آموزش در نظر بگیرد. اما پس از جنگ تحمیلی شاهد بوده‌ایم که دولت‌ها سعی کرده‌اند از ارائه خدمات بهداشتی، آموزشی و مسکن بکاهند و آنها را به بخش خصوصی واگذار کنند، افزایش سهم بیمار در درمان، گسترش دانشگاه‌های پولی و دانشجویان شهریه پرداز، افزایش بیمارستان‌های خصوصی، کنار کشیدن دولت از مشارکت جدی در تهیه و تأمین مسکن گروه‌های کم‌درآمد نشان‌دهنده بی‌توجهی دولت‌های پس از جنگ تحمیلی ایران و عراق به وظایف ارائه خدمات اجتماعی است. اما چرا اقتصاد ایران مشکلات متعددی از جمله بیکاری، تورم، رشد اقتصادی پایین و توزیع ناعادلانه ثروت دارد؟ ریشه مشکلات کجاست؟ آیا مسائل اقتصادی ریشه اقتصادی دارند؟ دانشجویان شاغل به تحصیل در ابتدای دهه ۱۳۸۰ و ابتدای دهه ۱۳۹۰ متفق‌القول منشأ مشکلات اقتصادی جامعه را فساد اداری می‌دانند. دانشجویان نابسامانی‌ها و مشکلات اقتصادی را امری فرهنگی نمی‌دانند، از نظر دانشجویان تا زمانی که اراده جدی برای مبارزه با فساد اداری (اختلاس، رشوه، رانت‌خواری افراد و نهادهای خاص، حیف‌ومیل بودجه) وجود نداشته باشد، امیدی به حل مسائل اقتصادی نیست.

دانشجویان اهمیت زیادی به نقش اقتصادی و خدماتی دولت می‌دهند و توقع دارند با سیاست‌گذاری اقتصادی، مسائل اقتصادی کاهش یابد. در این زمینه نگرش دانشجویان از دیدگاه نولیبرال‌ها که معتقدند دولت باید از فعالیت‌های اقتصادی و ارائه خدمات اجتماعی کنار بکشد، دور است. از نظر دانشجویان دولت باید بتواند از سرمایه‌گذاری خارجی بهره لازم را ببرد و توزیع نابرابر ثروت را با تدابیر لازم اصلاح کند و بهداشت، آموزش، مسکن و اشتغال از اولویت‌های تأمین بودجه باشد. اما سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اقتصادی دولت بدون اصلاح سازمان‌ها و نهادهای دولتی و حاکمیتی امکان ندارد.

ارزش‌های اقتصادی

برخی مورخان و مستشرقان ویژگی‌هایی مانند فقدان پشتکار و آینده‌نگری و میل به پیشرفت، دلال‌صفتی و وجدان‌کاری پایین را به ایرانیان نسبت داده‌اند. علاوه بر این، در سال‌های اخیر که مفاهیمی مانند کارآفرینی منزلت خاصی یافته‌اند، اخلاق کارآفرینی و «رقابت‌طلبی» و ریسک‌پذیری و «فرهنگ نوآوری» بر سر زبان‌ها افتاده است. در پیمایش نگرش‌های اقتصادی ایرانیان (۱۳۹۹) به ۶ موضوع اصلی پرداخته شده است. اولی دربارهٔ نظام مالیاتی محدودکنندهٔ ثروت؛ و دومی در باب یکی از بنیادی‌ترین ارزش‌های اقتصادی یعنی انتخاب میان جامعه رقابتی با جامعه برابر. سپس به موضوع سرمایه‌گذاری در ارز و طلا پرداخته شده و از مردم سؤال شده تا چه حد آن را اخلاقی می‌دانند. به موضوع حمایت از تولید ملی نیز پرداخته شده است؛ یکی از پرسش‌های مهم در این بخش، نگرش مردم به شیوه «زندگی لاکچری» و میزان موافقت با آن است.

نظام مالیاتی و مهار ثروت: نگرش به نقش دولت در کنترل نابرابری اقتصادی و بازتوزیع ثروت یکی از موضوعات اصلی در بحث رفاه اجتماعی است. این یکی از دوگانه‌های بنیادین نظریهٔ اقتصادی است:

دولت و یا اساساً کل نظام اجتماعی چقدر مجاز است در اقتصاد مداخله کند؟ بدین سان، به راحتی می‌شد این سؤال را در بخش ارزش‌های اقتصادی و به عنوان مکمل پرسش درباره آزادی و برابری مطرح کرد. اما چون نظام مالیاتی به هر حال به مقوله رفاه اجتماعی مرتبط است برای سنجش نگرش مردم به لزوم مداخله برای کنترل نابرابری این سؤال مطرح شد: «برخی می‌گویند که باید نظام اقتصادی و مالیاتی جوری طراحی شود که ثروت افراد از یک حدی بیشتر نشود، شما چقدر با این نظر موافقت می‌کنید؟» نتایج به دست آمده در جدول ۲۵ دیده می‌شود.

جدول ۲۵: باید نظام اقتصادی و مالیاتی جوری طراحی شود که ثروت افراد از یک حدی بیشتر نشود.

متغیر	گروهها	کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف	معناداری تفاوت ۱
کل	کل جمعیت	۱۷/۸	۳۰/۰	۸/۰	۳۰/۵	۱۳/۸	
		۴۷/۸		۸/۰	۴۴/۳		
تهران	کل تهران	۱۳/۷	۲۸/۱	۸	۳۲/۶	۱۷/۶	
	شمال تهران	۱۴/۴	۲۱/۴	۷/۹	۳۳/۵	۲۲/۸	**
	جنوب تهران	۱۲/۷	۳۵/۴	۸	۳۲/۱	۱۱/۸	
جنسیت	زن	۱۸/۰	۳۲/۷	۱۰/۴	۲۷/۴	۱۱/۵	***
	مرد	۱۷/۶	۲۷/۲	۵/۶	۳۳/۶	۱۶/۰	
سن	۱۸ تا ۳۵ سال	۱۷/۴	۲۹/۶	۶/۳	۳۱/۹	۱۴/۸	*
	۳۶ تا ۵۵ سال	۱۷/۵	۳۰/۶	۸/۳	۲۹/۱	۱۴/۴	
	۵۵ سال و بالاتر	۱۹/۹	۲۹/۵	۱۲/۰	۲۹/۵	۹/۱	
تحصیلات	تحصیلات عالی	۱۸/۸	۲۶/۰	۴/۹	۳۱/۵	۱۸/۹	**
	دیپلم و کمتر	۱۷/۲	۳۲/۶	۹/۹	۲۹/۷	۱۰/۶	
سرانه درآمد خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۲۲/۱	۳۱/۲	۸/۸	۲۸/۶	۹/۳	***
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۱۸/۰	۳۲/۱	۵/۵	۳۰/۸	۱۳/۶	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۱۸/۲	۲۳/۰	۴/۱	۳۷/۳	۱۷/۵	

متغیر	گروه‌ها	کاملاً موافق	موافق بی‌نظر	مخالف	کاملاً مخالف	معناداری تفاوت ۱
سراانه هزینه خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۲۰/۱	۳۲/۹	۹/۷	۲۷/۱	۱۰/۲
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۱۸/۳	۲۹/۵	۶/۶	۳۳/۱	۱۲/۶
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۱۷/۷	۲۵/۴	۵/۲	۳۳/۵	۱۸/۱
وضع فعالیت	فعال	۱۸/۱	۲۷/۵	۵/۸	۳۲/۵	۱۶/۱
	غیرفعال	۱۷/۴	۳۲/۵	۱۰/۳	۲۸/۴	۱۱/۴
وضع اشتغال	بخش دولتی	۲۱/۶	۲۶/۵	۴/۳	۳۰/۳	۱۷/۳
	بخش خصوصی	۱۸/۲	۲۸/۰	۵/۸	۳۱/۵	۱۶/۶
محل سکونت	شهری	۱۸/۶	۲۹/۰	۷/۰	۳۰/۹	۱۴/۶
	روستایی	۱۵/۵	۳۲/۷	۱۱/۰	۲۹/۴	۱۱/۴
پنداشت طبقاتی	بالا و متوسط روبه‌بالا	۱۴/۲	۲۷/۶	۵/۴	۳۳/۶	۱۹/۲
	متوسط روبه‌پایین	۱۷/۸	۳۳/۳	۷/۳	۲۸/۶	۱۲/۹
	پایین	۲۰/۱	۲۷/۳	۱۰/۹	۳۰/۹	۱۰/۷

*۱ معنادار در سطح ۰/۰۵، ** معنادار در سطح ۰/۰۱، *** معنادار در سطح ۰/۰۰۱

موافقان و مخالفان دخالت دولت از طریق مالیات‌ستانی برای کنترل میزان ثروت و مهار نابرابری در کل جمعیت تقریباً برابر هستند و تنها حدود ۴ درصد اختلاف دارند (۴۸ به ۴۴ درصد). در پهنه شمال تهران، مخالفان دخالت دولت ۲۰ درصد بیشتر از موافقان آن هستند، اما در پهنه جنوب موافقان ۴ درصد بیشترند (مشابه کل کشور). هرچه تحصیلات، سرانه هزینه و درآمد خانوار بالاتر باشد، بیشتر احتمال دارد که فرد با دخالت دولت مخالف باشد. کسانی که خود را متعلق به طبقه بالا یا متوسط روبه‌بالا می‌دانند، بیشتر با دخالت دولت مشکل دارند. بنابراین دست کم درباره این سؤال می‌توان محتاطانه چنین نتیجه گرفت: آنها که در نظم اقتصادی - اجتماعی موقعیت بهتری دارند یا دست کم خودشان جایگاه خویش را چنین برآورد می‌کنند، تمایل چندانی به دخالت دولت برای برهم‌زدن مناسبات اقتصادی - اجتماعی نشان نمی‌دهند.

آزادی یا برابری: انتخاب میان بازار آزاد یا دخالت دولت برای بازتوزیع ثروت، یکی از دوگانه‌های مهم سیاستی در اداره کشورها و رقابت‌های سیاسی است. حتی اگر بپذیریم که دیگر هیچ کدام از دو سر این طیف - در یک سو مداخله تام و تمام دولت و در سمت دیگر، بازارسپاری بی‌حد و حصر - تقریباً در هیچ نظام رفاهی، جایی ندارد. باز هم به لحاظ تحلیلی، سنجش نگرش مردم در قبال این دو رویکرد متمایز ضروری است. در ایران هر کدام از این دو نگاه در میان نخبگان، هواداران خود را دارد، اما این موضوع چندان به یک مسئله عمومی بدل نشده است؛ بنابراین، در هیچ کشوری نمی‌توان انتظار داشت که پاسخ‌های مردم به این سؤال، حاصل شناخت دقیق از موضوع و آگاهی از پیامدهای فردی و اجتماعی آن باشد. با این حال، پرسش از این مقوله می‌تواند به درک ما در خصوص نوع نگرش مردم و ذهنیت عمومی کمک کند. در پیمایش نگرش‌های اقتصادی ایرانیان (۱۳۹۹) برای سنجش ترجیح مردم میان این دو رویکرد از آن‌ها سؤال شد: «به نظر شما کدام جامعه بهتر است؛ جامعه‌ای که همه از نظر اقتصادی در یک سطح متوسط شبیه به هم باشند و فقیر و غنی نداشته باشد؛ یا جامعه‌ای که افراد آزاد باشند با هم رقابت کنند و هرکس موفق‌تر بود، بیشتر پول‌دار شود؟» افراد می‌توانستند از میان دو گزینه «جامعه‌ای که افراد از نظر اقتصادی مشابه باشند، بدون فقیر و غنی» و «جامعه رقابتی، ولو با تفاوت در میزان ثروت مردم»، یکی را انتخاب کنند. نتیجه در جدول زیر آمده است: به نظر شما کدام جامعه بهتر است؛ جامعه‌ای که همه از نظر اقتصادی در یک سطح متوسط شبیه به هم باشند و فقیر و غنی نداشته باشد یا جامعه‌ای که افراد آزاد باشند با هم رقابت کنند و هرکس موفق‌تر بود، بیشتر پول‌دار شود؟ (۱ - جامعه‌ای که افراد از نظر اقتصادی مشابه باشند، بدون فقیر و غنی ۲ - جامعه رقابتی، ولو با تفاوت در میزان ثروت مردم)

جدول ۲۶: نگرش پاسخگویان به برابری و رقابت

متغیر	گروه‌ها	برابری	رقابت	نمی‌دانم	معناداری تفاوت ۱
کل	کل جمعیت	۴۷/۳	۴۹/۲	۳/۵	
	کل تهران	۴۷/۶	۴۸/۹	۳/۵	
تهران	شمال تهران	۳۹/۵	۵۹/۱	۱/۴	*
	جنوب تهران	۵۶/۱	۳۸/۳	۵/۶	
جنسیت	زن	۵۷/۳	۳۸/۸	۳/۸	***
	مرد	۳۷/۳	۵۹/۵	۳/۲	
سن	۱۸ تا ۳۵ سال	۴۷/۵	۴۹/۶	۲/۹	-
	۳۶ تا ۵۵ سال	۴۸/۹	۴۷/۵	۳/۷	
	۵۵ سال و بالاتر	۴۲/۵	۵۲/۵	۵/۰	
تحصیلات	تحصیلات عالی	۳۸/۳	۵۹/۸	۲/۰	***
	دیپلم و کمتر	۵۲/۵	۴۳/۱	۴/۴	
سرايه درآمد خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۵۳/۹	۴۲/۶	۳/۶	***
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۴۵/۲	۵۲/۹	۱/۹	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۳۸/۸	۵۸/۱	۳/۱	
سرايه هزینه خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۵۲/۸	۴۳/۱	۴/۰	***
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۴۸/۵	۴۹/۴	۲/۱	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۳۸/۸	۵۸/۹	۲/۳	
وضع فعالیت	فعال	۴۰/۵	۵۶/۴	۳/۲	***
	غیرفعال	۵۴/۲	۴۲/۰	۳/۸	
وضع اشتغال	بخش دولتی	۳۸/۶	۵۹/۸	۱/۶	-
	بخش خصوصی	۳۸/۹	۵۷/۹	۳/۲	
محل سکونت	شهری	۴۵/۸	۵۱/۱	۳/۱	-
	روستایی	۵۱/۵	۴۳/۹	۴/۶	
پنداشت طبقاتی	بالا و متوسط روبه بالا	۳۹/۳	۵۷/۲	۳/۵	***
	متوسط روبه پایین	۴۷/۲	۵۰/۴	۲/۴	
	پایین	۵۴/۱	۴۰/۷	۵/۲	

*۱ معنادار در سطح ۰/۰۵، ** معنادار در سطح ۰/۰۱، *** معنادار در سطح ۰/۰۰۱

نتایج نشان می‌دهد که افکار عمومی در انتخاب میان آزادی و برابری از دو قطب با وزن برابر تشکیل شده است. مردان، تحصیل کرده‌های دانشگاهی، افراد با درآمد و هزینه سرانه بالاتر و کسانی که خود را به طبقه متوسط و بالا متعلق می‌دانند، بیش از دیگران آزادی را به برابری ترجیح می‌دهند. از تقاطع نتایج این سؤال با آنچه قبلاً درباره اخذ مالیات به منظور کنترل ثروت افراد پرسیده شده، نتایج جالبی به دست می‌آید. در میان کسانی که برابری را ترجیح می‌دهند، ۵۶ درصد با دخالت دولت و مالیات گرفتن برای مهار نابرابری موافقاند، اما ۳۶ درصد هم مخالفاند. در مقابل، ۵۳ درصد از طرفداران جامعه رقابتی با مالیات برای مهار نابرابری مخالفاند، اما ۴۰ درصد هم گفته‌اند که موافق دخالت دولت هستند. در نتیجه از ترکیب یافته‌های این دو سؤال می‌توان گفت که ۲۷ درصد از پاسخگویان طرفدار برابری و ۲۶ درصد هوادار جامعه رقابتی هستند. بقیه پاسخگویان در میان این دو سر طیف قرار می‌گیرند.

اگر نگرش به خصوصی‌سازی را هم به دو سؤال بالا اضافه کنیم، می‌توانیم تصویر دقیق‌تری از ترکیب جامعه از نظر نگرش اقتصادی به دست آوریم. در مجموع ۱۴٫۸ درصد از پاسخگویان جامعه رقابتی را ترجیح می‌دهند؛ با مالیات برای کنترل ثروت مخالفاند و خصوصی‌سازی را به نفع جامعه می‌دانند. در مقابل، ۹٫۲ درصد از پاسخگویان، جامعه برابر را ترجیح می‌دهند؛ موافق دریافت مالیات برای مهار نابرابری هستند و با خصوصی‌سازی مخالفاند. بقیه پاسخگویان در میان این دو سر طیف توزیع می‌شوند. در میان ۱۵ درصدی که بر اساس ترکیب نتایج دو پرسش بالا طرفدار مصمم اقتصاد بازار هستند، ۷۰ درصد مرد و ۳۰ درصد زن هستند؛ ۵۸ درصدشان تحصیلات عالی و ۴۲ درصد مدرک دیپلم و پایین‌تر را دارند؛ ۳۷ درصد خود را متعلق به طبقه بالا یا متوسط روبه‌بالا، ۴۴ درصد طبقه متوسط روبه‌پایین و ۱۹ درصد متعلق به طبقه پایین

می‌دانند؛ میانه درآمد سرانه خانوار آن‌ها ۱,۷۵ میلیون تومان و میانه سرانه هزینه ماهانه ۲ میلیون تومان است؛ ۸۲ درصد شهری و ۱۸ درصد روستایی‌اند؛ میانگین سنی این گروه، ۳۸ سال است. در ۹,۲ درصدی که سرسختانه از برابری دفاع می‌کنند، ۵۸ درصد زن و ۴۱ درصد مرد هستند؛ ۷۱ درصد تحصیلاتشان دیپلم و کمتر و ۲۹ درصد تحصیلات دانشگاهی دارند؛ ۷۵ درصد شهری و ۲۵ درصد روستایی‌اند؛ ۲۳ درصد خودشان را متعلق به طبقه بالا و متوسط روبه‌بالا، ۴۳ درصد طبقه متوسط روبه‌پایین و ۳۴ درصد متعلق به طبقه پایین می‌دانند؛ میانه درآمد سرانه این گروه ۱ میلیون تومان و میانه سرانه هزینه آن‌ها ۱,۲۵ میلیون تومان است؛ میانگین سنی این گروه، ۴۰ سال است.

خرید ارز و طلا: یکی از شیوه‌های سرمایه‌گذاری در ایران - چه در میان مردم و چه بنگاه‌های بزرگ اقتصادی خصوصی و عمومی - خرید ارز و طلاست؛ شیوه‌ای که برخی آن را به ضرر منافع عمومی می‌دانند. در پیمایش نگرش‌های اقتصادی ایرانیان (۱۳۹۹) برای شناخت تلقی عمومی از این عمل در سؤالی از افراد پرسیده شد: «به نظر شما در وضعیت فعلی کشور خرید و فروش طلا و ارز با نیت کسب سود تا چه حد اخلاقاً درست است؟» پاسخگویان در یک طیف پنج‌تایی لیکرت از «خیلی کم» تا «خیلی زیاد» به این سؤال جواب داده‌اند. نتایج در جدول ۲۷ آمده است.

جدول ۲۷: به نظر شما در وضعیت فعلی کشور خرید و فروش طلا و ارز با نیت کسب سود تا چه حد اخلاقاً درست است؟

متغیر	گروه‌ها	خیلی کم	کم	تا حدی	زیاد	خیلی زیاد	معناداری تفاوت ۱
کل	کل جمعیت	۵۰/۹	۱۵/۴	۲۰/۴	۷/۴	۵/۹	
		۶۶/۳		۲۰/۴		۱۳/۳	
تهران	کل تهران	۵۳/۲	۱۶	۱۶/۲	۸/۱	۶/۵	
	شمال تهران	۵۳/۶	۱۳	۲۰/۳	۷/۷	۵/۳	-
	جنوب تهران	۵۲/۲	۱۹/۲	۱۲/۳	۸/۹	۷/۴	
جنسیت	زن	۴۸/۴	۱۶/۶	۲۱/۷	۷/۶	۵/۸	-
	مرد	۵۳/۳	۱۴/۳	۱۹/۲	۷/۲	۵/۹	
سن	۱۸ تا ۳۵ سال	۴۴/۰	۱۵/۹	۲۳/۷	۹/۹	۶/۶	***
	۳۶ تا ۵۵ سال	۵۵/۱	۱۴/۶	۱۸/۹	۵/۹	۵/۶	
	۵۵ سال و بالاتر	۵۹/۳	۱۶/۱	۱۵/۸	۴/۷	۴/۱	
تحصیلات	تحصیلات عالی	۴۹/۱	۱۷/۱	۲۱/۲	۸/۱	۴/۵	-
	دیپلم و کمتر	۵۲/۶	۱۴/۵	۱۹/۸	۶/۹	۶/۳	
سراجه درآمد خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۴۹/۹	۱۶/۷	۲۰/۴	۷/۱	۵/۹	-
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۵۳/۵	۱۲/۵	۲۰/۱	۸/۵	۵/۴	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۴۹/۸	۱۶/۰	۲۱/۲	۶/۴	۶/۷	
سراجه هزینه خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۵۲/۰	۱۵/۸	۱۸/۷	۸/۰	۵/۶	-
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۴۸/۴	۱۵/۵	۲۲/۶	۷/۷	۵/۸	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۵۱/۹	۱۶/۴	۱۹/۸	۵/۶	۶/۳	
وضع فعالیت	فعال	۵۱/۷	۱۴/۴	۲۰/۶	۷/۴	۵/۹	-
	غیرفعال	۵۰/۳	۱۶/۴	۲۰/۴	۷/۴	۵/۴	

معناداری تفاوت ۱	خیلی زیاد	زیاد	تا حدی	کم	خیلی کم	گروه‌ها	متغیر
-	۵/۵	۷/۲	۱۵/۵	۱۲/۷	۵۹/۱	بخش دولتی	وضع اشتغال
	۵/۹	۷/۰	۲۱/۵	۱۳/۴	۵۲/۲	بخش خصوصی	
-	۵/۷	۷/۲	۲۰/۰	۱۵/۷	۵۱/۴	شهری	محل سکونت
	۶/۳	۸/۳	۲۱/۶	۱۴/۴	۴۹/۳	روستایی	
-	۵/۸	۹/۱	۲۰/۶	۱۶/۰	۴۸/۵	بالا و متوسط روبه بالا	پنداشت طبقاتی
	۶/۳	۶/۶	۲۰/۲	۱۵/۱	۵۱/۸	متوسط روبه پایین	
	۵/۴	۷/۳	۲۰/۴	۱۵/۵	۵۱/۳	پایین	

*۱ معنادار در سطح ۰/۰۵، ** معنادار در سطح ۰/۰۱، *** معنادار در سطح ۰/۰۰۱

۱۳ درصد از پاسخگویان، خرید طلا و ارز برای سرمایه‌گذاری را اخلاقاً درست می‌پندارند و ۶۶ درصد با آن موافق نیستند. تنها تفاوت معنادار را می‌توان در بین گروه‌های سنی دید؛ جایی که افراد ۵۵ ساله و بالاتر بیشتر از جوانان زیر ۳۵ سال خرید ارز و طلا را غیراخلاقی می‌پندارند. گاهی پرسش‌هایی از این دست با این ایراد روبه‌رو می‌شوند که قیدی مانند «اخلاقاً» پاسخگویان را به پاسخ‌های کلیشه‌ای رهنمون می‌شود و افزون بر این گستره معانی و تفاسیر محتمل از پرسش را چنان وسعت می‌بخشد که تحلیل پاسخ‌ها دشوار می‌شود. با این همه، نزدیک به ۴۰ درصد جمعیت همچنان خرید و فروش طلا و ارز را از حیث اخلاقی نادرست نمی‌شمارند و به درجات مختلف، کم یا زیاد، «اخلاقاً» موجه می‌دانند.

حمایت از تولید داخلی: خرید کالای ایرانی و حمایت از تولید داخل همواره لازمه تقویت صنعت و اقتصاد ملی معرفی می‌شود. در پیمایش نگرش‌های اقتصادی ایرانیان (۱۳۹۹) برای سنجش نگرش پاسخگویان به مقوله حمایت از تولید ملی، از آنان درباره خرید کالای داخلی سؤالی با این صورت‌بندی پرسیده شد: «برخی می‌گویند حتی وقتی توان خرید کالای خارجی داریم، بهتر است برای حمایت از تولید داخلی، کالاهای ایرانی بخریم. شما چقدر با این نظر موافقت می‌کنید؟». باتوجه به

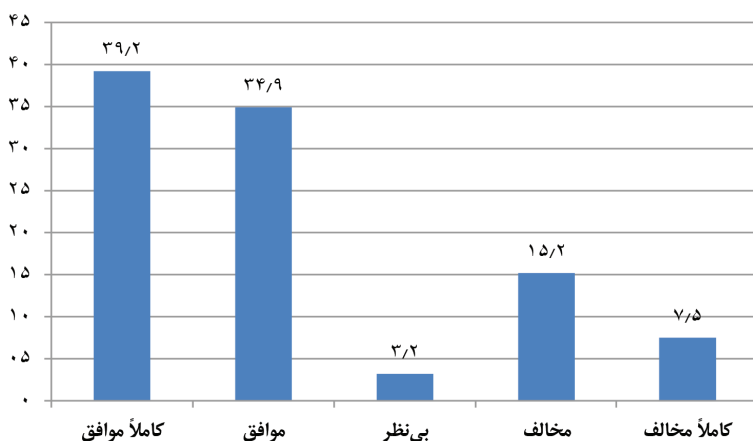
تفاوت قیمت فاحش میان کالای داخلی و خارجی، در بسیاری موارد برای بخشی از مردم عملاً خرید کالای خارجی ممکن نیست و به همین سبب از قید «حتی وقتی توان خرید کالای خارجی داریم» در سؤال استفاده شد. نتایج در جدول زیر آمده است.

جدول ۲۸: توزیع پاسخگویان بر حسب حمایت از کالای داخلی

متغیر	گروه‌ها	کاملاً موافق	موافق	بی‌نظر	مخالف	کاملاً مخالف	معماداری تفاوت ۱
کل	کل جمعیت	۳۹/۲	۳۴/۹	۳/۲	۱۵/۲	۷/۵	
		۷۴/۱		۳/۲		۲۲/۷	
تهران	کل تهران	۲۹/۷	۳۸/۴	۴/۷	۱۶/۱	۱۱	
	شمال تهران	۲۵/۱	۳۹/۱	۴/۲	۱۸/۶	۱۳	*
	جنوب تهران	۳۳/۶	۳۷/۹	۵/۶	۱۴	۸/۹	
جنسیت	زن	۳۷/۱	۳۶/۷	۴/۲	۱۶/۳	۵/۷	
	مرد	۴۱/۲	۳۳/۱	۲/۳	۱۴/۰	۹/۳	-
سن	۱۸ تا ۳۵ سال	۳۵/۳	۳۵/۳	۲/۹	۱۷/۴	۹/۲	
	۳۶ تا ۵۵ سال	۳۹/۲	۳۵/۸	۳/۷	۱۴/۲	۷/۱	***
	۵۵ سال و بالاتر	۵۰/۳	۳۱/۱	۳/۲	۱۱/۰	۴/۴	
تحصیلات	تحصیلات عالی	۳۴/۱	۳۵/۱	۲/۱	۱۸/۳	۱۰/۴	***
	دیپلم و کمتر	۴۲/۳	۳۵/۲	۳/۸	۱۳/۳	۵/۴	
سرانه درآمد خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۴۴/۱	۳۲/۸	۳/۸	۱۴/۴	۵/۰	***
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۳۶/۰	۳۹/۴	۱/۹	۱۵/۵	۷/۲	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۳۴/۲	۳۲/۳	۲/۶	۱۷/۹	۱۲/۹	
سرانه هزینه خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۴۴/۸	۳۲/۶	۳/۹	۱۳/۸	۴/۹	***
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۳۶/۸	۳۷/۸	۲/۹	۱۴/۶	۷/۹	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۳۳/۸	۳۴/۰	۱/۷	۱۹/۲	۱۱/۵	

متغیر	گروه‌ها	کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف	معناداری تفاوت ۱
وضع فعالیت	فعال	۳۶/۸	۳۳/۴	۲/۷	۱۶/۸	۱۰/۲	***
	غیرفعال	۴۱/۴	۳۶/۷	۳/۷	۱۳/۶	۴/۶	
وضع اشتغال	بخش دولتی	۳۹/۵	۳۱/۹	۳/۲	۱۵/۷	۹/۷	-
	بخش خصوصی	۳۵/۴	۳۴/۲	۲/۸	۱۷/۱	۱۰/۴	
محل سکونت	شهری	۳۸/۳	۳۵/۲	۲/۵	۱۵/۴	۸/۷	*
	روستایی	۴۱/۸	۳۴/۱	۵/۱	۱۴/۷	۴/۳	
پنداشت طبقاتی	بالا و متوسط روبه بالا	۳۷/۱	۳۵/۵	۳/۵	۱۵/۳	۸/۷	-
	متوسط روبه پایین	۳۸/۵	۳۷/۲	۲/۶	۱۵/۱	۶/۷	
	پایین	۴۱/۶	۳۱/۷	۳/۹	۱۴/۷	۸/۰	

* ۱ معنادار در سطح ۰/۰۵، ** معنادار در سطح ۰/۰۱، *** معنادار در سطح ۰/۰۰۱



نمودار ۲۹: توزیع پاسخگویان بر حسب حمایت از کالای داخلی

تقریباً سه چهارم پاسخگویان با حمایت از تولید داخل وقتی به صورت عام مطرح می شود موافق اند. نتایج نشان می دهد افراد مسن تر، با تحصیلات کمتر و سرانه هزینه و درآمد پایین تر بیشتر احتمال است

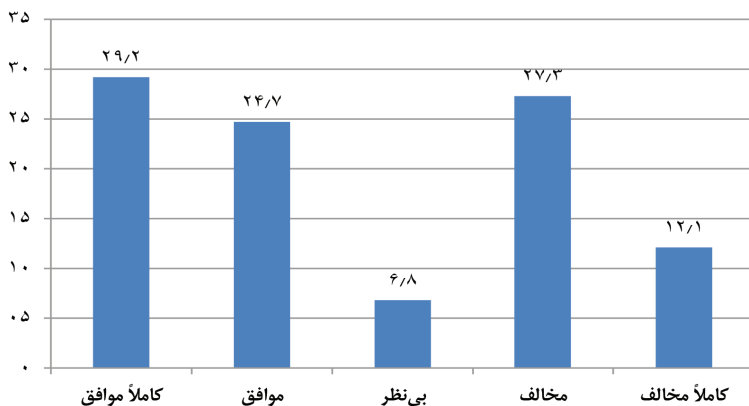
مدافع حمایت از تولید داخل باشند و خرید کالای داخلی را به نمونه خارجی آن ترجیح بدهند. این پرسش منطقاً پاسخگویان را به اتخاذ موضعی اخلاقی تشویق می‌کند، زیرا چه‌بسا حمایت از تولید داخلی در ذهن پاسخگو هم‌سنگ علاقه به کشور تداعی شود. از این رو، برای درک بهتر افکار عمومی و سنجش دقیق‌تر نگرش مردم به تولید داخلی، دربارهٔ یک مصداق ملموس از تولید داخل یعنی خودرو، این سؤال پرسیده شد که: «چقدر موافقید که تعرفه وارد کردن خودروی خارجی برداشته شود و مردم با قیمت ارزان خودروی خارجی سوار شوند، حتی به بهای تعطیلی خودروسازهای داخلی؟» نتایج در جدول مشاهده می‌شود.

جدول ۲۹: موافقت با برداشتن تعرفه خودروی خارجی

متغیر	گروه‌ها	کاملاً موافق	موافق	بی‌نظر	مخالف	کاملاً مخالف	معناداری تفاوت ۱
کل	کل جمعیت	۲۹/۲	۲۴/۷	۶/۸	۲۷/۳	۱۲/۱	
		۵۳/۹		۶/۸	۳۹/۴		
تهران	کل تهران	۳۰/۴	۲۸/۲	۷/۸	۲۱/۷	۱۱/۹	
	شمال تهران	۳۳/۵	۳۱/۶	۷	۱۷/۲	۱۰/۷	*
	جنوب تهران	۲۷/۶	۲۴/۸	۸/۴	۲۵/۷	۱۳/۶	
جنسیت	زن	۲۰/۶	۲۳/۵	۹/۶	۳۲/۹	۱۳/۳	***
	مرد	۳۷/۷	۲۵/۹	۳/۹	۲۱/۷	۱۰/۸	
سن	۱۸ تا ۳۵ سال	۳۳/۵	۲۷/۵	۴/۵	۲۵/۰	۹/۵	***
	۳۶ تا ۵۵ سال	۲۹/۵	۲۳/۷	۶/۷	۲۸/۱	۱۲/۰	
	۵۵ سال و بالاتر	۱۶/۴	۲۰/۲	۱۲/۹	۳۱/۱	۱۹/۴	
تحصیلات	تحصیلات عالی	۳۹/۹	۲۶/۸	۳/۷	۲۰/۰	۹/۷	***
	دیپلم و کمتر	۲۳/۰	۲۳/۵	۸/۴	۳۱/۷	۱۳/۴	

***	۱۲/۴	۳۱/۰	۶/۹	۲۵/۳	۲۴/۴	۱ میلیون تومان و کمتر	سرانه درآمد خانوار
	۱۱/۶	۲۵/۳	۵/۵	۲۶/۷	۳۰/۹	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	
	۹/۳	۱۸/۷	۵/۰	۲۵/۱	۴۱/۹	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	
***	۱۳/۲	۳۲/۸	۶/۴	۲۵/۱	۲۲/۵	۱ میلیون تومان و کمتر	سرانه هزینه خانوار
	۱۱/۵	۲۵/۵	۵/۱	۲۴/۹	۳۳/۰	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	
	۹/۰	۲۰/۴	۵/۰	۲۷/۳	۳۸/۳	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	
***	۹/۵	۲۰/۷	۴/۶	۲۶/۱	۳۹/۱	فعال	وضع فعالیت
	۱۴/۶	۳۴/۱	۸/۹	۲۳/۲	۱۹/۱	غیرفعال	
-	۷/۰	۱۶/۲	۵/۹	۲۵/۹	۴۴/۹	بخش دولتی	وضع اشتغال
	۱۰/۲	۲۰/۹	۴/۴	۲۵/۱	۳۹/۴	بخش خصوصی	
***	۱۱/۶	۲۵/۴	۶/۰	۲۴/۸	۳۲/۲	شهری	محل سکونت
	۱۳/۴	۳۲/۶	۹/۱	۲۴/۴	۲۰/۴	روستایی	
*	۱۳/۸	۲۳/۵	۴/۷	۲۵/۷	۳۲/۲	بالا و متوسط روبه بالا	پنداشت طبقاتی
	۱۰/۲	۲۸/۸	۶/۳	۲۵/۴	۲۹/۳	متوسط روبه پایین	
	۱۲/۹	۲۸/۶	۹/۰	۲۲/۶	۲۶/۹	پایین	

*۱ معنادر در سطح ۰/۰۵، ** معنادر در سطح ۰/۰۱، *** معنادر در سطح ۰/۰۰۱



نمودار ۳۰: موافقت با برداشتن تعریف خودروی خارجی

همان‌طور که دیده می‌شود، وقتی مصداقی مشخص از «تولید داخلی» مطرح می‌شود، نوع پاسخ مردم تا حدی تغییر می‌کند. ۵۴ درصد از پاسخگویان حتی به قیمت تعطیلی خودروسازها و بیکارشدن کارگران با حذف تعرفه خودروی خارجی موافق‌اند. مردان، جوانان، تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی، افراد با سرانه درآمد و هزینه بالاتر و شهری‌ها بیش از دیگران به ایده خودروی خارجی بدون تعرفه در ایران علاقه نشان می‌دهند. در بین کسانی که در سؤال قبل مدافع حمایت از تولید داخل بودند، تنها ۴۵ درصد با برداشته‌شدن تعرفه خودرو حتی به قیمت تعطیل‌شدن کارخانه‌های داخلی مخالف‌اند. در کل جمعیت، ۳۳٫۶ درصد از پاسخگویان هم خرید کالای داخلی را به کالای خارجی ترجیح می‌دهند و هم مخالف برداشته‌شدن تعرفه از خودروهای خارجی هستند.

«زندگی لاکچری»: تغییر سبک زندگی و گرایش به رفاه و تجمل، یکی از نشانه‌های تغییر فرهنگی و ارزشی در ایران پس از پایان جنگ هشت‌ساله تلقی شده است. در سال‌های اخیر، ورود خودروهای لوکس به کشور و جولان آن‌ها در خیابان‌های کلان‌شهرها و به‌ویژه تهران، رشد ساخت خانه‌های لوکس در شمال تهران و البته نمایش سبک زندگی به اصطلاح لاکچری در شبکه‌های اجتماعی، چهره جدیدی از نابرابری‌های اجتماعی در ایران را به نمایش گذاشته است. طبعاً این پدیده مختص به ایران نیست. در جهان کنونی و به سبب نمایش جزئیات سبک زندگی طبقات بالا در رسانه‌ها، همه طبقات و لایه‌های اجتماعی بیش‌ازپیش با این شکل از زندگی آشنا شده‌اند. مسلماً یکی از پیامدهای این وضعیت برافروخته‌شدن آتش اشتیاق به این نوع زندگی در بسیاری از مردمان است، حال آنکه تحقق چنین سطحی از زندگی برای همگان در هیچ‌کدام از جوامع کنونی ممکن نیست. اکنون، پیامدهای اجتماعی و روانی این پدیده، توجه محققان را به خود جلب کرده است. در حال، این شیوه از زندگی در ایران موافقان

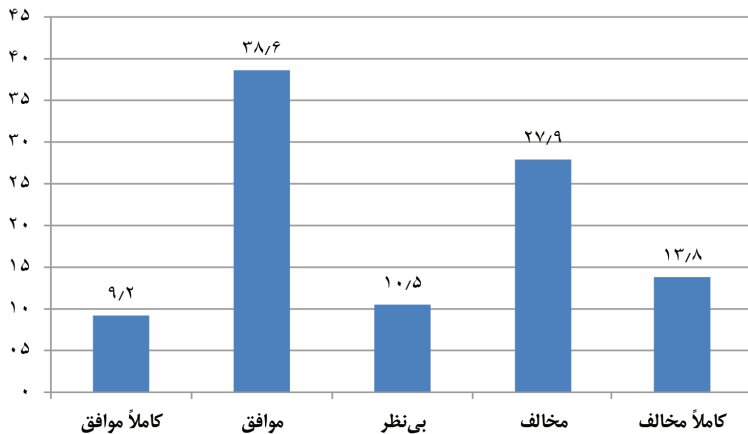
و مخالفانی دارد. در پیمایش نگرش‌های اقتصادی ایرانیان (۱۳۹۹) برای شناخت نگرش عمومی به این سبک زندگی از افراد سؤال شده است: «بعضی‌ها نظرشان این است که اصلاً درست نیست گروهی در کشور ما زندگی‌های خیلی مرفه و لاکچری داشته باشند. بعضی هم می‌گویند دارندگی و برازندگی. شما با زندگی خیلی مرفه و لاکچری در ایران موافقت می‌کنید؟» نتایج در جدول ۳۰ آمده است.

جدول ۳۰: شما با زندگی خیلی مرفه و لاکچری در ایران موافقت می‌کنید؟

متغیر	گروه‌ها	کاملاً موافق	موافق	بی‌نظر	مخالف	کاملاً مخالف	معناداری تفاوت ۱
کل	کل جمعیت	۹/۲	۳۸/۶	۱۰/۵	۲۷/۹	۱۳/۸	
		۴۷/۸	۱۰/۵	۴۱/۷			
تهران	کل تهران	۹/۸	۳۹/۳	۸/۹	۲۷/۴	۱۴/۶	
	شمال تهران	۱۱/۷	۳۹/۳	۸/۹	۲۱/۵	۱۸/۷	-
	جنوب تهران	۷/۵	۳۹/۴	۸/۹	۳۳/۳	۱۰/۸	
جنسیت	زن	۸/۹	۳۹/۲	۱۰/۲	۲۸/۲	۱۳/۵	-
	مرد	۹/۶	۳۸/۰	۱۰/۸	۲۷/۶	۱۴/۱	
سن	۱۸ تا ۳۵ سال	۱۳/۰	۴۱/۴	۱۰/۵	۲۲/۶	۱۲/۵	***
	۳۶ تا ۵۵ سال	۶/۹	۳۷/۴	۱۰/۸	۳۱/۲	۱۳/۷	
	۵۵ سال و بالاتر	۴/۷	۳۴/۱	۹/۴	۳۳/۸	۱۷/۹	
تحصیلات	تحصیلات عالی	۱۱/۶	۳۸/۵	۸/۵	۲۴/۵	۱۶/۸	-
	دیپلم و کمتر	۷/۵	۳۹/۲	۱۱/۶	۲۹/۹	۱۱/۸	
سرانه درآمد خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۷/۱	۳۵/۸	۱۱/۸	۳۲/۱	۱۳/۲	*
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۸/۵	۳۸/۴	۸/۰	۲۸/۲	۱۶/۹	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۱۲/۵	۳۹/۴	۸/۴	۲۴/۰	۱۵/۶	
سرانه هزینه خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۷/۲	۳۶/۴	۱۲/۷	۳۰/۸	۱۲/۹	*
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۸/۳	۳۶/۸	۸/۷	۳۰/۷	۱۵/۴	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۱۲/۱	۴۲/۱	۷/۵	۲۳/۰	۱۵/۳	

متغیر	گروه‌ها	کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف	معناداری تفاوت ۱
وضع فعالیت	فعال	۱۱/۱	۳۸/۰	۱۰/۵	۲۶/۳	۱۴/۱	-
	غیرفعال	۷/۲	۳۹/۵	۱۰/۵	۲۹/۵	۱۳/۳	
وضع اشتغال	بخش دولتی	۷/۵	۳۸/۷	۳/۲	۲۸/۰	۲۲/۶	**
	بخش خصوصی	۱۲/۶	۳۸/۵	۱۰/۸	۲۵/۵	۱۲/۶	
محل سکونت	شهری	۹/۳	۳۹/۵	۹/۷	۲۶/۹	۱۴/۶	-
	روستایی	۹/۱	۳۶/۰	۱۲/۷	۳۰/۸	۱۱/۵	
پنداشت طبقاتی	بالا و متوسط روبه بالا	۱۴/۴	۴۳/۰	۱۰/۹	۲۰/۹	۱۰/۷	***
	متوسط روبه پایین	۸/۵	۳۸/۳	۸/۳	۳۰/۷	۱۴/۲	
	پایین	۶/۴	۳۵/۲	۱۳/۱	۲۹/۹	۱۵/۴	

۱* معنادار در سطح ۰/۰۵، ** معنادار در سطح ۰/۰۱، *** معنادار در سطح ۰/۰۰۱



نمودار ۳۱: شما با زندگی خیلی مرفه و لاکچری در ایران موافقت می‌کنید؟

افکار عمومی درباره زندگی لاکچری دوباره است؛ ۴۸ درصد موافق و ۴۲ درصد مخالف‌اند. نکته قابل توجه درباره موافقان این است که شمار کسانی که «کاملاً موافق» را انتخاب کرده‌اند، به طرز چشمگیری

کمتر از کسانی است که «موافق» را انتخاب کرده‌اند. متغیرهای جنسیت، تحصیلات، سکونت در شمال یا جنوب تهران یا شهری و روستایی بودن، تفاوتی در نگرش به زندگی لاکچری ایجاد نمی‌کند. اما سن و پنداشت طبقاتی، متغیرهای بااهمیتی هستند؛ مسن‌ترها و کسانی که خود را متعلق به طبقه پایین می‌دانند، بیشتر احتمال دارد که با زندگی لاکچری مخالف باشند. البته باید توجه داشت که حتی در میان افرادی که خود را از طبقه پایین می‌دانند هم ۴۲ درصد با زندگی لاکچری موافق‌اند (در برابر ۴۵ درصد مخالف).

نگرش به الگوها و روندهای جهانی

نگرش عمومی در موضوعاتی مانند تأسیس بانک خارجی یا سرمایه‌گذاری خارجی در کشور از مهم‌ترین ابعاد نگرش‌های اقتصادی است. در پیمایش نگرش‌های اقتصادی ایرانیان (۱۳۹۹) ابتدا از پاسخگویان خواسته شده است تا سطح زندگی در ایران را با کشورهای نفت‌خیز منطقه مانند عربستان و کویت مقایسه کنند. سپس در دو سؤال به موضوع تأسیس بانک‌های اروپایی در ایران و موافقت با سرمایه‌گذاری خارجی در کشور پرداخته شده است. در نهایت در سؤالی از پاسخگویان خواسته شده در میان کشورهای مختلف در جهان، بهترین کشوری را که می‌تواند از نظر اقتصادی الگوی ایران باشد معرفی کنند.

مقایسه سطح زندگی در ایران نسبت به منطقه: در کتاب «صنعت نفت و تغییر اجتماعی در ایران» (۱۴۰۰)، بسیاری از مردم مناطق نفت‌خیز جنوب، وضعیت زندگی شخصی و اجتماعی در این مناطق را با کشورهای منطقه خلیج فارس مقایسه کرده‌اند. از نظر آن‌ها «ما چرا نباید شیشه قطر یا امارات باشیم؟» (غلامی‌پور، ۱۴۰۰). گسترش رسانه‌ها و افزایش سطح تماس با شهروندان کشورهای دیگر، مردم را در حال مقایسه دائمی وضعیت خودشان با وضعیت سایر کشورها قرار داده است. تصور افراد از

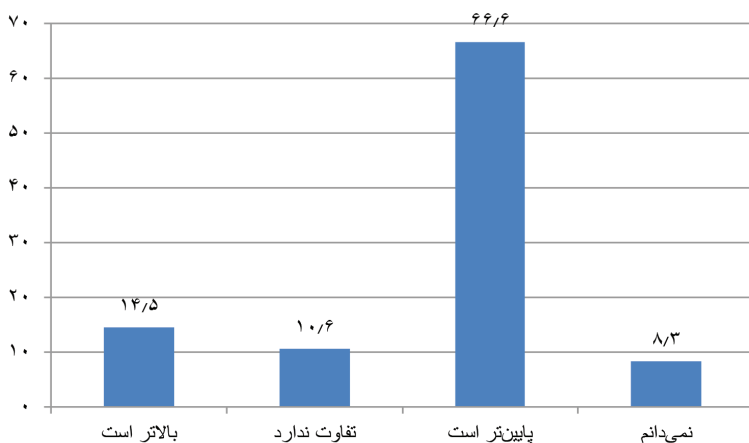
جایگاه اقتصادی و رفاه مردم نسبت به کشورهای نفت‌خیز از موضوعاتی است که در این پیمایش سنجیده شد. صورت‌بندی سؤال به این شکل بوده است: «به نظر شما، سطح رفاه مردم ما در مقایسه با سایر کشورهای نفت‌خیز خاورمیانه مثل عربستان و قطر چه وضعیتی دارد؟» فراوانی توزیع پاسخ شهروندان در جدول ۳۱ دیده می‌شود.

جدول ۳۱: سطح رفاه مردم ما در مقایسه با سایر کشورهای نفت‌خیز خاورمیانه مثل عربستان و قطر چه وضعیتی دارد؟

متغیر	گروه‌ها	بالاتر است	تفاوت ندارد	پایین‌تر است	نمی‌دانم	معناداری تفاوت ۱	
کل	کل جمعیت	۱۴/۵	۱۰/۶	۶۶/۶	۸/۳		
	تهران	کل تهران	۹/۷	۹/۸	۷۱	۹/۴	
		شمال تهران	۷/۴	۷/۴	۸۱/۵	۳/۷	**
	جنوب تهران	۱۲/۱	۱۲/۱	۶۰/۳	۱۵/۴		
جنسیت	زن	۱۴/۶	۱۲/۷	۶۱/۷	۱۱/۰	***	
	مرد	۱۴/۴	۸/۵	۷۱/۵	۵/۶		
سن	۱۸ تا ۳۵ سال	۱۲/۰	۱۱/۰	۷۱/۹	۵/۱		
	۳۶ تا ۵۵ سال	۱۴/۹	۹/۹	۶۵/۹	۹/۳	-	
	۵۵ سال و بالاتر	۲۰/۸	۱۱/۱	۵۳/۸	۱۴/۳		
تحصیلات	تحصیلات عالی	۹/۱	۶/۳	۷۹/۹	۴/۶	*	
	دیپلم و کمتر	۱۷/۴	۱۲/۹	۵۹/۱	۱۰/۵		
سرانه درآمد خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۱۷/۸	۱۲/۴	۶۱/۴	۸/۵		
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۱۱/۴	۱۱/۷	۷۱/۴	۵/۵	-	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۷/۴	۵/۵	۸۰/۷	۶/۴		
سرانه هزینه خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۱۸/۹	۱۴/۱	۵۷/۷	۹/۲		
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۱۲/۳	۹/۴	۷۱/۸	۶/۵	-	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۷/۹	۶/۴	۷۹/۹	۵/۸		

متغیر	گروه‌ها	بالا تر است	تفاوت ندارد	پایین تر است	نمی‌دانم	معناداری تفاوت ۱
وضع فعالیت	فعال	۱۲/۸	۷/۸	۷۴/۴	۵/۰	***
	غیر فعال	۱۶/۰	۱۳/۴	۵۸/۷	۱۱/۹	
وضع اشتغال	بخش دولتی	۱۱/۴	۹/۲	۷۵/۵	۳/۸	-
	بخش خصوصی	۱۱/۱	۷/۱	۷۷/۰	۴/۸	
محل سکونت	شهری	۱۲/۰	۱۰/۱	۷۰/۱	۷/۷	-
	روستایی	۲۱/۶	۱۱/۹	۵۶/۴	۱۰/۰	
پنداشت طبقاتی	بالا و متوسط روبه بالا	۱۴/۵	۱۲/۲	۶۶/۸	۶/۵	-
	متوسط روبه پایین	۱۴/۰	۱۰/۸	۶۷/۶	۷/۶	
	پایین	۱۴/۸	۹/۱	۶۵/۲	۱۰/۹	

*۱ معنادار در سطح ۰/۰۵، ** معنادار در سطح ۰/۰۱، *** معنادار در سطح ۰/۰۰۱



نمودار ۳۲: سطح رفاه مردم ما در مقایسه با سایر کشورهای نفت‌خیز خاورمیانه مثل عربستان و قطر چه وضعیتی دارد؟

دوسوم از پاسخگویان، سطح رفاه در ایران را پایین‌تر از کشورهای نفت‌خیز منطقه می‌دانند. جنسیت را می‌توان مهم‌ترین متغیر اثرگذار

در نحوه قضاوت نسبت به سطح رفاه میان ایران و همسایگان عرب دانست که خود را در تفاوت نگاه میان جمعیت فعال و غیرفعال هم نشان می‌دهد؛ مردان بیش از زنان شرایط زندگی در کشورهای نفت‌خیز منطقه را بهتر از ایران می‌دانند (۷۲ درصد به ۶۲ درصد). تفاوت میان ساکنان پهنه شمال و جنوب تهران هم معنادار است؛ ۸۱ درصد از ساکنان پهنه شمال تهران، رفاه در کشورهای عربی را بالاتر از ایران می‌دانند. البته پیشاپیش روشن بود که بیشتر پاسخگویان، سطح رفاه در کشورهای نفت‌خیز منطقه را که بسیاری از آنها جمعیت اندک و درآمد هنگفتی دارند، بالاتر از ایران ارزیابی کنند. اما جزئیات پاسخ‌ها می‌تواند در تحلیل به کار بیاید.

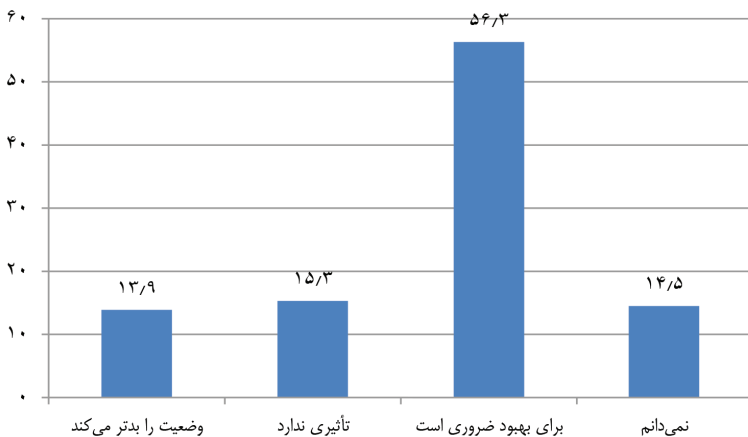
سرمایه‌گذاری خارجی: ضرورت یا عدم ضرورت پیوند با اقتصاد جهانی و ورود سرمایه خارجی برای توسعه اقتصادی از موضوعات مهم و مورد مناقشه در ایران است. در طرح ارزش‌ها و نگرش‌های دانشجویان ایرانی: یافته‌های پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج اول: ۱۳۷۹ و موج سوم: ۱۳۹۴) نگرش اقتصادی دانشجویان در خصوص وظایف حاوی نکات مهمی است. بیش از دو سوم دانشجویان در هر دو سال، تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی را امری دولت‌مفید و سازنده برای ایران تلقی می‌کنند و با محدود کردن سرمایه‌گذاری خارجی موافق نیستند. براین اساس دولت نمی‌تواند در رشد اقتصادی و فراهم کردن حضور سرمایه‌گذاران خارجی کوتاهی کند. در پیمایش نگرش‌های اقتصادی ایرانیان (۱۳۹۹)، برای سنجش دیدگاه مردم درباره سرمایه‌گذاری خارجی از آن‌ها سؤال شد: «به نظر شما سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی چه تأثیری می‌تواند در اقتصاد ایران داشته باشد؟» نتایج در جدول ۳۲ آمده است.

جدول ۳۲: به نظر شما سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی چه تأثیری می‌تواند در اقتصاد ایران داشته باشد؟

متغیر	گروه‌ها	وضعیت را بدتر می‌کند	تأثیری ندارد	برای بهبود ضروری است	نمی‌دانم	معناداری تفاوت ۱
کل	کل جمعیت	۱۳/۹	۱۵/۳	۵۶/۳	۱۴/۵	
تهران	کل تهران	۱۲	۱۵/۹	۶۰/۱	۱۲	
	شمال تهران	۶	۱۳/۴	۷۱/۸	۸/۸	*
	جنوب تهران	۱۸/۱	۱۸/۶	۴۷/۹	۱۵/۳	
جنسیت	زن	۱۷/۰	۱۶/۳	۴۵/۲	۲۱/۵	-
	مرد	۱۰/۹	۱۴/۲	۶۷/۳	۷/۶	
سن	۱۸ تا ۳۵ سال	۱۱/۶	۱۹/۵	۵۶/۰	۱۳/۰	-
	۳۶ تا ۵۵ سال	۱۴/۱	۱۳/۱	۵۹/۶	۱۳/۳	
	۵۵ سال و بالاتر	۲۰/۶	۹/۰	۴۸/۳	۲۲/۱	
تحصیلات	تحصیلات عالی	۷/۷	۱۳/۱	۶۹/۸	۹/۴	**
	دیپلم و کمتر	۱۷/۷	۱۶/۳	۴۸/۳	۱۷/۷	
سراجه درآمد خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۱۶/۳	۱۸/۵	۴۸/۷	۱۶/۵	*
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۱۱/۶	۱۴/۴	۶۴/۳	۹/۷	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۹/۱	۱۲/۴	۶۹/۵	۹/۱	
سراجه هزینه خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۱۶/۸	۱۸/۹	۴۸/۷	۱۵/۷	-
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۱۱/۹	۱۴/۵	۶۲/۵	۱۱/۱	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۱۰/۶	۱۳/۵	۶۷/۴	۸/۵	
وضع فعالیت	فعال	۱۱/۴	۱۴/۸	۶۵/۴	۸/۴	-
	غیرفعال	۱۶/۴	۱۵/۷	۴۷/۰	۲۰/۹	
وضع اشتغال	بخش دولتی	۱۰/۳	۱۱/۹	۷۱/۹	۵/۹	-
	بخش خصوصی	۱۰/۹	۱۴/۷	۶۶/۲	۸/۱	

متغیر	گروه‌ها	وضعیت را بدتر می‌کند	تأثیری ندارد	برای بهبود ضروری است	نمی‌دانم	معناداری تفاوت ۱
محل سکونت	شهری	۱۲/۲	۱۵/۲	۵۹/۷	۱۲/۹	-
	روستایی	۱۸/۹	۱۵/۵	۴۶/۵	۱۹/۱	-
پنداشت طبقاتی	بالا و متوسط روبه‌بالا	۱۲/۳	۱۶/۲	۵۹/۵	۱۲/۰	-
	متوسط روبه‌پایین	۱۳/۱	۱۵/۸	۵۷/۹	۱۳/۳	-
	پایین	۱۶/۳	۱۳/۴	۵۲/۰	۱۸/۳	-

۱* معنادار در سطح ۰/۰۵، ** معنادار در سطح ۰/۰۱، *** معنادار در سطح ۰/۰۰۱



نمودار ۳۳: به نظر شما سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی چه تأثیری می‌تواند در اقتصاد ایران داشته باشد؟

بیش از نیمی از پاسخگویان، سرمایه‌گذاری خارجی را به نفع اقتصاد ایران می‌دانند و ۱۴ درصد نیز آن را برخلاف مصالح کشور ارزیابی می‌کنند. اگر با توجه به موضوع این سؤال، درصد پاسخ‌های «نمی‌دانم» را طبیعی فرض کنیم، به نظر می‌آید که مباحث دو - سه دهه اخیر درباره لزوم جذب سرمایه خارجی تا حدی در افکار عمومی بازتاب یافته است. تحصیلات در نحوه نگرش به سرمایه خارجی اثرگذار است

و حدود ۷۰ درصد افرادی که تحصیلات عالی دارند با آن موافق‌اند. شهری یا روستایی بودن، پنداشت طبقاتی، جنسیت و سن، تفاوتی در نگرش به سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد نمی‌کند. ساکنان پهنه شمال تهران بیش از ساکنان پهنه جنوب موافق سرمایه‌گذاری خارجی‌اند.

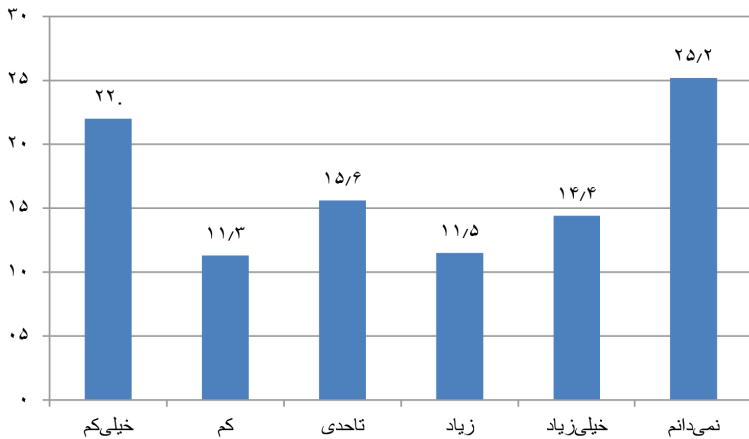
تأسیس بانک‌های خارجی: از جمله موضوعات حساسیت‌برانگیز درباره اقتصاد جهانی، تأسیس شعب بانک‌های خارجی در ایران است. گروهی آن را ابزار توسعه تبادلات مالی کشور و به نفع اقتصاد می‌دانند و گروهی دیگر آن را زمینه‌ساز دخالت شبه‌استعماری خارجی‌ها و علیه منافع جامعه یا نظام سیاسی تلقی می‌کنند. در پیمایش نگرش‌های اقتصادی ایرانیان (۱۳۹۹) صرفاً در مورد تأسیس بانک‌های اروپایی سؤال شد، زیرا به نظر می‌رسد حساسیت درباره آنها در افکار عمومی در قیاس با کشورهایمانند آمریکا کمتر باشد. این پرسش در قیاس با سؤال پیشین، درجه شدیدتری از پذیرش جهانی شدن و مناسبات اقتصادی جهانی را می‌سنجد. این تفاوت در پاسخ‌ها بازتاب یافته است. صورت سؤال به این شکل مطرح شده است: «به نظر شما تأسیس شعب بانک‌های اروپایی در ایران چقدر به سود کشور و مردم است؟» پاسخ‌ها در جدول ۳۳ آمده است.

جدول ۳۳: به نظر شما تأسیس شعب بانک‌های اروپایی در ایران چقدر به سود کشور و مردم است؟

متغیر	گروه‌ها	خیلی کم	کم	تا حدی زیاد	زیاد	خیلی زیاد	نمی‌دانم	معناداری تفاوت ۱
کل	کل جمعیت	۲۲/۰	۱۱/۳	۱۵/۶	۱۱/۵	۱۴/۴	۲۵/۲	
		۳۳/۳	۱۵/۶			۲۵/۹	۲۵/۲	
تهران	کل تهران	۲۰/۸	۸/۶	۱۵/۵	۱۲/۸	۱۷/۱	۲۵/۳	
	شمال تهران	۱۸	۶/۶	۱۳/۳	۱۸	۲۰/۴	۲۳/۷	
	جنوب تهران	۲۳/۸	۱۰/۵	۱۸/۱	۷/۶	۱۳/۳	۲۶/۷	-

متغیر	گروه‌ها	خیلی کم	کم	تا حدی زیاد	زیاد	خیلی زیاد	نمی‌دانم	معناداری تفاوت ۱
جنسیت	زن	۲۰/۴	۱۲/۱	۱۵/۶	۸/۸	۹/۳	۳۳/۸	***
	مرد	۲۳/۶	۱۰/۶	۱۵/۶	۱۴/۲	۱۹/۵	۱۶/۶	
سن	۱۸ تا ۳۵ سال	۲۰/۶	۱۳/۰	۱۸/۸	۱۲/۹	۱۴/۵	۲۰/۳	*
	۳۶ تا ۵۵ سال	۲۱/۸	۱۰/۴	۱۴/۳	۱۱/۱	۱۵/۱	۲۷/۲	
	۵۵ سال و بالاتر	۲۶/۸	۹/۳	۹/۶	۹/۳	۱۱/۴	۳۳/۴	
تحصیلات	تحصیلات عالی	۱۸/۹	۱۰/۴	۱۷/۰	۱۳/۶	۱۷/۸	۲۲/۳	-
	دیپلم و کمتر	۲۳/۹	۱۱/۸	۱۴/۹	۱۰/۱	۱۲/۳	۲۷/۱	
سرايه درآمد خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۲۵/۲	۱۳/۸	۱۴/۰	۱۰/۳	۱۱/۰	۲۵/۷	*
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۱۸/۰	۱۰/۸	۱۹/۹	۱۴/۳	۱۳/۵	۲۳/۶	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۱۹/۹	۷/۷	۱۴/۰	۱۴/۵	۲۳/۲	۲۰/۶	
سرايه هزینه خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۲۴/۲	۱۳/۱	۱۴/۹	۸/۴	۱۱/۶	۲۸/۰	-
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۱۹/۳	۱۱/۴	۱۹/۰	۱۴/۲	۱۴/۴	۲۱/۷	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۱۹/۶	۱۰/۰	۱۵/۱	۱۳/۲	۲۱/۹	۲۰/۲	
وضع فعالیت	فعال	۲۲/۶	۱۰/۲	۱۵/۳	۱۳/۸	۱۸/۹	۱۹/۲	*
	غیرفعال	۲۱/۲	۱۲/۳	۱۶/۰	۹/۳	۹/۷	۳۱/۵	
وضع اشتغال	بخش دولتی	۲۰/۶	۱۱/۱	۲۳/۹	۱۱/۷	۱۷/۸	۱۵/۰	*
	بخش خصوصی	۲۱/۰	۸/۵	۱۴/۱	۱۳/۶	۲۱/۳	۲۱/۵	
محل سکونت	شهری	۲۱/۰	۱۰/۴	۱۶/۴	۱۲/۴	۱۵/۳	۲۴/۶	
	روستایی	۲۴/۶	۱۴/۱	۱۳/۶	۹/۱	۱۱/۷	۲۷/۰	
پنداشت طبقاتی	بالا و متوسط روبه بالا	۲۴/۲	۸/۹	۱۸/۰	۱۳/۶	۱۷/۳	۱۸/۰	**
	متوسط روبه پایین	۲۱/۰	۱۲/۴	۱۶/۷	۱۱/۳	۱۳/۲	۲۵/۵	
	پایین	۲۱/۷	۱۱/۹	۱۲/۵	۱۰/۳	۱۴/۰	۲۹/۷	

* ۱ معنادار در سطح ۰/۰۵، ** معنادار در سطح ۰/۰۱، *** معنادار در سطح ۰/۰۰۱



نمودار ۳۴: به نظر شما تأسیس شعب بانک‌های اروپایی در ایران چقدر به سود کشور و مردم است؟

درباره تأسیس بانک اروپایی، دیدگاهی غالب در افکار عمومی نمی‌توان یافت. نخست باید توجه شود که یک‌چهارم پاسخگویان گزینه «نمی‌دانم» را انتخاب کرده‌اند. دوم اینکه مخالفان ۳۳ درصد و موافقان ۲۶ درصد هستند. زنان به مراتب بیش از مردان گزینه «نمی‌دانم» را انتخاب کرده‌اند. نکته مهم دیگر این است که تحصیلات که معمولاً متغیری تعیین‌کننده در نگرش‌های اقتصادی است در تصور از مفید بودن تأسیس بانک خارجی تفاوت معناداری ایجاد نمی‌کند.

الگوی اقتصادی در میان دیگر کشورها: تصور از وضعیت اقتصادی دیگر کشورهای جهان به فهم نگرش مردم از شرایط مطلوب اقتصادی کمک می‌کند و در ارزیابی آنان از وضعیت خودشان بسیار مؤثر است. در پیمایش نگرش‌های اقتصادی ایرانیان (۱۳۹۹) از افراد سؤال شده است «به نظر شما کدام‌یک از کشورهای جهان می‌تواند به لحاظ اقتصادی برای ما الگوی بهتری باشد؟» پاسخ به این سؤال می‌تواند جهت‌گیری ارزشی پاسخگویان را تا حدی آشکار سازد. این سؤال به صورت باز طرح شد که نتیجه آن در جدول زیر آمده است.

جدول ۳۴: کدام یک از کشورهای جهان می‌تواند به لحاظ اقتصادی برای ما الگوی بهتری باشد؟

کشور	فراوانی	فراوانی (درصد)
۱ ژاپن	۲۲۹	۱۰/۲
۲ چین	۲۱۷	۹/۷
۳ آمریکا	۱۸۳	۸/۱
۴ آلمان	۱۷۸	۷/۹
۵ سوئیس	۷۷	۳/۴
۶ ترکیه	۵۱	۲/۳
۷ ایران	۴۵	۲/۰
۸ سوئد	۴۴	۲/۰
۹ کانادا	۴۱	۱/۸
۱۰ اروپا	۳۸	۱/۷
۱۱ کره جنوبی	۳۷	۱/۶
۱۲ امارات	۳۶	۱/۶
۱۳ روسیه	۳۱	۱/۴
۱۴ مالزی	۲۸	۱/۲
۱۵ انگلیس	۲۲	۱/۰
۱۶ عربستان	۲۲	۱/۰
۱۷ سنگاپور	۱۸	۰/۸
۱۸ هلند	۱۳	۰/۶
۱۹ نروژ	۱۳	۰/۶
۲۰ فرانسه	۱۱	۰/۵
۲۱ کویت	۱۱	۰/۵
۲۲ فنلاند	۱۱	۰/۵
۲۳ سایر	۸۴	۳/۷
۲۴ هیچ کدام	۵۱	۲/۳
۲۵ نمی‌دانم	۴۳۷	۱۹/۴
۲۶ بی‌پاسخ	۳۱۹	۱۴/۲
کل	۲۲۴۷	۱۰۰

از کل پاسخگویان، ۶۶ درصد به این سؤال پاسخ داده‌اند که نشان می‌دهد شمار قابل توجهی از جمعیت ایده‌ای در این باب ندارند و این به‌رغم همه نقد و نظرهایی است که به شکل مستمر در عرصه عمومی درباره الگوهای اقتصادی و مدل‌های توسعه مطرح بوده است. در میان کسانی که به این سؤال پاسخ داده‌اند، بیش از نیمی از افراد چهار کشور ژاپن، چین، آمریکا و آلمان را انتخاب کرده‌اند. اگر فقط کشورهای غربی را در نظر بگیریم، حدود ۴۲ درصد، کشورهای متعلق به این بلوک را انتخاب کرده‌اند. اگر فقط چهار کشور اول در نظر گرفته شود، می‌توان نحوه انتخاب را در میان گروه‌های مختلف بررسی کرد. جدول ۳۵ امکان این مقایسه را فراهم می‌سازد. جدول ۳۵: کدام یک از کشورها می‌تواند به لحاظ اقتصادی برای ما الگوی بهتری باشد؟ (فقط مقایسه چهار کشور اول)

متغیر	گروه‌ها	آمریکا	آلمان	چین	ژاپن	جمع	معناداری تفاوت ۱
کل	کل جمعیت	۲۲/۷	۲۲/۰	۲۶/۹	۲۸/۴	۱۰۰	
تهران	کل تهران	۲۵/۲	۲۲/۷	۱۷/۷	۳۴/۳	۱۰۰	
	شمال تهران	۲۲/۹	۲۵	۱۴/۶	۳۷/۵	۱۰۰	-
	جنوب تهران	۲۸/۴	۲۰/۳	۲۳	۲۸/۴	۱۰۰	
جنسیت	زن	۲۵/۱	۱۹/۱	۲۹/۶	۲۶/۲	۱۰۰	-
	مرد	۲۰/۷	۲۴/۲	۲۴/۹	۳۰/۱	۱۰۰	
سن	۱۸ تا ۳۵ سال	۲۸/۸	۲۱/۸	۲۷/۲	۲۲/۳	۱۰۰	***
	۳۶ تا ۵۵ سال	۱۶/۵	۲۲/۷	۲۷/۷	۳۳/۰	۱۰۰	
	۵۵ سال و بالاتر	۱۷/۵	۲۱/۳	۲۳/۸	۳۷/۵	۱۰۰	
تحصیلات	تحصیلات عالی	۱۹/۲	۲۳/۳	۲۲/۷	۳۴/۹	۱۰۰	**
	دیپلم و کمتر	۲۵/۴	۲۱/۴	۳۰/۰	۲۳/۲	۱۰۰	
سرانه درآمد خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۲۶/۱	۱۹/۷	۳۱/۳	۲۲/۹	۱۰۰	*
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۲۱/۱	۲۶/۰	۲۳/۸	۲۹/۱	۱۰۰	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۱۹/۲	۲۴/۰	۲۱/۶	۳۵/۳	۱۰۰	

متغیر	گروه‌ها	آمریکا	آلمان	چین	ژاپن	جمع	معناداری تفاوت ۱
سرانه هزینه خانوار	۱ میلیون تومان و کمتر	۲۷/۴	۱۷/۸	۳۰/۱	۲۴/۷	۱۰۰	*
	۱/۱ تا ۲ میلیون تومان	۲۳/۱	۲۲/۸	۲۸/۹	۲۵/۲	۱۰۰	
	۲/۱ میلیون تومان و بیشتر	۱۵/۵	۲۶/۷	۲۰/۳	۳۷/۴	۱۰۰	
وضع فعالیت	فعال	۲۲/۱	۲۴/۰	۲۴/۷	۲۹/۲	۱۰۰	-
	غیرفعال	۲۳/۵	۱۹/۵	۳۰/۲	۲۶/۷	۱۰۰	
وضع اشتغال	بخش دولتی	۱۵/۱	۲۰/۵	۲۱/۹	۴۲/۵	۱۰۰	*
	بخش خصوصی	۲۱/۰	۲۶/۳	۲۲/۹	۲۹/۸	۱۰۰	
محل سکونت	شهری	۲۱/۲	۲۲/۶	۲۶/۱	۳۰/۱	۱۰۰	*
	روستایی	۲۸/۴	۱۹/۵	۳۰/۲	۲۱/۹	۱۰۰	
پنداشت طبقاتی	بالا و متوسط روبه بالا	۲۵/۱	۲۲/۵	۲۶/۴	۲۶/۰	۱۰۰	-
	متوسط روبه پایین	۱۷/۸	۲۵/۷	۲۵/۹	۳۰/۶	۱۰۰	
	پایین	۲۷/۰	۱۶/۴	۲۹/۶	۲۷/۰	۱۰۰	

* ۱ معنادار در سطح ۰/۰۵، ** معنادار در سطح ۰/۰۱، *** معنادار در سطح ۰/۰۰۱

در میان کسانی که به سؤال پاسخ داده‌اند و یکی از کشورهای چهارگانه ژاپن، چین، آلمان و آمریکا را انتخاب کرده‌اند، ۲۸ درصد ژاپن، ۲۷ درصد چین، ۲۳ درصد آمریکا و ۲۲ درصد آلمان را انتخاب کرده‌اند. چین برای زنان، افراد با تحصیلات دیپلم و کمتر، روستاییان، افراد با درآمد و هزینه سرانه یک میلیون تومان و کمتر و کسانی که خود را متعلق به طبقه پایین می‌دانند، انتخاب اول است. اما این نکته را هم باید توجه داشت که آمریکا در میان افراد با تحصیلات غیردانشگاهی، ساکنان پهنه جنوب تهران، زنان، روستاییان و افراد با هزینه و درآمد سرانه پایین‌تر گرچه انتخاب اول نیست، اما تمایل این گروه‌ها به آمریکا نسبت به مردان، افراد با تحصیلات دانشگاهی، شهری‌ها، افراد با درآمد و هزینه سرانه بالای یک میلیون تومان و کسانی که خود را متعلق به طبقه متوسط یا بالا می‌دانند، بیشتر است. در مقابل،

تحصیل کرده‌های دانشگاهی و کسانی که هزینه و درآمد سرانه بالاتری دارند به ژاپن گرایش بیشتری نشان می‌دهند. شاغلان بخش دولتی به نحو معناداری بیش از شاغلان بخش خصوصی به ژاپن به‌عنوان الگوی اقتصادی توجه دارند.

نتیجه‌گیری

داده‌های نگرش‌های عمومی به وضع موجود و آینده اقتصاد ایران نشان می‌دهد که افراد پنداشت مطلوبی از وضعیت اقتصادی جامعه ندارند. بیشتر افراد فقر را ناشی از جامعه، ساختارهای اقتصادی و عوامل بیرون از فرد می‌دانند و چنین نگاهی به ثروتمندان هم وجود دارد که ثروت را نه به ویژگی و شایستگی‌های فردی، بلکه بر خورداری از رانت و رابطه نسبت می‌دهند. یک جزء دیگر فرهنگ اقتصادی ایرانیان گرایش بیشتر به رقابت اقتصادی و اولویت‌بخشی به آن است چرا که رقابت آزادانه را سبب از بین رفتن رانت و امتیازات ویژه می‌دانند و بدین ترتیب، هر کسی بر مبنای شایستگی خویش می‌تواند دستاورد کسب کند و به آنچه شایسته آن است دست پیدا کند. علاوه بر این، در دوگانه قناعت و تجمل‌گرایی مردم هم نوایی بیشتری با مورد دوم دارند و بر این نظرند که افراد دارای تمکن مالی امروزه از چنین زندگی‌هایی برخوردارند و چنین زندگی یادآور ضرب‌المثل دارندگی و برازندگی است که حمایت بخش بزرگ‌تر جامعه را در پشت سر خود دارد. بدین ترتیب، از نگاه اکثر مردم فقر و ثروت نه حاصل عملکرد فردی، بلکه ناشی از عوامل غیرفردی است. لذا، این نگرش بر کاستن از ارزش کار و تلاش نزد مردم اثر می‌گذارد، زیرا معتقدند که دستاورد لازم را به همراه ندارد، بلکه عوامل دیگری دستاوردها را تعیین می‌کنند. در نتیجه ما شاهد یک بدبینی و ناهماهنگی شناختی در جامعه هستیم که تبدیل به جزء اساسی فرهنگ اقتصادی ایرانیان شده است؛ البته این موضوع با واقعیات موجود در جامعه پیوند دارد.

ناهماهنگی شناختی موجود در بردارنده‌گونه‌های مختلفی از تضاد است که کنش‌های اقتصادی بر آن استوار است. یکی از تضادها مربوط به نگرش‌های ذهنی و آن چیزی است که در عمل رخ می‌دهد؛ برای نمونه، در مجموع مردم ویژگی‌های منفی اقتصادی را در جامعه زیاد می‌دانند و تلقی آن‌ها از رفتارها و نگرش‌های اقتصادی دیگران نسبتاً منفی است، اما موافقتی با چنین شرایطی ندارند و خواستار تغییر آن هستند. علاوه بر این، مردم، فعالیت‌های واسطه‌ای را به لحاظ اخلاقی ناپسند می‌شمارند، اما معتقدند به‌خاطر سودآوری آن، افراد جامعه به‌راحتی وارد چنین فعالیت‌هایی شده‌اند. به‌عبارت‌دیگر، شاهد تضاد بین نگرش به روش‌های پول درآوردن و شیوه‌های رایج پول درآوردن هستیم که به‌خاطر تبدیل شدن پول به معیار اصلی ارزیابی اجتماعی است. یک‌گونه دیگر تضاد مربوط به اعتقاد به لزوم خرید کالای ایرانی برای حمایت از آن و کیفیت پایین کالاهای تولید داخل است که اعتماد مردم را برای خرید جلب نکرده است. هرچند بیشتر مردم معتقدند برای حمایت از تولید داخل بهتر است کالای ایرانی را خریداری کرد، اما در عمل به‌خاطر بدبینی به تولید داخلی، خرید کالای خارجی را بر داخلی ترجیح می‌دهند. تضاد دیگر مربوط به دیدگاه آن‌ها در مورد اصل خصوصی‌سازی و شیوه اجرای آن در ایران است چراکه بیشتر افراد با اصل خصوصی‌سازی موافق ولی معتقدند این اصل در ایران خوب اجرا نشده است. یا در مورد مدارس غیرانتفاعی دیدیم که اکثریت با آموزش پولی مخالف‌اند. به‌این‌ترتیب، نگرش افراد به رفتارهای اقتصادی دیگران تلقی مثبتی نیست و آن را مغایر با ارزش‌های اقتصادی می‌دانند؛ اما از آنجاکه آن را وجه غالب فرهنگ اقتصادی جامعه می‌پندارند که اگر خود از آن پیروی نکنند، بازنده مناسبات اقتصادی خواهند شد؛ بنابراین، خود نیز به سمت چنین رفتارهایی گرایش پیدا می‌کنند و این شکل‌دهنده ناهماهنگی شناختی در بین افراد جامعه در حوزه فرهنگ اقتصادی است.

فرا تحلیل و تحلیل مضمون نخبگانی

این بخش از گزارش، مستخرج از گزارش «سرمایه اجتماعی در ایران: وضع موجود و مکانیسم‌های ارتقا» است که در مرکز رصد فرهنگی کشور انجام شده است. این پروژه به دو روش انجام شد. اول با فراتحلیل کیفی مطالعات انجام شده در باب سرمایه اجتماعی در ایران و سپس با ۱۴ تن از اقتصاددانان و جامعه‌شناسان ایرانی درباره اقتصاد و جامعه ایران بحث و گفتگو شده است. پرسش این بود که اقتصاد و نظام اقتصادی باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد که اعتماد، هنجارها و روابط اجتماعی در بهترین صورت خود باشند؟ به عنوان نمونه، نظام اقتصادی که حامل فساد، نابرابری و فقر باشد (حتی اگر آمارها نشان از رشد اقتصادی بدهند)، این سه ویژگی اصلی سرمایه اجتماعی را نخواهد داشت. بنابراین، سخن در اینجا بر سر این نیست که چه نظام اقتصادی، بهره‌وری بالاتری دارد (البته می‌توان ادعا کرد که نظام‌های اقتصادی که حامل برابری و کاهش فقر و سلامت اقتصادی باشند، بهره‌وری بالاتری نیز خواهند داشت)، بلکه سخن بر سر این است که یک جامعه چه نظام اقتصادی باید داشته باشد تا حامل سرمایه اجتماعی گسترده‌تر و عمیق‌تری باشد؟

نظام اقتصادی^۱، مجموعه نهادهایی است که منابع، خدمات و کالاهای موجود در یک منطقه جغرافیایی یا کشور را سازمان‌دهی و توزیع می‌کند. به عبارت دیگر، نظام اقتصادی، عوامل تولید از جمله زمین، سرمایه و نیروی کار را تنظیم و قاعده‌گذاری^۲ می‌کند. مسئله نظام اقتصادی، تخصیص منابع، تولید و توزیع است که نهادها (هنجارها، قواعد و...) نقش تعیین‌کننده در آن دارند. از نظر داگلاس نورث: «نهادها^۳، قیودی هستند وضع شده از جانب نوع بشر که روابط متقابل انسان‌ها را با یکدیگر شکل می‌دهند؛ در نتیجه، نهادها سبب ساختارمند شدن انگیزه‌های

1. Economic System

2. Regulate

3. Institutions

نهفته در مبادلات بشری می‌شوند، چه این مبادلات سیاسی باشند، چه اقتصادی و چه اجتماعی». به همین دلیل نورث معتقد است که «تغییرات نهادی»، مسیر تحول جوامع بشری در طول تاریخ را مشخص می‌کنند و بنابراین کلید فهم تغییرات تاریخی محسوب می‌شوند (نورث، ۱۳۷۷: ۱۹). به همین دلیل نورث معتقد است که نهادها بر عملکرد اقتصادی جامعه تأثیر می‌گذارند و عملکرد متفاوت اقتصادها در طول زمان متأثر از تغییر و تحول نهادهاست. نهادها، از طریق تأثیر گذاشتن بر هزینه‌های مبادله و تولید، عملکرد اقتصادها را متأثر می‌کنند (پیشین: ۲۲-۲۳).

نهادها با در اختیار نهادن ساختارهایی برای زندگی روزمره، عدم اطمینان را کاهش می‌دهند و راهنمای کنش متقابل انسان‌ها هستند. نقش عمده نهادها در جامعه این است که از طریق تأسیس یک ساختار باثبات، برای کنش‌های متقابل اجتماعی، عدم اطمینان و ریسک را کاهش می‌دهند هرچند ثبات نهادها به این معنی نیست که نهادها تغییر نمی‌کنند. در اینجا، ابعاد ذهنی و فرهنگی نهادها (هنجارها و ارزش‌ها)، اهمیت اساسی دارد؛ بنابراین نهادها، حدود مرز مجموعه انتخاب‌های افراد را تعیین می‌کنند. نهادها هم منع می‌کنند و هم توانایی می‌بخشند؛ چارچوب‌هایی هستند که کنش متقابل انسان‌ها در درون آنها تحقق می‌یابد (پیشین: ۲۱). به نظر نورث، هرگونه محدودیتی که افراد نوع بشر وضع می‌کنند تا روابط متقابل را شکل بدهند، شامل نهادها می‌شود؛ بنابراین هم شامل نهادهای غیررسمی (عرف، هنجارها، آداب و رسوم و...) و هم شامل نهادهای رسمی (قوانین و مقررات و...) می‌شود؛ بنابراین نهادها هم جنبه ذهنی (هنجارها، ارزش‌ها و...) و هم جنبه عینی (قوانین، مقررات و...) دارند. نهادها ممکن است خلق شوند (مانند قانون تجارت و...) و هم ممکن است به تدریج در طول زمان شکل بگیرند و متحول شوند؛ مانند حقوق عرفی (نورث، ۱۳۷۷: ۲۱). داگلاس نورث، تمایزی حیاتی میان «نهادها» و «سازمان‌ها»^۱ برقرار

می‌کند. سازمان‌ها (سیاسی، اقتصادی، مذهبی، آموزشی، فرهنگی و...) متشکل از گروهی از افرادند که نیتی مشترک برای دستیابی به اهداف مورد نظر آنها را گرد هم آورده است. اما اینکه چه سازمانی در جامعه شکل بگیرد و چگونه تحول پیدا کند، به طور اساسی متأثر از چارچوب‌های نهادی جامعه است. البته سازمان‌ها نیز پس از شکل‌گیری، به نوبه خود بر نحوه تغییرات نهادی تأثیر می‌گذارند؛ اما نهادها، مقدم بر سازمان‌ها هستند؛ نهادها، قوانین بنیادی کنش و واکنش در جامعه را تعیین می‌کنند و سازمان‌ها (و عوامل انسانی آنها) در تغییرات نهادی نقش ایفا می‌کنند؛ بنابراین نهادها و سازمان‌ها با هم کنش متقابل دارند (پیشین: ۲۲).

نهادهای اقتصادی در مجموعه‌ای از روابط (حقوقی - قانونی) سازمان‌دهی می‌شوند که نظام اقتصادی را شکل می‌دهد؛ بنابراین نظام اقتصادی، از روابط و مناسبات مجموعه «نهادهای اقتصادی» شکل می‌گیرد که رابطه تنگاتنگی با نهادها و نظام‌های سیاسی، اجتماعی، حقوقی، قضایی و فرهنگی هر جامعه دارد؛ به عبارت دیگر، مجموعه به هم وابسته نهادهای اقتصادی (از سیاست‌ها، قوانین و مقررات تا هنجارها و...)، نظام اقتصادی را تشکیل می‌دهد. به عنوان نمونه، نهادهای مانند حقوق مالکیت، بیمه، برات، حقوق تجارت، دادگاه و... متأثر از اشکال حقوقی - سیاسی و فرهنگی جوامع است.

به لحاظ نظری، دو نظام اقتصادی مشخص در دنیا مطرح است: سرمایه‌داری و سوسیالیسم یا نظام اقتصاد آزاد و نظام اقتصادی تحت هدایت دولت و نهادهای عمومی؛ اما در اکثر کشورها، نظام اقتصادی معمولاً ترکیبی از این دو «نوع آرمانی»^۱ بوده است. در سرمایه‌داری، مالکیت خصوصی و قیمت‌ها در بازار، کنش‌های اقتصادی را هماهنگ می‌کند؛ اما در دیدگاه سوسیالیستی، بازار، نظام خودتنظیمی نیست و «برنامه‌ریزی» برای آن ضروری است؛ بنابراین، نقش و حدود عمل «دولت» در نظام اقتصادی، اهمیت اساسی دارد. به عبارت دیگر، نقش

1. Ideal Type

دولت و تعیین حوزه «بازار»^۱، یکی از مسائل نظریه‌های اقتصادی بوده است. موضوعات اقتصادی، جدا از حوزه سیاست و جامعه نیست و تحلیل اقتصادی، با روابط قدرت در سطح ملی و جهانی مرتبط است. امروزه چون گذشته، پیوند بین اقتصاد و سیاست، عمیق و گسترده است و نظام اقتصادی کاملاً مستقل از سیاست، فقط نوعی انتزاع نظری است. مفاهیمی چون اقتصاد سیاسی، جامعه‌شناسی اقتصادی و فرهنگ اقتصادی، نشانگر روابط بین نظام اقتصادی با دیگر نظام‌های حقوقی - قانونی، سیاسی، قضایی، اجتماعی و فرهنگی است. امروزه بحث تقابل «بازار» یا «برنامه‌ریزی»، به بحث دقیق‌تر برقراری تعادل مناسب زمانی و مکانی میان اقدام دولتی و عملکرد نیروهای بازار معطوف شده است. چنان‌که اجماع نظری درباره نقش راهبردی دولت در روند صنعتی شدن و توسعه شکل گرفته است (کلمن و نیکسون، ۱۳۷۸: ۱۸). ارزش‌ها و نگرش‌های عمومی در مورد میزان دخالت دولت در نظام اقتصادی نیز اهمیت اساسی دارد. نتایج نظرسنجی ایسپا در تیرماه ۱۳۹۹ نشان می‌دهد که ۸۰ درصد مردم با دخالت دولت در امور اقتصادی موافق‌اند (ایسپا، ۱۳۹۹).



نمودار ۳۵: دیدگاه مردم در مورد نقش دولت در اقتصاد

۱. بازار، یک نهاد مبادله و حوزه‌ای از رفتار و روابط اجتماعی است که افراد، نگاه‌ها، شرکت‌ها، دولت‌ها (به عنوان فعال اقتصادی) و دیگر نهادها برای دستیابی به منافع و کالاهای مورد نیاز و سود، به کنش متقابل می‌پردازند که این کنش می‌تواند در یک محل جغرافیایی یا فارغ از مکان باشد. به عقیده کوز، بازار فقط یک نهاد اجتماعی است که مبادله را تسهیل می‌کند. همچنین به نظر پارسونز و اسملسر، بازار بخشی از نظام اجتماعی بزرگ‌تر است (گرت و میلز، ۱۳۸۰).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، دیدگاه عمومی این است که دولت‌ها باید در زمینه‌سازی، نهادسازی برنامه‌ریزی اقتصاد، دخالت داشته باشند که این مسئله در راهکارهای اقتصادی ارتقا سرمایه اجتماعی اهمیت می‌یابد. اکنون پرسش محوری این است که آیا در تحقیقات سرمایه اجتماعی در ایران (به طور مستقیم و یا غیرمستقیم) می‌توان به یک رویکرد مشخص نظام اقتصادی دست‌یافت؟ آیا به پرسش‌هایی نظیر میزان مداخله دولت در اقتصاد، اقتصاد برنامه‌ریزی‌شده یا اقتصاد بازار و پرسش‌های بنیادینی از این دست، پاسخ یا پاسخ‌هایی وجود دارد؟ به‌طور کلی می‌توان گفت که نتایج تحقیقات مختلف، با این پرسش‌ها مرتبط هستند و به طور ضمنی، پاسخ‌هایی داده‌اند. همان‌طور که در بخش اجتماعی گفته شد، کاهش فقر و نابرابری و وجود نظام حمایت اجتماعی گسترده، یکی از راهکارهایی اساسی افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه است و این سیاست با نظام اقتصادی هر جامعه مرتبط است. همچنین، سیاست‌های افزایش کارآمدی اقتصادی و حکمرانی خوب و کاهش فساد و تقویت نظارت و بازرسی که با حوزه‌های سیاسی، حقوقی، قضایی و... مرتبط‌اند؛ بنابراین حوزه‌ها یا ساختارهای نهادی مختلف در زندگی اجتماعی به همدیگر وابسته‌اند.

در این تحقیقات، به ارتباط بین سرمایه اجتماعی و زندگی اقتصادی اشاره شده است: کاهش سرمایه اجتماعی، موجب افزایش ریسک سرمایه‌گذاری، فرار سرمایه‌های اقتصادی و کاهش معاملات اقتصادی می‌شود و در مقابل، افزایش سرمایه اجتماعی باعث کاهش ریسک و تقویت معاملات اقتصادی، ایجاد اعتماد در بازار و اعتماد به سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی شده و سرمایه‌گذاری اقتصادی را تسهیل و باعث رشد کارآفرینی و در نهایت رشد اقتصاد کشور می‌شود (کاووسی و کیاسی، ۱۳۸۷). در برخی تحقیقات، ضعف نسبی رشد اقتصادی ایران در دوره‌های پس از انقلاب، در کنار سایر عوامل، با عاملیت کاهش

سرمایه اجتماعی نیز تحلیل شده است (متوسلی و بی‌نیاز، ۱۳۸۱)؛ تحقیقات توضیح می‌دهند که «اعتماد و همکاری متقابل»، باعث رونق اقتصادی می‌شود و دولت در تعیین سازوکارهای قانونی، سیاسی و اجتماعی در شکل‌گیری فضای تعاملات اقتصادی نقشی تعیین‌کننده دارد (ربیعی، ۱۳۹۹). ربیعی با این دیدگاه که دولت توسعه‌گرا، عاملی اساسی در روند رشد و توسعه اقتصادی است، به این پرسش می‌پردازد که چرا پس از انقلاب اسلامی، دولت توسعه‌گرا به وجود نیامده و در نهایت گفتمان امنیت جایگزین گفتمان توسعه شده است (ربیعی، ۱۳۹۹). برخی بر کاهش اعتماد بین بخش خصوصی و دولت به عنوان یکی از عوامل کاهش کارکرد نظام اقتصادی نام می‌برند (گودرزی و همکاران، ۱۳۹۶)؛ برخی از نهادگرایان ایرانی، سیاست‌های تعدیل ساختاری (خصوصی‌سازی، مقررات‌زدایی، ...) را از عوامل اختلال کارکردی نظام اقتصادی، افزایش فساد و رانت، کاهش قدرت خرید به دلیل تورمزایی، تضعیف ارزش پول ملی، کاهش یا حذف خدمات اجتماعی دولت، کاهش اشتغال در بخش رسمی، گسترش فقر و نابرابری و پرداخت مالیات‌های تحمیلی فزاینده با واسطهٔ نیاز دائماً روبه‌افزایش دولت به درآمدهای جدید، بی‌ثباتی اقتصادی و کاهش اعتماد عمومی به نهادها و سیاست‌های اقتصادی دانسته‌اند (مؤمنی، ۱۳۹۵).

اما حوزهٔ اقتصاد و عملکرد آن، عامل و متغیری مستقل در کاهش و یا افزایش سرمایه اجتماعی در سطح کلان جامعه است. عوامل و روندهای اقتصادی، نقش مهمی در کاهش اعتماد و سرمایه اجتماعی دارند. تداوم رکود اقتصادی، تورم بالا و بیکاری فزاینده، موجب کاهش اعتماد به نهادها و سیاست‌های اقتصادی شده است. اما به‌عنوان راهکار، با توجه به اینکه بیشتر تحقیقات حوزهٔ سرمایه اجتماعی در رشته‌های جامعه‌شناسی انجام شده است، راهکارهای اقتصادی معمولاً کلی در نظر گرفته شده‌اند: بهبود فضای کسب و کار، کنترل تورم، افزایش اشتغال، کاهش

فقر و نابرابری، عدالت مالیاتی، و... اما از ترکیب دیدگاه‌ها و راهکارهای ارائه‌شده در تحقیقات پیشین، می‌توانیم معانی و دلالت‌های اقتصادی تحقیقات سرمایه اجتماعی را این‌گونه تفسیر کرد:

«دولت باید نقش مهمی در اقتصاد داشته باشد و سیاست‌ها و برنامه‌هایی برای توزیع درآمد و کاهش نابرابری داشته باشد. البته نقش دولت فقط مربوط به برقراری عدالت نیست و از نهادسازی برای اقتصاد بازار تا ایجاد فرصت‌های برابر را شامل می‌شود که در افزایش بهره‌وری اقتصادی ملی مؤثر است. همچنین، «اقتصاد بازار» در حوزه‌هایی که موجب نابرابری شدید نمی‌شود و موجب افزایش بهره‌وری و کارایی تولید و توزیع کالاها و خدمات می‌شود، مورد پذیرش است. به عبارت دیگر، ترکیبی از سهم و نقش دولت و بازار در نظام اقتصادی مدنظر است با این استدلال که دولت زمینه فعالیت بازار را تعیین کند. دولت باید نقش داوری و تنظیم‌کننده بازار را داشته باشد (تضمین حقوق مالکیت، تضمین اجرای قراردادها، تضمین امنیت اقتصادی و...). دولت، نقش اساسی در ایجاد زیرساخت‌های نهادی از جمله دستگاه قضایی کارآمد و مستقل که شرط لازم کارکرد مؤثر اقتصاد مبتنی بر بازار است، دارد. همچنین دولت و فعالیت‌های آن باید به گونه‌ای طراحی شوند که از سؤاستفاده و رانت‌خواری جلوگیری شود. برای تضمین سلامت اداری و اقتصادی دولت، نهادهای مدنی و مطبوعات باید آزاد و مستقل باشند تا نقش نظارتی داشته باشند».

از تفسیر و تحلیل گزاره‌های اقتصادی تحقیقات سرمایه اجتماعی که در ذکر آن رفت، می‌توان مفهوم «اقتصاد دولتی متکی به بازار» را استخراج کرد. نظریه اقتصادی کشور باید چه باشد؟ در تحقیقات سرمایه اجتماعی، هم به نقش دولت و هم به نقش بازار و بخش خصوصی اشاره شده است و پاسخ این سؤال به نوعی از مسیر تحلیل «اقتصاد سیاسی» می‌گذرد: «بازار» همیشه به نتایج منصفانه

منجر نمی‌شود و «برنامه‌ریزی دولتی» نیز همیشه خوب کار نمی‌کند؛ بنابراین دولت باید سیاست‌گذاری کند ضمن این‌که حیطة عمل آن نباید موجب خردشدن بخش خصوصی واقعی و مولد شود. ترکیبی از اقتصاد دولتی (تنظیم‌گیری و بنگاهداری به‌ویژه در برخی کالاهای اساسی) و اتکا به نهاد بازار به‌ویژه در کالاهای غیراساسی، نتیجه و مقوله‌ای کلی بوده است که ما از فراتحلیل و ترکیب و تفسیر نتایج و دیدگاه‌های تحقیقات اقتصادی گرفته‌ایم. ترکیب بهینه دولت و بازار در شرایط فعلی اقتصاد ایران مشخص می‌کند که دولت کجا باید بیرون بکشد و کجا را باید وارد شود. باتوجه‌به این تحلیل، می‌توان از دلالت‌های اقتصادی تحقیقات سرمایه‌اجتماعی، به چهار سیاست کلی اقتصادی که موجب افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود اشاره کرد که در جدول ۳۶ آمده است.

جدول ۳۶: سیاست‌های اقتصادی افزایش سرمایه اجتماعی

سیاست‌ها	
تولیدمحوری در ساختار اقتصادی	۱
نقش بازار در تخصیص کالاها	۲
توقف خصوصی‌سازی غیرکارشناسی	۳
تأمین کالاهای عمومی	۴

نکته قابل تأمل، ارتباط ارگانیک این سیاست‌ها با همدیگر است و به دلیل این ارتباط تنگاتنگ، تغییرات ساختار نهادی (در سیاست‌ها، قوانین و مقررات، سازمان‌ها، رویه‌ها و...) ضروری است تا توسعه اقتصادی و اجتماعی هم‌زمان صورت بگیرد. رشد اقتصادی بدون توسعه اجتماعی (کاهش فقر و نابرابری، افزایش برابری فرصت‌ها، کاهش تبعیض اقتصادی - اجتماعی و...)، باعث رشد و ارتقای سرمایه اجتماعی نمی‌شود. به عبارت دیگر، آن نوع از رشد و توسعه اقتصادی باعث افزایش سطح سرمایه اجتماعی می‌شود که اکثریت

جامعه به نحوی نفع برنده آن باشند و نه فقط طبقات و اقشار کوچکی از جامعه؛ مسئله این است سیاست‌های اقتصادی که موجب افزایش نابرابری و فقر می‌شود، نمی‌تواند باعث رشد سرمایه و همبستگی اجتماعی باشد. گزارش‌های مختلف نشان می‌دهد که نظام اقتصادی کنونی ایران، وضعیت کژکارکردی عمیق و گسترده‌ای دارد؛ تحلیلی بدبینانه از اقتصاد سیاسی ایران وجود دارد که خالی از حقیقت نیست: پیوند دولت غیراجتماعی با سیاست خارجی تنش‌آمیز و سرمایه‌داری سوداگرانه در غیبت نهادهای مدنی، موجب نابرابری اقتصادی، رکود، تورم و بیکاری، شده است و این مسائل، معلول وضعیت ساختاری اقتصاد سیاسی است. سرمایه‌داری رانتی، به رابطه ارگانیک تمرکز قدرت در طبقه سیاسی حاکم و سیاست‌های مالکیت زدایی عمومی در قالب پروژه‌های خصوصی‌سازی و امثال آن اشاره دارد. مقوله‌هایی که از ترکیب در تحقیقات مختلف احصاء شده‌اند، سیاست‌هایی رادیکال و کلی برای تغییرات اساسی در این اقتصاد سیاسی‌اند:

سیاست تولیدمحوری در نظام اقتصادی، ریل‌های اساسی در نظام اقتصادی را نشان می‌دهد. بازارمحوری، استفاده از ظرفیت رقابتی و بهره‌وری نهاد بازار و بخش خصوصی در کالاهای غیراساسی است و دولت‌محوری در کالاهای اساسی، باعث می‌شود که از پیامدهای منفی احتمالی شکست بازار در تأمین و تخصیص نیازهای ضروری و اساسی، جلوگیری شود. توقف روند مالکیت زدایی عمومی و سیاستی که طی سه دهه با عنوان خصوصی‌سازی معروف شده است و طبق نظر کارشناسان، با فساد همراه بوده و نه تنها موجب افزایش بهره‌وری و رقابت نشده که با ورشکستگی بسیاری از واحدهای اقتصادی و اخراج نیروی کار همراه بوده است، می‌تواند سیاستی برای بازگشت سرمایه اجتماعی و اعتماد به نظام اقتصادی باشد.

تولیدمحوری در نظام اقتصادی

جهت توضیح مقوله «تولیدمحوری در ساختار اقتصادی» جهت افزایش اعتماد به نظام اقتصادی که در تحقیقات سرمایه اجتماعی به عناوین متعددی چون «اقتصاد مقاومتی»، «جهش اقتصادی»، «رشد تولید» و امثال آن مورد اشاره قرار گرفته است، بهتر است در مورد وضعیت موجود، تحلیلی اقتصادی (از منظر این گزارش) ارائه شود. در یک تحلیل اقتصادی، در وضعیت کنونی، اقتصاد ایران متأثر از دو عامل، یعنی «تحریم‌ها و کاهش سرمایه ارزی» و «ساختار اقتصادی نامولد و کاهش سرمایه تولیدی» با رکود مواجه است که این رکود به بیکاری، کاهش رفاه عمومی و افزایش نارضایتی و در اعتماد به نهادهای سیاسی و اقتصادی انجامیده است.

۱- افزایش تحریم‌ها و کاهش سرمایه ارزی: با وجود برنامه‌های صدساله دولت‌های ایران در راستای ایجاد فناوری‌های داخلی، اما صنعت ایران در رشته‌های مختلف (نفت، گاز و پتروشیمی، خودرو، فولاد، و...) وابسته به فناوری و سرمایه خارجی است که عموماً در کنترل کشورهای مرکز نظام جهانی است. به دلیل صنعتی شدن وابسته، ایران در بسیاری از کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی، نیازمند واردات از کشورهای خارجی است و واردات نیازمند ذخایر ارزی به‌ویژه دلار و یورو به‌عنوان ارزهای مسلط در نظام جهانی است. به عبارت دیگر، صنعت وابسته به مواد اولیه و محصولات خارجی، صنعت وابسته به ارز (دلار و یورو) است. از طرف دیگر، با توجه به تنوع پایین اقتصاد ایران، عمده‌ترین مسیر تأمین ذخایر ارزی، درآمد حاصل از فروش نفت، گاز و محصولات پتروشیمی است. البته ایران کالاهای دیگری همچون مواد معدنی، محصولات غذایی، مواد شوینده، لوازم خانگی و... صادر می‌کند؛ اما حجم آن گسترده نیست و ارزآوری اندکی دارد و صنعت و فناوری آن نیز وابسته به فناوری خارجی و در بسیاری موارد، مواد اولیه نیز وابسته به خارج است. در نهایت شواهد نشان می‌دهند

که هنوز هم آمریکا، کشور مسلط کنونی در نظام جهانی از نظر فناوری و اقتصادی است و می‌تواند با آهرم‌های مختلف، کشورهای دیگر به‌ویژه کشورهایی مانند ایران را تحت فشار قرار دهد؛ بنابراین اقتصاد ایران به لحاظ صنعتی - فنی و سرمایه‌ای، وابسته محسوب می‌شود و به همین دلیل نیز تحریم‌ها در کنار مسائل داخلی، تأثیر زیادی بر رکود تولید دارند. هدف تحریم این بوده است که درآمدهای ارزی ایران کاهش یابد تا با شوک‌های ارزی و ریالی یعنی با دلار قوی و ریال ضعیف، موجب تضعیف واحدهای تولیدی و رکود بیشتر در بازار ایران شود (مرکز بررسی‌های استراتژیک، ۱۳۹۹). در ادامه توضیح داده می‌شود که چرا «دلار قوی و ریال ضعیف» بر خلاف دیدگاه تئوریک، باعث افزایش تولید داخلی و صادرات نمی‌شود.

۲- ساختار اقتصادی غیرتولیدی و کاهش سرمایه‌تولیدی: ساختار اقتصادی نامولدا و کاهش سرمایه‌تولیدی، اثر تحریم‌ها را چندبرابر کرده است؛ یکی از سیاست‌های غیرعقلانی و بدون توجه به ساختار اقتصادی، «افزایش نرخ ارز» و «تضعیف ارزش ریال» بوده است. از زیان‌بارترین اتفاقات اقتصاد کلان که زیان‌های بلندمدت و فراگیری به بار می‌آورد، جهش‌های بزرگ نرخ ارز است. نقش بزرگ تخریبی این جهش‌ها، برهم‌زدن ثبات اقتصاد کلان و تحمیل عدم قطعیت به اقتصاد است. گفته می‌شود که از منظر تئوریک، افزایش نرخ ارز، «در جهت بهبود وضعیت تراز پرداخت‌ها و تقویت صادرات است». یعنی «دلار قوی و ریال ضعیف» می‌تواند باعث کاهش واردات و افزایش تولید داخلی و صادرات شود. به‌عنوان نمونه، چین تلاش کرده است که نرخ «یوان» را در برابر دیگر ارزها پایین نگه دارد تا صادرات بیشتر و واردات کمتری داشته باشد. یعنی برای تقویت تولید ملی، سیاست ارزی چین، بالابردن نرخ دلار و یورو و ارزان نگه داشتن نرخ یوان بوده است.

۱. این سخن به این معنی نیست که در اقتصاد ایران تولید وجود ندارد بلکه به این معنی است که در ساختار نهادی، کنش اقتصادی تولید محور، کمتر عقلانی است و کنش‌های اقتصادی غیرتولیدی مانند دلالتی، واسطه‌گری، سوداگری در کالاهای غیرتولیدی مثل زمین، طلا، ارز و ... عقلانی تر و سودآورتر است.

تحلیل گزارش حاضر این است که نظریه تأثیر مثبت ارزگران بر تولید، زمانی می‌تواند صادق باشد که ساختار اقتصادی کشور دو فاکتور عمده را داشته باشد: ابتدا اینکه مواد اولیه و فناوری و بیشترین حلقه‌های زنجیره تأمین کالا در درون کشور تولید شود و نیاز به واردات و ارزش خارجی «گسترده» نداشته باشد (مانند چین^۱) و تولید داخلی تماماً وابسته به واردات فناوری و مواد اولیه از خارج با ارزش خارجی نباشد؛ دوم اینکه کاهش ارزش پول ملی در صورتی می‌تواند مفید باشد (برای زمانی مشخص) که سایر شاخص‌های اقتصادی از جمله تراز ارزی کشور مثبت باشد و نظام اقتصادی، سودآوری را به بخش مولد و اشتغال‌زا و ارزش‌آفرین سوق داده باشد نه به بخش‌های غیرمولد و سفته‌بازی؛ در ایران، هم‌زمان با کاهش ارزش پولی ملی، به دلیل ساختار غیرمولد که فعالیت تولیدی واقعی سودآوری بالا ندارد، نقدینگی رشد می‌یابد و به‌جای آنکه به بخش‌های مولد اقتصادی سوق یابد، به فعالیت‌های غیرمولد و سوداگرانه خرید دلار، سکه، زمین و خودرو سرازیر می‌شود. اقتصاد ایران هم نیازمند کالاهای سرمایه‌ای و هم مواد اولیه از خارج است. در این شرایط بر اثر افزایش نرخ ارز، بهای تمام‌شده کالاها، با افزایش شدید قیمت کالاهای سرمایه‌ای و مواد اولیه وارداتی، بالا می‌رود. علاوه بر ضربات شدیدی که افزایش نرخ ارز بر صنعت به دلیل وابستگی آن به واردات و نرخ ارز وارد کرده است، افزایش نرخ ارز از کانال‌های دیگری چون افزایش تورم، تقویت اقتصاد زیرزمینی و ایجاد تقاضای سفته‌بازی برای دلار و طلا به دلیل نااطمینانی از آینده، کاهش ارزش ریال و... اقتصاد را تضعیف کرده است.

بنابراین، افزایش نرخ ارز هم مانند رشد نقدینگی لزوماً امری منفی

۱. این سخن به این معنی نیست که چین نیاز به واردات هیچ کالایی (کالای فیزیکی، ارز، فناوری و دانش و...) ندارد، بلکه به این معنی است که این کشور تماماً وابسته به کالای خارجی نیست و می‌تواند بسیاری از نیازهای خود را در داخل تأمین کند و اگر کالایی در خارج از اقتصاد گران شد، با توجه به ظرفیت اقتصادی خود می‌تواند سیاست‌های اقتضایی در پیش بگیرد و تلاطم قیمتی کالاها، باعث اختلال در اقتصاد تولیدی آن نشود.

نیست؛ اما زمانی که ساختار اقتصادی به گونه‌ای باشد که سرمایه مالی به سمت فعالیت‌های مولد سوق یابد. مثلاً ساختار اقتصادی آلمان به گونه‌ای است که بخش سوداگری و غیرمولد مهار و موانع کسب و کار مولد برداشته شده و نقدینگی به سمت بخش مولد هدایت می‌شود؛ چراکه راحت‌تر و سودآورتر است. اما در نظام اقتصادی ایران (با موانع فعالیت تولیدی و سودآوری و زود بازدهی بخش‌های غیرمولد نسبت به بخش‌های مولد)، نقدینگی به سمت بخش غیرمولد سوق می‌یابد. به این ترتیب، پیامد دلار قوی و ریال ضعیف در ساختار اقتصادی کنونی، نه تقویت صادرات و بنگاه‌های تولیدی بلکه تضعیف آن‌هاست.

بنابراین، در دامنه سیاست‌های داخلی که اقتصاد ایران را به سمت اقتصاد رانتی و سفته‌بازی و غیرتولیدی کشانده است، راهبرد اصلی، اتخاذ سیاست‌هایی است که اقتصاد را به سمت فعالیت‌های تولیدمحور سوق دهد و از سفته‌بازی و فعالیت‌های نامولد دور سازد؛ سیاست‌ها و رویه‌های کنونی، اقتصاد و فعالیت تولیدی را نامطمئن و غیرعاقلانه و سوداگری و سفته‌بازی و فعالیت اقتصادی غیرتولیدی را عاقلانه و زودبازده کرده است و افزایش شدید قیمت‌های ارز، سکه، زمین و خودرو، نشانگر اقتصاد غیرمولد و اختلال در نظام اقتصادی است.

یکی از پیشنهاداتی که برای این معضل وجود دارد این است که دولت، مسیر گردش پول و نقدینگی را به سمت تولید و فعالیت تولیدی هدایت کند تا «فرصت‌های شغلی» در فعالیت‌های مولد خلق شود؛ از دیدگاه سازمان بین‌المللی کار، فعالیت‌های مولد، مشاغلی را شامل می‌شود که به ارتقا توان رقابت ملی و توسعه پایدار کمک کند: «هسته مرکزی سیاست‌های کاهش فقر، ایجاد دسترسی برای کار فقرا است. کار و فرصت شغلی به مردم اجازه می‌دهد که برای خود غذا تهیه کرده و پولی که برای خرید کالا و خدمات نیاز دارند را به دست آورند». افزایش بیکاری، همیشه از عوامل اصلی کاهش سرمایه اجتماعی ملی قلمداد می‌شود.

راه‌حل‌های جایگزین مانند دورزدن تحریم‌ها موفق نبوده‌اند و در وضعیت شدت گرفتن کمیابی ارز و کالا، «اعمال فرماندهی مرکزی سیستم» ضروری است که بر اساس یک برنامه مشخص عمل کند و زمینه را به گونه‌ای آماده کند که فعالیت تولیدی، مطمئن، امن و سودآور و عقلانی شود. با این مقدمه، راهکارهایی که باعث تغییرات ساختاری و نهادی در جهت تشویق به سرمایه‌گذاری تولیدی در مقابل سفته‌بازی و دلالتی است، در جدول ۳۷ ذکر شده است.

جدول ۳۷: الزامات تولیدمحوری در نظام اقتصادی

سازوکارها	
سیاست خارجی مبتنی بر دیپلماسی جهت دستیابی به منابع ارزی ضروری و افزایش سرمایه‌گذاری خارجی	۱
تأکید بر درآمدهای ارزی نفت، گاز و پتروشیمی برای تقویت زیرساخت‌های اقتصادی کشور	۲
تغییر ساختاری نظام بانکی به سمت تولید و جلوگیری از سفته‌بازی بانک‌ها و مؤسسات مالی در بازارهای غیرمولد همچون سکه و طلا، زمین، خودرو و... که به نوسانات شدید قیمتی در کشور انجامیده است.	۳
ایجاد زمینه‌های قانونی برای ممانعت از تفوق سرمایه مالی و تجاری نامولد بر اقتصاد تولیدی و مولد (جلوگیری از رونق نامتعارف تجارت پول و سرمایه مالی، رشد شدید سوداگری زمین و مستغلات و...)	۴
شفاف‌سازی مزایده‌ها و مناقصات دولتی جهت کاهش فساد و افزایش بهره‌وری سرمایه‌گذاری	۵
شفافیت تخصیص نرخ ارز در همه وزارتخانه‌ها و در مورد همه کالاها و برخورد با فساد افراد و شرکت‌هایی که از ارزهای دولتی، سوءاستفاده کردند.	۶

۱. سیاست خارجی به هر نحوی که باشد، دستیابی ایران به منابع ارزی باید در اولویت قرار بگیرد. در اقتصاد جهانی، سیاست خارجی باید دو هدف اصلی داشته باشد: اقتصاد و امنیت ملی و نمی‌توان یکی را فدای دیگری کرد. نظام اقتصاد جهانی، بر پایه اقتصاد ملی مستقل و ایزوله استوار نیست بلکه بر اساس الزامات بازار جهانی برای تولید، توزیع و مصرف عمل می‌کند. بنابراین سیاست خارجی، نمی‌تواند تنها بر پایه یک هدف یعنی امنیت ملی استوار باشد و پایدار بماند. اقتصاد رکن اصلی امنیت است و دولتی که نتواند نقشی مهمی در اقتصاد جهانی داشته باشد، اقتصاد ضعیفی داشته و قدرت و امنیت ملی آن نیز شکننده خواهد بود. به این ترتیب در سیاست خارجی، دو هدف توسعه اقتصادی و قدرت و امنیت ملی، به هم گره خورده‌اند و به همین دلیل سیاست خارجی مبتنی بر دیپلماسی اقتصادی و منافع ملی، به لحاظ استراتژی و تاکتیک، بسیار پیچیده و اقتضایی است.

سازوکارها	
۷	تقویت نظارت رسانه‌ها و نهادهای مدنی بر معاملات بین بخش دولتی و بخش خصوصی
۸	جهت‌دهی سرمایه‌ها در بورس به سمت تولید و فعالیت‌های تولیدی
۹	اصلاح و تغییر سیاست‌های مالیاتی در جهت عدالت مالیاتی؛ ۱ - افزایش مالیات ثروتمندان و مالیات‌گیری از همهٔ بنگاه‌های بنیادها؛ ۲ - تصویب طرح مالیات بر خانه‌های خالی در کشور؛ ۳ - اخذ مالیات از شرکت‌های خصوصی؛ ۴ - افزایش پایه مالیات شرکت‌های بورسی بزرگ مانند پتروشیمی‌ها، فولاد، بانک‌ها، مخابرات و امثال آن؛ ۵ - تخفیف مالیاتی برای بخش تولیدی و مولد و حذف معافیت‌های مالیاتی در حوزه‌های غیرمولد (بخش بزرگی از بنگاه‌ها و سرمایه‌داران تجاری، به دلیل معافیت مالیاتی و یا فرار مالیاتی، کمکی به بودجه عمومی نمی‌کنند).
۱۰	- ممانعت از تخصیص منابع مالی از بودجه عمومی برای جلوگیری از ورشکستگی بانک‌ها و مؤسسات مالی خصوصی که فساد مالی مرتکب شده‌اند.
۱۱	جلوگیری از تسخیرشدگی نظام سیاست‌گذاری اقتصادی ^۱
۱۲	کنترل اصولی بر بانک‌ها و مؤسسات مالی

در انتهای این بخش، در راستای تولیدمحور شدن اقتصاد، سازوکار کنترل بر «بانک‌ها و مؤسسات مالی» به طور مختصر توضیح داده می‌شود. در اقتصاد سیاسی کنونی، نهادهای مالی، از جمله بنگاه‌های بوده‌اند که از سال ۱۳۸۵ به این سو، بعضی از آن‌ها خصوصی شده است^۲ که نتایج مورد انتظار را نداشته است و اجتماعی کردن این نهادهای مالی (بانک‌ها و مؤسسات مالی) به منظور برنامه‌ریزی و نظارت مالی، گامی در راستای

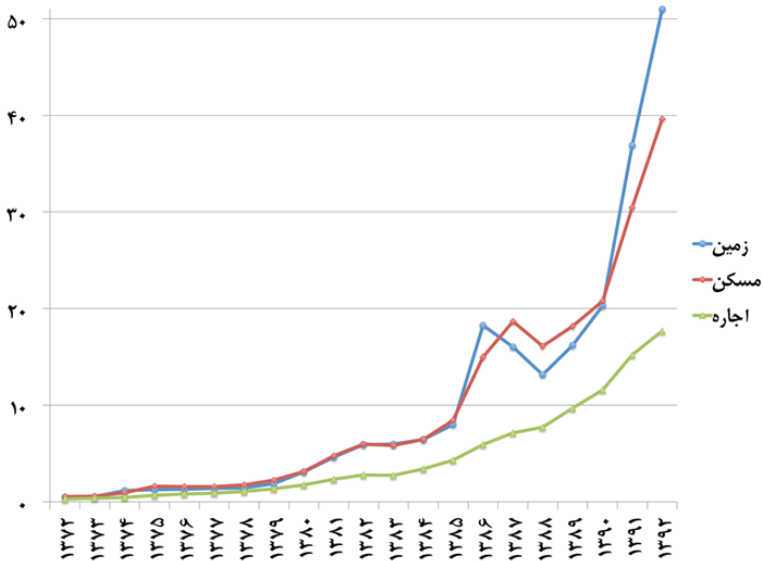
۱. گروه‌های مالی، گروه‌های مذهبی، خانواده‌های ثروتمند بالا و صاحب سرمایه، از طریق نفوذ سیاسی، اثرگذاری بالایی بر سیاست‌های اقتصادی دارند. در حالی که مردم ناپر خوردار از نفوذ سیاسی نمی‌توانند در قالب انجمن‌ها، اتحادیه‌ها، سندیکاها و امثال آن، بر مصوبات دولت و مجلس اثرگذار باشند، گروه‌های قدرتمند اجتماعی و اقتصادی، به نهادهای دولتی دسترسی دارند و بر سیاست‌های دولت اثر می‌گذارند و این «تسخیرشدگی دولت و نظام سیاست‌گذاری» مخرب است. تسخیرشدگی نظام سیاست‌گذاری، وضعیتی است که در آن، گروه‌های خاص و صاحب قدرت و ثروت، بانفوذ و تأثیرگذاری بر فرایند سیاست‌گذاری، سیاست‌ها را از حول منافع جمعی به سمت منافع خصوصی و انحصاری خود سوق می‌دهند. جلوگیری از «نفوذ سیاسی» گروه‌ها و طبقات ذی‌نفوذ و قدرتمند و صاحب سرمایه برای جهت‌دهی سیاست‌های اقتصادی بر منافع خود و ضرر منافع عمومی، اقدامی اساسی در جهت عدالت اقتصادی و افزایش بهره‌وری اقتصاد است.

۲. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، خصوصی سازی عموماً برای بنگاه‌های رقابتی در نظر گرفته شد و برای بخش‌های عمومی مانند خدمات اجتماعی، بانک‌ها، ارتباطات و صنایع سنگین و مادر، کمتر به کار گرفته شده است (بوبکری و دیگران، ۲۰۰۵؛ به نقل از تازی و همکاران، ۱۳۹۸).

«اقتصاد اجتماعی» است. استدلال دیدگاه اقتصاد اجتماعی این است که حاکمیت پولی نباید به دست افراد و گروه‌های محدودی باشد که بتوانند برای کسب سود بیشتر، اقتصاد را به مسیرهای غیرمولد و سودآگریانه سوق دهند. طی سال‌های گذشته، بانک‌ها به طور خزننده در همه بازارها حضور پیدا کرده‌اند و حجم کلان وارد شدن پول به بازارهای مختلف (ارز، طلا، خودرو، بورس‌های کالایی، واردات کالا و...)، بازارها را به طور ناگهانی دچار تلاطم و نوسانات شدید و اقتصاد کشور را بی‌ثبات کرده است و بانک مرکزی نیز قادر نبوده است رفتارهای پرخطر بانک‌ها و مؤسسات مالی را مهار کند. عدم تبعیت نهادهای مالی از سیاست‌های بانک مرکزی در سنوات گذشته نقش پررنگی در شکل‌گیری عدم تعادل‌های بلندمدت در اقتصاد داشته است. در اقتصاد ایران که انگیزه‌ها بیشتر به سمت فعالیت‌های غیرتولیدی است، خصوصی بودن بانک‌ها و عدم نظارت دولت بر آن‌ها تبعات زیان‌باری به اقتصاد وارد کرده است؛ بخشی از عوامل تورم‌های بالا و رکود، ناشی از عدم کنترل بانک‌ها و مؤسسات در اقتصاد غیرتولیدی بوده است و دولت نتوانسته است بانک‌ها و مؤسسات را ملزم کند که نقدینگی را به سمت تولید و صنعت ببرند؛ چراکه که بازارهای غیرتولیدی کشش سود بالایی داشته و بانک‌ها و مؤسسات ترجیح داده‌اند حجم کلان نقدینگی از مردم که در دست دارند را به سمت کالاهایی مثل طلا، ارز، زمین، ملک و خودرو و... ببرند:

«از برنامه سوم توسعه که پای بانک‌های به اصطلاح خصوصی به اقتصاد باز شد، و... رشد نقدینگی شتابان‌تر و نحوه کارکردش بسیار مخرب‌تر و بدتر می‌شود و از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰، قیمت زمین، مسکن و سطح عمومی قیمت‌ها تقریباً به یک نسبت افزایش می‌یابند؛ اما از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰، با سرعت‌گیری تلاش‌های سودآگریانه و مخرب بانک‌ها به‌ویژه بانک‌های به اصطلاح خصوصی، قیمت زمین سه و نیم برابر و قیمت مسکن دو و نیم

برابر سطح عمومی قیمت‌ها رشد می‌کند و یک بحران عدم تناسب بی‌سابقه در اقتصاد رخ می‌دهد به طوری که از ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۲، قیمت متوسط زمین حدود ۱۰۷ برابر، قیمت مسکن، ۷۸ برابر و سطح عمومی قیمت‌ها، ۲۷ برابر رشد می‌کند. البته قیمت زمین در بعضی مناطق شاید تا هزار برابر هم رشد کرد و قیمت از حدود سه هزار تومان در شروع برنامه اول، به ۳۰ میلیون تومان می‌رسد.^۱



نمودار ۳۶: قیمت زمین، مسکن و اجاره خانه در دوره ۱۳۷۲ تا ۱۳۹۲

علاوه بر بانک‌ها، سیاست‌های مؤسسات مالی طی سال‌های گذشته، باعث به هم ریختگی شدید اقتصاد کشور شد. در تشدید اعتراضات دی‌ماه ۹۶، برخی از افراد و گروه‌ها با تشدید و تحریک بحران، دولت را برای تسویه حساب «مدیران و صاحبان مؤسسات مالی» ناچار کردند و دولت مجبور شد بنا به گفته رئیس سازمان برنامه و بودجه، ۳۶ هزار

۱. شاکری، عباس: (۱۳۹۷) «آدرس‌های غلط و مسئولیت‌گریزی‌رندانه: نگاهی به نقش شوک درمانی در بحران سازی نقدینگی»، سایت اقتصاد نما.

میلیارد تومان به این مؤسسات سرمایه تزریق کند^۱ تا آنها بتوانند مطالبات مشتریان را تسویه کنند. بخش بزرگی از این نقدینگی که بدون شفاف‌سازی و پشتوانه تزریق شد، به بازارهای مختلف از جمله ارز و سکه و طلا وارد و باعث نوسانات شدید نرخ ارز شد. در واقع برای ۳۶ هزار میلیارد تومان، بر اساس یک دستور، اسکناس چاپ شد تا بدهی مؤسسات مالی تسویه شود و این رقم علاوه بر بازار ارز و سکه، ۱۴ درصد پایه پولی کشور را افزایش داد که نتیجه آن تورم شدید در سال ۹۷ بود و این تورم، مالیاتی غیرقانونی بود که دولت از جیب فقرا و طبقه متوسط به حساب افراد و گروه‌ها و نهادهایی واریز کرده که هیچ مسئولیتی در قبال این سیاست‌های مالی بی‌ثبات‌کننده و تورم‌زا بر عهده نگرفتند.

کنترل و ثبات نرخ سالانه تورم و ایجاد ثبات اقتصادی، اعتماد عمومی به نهادهای اقتصادی و آینده اقتصاد را افزایش می‌دهد و سرمایه‌گذاری را تشویق می‌کند؛ ثبات نسبی اقتصادی (در قیمت‌ها) موجب افزایش انگیزه برای سرمایه‌گذاری در بخش تولید و افزایش اشتغال و کاهش بیکاری است. کنترل و ثبات نرخ سالانه تورم، برآیند سیاست‌ها و نهادهای پولی، مالی و تجاری است و در هر نظام اقتصادی، نرخ تورم باید در اندازه‌های عادی و منطبق با شرایط اقتصادی جامعه کنترل شود و نتیجه همه این فرایندها، ثبات اقتصادی و افزایش اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی در نظام اقتصادی است. در حالی که تفوق نهادهای مالی بر نهادهای تولیدی در ایران و عدم نظارت مناسب و کافی، نظام اقتصادی را از سرمایه اجتماعی، تهی ساخته است.

نقش بازار در تخصیص کالاها

«بازار» خودتنظیم‌گر^۲ در برخی کالاها مکانیسمی برای تولید و توزیع

۱. رییس سازمان برنامه و بودجه: «مؤسسات مالی غیر مجاز ۳۶ هزار میلیارد تومان به دولت خسارت زدند، زیرا دولت ناچار شد برای جبران تعهدات و خسارتی که وارد کردند این مبلغ را پرداخت کند».

2. Self-Regulating Market

کالاها و خدمات (تأمین نیازها) است و تخصیص منابع را بهینه می‌کند؛ بنابراین برای تخصیص برخی کالاها، خدمات و عوامل تولید، اتکا به بازار و بخش خصوصی، سازوکاری اساسی است. ایجاد فضای رقابت و افزایش بهره‌وری و رونق اقتصادی، یکی از نتایج خصوصی‌سازی بنگاه‌هایی در نظر گرفته شده است که رقابت در آن‌ها به نفع کلیت جامعه خواهد بود و موجب افزایش کیفیت تولید و توزیع محصولات و کالاها به مردم می‌شود. بهبود فضای کسب‌وکار و آزادی رقابت، یکی از مقوله‌هایی بوده است که در برخی از تحقیقات سرمایه اجتماعی جهت افزایش تبادلات اقتصادی در فضای آزادی اقتصادی به آن توجه شده است؛ اما این آزادی اقتصادی، بیشتر در کالاهایی است که ناکارآمدی احتمالی بازار در آن‌ها موجب از بین رفتن حیات انسان‌ها نشود؛ بنابراین در کالاها و خدمات «غیراساسی»، نظام اقتصادی از «نهاد بازار» برای ارتقای بهره‌وری و کیفیت استفاده می‌کند و مکانیسم بازار در این نوع کالاها و خدمات، می‌تواند به تخصیص بهینه نیازها و منابع منجر شود. فعالیت بخش خصوصی یا نیروی بورژوازی بخش خصوصی (آن‌گونه که در نظریه‌های چپ به آن اشاره می‌شود)، در صورتی می‌تواند موتور محرکه اقتصاد باشد که ساختار اقتصادی به نحوی ریل‌گذاری شده باشد که سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی در بخش‌های مولد اقتصاد، سودآور و عاقلانه باشد؛ زمینه‌های حقوقی و قانونی و قوانین و مقررات، به نفع تولیدکننده واقعی و حداکثرسازی سودآوری تولید باشد و شرایط ثبات سیاسی، امنیت سرمایه‌گذاری و تداوم آن را تضمین کند. حکمرانی خوب، حاکمیت قانون، دیپلماسی خارجی بدون تنش، قوه قضاییه مستقل، برابری در پیشگاه قانون و عدم مداخله نظامیان در سیاست و اقتصاد، از زمینه‌ها و الزامات فعالیت تولیدمحور نیروی بورژوازی بخش خصوصی است. در جدول ۳۸، شش سازوکار بر اساس سیاست بازار محوری در کالاهای غیراساسی معرفی شده است.

جدول ۳۸: الزامات بازارمحوری در کالاهای غیراساسی

سازوکارها	
۱	واگذاری بنگاه‌ها و مؤسسات تولیدکننده کالاهای غیراساسی در روندی شفاف و کارشناسی
۲	بهبود فضای کسب و کار بخش خصوصی از طریق: اصلاح بازار سرمایه برای تجهیز منابع مالی، اصلاح قوانین صادرات و واردات، کاهش ریسک سرمایه‌گذاری، اصلاح مقررات سرمایه‌گذاری، اصلاح فرایند اخذ جواز برای بنگاه‌های تولیدی، اصلاح سیستم بانکی، اصلاح سیستم مالیات ستانی و...
۳	بهبود فضای کسب و کار در صنایع جدید و آیت‌ی و تقویت بخش خصوصی در آن
۴	تضمین حمایت‌های بانکی از بنگاه‌های کوچک
۵	تقویت و حمایت قانونی و مالی از شرکت‌های کوچک استارت‌آپی
۶	واگذاری بخش‌های بیشتری از ورزش، فرهنگ و هنر به بخش خصوصی

توقف خصوصی‌سازی غیرکارشناسی

اینکه تأمین و تولید برخی کالاهای غیراساسی (مانند خودرو، ورزش و سرگرمی، و...) به بخش خصوصی سپرده شود به این معنی نیست که این عمل در روندی غیرشفاف و رانتی و به معنی سلب مالکیت عمومی باشد؛ رخدادی که در بسیاری موارد رخ داده است. به همین دلیل، ممکن است در برخی موارد، مانند فوتبال، بخش خصوصی و نهاد بازار باعث تقویت بهره‌وری و افزایش سرمایه اجتماعی شود، اما در برخی موارد مانند بسیاری از شرکت‌ها و اموال دولتی که خصوصی شده‌اند، باعث توقف تولید و کاهش سرمایه اجتماعی باشد. به همین دلیل، در موارد زیادی، توقف خصوصی‌سازی ثروت‌ها و دارایی‌هایی عمومی (سلب مالکیت عمومی)، از الزامات اصلی ارتقای سرمایه اجتماعی در دامنه کلان خواهد بود.

طی سال‌های گذشته، از یک سو سرمایه‌های بانک‌ها و مؤسسات مالی به سمت سوداگری مالی پیش رفته است و از سوی دیگر، دولت سعی در خارج‌شدن از بنگاه‌داری داشته و خصوصی‌سازی را کلید زده

است. اما زمانی که اقتصاد غیرمولد باشد، بخش خصوصی به سمت تولید نمی‌رود. عقلانیت اقتصادی حکم می‌کند که اگر تولید کالاها و خدمات را به دست بازار (بخش خصوصی) بسپاریم، هیچ فرد و نهاد خصوصی واقعی، به تولید کالاها و خدماتی نمی‌پردازد که حاشیه سود پایین و ریسک بالایی داشته باشد. این قضیه، ما را به این نتیجه می‌رساند که در شرایط اقتصاد غیرمولد، دولت باید نقش عمده‌ای در تقویت صنعت و تولید کالاها و خدمات داشته باشد. دولت باید صنایع را رونق دهد و انگیزه سود در آنها را افزایش دهد تا بانک‌ها و مؤسسات مالی انگیزه سرمایه‌گذاری در آن را پیدا کنند. اما به نظر می‌رسد که دولت برعکس عمل کرده است و رویکرد آن در اقتصاد غیرمولد (یعنی اقتصادی که در آن، سود و انگیزه، نه در تولید کالاها و خدمات بلکه در خرید و فروش کالاهاست)، واگذاری بنگاه‌ها و صنایع دولتی و عمومی به بخش خصوصی بوده است.

اما خصوصی‌سازی آن‌گونه که در بسیاری موارد رخ داده است (شرکت‌های هفت‌تپه، هپکو، گروه ملی فولاد، آق درّه، کشت و صنعت مغان، و...) در فرایندی به نسبت غیرشفاف و غیرکارشناسی، موجب افزایش بهره‌وری اقتصادی نشده و در عوض موجب رشد فساد و رانت، تعطیلی برخی واحدهای تولیدی و اخراج کارگران و رشد بیکاری شده است. به نظر برخی صاحب‌نظران، خصوصی‌سازی چیزی جز مالکیت زدایی عمومی نبوده است. بنگاه‌ها و اموال عمومی به قیمت نازل به اشخاص و یا به نهادهای شبه‌دولتی واگذار شده و این روند هم تولید را از بین برده (در برخی موارد تغییر کاربری شرکت‌ها و نابودی آنها) و هم وضعیت عمومی جامعه و کارگران و کارمندانی که در این واحدهای صنعتی مشغول به کار هستند را با دشواری مواجه کرده و موجب افزایش بیکاری و اعتراضات اجتماعی زیادی در سال‌های گذشته شده است.

جدول ۳۹: الزامات توقف روند مالکیت زدایی عمومی

سازوکارها	
۱	توقف روند خصوصی سازی در وزارت صنعت و وزارت کار و رفاه اجتماعی و انجام مطالعات کارشناسی بر آنها
۲	جلوگیری از فروش اموال و دارایی های عمومی (دولتی) برای جبران کسری بودجه دولت
۳	دسترسی و عمومی شدن اسناد و اطلاعات خصوصی سازی های انجام شده در سازمان خصوصی سازی
۴	رسیدگی و برخورد قضایی با متخلفان دولتی و خصوصی در مورد خصوصی سازی های فسادآمیز
۵	بازگشت سهام و مالکیت بنگاه ها و شرکت های دولتی واگذار شده به بخش عمومی و دولتی
۶	اصلاح «قانون شمول مناقصات» ناشی از واگذاری به شبه دولتی ها
۷	بازگشت مالکیت شرکت های خصوصی شده مشکل دار به بخش دولتی با نظارت شوراهای کارگری
۸	دسترسی پذیری عمومی به اسناد واگذاری های سازمان خصوصی سازی جهت شفاف سازی و جلوگیری از تخلف

در همه این واگذاری های اموال عمومی، افکار عمومی اقناع نشده و اعتماد عمومی به سیاست های اقتصادی دولت نزول کرده است. روند خصوصی سازی آن قدر با شکست و زیان ملی همراه بوده است که یکی از مدافعان اقتصاد آزاد را نیز بر آن داشته که بگوید: «خصوصی سازی را متوقف کنید»؛ به نظر موسی غنی نژاد: «فساد اقتصادی در کنار معضلات اجتماعی ناشی از خصوصی سازی های صورت گرفته، آشکارا نشانه هایی از شکست سیاست غیردولتی کردن اقتصاد ایران است که از برنامه نخست توسعه (۱۳۷۲-۱۳۶۸) آغاز شد و با ابلاغ سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی (۱۳۸۵-۱۳۸۴) به نحو گسترده ای ادامه یافت... اما نتایج حاصل از اجرای این

۱. تقریباً تمام کارخانه ها و شرکت ها پیش از خصوصی سازی، موظف به رعایت قانون مناقصات بوده اند. در حال حاضر این کارخانه ها و یا شرکت ها از زیر مجموعه وزارت خانه دولتی بیرون آمده و مثلاً متعلق به تأمین اجتماعی شده است (که خصوصی نیست بلکه خصولتی شده است اما در اینجا خصوصی تلقی می شود) و دیگر موظف با قانون مناقصات نیست. نتیجه اینکه تا پیش از این، فرایند تضامین قانونی موجب شفافیت و رقابت بر فرایند مناقصات حاکم بود اما در حال حاضر تصمیمات و قراردادهای پشت درهای بسته صورت می گیرد.

سیاست‌ها در مجموع به زیان منافع ملی و برخلاف مصلحت عمومی بوده است... خصوصی‌سازی در شرایط ساختاری فعلی به اهداف واقعی آنکه بالابران توان تولیدی و بهره‌وری بنگاه‌ها است، نمی‌تواند نائل آید و عملاً به باز توزیع اموال عمومی و رانت‌های انحصاری به تعدادی از افراد نزدیک به قدرت خواهد انجامید... آزادسازی مقدم بر خصوصی‌سازی و شرط لازم برای انجام موفقیت‌آمیز آن است... بنابراین، بهتر است به فوریت متوقف شود و اصلاح مسیر طی شده در دستورکار قرار گیرد. اما قبل از هر چیز لازم است علل این شکست به دقت بررسی شود؛ چراکه در غیر این صورت ممکن است دوباره ناظر تکرار اشتباهات گذشته به شکل دیگری باشیم^۱. به نظر می‌رسد که با هر نوع نظام اقتصادی با برنامه‌ریزی متمرکز یا نظام اقتصادی آزاد سرمایه‌داری موافق باشیم، نتایج و پیامدهای خصوصی‌سازی‌های چند دهه گذشته، به سود اقتصاد و جامعه ایران نبوده و بنابراین اقتصاددانان راست و چپ، به‌ضرورت توقف این نوع واگذاری‌ها اذعان دارند.

تأمین کالاهای عمومی

از نگر منتقدان کاپیتالیسم، دخالت دولت برای برقراری عدالت و کاهش نابرابری و تدوین سیاست‌ها به نفع اکثر مردم فقیر در مقابل اقلیت ثروتمند ضروری است چراکه افراد ثروتمند و کسانی که بیشترین اطلاعات را از بازار دارند تمامی منافع حاصل از بازار را نصیب خود می‌سازند. بازارها در تولید کالاهای عمومی، کارایی اندک دارند، ممکن است باعث انحصار شوند و...؛ بنابراین با وجود اینکه بازارگرایی در برخی کالاها، موجب رونق و تخصیص بهینه منابع می‌شود، اما نشانه‌های ناکارآمدی و شکست بازار نیز فراوان‌اند: تشدید نابرابری اجتماعی و شکاف طبقاتی، زوال محیط‌زیست، زوال همبستگی اجتماعی

۱. غنی‌نژاد، موسی (۱۳۹۸) «خصوصی‌سازی را متوقف کنید». روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۴۷۱۶.

و...؛ به این ترتیب اگر رشد اقتصادی با نهاد بازار، با گسترش بیکاری و افزایش فقر و نابرابری همراه باشد، موجب رشد سرمایه اجتماعی در سطح کلان نمی‌شود. بنابراین اگرچه می‌توان برای افزایش بهره‌وری و رقابت در کالاهای غیراساسی، به نهاد بازار اتکا کرد، اما در مورد کالاهای اساسی مانند مسکن، بهداشت، آموزش و امثال آن، دولت باید سیاست‌ها و برنامه‌های سنجیده و نقشی تعیین‌کننده در تأمین و توزیع و تخصیص این نیازها و منابع داشته باشد.

تجربه و تاریخ نشان داده است که با رشد اقتصادی، خودبه‌خود، رخنه با پایین صورت نمی‌گیرد و بدون دخالت دولت در تأمین کالاهای عمومی و برخی از کالاهای اساسی، نابرابری و فقر افزایش می‌یابد. در حال حاضر، روند کوچک‌سازی دولت به معنای کاهش خدمات عمومی به ضرر طبقات متوسط و پایین جامعه است. بر اساس گزارش بانک مرکزی، شاخص نسبت بودجه عمومی به تولید ناخالص داخلی از ۴۸ درصد در سال ۱۳۵۵ به حدود ۲۲ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است. این ظرفیت زدایی عموماً در حوزه‌هایی مانند آموزش، بهداشت و تأمین اجتماعی بوده و عقب‌نشینی در این حوزه‌ها باعث فقر و نابرابری بیشتر شده است. نسبت کارکنان دولت به کل شاغلان نیز بر اساس گزارش‌های سازمان بین‌المللی کار، ۱۶ درصد است که میانگین این شاخص در کشورهای اروپایی بالای ۳۸ درصد است.^۱ در واقع، به جای افزایش کیفیت و کارآمدی دولت، به کوچک‌سازی نیروی انسانی و ظرفیت زدایی دولتی در حمایت از اقشار متوسط و ضعیف جامعه پرداخته شده است (امیدی، ۱۳۹۸).

در راستای کوچک‌سازی دولت طی سه دهه اخیر، روند شتابانی از خصوصی‌سازی و کالایی‌سازی نیازهای اساسی نظیر مسکن، سلامت،

۱. منتقدان می‌گویند رشد اقتصادی و GDP پایین، اجازه اخذ مالیات شبیه اروپا را برای تأمین مالی دولت نمی‌دهد.

آموزش، اشتغال و ... در پیش گرفته شد. در جهان میانگین سهم دولت از تأمین مخارج آموزش عمومی بالای ۸۰ درصد است. این میزان در اروپا بالای ۹۰ درصد و در ۱۲ کشور اروپایی، دولت بیش از ۹۹ درصد مخارج آموزش عمومی را تأمین می‌کند. اما این نسبت در ایران بین ۶۰ تا ۶۵ درصد برآورد می‌شود و انواعی از سیاست‌ها جهت خصوصی کردن و گسترش مدارس غیرانتفاعی و پولی کردن آموزش طراحی شد. یکی از نتایج روند خصوصی شدن آموزش بر اساس گزارش درآمد هزینه خانوار در سال ۱۳۹۶، پردرآمدترین دهک جامعه نزدیک به ۶۰ برابر کم‌درآمدترین دهک برای آموزش فرزندانش هزینه می‌کند. چنین روندی در حوزه سلامت نیز طی شده است. بر اساس آخرین گزارش از حساب‌های ملی سلامت، در سال ۱۳۹۴، خانوارها حدود ۴۹ هزار میلیارد تومان (بدون احتساب حق بیمه‌ای که می‌پردازند) و دولت حدود ۳۱ هزار میلیارد تومان از مخارج بخش سلامت را تأمین کرده است. به این ترتیب مشارکت دولت در تأمین مخارج سلامت به شدت نزولی بوده است و وضعیت مسکن و شوک‌های تورم اجاره‌ها و قیمت آن نیز طی دو شوک ۳۰۰ درصدی که در ۸ سال گذشته داشته‌ایم، باعث گسترش فقر عظیمی شده است و سیاست‌های دولت در این زمینه نتیجه عکس داده است (پیشین). بنابراین ملاحظه می‌شود که چگونه دولت، خدمات عمومی خود را سال به سال کاهش داده است. در حالی که در اوایل انقلاب اسلامی، نهادسازی دولتی برای کاهش فقر، موجب شد که طی ۱۵ سال، جمعیت زیر خط فقر مطلق در کشور از بالای ۴۰ درصد به کمتر از ۱۵ درصد کاهش یابد، اما به تدریج دولت از وظایف رفاهی خود عقب نشست و سیاست‌های اقتصادی کوچک‌سازی دولت، باعث شد که امروزه دوباره به وضعیت گذشته برگردیم: یعنی بالای ۴۰ درصد جمعیت زیر خط فقر قرار دارند. به عبارت دیگر، دولت ج.ا.ا، دستاورد موفق خود در حوزه رفاهی را به

دلیل در پیش‌گیری سیاست‌های اقتصادی فقرزا از دست داده است و باید هر چه زودتر این سیاست‌ها تغییر کنند.

طی دو دهه گذشته، با روند کاهش خدمات رفاهی و حمایتی دولت، شاهد افزایش و تقویت گفتمان «جامعه مدنی و نهادهای خیریه» هستیم که باعث شکل‌گیری سمن‌ها و خیریه‌های زیادی برای حمایت اجتماعی از افراد و اقشار آسیب‌پذیر (کودکان، زنان سرپرست خانوار، فقرا، سالمندان و امثال آن) شده است. طی این مدت، سمت‌گیری سمن‌ها به خیریه‌ها بوده است و این نهادهای مدنی مطالبه‌گر، به نهادهای خیریه تغییر شکل داده‌اند. گفتمان جامعه مدنی خیریه، می‌گوید که دولت در بسیاری از حوزه‌ها نمی‌تواند و نباید حمایت کند و مردم در قالب سمن‌ها باید این کار را انجام بدهند. اما مسئله این است که به‌رغم ایجاد سمن‌های خیریه متعدد و افزایش فعالیت آن‌ها در حوزه فقر و اقشار آسیب‌پذیر، اما روند فقر و طرد اجتماعی همچنان افزایشی بوده است. دلیل آن این است که سمن‌ها و خیریه‌ها نمی‌توانند جایگزین کارکرد رفاهی و حمایتی دولت باشند. فعالیت خیریه در کشوری موفق است که نظام حمایت و تأمین اجتماعی دولتی گسترده دارد و به همین دلیل میزان فقر پایین است و نهادهای خیریه از این فقرا که تعدادشان زیاد نیست حمایت می‌کنند. یعنی خیریه در کنار سیاست‌های حمایتی دولت از افشار مختلف اجتماعی می‌توانند تأثیرگذار باشد. در کشورهایی مانند آذربایجان و ترکیه، سمن‌ها و خیریه‌ها نقش مهمی در کاهش فقر داشته‌اند اما نه به‌صورت منفرد بلکه تحت سیاست واحدی که دولت طی یک پروژه دولتی ملی برای کاهش فقر اجرا کرده است. با همین برنامه دولتی، ترکیه توانسته است طی یک بازه ۱۰ ساله، جمعیت زیرخط فقر را از ۳۰ درصد به ۵ درصد برساند و این یک اراده ملی و یک پروژه دولتی و سیاسی بوده است و نه یک برنامه مدنی خیریه (امیدی، ۱۳۹۷).

به‌این ترتیب، نه میزان مداخله دولت در اقتصاد بلکه کارآمدی و اثربخشی

آن مهم است^۱ (اوانز، ۱۳۸۲). سیاست دولت محوری در کالاهای اساسی این است که اقتصاد در کالاهای اساسی باید توسط بزرگ‌ترین نهاد مدافع منافع عمومی یعنی دولت (در شرایط دولت ایده آل و پاسخگو)، نهادسازی شود. در این سیاست کلی، کالاهای اساسی مانند مسکن، بهداشت و آموزش، تا حد امکان، بیرون از حوزه رقابت‌های بازاری و کالایی قرار می‌گیرد و به‌عنوان خدمات اجتماعی تحت مدیریت بهینه و کارآمد دولتی قرار می‌گیرد و دولت مانع رشد ارزش‌های سرمایه‌داری سودمحور در کالاهای اساسی می‌شود. به همین دلیل سیاست‌های رفاهی، نقشی تعیین‌کننده در کاهش فقر و نابرابری و افزایش سرمایه اجتماعی دارد. سیاست‌های کاهش نابرابری و باز توزیع ثروت و سیاست‌های کاهش روند نابرابری اجتماعی و اقتصادی از ضرورت‌های کنونی و آینده ایران است. سیاست‌های اقتصادی نابرابر کننده باعث کاهش همبستگی اجتماعی شده است.

جدول ۳۹: الزامات دولت محوری در کالاهای اساسی

سازوکارها	
۱	جلوگیری از روند کاهش خدمات عمومی دولتی
۲	تخصیص نرخ ارز دولتی برای کالاهای ضروری و اساسی ^۱
۳	جلوگیری قانونی از خصوصی شدن آموزش و بهداشت ^۲
۴	طراحی و اجرای صحیح مسکن اجتماعی برای اقشار متوسط و پایین
۵	طراحی و اجرای ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی

۱. علی‌رغم تصور، اگر سهم بودجه عمومی از تولید ناخالص کشورهای مختلف را در نظر بگیریم، ایران دولت فربه‌ی ندارد: دانمارک (۵۸٪)، فرانسه (۵۶٪)، اتریش (۵۱٪)، انگلستان (۴۹٪)، نروژ (۴۴٪)، ژاپن (۴۲٪)، آمریکا (۴۱٪)، کانادا (۴۱٪)، برزیل (۳۹٪)، سوئیس (۳۴٪)، آذربایجان (۳۴٪)، چین (۲۴٪) و ایران (۲۲٪). به این ترتیب دولت ایران، یکی از کوچک‌ترین‌ها از نظر نسبت بودجه عمومی به تولید ناخالص داخلی است.

۱. مانند دارو و تجهیزات پزشکی و اغذیه و امثال آن که بهتر است دولت رأساً اقدام کند و واردات از طریق شرکت‌های دولتی انجام شود.

۲. جلوگیری از خصوصی سازی و تجاری سازی آموزش و بهداشت (نسبت بودجه سلامت و آموزش به تولید ناخالص داخلی در ایران حدود ۳ تا ۴ درصد، بسیار کمتر از کشورهای توسعه یافته است اما نسبت بودجه شرکت‌های دولتی به تولید ناخالص داخلی، ۷۵ درصد است. به زبان ساده، دولت آنجا که باید دولتی کند، خصوصی کرده است و آنجا که باید خصوصی کند، خود به جای شرکت‌های خصوصی واقعی نشسته است.

در کشورهای که سطح بالایی از برابری اجتماعی و اقتصادی دارند و یک دولت رفاه کارآمد وجود دارد (نروژ، دانمارک، سوئیس)، همبستگی اجتماعی بالاتر از کشورهای است که سیاست‌های نابرابر کننده (مانند آمریکا) دارند. تحقیقات نشان می‌دهند که وضعیت مطلوب اعتماد اجتماعی در کشورهای حوزه اسکاندیناوی یعنی سوئد (۶۸)، دانمارک (۶۶/۵)، نروژ (۷۴/۲) و فنلاند (۵۸/۹) مصداق این ادعا هستند. کاهش فقر و نابرابری و تقویت نظام حمایت اجتماعی، افزایش تحصیلات و بهبود رفاه و امنیت انسانی - اجتماعی - اقتصادی، زمینه‌های ساختاری ایجاد می‌کند که اعتماد و انسجام اجتماعی و رابطه دولت و جامعه را تقویت کند. در شرایط معیشتی - سیاسی - اجتماعی ناامن و در وضعیت دوقطبی جامعه، بی اعتمادی بیشتر می‌شود و انسجام اجتماعی کاهش می‌یابد. دولت باید در سیاست‌های اقتصادی، به انسجام اجتماعی توجه بیشتری داشته باشد و بداند که سیاست‌های نابرابرکننده باعث کاهش همبستگی اجتماعی می‌شود.

تخصیص عادلانه درآمدها و تأمین خدمات اجتماعی و برنامه‌ریزی برای تأمین کالاهایی مانند مسکن، آموزش و بهداشت، از ضرورت‌های سیاست‌های اقتصادی عدالت محور است. بنابراین رهیافت اقتصاد اجتماعی این است که کالاهای اساسی مانند مسکن، بهداشت و آموزش، بیرون از حوزه رقابت‌های بازاری قرار گیرد و به‌عنوان خدمات اجتماعی تحت کنترل سیاست‌ها، نهادها و برنامه‌های و مدیریت بهینه و کارآمد عمومی قرار گیرد. به زبان دیگر، دولت و بخش عمومی (مثلاً شهرداری‌ها) باید مانع رشد ارزش‌های سرمایه‌داری سودمحور در کالاهای اساسی شود (مرکز بررسی‌های استراتژیک، ۱۳۹۹). البته اگر دولت دموکراتیک و تحت نظارت جامعه مدنی نباشد، مالکیت عمومی وسایل اجتماعی تولید در کالاهای اساسی، ناگزیر با بازتولید نابرابری اجتماعی به شکلی متفاوت، مترادف می‌شود. این نابرابری اجتماعی

به جای مالکیت خصوصی، ممکن است بر امتیازهای بوروکراتیک (رانت) استوار باشد. بنابراین اقتصاد زمانی اجتماعی خواهد بود که دولت دموکراتیک و تحت نظارت جامعه مدنی باشد.

در اینجا تأکید بر دو اصل اساسی است: تأمین خدمات رفاهی برای تضمین بقا در شرایط اقتصاد آزاد و وجود دولت دموکراتیک؛ برخلاف دیدگاه نئولیبرالی، تأمین آزادی نه درگرو دولت حداقل بلکه درگرو «دولت اجتماعی» و توسعه گرا است؛ در دولت اجتماعی توسعه به معنای اجتماعی است که نیازمند ایجاد سیاست‌ها و نهادهای متناسب است و بدون آن‌ها، رشد اقتصادی نه تنها خودبه‌خود به نفع اکثریت جامعه و توسعه به معنای اجتماعی نخواهد بود بلکه به گسترش فقر، نابرابری شدید، زوال محیط‌زیست و گسیختگی اجتماعی و سیاسی منتهی خواهد شد. توسعه اجتماعی، توسعه‌ای است که در آن سیاست‌ها و نهادهای مناسب توسعه اجتماعی ایجاد می‌شوند و آن را هدایت و نظارت می‌کنند. با توجه به نوع رهیافت به نهادها و سیاست‌ها، با دو نوع معنای توسعه مواجه هستیم: ۱- توسعه به معنای رشد اقتصادی که به کمترین سیاست‌گذاری و نهادسازی نیاز دارد. ۲- توسعه به معنای اجتماعی که نیاز به سیاست‌گذاری و نهادهای مناسب دارد. مفهوم توسعه به معنای رشد اقتصادی، تعریفی بازارمحور است یعنی اگر اداره جامعه با اقتصاد و مکانیسم عرضه و تقاضای بازار باشد و دولت و نهادهای اجتماعی و عمومی در این فضای مبادله (بازار) دخالت نکنند، رشد اقتصادی ایجاد می‌شود و خودبه‌خود رفاه به وجود آمده و به پایین‌ترین لایه‌های جامعه نفوذ می‌کند. توسعه بازارمحور، یعنی توسعه نیاز به سیاست‌ها و نهادهای هدایت‌کننده ندارد و با قوانین انتزاعی اقتصاد راهبری می‌شود. بر اساس تعریف «رشد اقتصادی» از توسعه در رهیافت موسوم به نئولیبرالی، حوزه اقتصاد باید با کمترین موانع سیاستی و نهادی همراه باشد تا رشد اقتصادی ایجاد و با فرایند رخنه به پایین، رفاه عمومی حاصل شود.

بر اساس این دیدگاه، از اوایل دهه ۱۹۸۰، سیاست سازمان‌های چون بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی مبتنی بر رشد اقتصادی از طریق خصوصی‌سازی، کاهش مقررات و تعدیل ساختاری^۱ قرار گرفت. با وجود گسترش ابعاد انسانی و اجتماعی مفهوم توسعه از دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، اما سیاست خصوصی‌کردن بنگاه‌های عمومی و کاهش خدمات رفاهی از دهه ۱۹۸۰ به این سو با گسترش گفتمان نئولیبرالی، از توسعه اجتماعی عقب نشینی شد.

اما در توسعه اجتماعی، توسعه نیازمند راهبری و تنظیم با سیاست‌ها و نهادهاست. ایمان نئولیبرالی خودتنظیم‌کنندگی بازار و کاهش نقش دولت (به‌عنوان بزرگ‌ترین نهاد اجتماعی) و سیاست‌ها و نهادهای اجتماعی دیگر برای دموکراتیک‌سازی اقتصاد و نظارت بر بازار، نه تنها پیامدهای مثبت موردنظر را نداشته بلکه نتایج منفی باری چون فقر و مرگ میلیون‌ها انسان در سراسر جهان، نابرابری شدید اقتصادی-اجتماعی، فجایع محیط زیستی، گسیختگی‌های اجتماعی و جنگ‌ها را دامن زده است. به همین دلیل، توسعه در معنای اجتماعی که موجب فقر و نابرابری شدید نمی‌شود، محیط‌زیست را تخریب نمی‌کند و باعث کاهش فقر، افزایش برابری و همبستگی اجتماعی و تقویت جامعه مدنی می‌شود، نیازمند راهبری و هدایت از سوی سیاست‌ها و نهادهای اجتماعی و ازجمله دولت است. البته منظور از دولت در اینجا نهادی پاسخگو و با بروکراسی غیرفاسد و تحت نظارت جامعه مدنی قدرتمند و گسترده است.

در توسعه اجتماعی، دولت توسعه‌گرا (اوانز، ۱۳۸۲)، نقش اساسی دارد و بنیان‌گذار بسیاری از سیاست‌ها و نهادهای موردنیاز توسعه اجتماعی است. توسعه اجتماعی به معنای بی‌اهمیت بودن رشد اقتصادی و نهاد بازار نیست بلکه به این معنی است که رشد اقتصادی با مکانیسم بازار، اگر با «سیاست‌ها» و «نهادهای مناسب و جامعه

مدنی قوی همراه نباشد موجب توسعه عمومی نمی‌شود بلکه موجب رشد نابرابری اقتصادی- اجتماعی، تولید فقر، زوال محیط‌زیست و ازهم‌گسیختگی‌های سیاسی و اجتماعی و فرسایش سرمایه اجتماعی می‌شود. بنابراین در توسعه اجتماعی، نهاد بازار اهمیت اساسی دارد اما باید توسط سیاست‌ها و نهادهای عمومی جامعه نظارت شود. همان‌طور که گونار میردال^۱ می‌گوید، توسعه به معنی فرایند دور شدن از توسعه‌نیافتگی است - یعنی رهایی از فقر و راه رسیدن به این مقصود، «برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای توسعه» است نه سپردن همه‌چیز به دست نامرئی بازار (میردال، ۱۳۶۶: ۳۱۵) و قوانین انتزاعی اقتصاد؛ بنابراین توسعه اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی با مکانیسم «دولت اجتماعی» متکی به بازار (در کالای غیراساسی) و سیاست‌ها و نهادها - که توسعه را همگانی می‌کنند و از ایجاد شکاف شدید اقتصادی جلوگیری می‌کنند - محقق می‌شود.

در گزارش مرکز رصد فرهنگی با عنوان سرمایه اجتماعی در ایران، نظرات نخبگانی نیز احصاء شده است که در این بخش، تحلیل مضمون این نظرات ارائه می‌شود. پرسش محوری این بوده است که سیاست‌های اقتصادی و وضعیت اقتصادی چه تأثیری بر اعتماد و سرمایه اجتماعی دارد؟ سیاست‌های اقتصادی باید چگونه باشد که سرمایه اجتماعی ارتقاء یابد. می‌دانیم که اگر سرمایه اجتماعی بالا باشد، آثار و پیامدهای اقتصادی مفیدی برای جامعه دارد. در مورد تأثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه اقتصادی، سخن بسیار رفته است. به‌عنوان نمونه، اگر اعتماد عمومی پایین باشد و هنجارهای منفی در جامعه رواج داشته باشد، ریسک افزایش می‌یابد و معامله و همکاری اقتصادی بین افراد و گروه‌ها کاهش می‌یابد و در نتیجه کاهش معاملات، حجم اقتصاد کاهش می‌یابد و برعکس اگر اعتماد بالا باشد، در نتیجه

افزایش همکاری و تعامل و کاهش هزینه های معاملات، حجم تبادل اقتصادی بیشتر می شود و توسعه اقتصادی رخ می دهد.

حال اگر معادله را برعکس کنیم و بپرسیم وضعیت اقتصادی، چه تأثیر بر سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد، هنجارها و روابط دارد چه پاسخی داریم؟ در کدام نظام اقتصادی است که این مؤلفه ها در جامعه رشد کنند و متقابلاً اقتصاد را بارور می کنند؟ در اینجا لازم به ذکر است که اگر چه جامعه شناسان، کارشناسان فرهنگی، کارشناسان سیاسی و حقوق دانان، سخنان زیادی در مورد سرمایه اجتماعی داشتند اما اقتصاددانان، بیشتر به نقد گزارش تحقیق پرداختند و کمتر به سیاست ها و راهکارهای پیشنهادی پرداختند. این مسئله دور از ذهن نبود چرا که در مقالات و هش هایی نیز که ما فراتحلیل کردیم، و هش های اقتصادی ایرانی در این حوزه اندک بوده است و عموماً جامعه شناسان، برخی مباحث کلی در حوزه اقتصادی و سرمایه اجتماعی طرح کرده بودند. بنابراین تفسیر و تحلیل در بخش اقتصادی بیشتر از دیگر بخش های بوده است و به همین دلیل نیز مناقشه ها بیشتر بوده است.

مورد دیگر و بسیار مهم این بوده است که در جلسه جامعه شناسان تقریباً یک گفتمان در باب سیاست ها و الزامات سرمایه اجتماعی وجود داشت. در جلسه کارشناسان فرهنگی و سیاسی نیز صدای تقریباً واحدی شنیده شد. همچنین در جلسه حقوق دانان نیز صدای هماهنگی در باب سیاست ها و الزامات سرمایه اجتماعی شنیدیم. اما در جلسه اقتصاددانان، دو صدا یا دو گفتمان وجود داشته است؛ گفتمانی که به نقش دولت و برنامه ریزی اولویت داده است و می توانیم بگوییم نوعی گفتمان نهادگرا است و گفتمانی که به نقش نیروهای بازار اهمیت بیشتری می دهد و می توان گفت نوعی گفتمان لیبرال به اقتصاد است. در طرف بازارگرایان، نوعی ایمان به این گفتمان را شاهد بوده ایم. اگرچه در بین این دو گفتمان می توانستیم نقاط مشترک بینیم که ما

سعی می‌کنیم هم دو گفتمان و نقاط مشترک را گزارش کنیم. با تفسیر و تحلیل مضمون‌ها می‌توانیم تأکید کنیم که تغییر شیوه حکمرانی اقتصادی و رسیدن به حکمرانی خوب اقتصادی با شاخص‌های شفافیت، حاکمیت قانون، مبارزه با فساد، احترام به مالکیت و... را می‌توان مضمونی مشترک در هر دو دیدگاه دید. در واقع شاخص‌های حکمرانی خوب، نقطه اشتراک دیدگاه‌های متفاوت در مورد ساختار اقتصادی مطلوب برای سرمایه اجتماعی بوده است.

جدول ۴۰: کدگذاری و مضامین پایه

مضامین پایه	کدها
بازارگرایی	۱ طراحی مکانیزم در اقتصاد این است که افراد به‌عنوان بازیگران چقدر برانگیخته می‌شوند که برای حداکثر شدن منافعشان در درون آن سیستم طراحی شده به گونه‌ای رفتار کنند که سیاست‌گذار را به هدفش برسانند.
	۲ طراحی مکانیزم یک بحث به شدت تخصصی در اقتصاد است.
	۳ یک روش هم این است که بگوییم منفعت شما در این است که در این امر مشارکت کنید و برایشان نشان دهیم که واقعاً برایشان منفعت دارد.
	۴ در دوران گذشته به دلیل مالکیت خصوصی که در بخش صنعت و تجارت وجود داشت، مدیران شرکت‌ها از سرمایه اجتماعی برای سوددهی شرکت به اشکال مختلف استفاده می‌کردند. نیروی انسانی، سرمایه اجتماعی شرکت بود.
	۵ همه ما به دنبال منافع شخصی هستیم. این اصلی اساسی در نظم اقتصادی است.
برنامه‌ریزی و نهادگرایی	۱ اکثر ایرانیان از گروه‌های مختلف تقاضا دارند که دولت نظارت و مداخله بیشتری در اقتصاد داشته باشد.
	۲ بازارگرایی باعث نابرابری‌هایی در جامعه شده است که جنبش‌های اجتماعی علیه آن شکل داده است.
	۳ کالایی‌سازی کل جامعه که نهایتاً به تباهی منجر می‌شود از طرف جامعه مردود است.
	۴ توقف مالکیت‌زدایی عمومی یعنی توقف خصوصی‌سازی
	۵ با پولی‌کردن و کالایی‌کردن خدمات عمومی مثل سلامت به خصوص در ۱۶ سال گذشته تمام شاخص‌های اجتماعی نزولی بوده است.

مضامین پایه	کدها
تغییر شیوه حکمرانی	۱ ما باید ترکیب بهینه دولت و بازار را با اقتضای به اینکه در چه زمانی و در چه مکانی و در چه مرحله‌ای از توسعه هستیم دنبال کنیم.
	۲ موضوع حکمرانی و شیوه حکمرانی اقتصاد نیازمند تغییرات قابل ملاحظه‌ای است.
	۳ عدم انسجام یا ناهماهنگی مسئولان اقتصادی و سیاسی شدن عرصه اقتصادی علت‌العلل بروز مسائل است.
	۴ چه بخش دولتی باشد چه بازار، شاخص‌هایی مانند شفافیت، میزان احترام به مالکیت، پاسخگویی و قانون‌گرایی و به طور کلی حکمرانی خوب است که تعیین‌کننده است.
	۵ ابتدا لازم است که این تعارض بین دستگاه‌ها و این ناهماهنگی و عدم انسجام سیاست‌ها که موجب بهره‌گیری سوءاستفاده‌کنندگان از این شکاف می‌شود حل شود.
	۶ وقتی دولت می‌خواهد تغییرات بزرگ اقتصادی و سیاست‌ها و برنامه‌های بزرگی را عملی کند باید در حداکثر مقبولیت اجتماعی باشد. باید سرمایه اجتماعی در بالاترین حد ممکن خود باشد.
	۷ دوستان می‌فرمایند نکاتی قدیمی است ولی جامعه ما کماکان درگیر همین مسئله بازارگرایی یا دولت‌گرایی است. ترکیب بهینه دولت و بازار یک امر پویاست و اقتضایی از شرایط زمان و مکان است.
	۸ توجه به سمن‌ها در بخش اقتصادی (خبریه‌ها، سازمان‌های غیردولتی و ...)
	۹ باید در سطح دولت، قوانین، مقررات، مالکیت‌ها و نرخ ارز و متغیرهای دیگر نقش اصلیشان را بازی کنند.
	۱۰ در صد سال اخیر سرمایه اجتماعی از چه نشئت گرفته است؟ یکی حتماً قانون یا حکومت قانون است.

بازارگرایی

هرچند گفتار بازار گرا بیشتر بر فرد متکی است و نه بر گروه‌های اجتماعی و یا مفهوم کلی جامعه، اما به طور کلی می‌توان گفت که گفتار بازارگرا از دو زاویه به ارتباط سرمایه اجتماعی و اقتصاد می‌نگرد. ابتدا از زاویه تأثیر سرمایه اجتماعی (اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها) بر

توسعه اقتصادی و دوم از منظر واگذاری بسیاری از بخش های اقتصادی به بخش های خصوصی واقعی که باعث تقویت جامعه مدنی در مقابل دولت می شود. از این منظر، هر چقدر اقتصاد به بخش های خصوصی واقعی و به نظم آزاد بازار سپرده شود، رانت و فساد کاهش می یابد و بهره‌وری افزایش می یابد و در نتیجه هم نقش مردم در اقتصاد بیشتر می شود و هم اعتماد عمومی افزایش می یابد:

«دولت لزوماً همه چیزدان و خیرخواه مطلق نیست. لذا نمی شود با دخیل بستن به رویکردهای ارتجاعی دارویی را به کار ببریم که از خود بیماری کشنده تر است. در متن نوشته شده است: بزرگترین نهاد مدافع منافع عمومی یعنی دولت. در جای دیگر می نویسد: دولت باید پروژه های صنعتی را با موفقیت اجرا کند و صنعت را نجات دهد. این نوع بیانات علامت این است که همچنان حرف های رد شده را بازگویی می کنیم. گروهی از دولت ایران میل به انحصاری شدن پیدا کرده اند. در صورتی که حرکت به سوی دسترسی به نظم باز و برابر در حوزه اقتصاد و سیاست می تواند حل کننده سرمایه اجتماعی پایین باشد. اقتضای نظم دسترسی محدود به منابع یعنی سرمایه اجتماعی پایین تر. وقتی قرار شد فقط گروه خاصی و ائتلاف غالب دسترسی به حوزه سیاست و حوزه اقتصاد و حوزه منزلت داشته باشند طبیعتاً بقیه در حاشیه قرار می گیرند و وقتی آنها امکان ورود و گرفتن مجوزهای لازم را ندارند خودشان را غریبه قلمداد می کنند. نگاه گزارش به دولت یک نگاه کینزی ۱۹۲۹ است. امروز دولت خودش متهم است. دولت خودش ناکارایی دارد. من در بازار به دنبال منافع شخصی و مادی خودم هستم ولی وقتی دولتمرد می شوم جوهره ام تغییر نمی کند و همان منافع شخصی کوتاه خودم را دنبال می کنم مگر اینکه شما با یک سلسله نهادها من را کنترل و نظارت کنید.»

همانطور که در انتهای اظهار نظر بالا مشاهده می شود، رویکرد

بازارگرا برای دولت نقش نظارتی و داوری قائل است و در باره اینکه دولت تأمین خدمات و کالاهای عمومی و نه حتی اساسی را بر عهده بگیرد، در این نگاه باعث افزایش سرمایه اجتماعی نمی‌شود:

«ما ارزان‌ترین انرژی را در جهان داریم. آب و برق ما مفت است. منابع انرژی در ایران برای شهروندان ما مفت است. ما در خانه لباس کم می‌پوشیم ولی در زمستان پنجره را باز می‌کنیم که هوای خانه خنک شود. ما ارزان‌ترین دارو را در میان کشورها داریم. حتی بیمه‌های خصوصی ما برای شهروندان خیلی عمومی هستند. اگر پدری بمیرد و مستمری بگیر باشد و دخترش ازدواج کند و دوباره برگردد دوباره مستمری او برقرار می‌شود. علی‌رغم همه این گشاده‌دستی‌هایی که نظام در مصرف کردن منابع عمومی دارد و هزینه‌های زیادی را برای خود می‌تراشد ولی بر اساس اظهارات شما نارضایتی عمومی رو به تزاید بوده است. آیا می‌توانیم با نقش بالا دادن به مخارج دولت نارضایتی عمومی را به شکل اعتماد میان دولت و مردم برگردانیم؟ خیر. برق به روستاهای با پنج خانوار یا بیشتر رفته است ولی همان روستایی درباره وضعیت موجود ابراز نارضایتی می‌کند. هزینه زندگی یک فرد را متناسب با دستمزدش در دنیا حساب می‌کنم و در اینجا هم با همین دستمزد و همین کارایی در کنار هزینه‌ها می‌گذارم می‌بینیم که دولت‌های ما حداقل از دهه ۵۰ تا کنون جنرست بوده‌اند در اینکه به مردم برسند ولی چرا نارضایتی به این شکل که این تحقیق ادعا می‌کند رخ داده است؟ از این منظر، مسئله نارضایتی از دولت و کاهش اعتماد به دولت، از منظر ارائه خدمات عمومی نیست و دولت ایران یکی از دولت‌ها با بیشترین هزینه خدمات عمومی است. از این منظر، مسئله در ساختار دولتی و قوانین و مقررات متعارض است که اجازه مشارکت واقعی بخش خصوصی در اقتصاد را نمی‌دهد. اگر دولت قوانین و مقررات بازی اقتصادی را به درستی وضع کند و اقتصاد را به نهاد بازار و بخش

خصوصی به صورت کارشناسی واگذارند، هم خدمات عمومی بهتری ارائه می‌شود و هم رضایت افزایش می‌یابد.

برنامه‌ریزی

این نوع رویکرد بازارگرا در میان بخشی از اقتصاددانان، احتمالاً علاوه بر اعتقاد آن‌ها به کارآمدی بیشتر نهاد بازار و بخش خصوصی نسبت به برنامه‌ریزی دولتی است، ناشی از ناکامی بسیاری از برنامه‌های اقتصادی دولت است که از نظر آنها موجب هدر رفت منابع و افزایش فساد و رانت و فرار بخش خصوصی تولیدگرا شده است. اما در نقد این نوع نگاه بازارگرا، یکی از کارشناسان اقتصادی می‌گوید:

«بخشی در جامعه علمی و بخشی در مدیران ما، نوعی اندیشه بازارگرایی و آزادی‌خواهی غیرروزآمد دارند. مرادم این است که تصور در مورد نظام اقتصاد بازار یا بازارگرایی در کشور ما به‌روز نیست. وقتی برخی اظهارنظرها را می‌بینید تصور می‌کنید در سال ۱۹۸۰ و در دوران تاچریسم انگلستان زندگی می‌کنید. یعنی با همان شاخص‌های تحلیلی آن دوره نگاه می‌کنند. درحالی‌که در دورهٔ پسا ۲۰۰۱ که حکمرانی مطلوب در اندیشه‌های اقتصادی مطرح شد نگاه عوض شد.»

از نظر برخی از اقتصاددانانی که مدافع برنامه‌ریزی و نهادگرا هستند (هر چند به برنامه‌ها و سیاست‌های دولت فعلی نقد رادیکال می‌کنند) یکی از نتایج سیاست‌های بازارگرا طی چند دههٔ اخیر، افزایش نابرابری اجتماعی بوده است که این خود عاملی اصلی در فرسایش سرمایه اجتماعی بوده است. بنابراین نابرابری اقتصادی- اجتماعی، یکی از عوامل مهمی است که موجب کاهش سرمایه اجتماعی تلقی شده است. نابرابری اقتصادی- اجتماعی و سیاست‌های اقتصادی که منجر به نابرابری شدید اقتصادی و اجتماعی می‌شود، سرمایه اجتماعی را کاهش می‌دهد:

«نکتهٔ اصلی در مورد سرمایه اجتماعی مسئله امید اجتماعی است.»

یعنی در نهایت اینکه اگر می‌خواهیم یک جامعه با سرمایه اجتماعی بالا داشته باشیم باید مردم نسبت به آینده خود امیدواری داشته باشند. متأسفانه اصلی‌ترین عامل حذف این امید اجتماعی نابرابری‌های اجتماعی است. این سبب شده است که فرصت‌ها از خیلی از افراد و بخش‌هایی از جامعه گرفته شود. مردم و به خصوص نسل جوان ما چشم‌انداز روشنی نسبت به آینده خود ندارند. این نابرابری‌های فاحشی که پیش آمده است نابرابری در امید نسبت به آینده را هم شکل داده است. جوانی که تحصیلات دانشگاهی دارد ولی امیدی ندارد به اینکه شغلی پیدا کند طبیعی است که نسبت به وضعیت موجود معترض است و نظام سیاسی و دولت و حاکمیت را مسئول این ناامیدی خود می‌داند. این مسئله مهمی است. می‌بینیم که در همه جای دنیا کارکردهای اصلی دولت این است که مالیات بگیرد و خدمات عمومی ارائه کند. در این مالیات‌گیری هم عدالت مالیاتی را رعایت کند.»

از این منظر، نابرابری و فقدان دسترسی به کالاهای عمومی و احساس نابرابری و بی‌عدالتی عامل اصلی است که ریشه در وضعیت اقتصادی و نظام تصمیم‌گیری اقتصادی دارد و راهکار نیز این است که «روند کالایی کردن خدمات عمومی متوقف شود» و وظایفی که برای حاکمیت در قانون اساسی به لحاظ اقتصادی تعیین شده است عمل کند. بنابراین اگرچه نگاه عدالت‌گرایان به برنامه‌ریزی و سیاست‌های رفاهی دولت است، اما از نگاه آن‌ها سیاست‌های اقتصادی دولت کنونی باعث افزایش رانت، فساد و نابرابری بیشتر شده است و باعث شده است که دولت منابع لازم برای خدمات عمومی را نداشته باشد: «از سال ۱۳۸۴ تا امروز، مالیات‌ها ۱۸ برابر شده است و مالیات کالا و خدمات که مردم باید پردازند ۶۶ برابر شده است. مالیات درآمد که مردم و کارمندان و اصناف باید پردازند ۳۲ برابر شده است. مالیات بنگاه‌ها ۹ برابر شده است. این هم بین بنگاه‌ها به شدت نابرابر است.

خیلی از بنگاه‌ها و به خصوص آنهایی که صادرات خام‌فروشی دارند نه تنها از معافیت مالیاتی برخوردار هستند بلکه جایزه صادراتی هم دارند. یعنی مواد خام مملکت را صادر می‌کنند به آن‌ها جایزه هم داده می‌شود. این سبب می‌شود که دولت منابع لازم برای ارائه خدمات عمومی نداشته باشد. در سه دهه گذشته دولت چه کرده است؟ دو اقدام اساسی را دنبال کرده است. یک نابرابری شدید به نفع بنگاه‌های خصولتی اعمال کرده است که درآمدهای بسیار وحشتناکی دارند و هیچ کس در مورد اینها صحبت نمی‌کند. علت اصلی آن هم این است که اینها دستشان به قدرت است و در رسانه‌ها نفوذ دارند و خودشان رسانه دارند. در این وضعیت، می‌بینیم که دولت دو کار عمده برای تأمین منابعش کرده است. یکی افزایش قیمت حاملان انرژی است که شدیداً تورم‌زاست و دومی هم افزایش قیمت ارز است که این بی‌اعتبارکردن پول ملی است و همه این اقدامات را هم خود دولت کرده است که این برای تأمین کسری بودجه و هزینه‌های دیگر بوده است و سال بعد دچار کسری بودجه بزرگ‌تر شده است. علتش هم این است که دولت بزرگ‌ترین متقاضی در بازار است و هزینه‌هایش به شدت بالا می‌رود درحالی‌که درآمدهایش افزایش پیدا نمی‌کند چون مالیات‌ها را نمی‌تواند جمع‌آوری کند. به خصوص که اقتصاد شدیداً وابسته به درآمد نفت است و وقتی نمی‌تواند نفت بفروشد این کسری بودجه بزرگ‌تر می‌شود. افزایش ارز یعنی بی‌ارزش کردن پول ملی. این سیاست‌های نابرابر کننده عامل گسترش نابرابری‌ها و فرسایش امید اجتماعی و اعتماد عمومی است.»

بنابراین از منظر این رویکرد، نتیجه سیاست‌های اقتصادی کنونی، کاهش خدمات عمومی و افزایش نابرابری است: «آنچه که اتفاق افتاده در این سه دهه بعد از جنگ و اعمال این سیاست‌های اقتصادی حذف تدریجی مردم و حذف همه سازوکارهای حمایت اجتماعی و حمایت‌های

جمعی از عموم مردم بوده است. این اتفاقی است که در سه دهه گذشته رخ داده است و مردم به تدریج به حاشیه رانده شده‌اند.»

رویکرد نهادگرا و بازارگرا در دو اعتقاد مشترک هستند: ۱ - سیاست‌ها و ساختاری اقتصادی موجود، نامطلوب است. ۲ - دولت در اقتصاد نقش عمده‌ای دارد؛ اما از این دو مقدمه، رویکرد بازارگرا نتیجه می‌گیرد که دولت باید از مداخله خود بکاهد. اما رویکرد نهادگرا معتقد است که دولت باید سیاست‌هایش را عوض کند و همچنین به نهادهای مدنی اجازه فعالیت بدهد تا از رانت و فساد جلوگیری کنند. بنابراین از این منظر، دولت باید برای اقتصاد برنامه‌ریزی کند اما چه نوع برنامه‌ریزی؟:

«باید در ریل‌گذاری که در سه دهه گذشته صورت گرفته بازنگری کرد. باید نابرابری‌ها را کاهش داد. برای کاهش نابرابری‌ها عمده‌ترین ابزارها بازگشت به قانون اساسی است. قانون اساسی به صراحت می‌گوید کار یک حق همگانی است که باید دولت ابزارهای کار را هم فراهم کند. نمی‌تواند این کار را بکند باید تسهیلات و زمینه‌های رشد را فراهم کند. باید چه کند؟ باید نظام مالیاتی را فعال کند. متأسفانه نظام مالیاتی و بانکی ما کاملاً و دریست در خدمت اقشار قدرت - ثروت در کشور است. باید این مسیر تغییر کند. بسیاری از این بانک‌های فاسد و ورشکسته که دست‌شان آلوده به مفاسد گسترده است و بسیاری از آن‌ها ورشکست هستند باید اصلاح شود. باید نظام بانکی منابع خرد مردم را برای تولید تجهیز کند نه برای سوداگری و واسطه‌بازی و دلالی و مادامی که این نظام سوداگری در این کشور حاکم باشد اصلاً امکان تحقق تولید وجود ندارد و هیچ راهی نداریم جز بازگشت به تولید. تولید و به خصوص تولید صنعتی است که شغل و ارزش افزوده ایجاد می‌کند. نظام بانکی و مالیاتی باید کاملاً در خدمت تولید باشد.»

علاوه بر این، رویکرد نهادگرا معتقد است که خدمات و کالاهای عمومی حتی بخشی از کالاهای اساسی برای اقشار ضعیف جامعه باید

از سوی دولت تأمین شود: «باید به قانون اساسی برگردیم. دولت باید موظف باشد که سیاست‌های نابرابر ساز را تا جایی که می‌شود متوقف کند و بازگشت به قانون اساسی یعنی ارائه آموزش و پرورش و آموزش عالی رایگان و این تعهد دولت در قانون اساسی است. سیاست‌های سه دهه گذشته بر فردگرایی تأکید کرده است و از سازوکارهای توجه به جامعه که در قانون اساسی مؤکداً تأکید شده است مثل آموزش و پرورش و خدمات سلامت، به بهانه اینکه بعد از جنگ پول نداریم، قانون اساسی را کنار گذاشته‌اند و با فتوای شخصی مملکت را اداره کرده‌اند. ما هیچ راهی نداریم جز اینکه به قانون اساسی بازگردیم.»

نظام حکمرانی

با تفسیر و تحلیل مضمون‌ها می‌توانیم تأکید کنیم که تغییر نظام حکمرانی اقتصادی و رسیدن به حکمرانی خوب اقتصادی با شاخص‌های شفافیت، حاکمیت قانون، مبارزه با فساد، احترام به مالکیت و... را می‌توان مضمونی مشترک در هر دو دیدگاه دید. تغییر شیوه حکمرانی اقتصادی هم می‌تواند یک رویکرد متمایز باشد و هم نقطه مشترک دو رویکرد بازارگرایی و دولت‌گرایی؛ در هر صورت ما تغییر شیوه حکمرانی اقتصادی را رویکرد سوم به ارتباط اقتصاد و سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیریم نه تلفیق دو رویکرد قبلی که چون در بنیان‌ها اختلاف دارند این تلفیق با مشکل مواجه است. در هر صورت، از نظر کارشناسانی که از منظر، شیوه حکمرانی نامناسب اقتصادی به مسئله نگاه کرده‌اند، مسئله اصلی اقتصاد ایران که به رکود و تورم و کاهش سرمایه اجتماعی منجر شده است را از چند جنبه می‌توان مورد توجه قرار داد؛ ابتدا از منظر ناهماهنگی ساختارهای مدیریت و تصمیم‌گیری: «به صورت ملوک‌الطوایفی اقتصاد کشور را اداره می‌کنیم. حوزه‌های مختلف سیاست‌های پولی، مالی و صنعتی یا دستگاه‌های اقتصادی که امروز

سیاست‌گذار اقتصادی کشور هستند یک ناهماهنگی قابل وصفی دارند نه تنها ناهماهنگی بین دستگاه‌های اقتصادی بلکه ناهماهنگی در درون دستگاه‌های اقتصادی را هم می‌توان دید. این ناهماهنگی را بین اسناد بالادستی و پایین‌دستی را هم شاهد هستیم. اشاره شد به سیاست‌های کلان به‌عنوان رهنمودهای کلی که اجرا نشده‌اند. می‌خواهم بگویم در برنامه‌های پنج‌ساله این سیاست‌های کلی روی برنامه‌های کلان قرار گرفته است و ارتباط ضعیفی بین اقتصاد کلان و برنامه‌های که در مجلس و دولت مصوب می‌شود وجود دارد. علاوه بر این، برنامه‌های پنج‌ساله داریم ولی ناهماهنگی و عدم ارتباط بین برنامه‌ها آن‌ها را به نتیجه نمی‌رساند. بودجه را هم که شاهد هستید. این هم یک ناهماهنگی است. یعنی هم ناهماهنگی بین دستگاهی، هم ناهماهنگی بین سیاست‌های بالادستی با زیردستی و ناهماهنگی بین سیاست‌هایی که در عرصه‌های مختلف امروز اقتصادی کشور شاهد هستید موجب ایجاد عدم اعتماد یا کاهش اعتماد اجتماعی و در نتیجه منجر به کاهش سرمایه اجتماعی شده است.»

در این رویکرد، چندپارگی و عدم انسجام و شکاف‌های عظیم در بدنه بروکراسی و تصمیم‌گیری و مدیریت اقتصاد کشور، باعث سواستفاده برخی افراد و گروه‌ها و شرکت‌ها برای فساد و رانت خواری شده است که اعتماد عمومی را کاهش می‌دهد: «ابتدا لازم است که این تعارض بین دستگاه‌ها و این ناهماهنگی و عدم انسجام سیاست‌ها که موجب بهره‌گیری سوءاستفاده‌کنندگان از این شکاف می‌شود حل شود. بهره‌برداری آنها منجر به یک عارضه اجتماعی مثل فساد اقتصادی می‌شود و مردم این‌گونه قضاوت خواهند کرد که مجریان قانون خود شرکای جرم هستند. بنابراین، این اعتماد هم کم‌کم زایل می‌شود و موجب کاهش سرمایه اجتماعی می‌شود.»

به طور ضمنی می‌توان گفت که دموکراسی سیاسی، یکی از شاخص

های حکمرانی اقتصادی است. اهمیت همراهی مردم با سیاست‌های اقتصادی دولت در رویکرد حکمرانی بسیار بالاست. به همین دلیل دموکراتیک بودن و مشروعیت مردمی دولت در همراهی مردم با سیاست‌های اقتصادی آن، از اهمیت زیادی برخوردار است: «در موفقیت یک طرح یا سیاست اقتصادی، مشروعیت و مقبولیت دولت اهمیت اساسی دارد. زمانی که یارانه نقدی داده می‌شد من در دفتر مطالعات اقتصادی دانشگاه علامه در مورد هدفمندی یارانه‌ها وهش می‌کردم. خاطرم هست که آن موقع در سند سیاستی که خود بانک جهانی در مورد همین هدفمندی یارانه‌ها داده بود نکته کلیدی آن این بود که وقتی دولت می‌خواهد چنین تغییراتی ایجاد کند باید در حداکثر مقبولیت اجتماعی باشد. باید سطح سرمایه اجتماعی در بالاترین حد ممکن خود باشد تا بتواند در چنین سیاستی پیروز شود. عرضم این است که شما به‌عنوان یک نهاد که انتظار ندارید که بانک جهانی به مسئله سرمایه اجتماعی به این شکل نگاه کند چون پایه و اصل سیاستی بانک جهانی همین خصوصی‌سازی است اما در همان سند سیاستی می‌گوید که دولت باید در حداکثر مشروعیت و مقبولیت تاریخی خود باشد تا بتواند چنین سیاستی را با کمترین هزینه‌ها به انجام برساند».

دموکراتیک بودن دولت و مقبولیت اجتماعی، شرط لازمی مکانیزم آرایش متناسب بین دولت، جامعه مدنی و بازار است: «آرایش متناسب بین دولت، جامعه مدنی و بازار» از مکانیسم‌های اساسی شیوه حکمرانی اقتصادی مطلوب در نظر گرفته شده است: «باید آرایش مناسب بین دولت، جامعه مدنی و بازار شکل بگیرد. آن چیزی که برای فهم جامعه ایران فارغ از بازارگرایی و دولت‌گرایی مناسب است آرایش مناسب بین دولت، جامعه مدنی و اقتصاد است. در کره جنوبی، ژاپن، سنگاپور، فرانسه و بریتانیا آرایش‌های مناسب خود را در عرصه دولت، اقتصاد و جامعه مدنی پیدا کردند. در سازوکارها امر جهان‌شمولی نداریم

که مثلاً تولیدمحور باشیم. ما باید این آرایش مناسب را برای جامعه خودمان داشته باشیم. این آرایش نه وارداتی است و نه همیشگی است. یک امر زمانی و مکانی است.»

در رویکرد حکمرانی، دولت و اقتصاد دو موجود جدا از هم نیستند و اینکه جامعه مدنی نیز در این معادله باید قرار بگیرد: «اول اینکه، دولت و اقتصاد دو عرصه مستقل و مجزا نیستند بلکه در تعامل با هم هستند که دوستان دیگر هم به آن اشاره کردند. این ارتباط و تعامل بین دولت و بازار اگر بدون حضور جامعه مدنی (نهادهای نمایندگی اصناف، اتحادیه ها، سندیکاها و ...) باشد به ثروتمند شدن بخشی از نخبگان بوروکرات و بازاری می انجامد و گروه‌های متعددی از مردم از دسترسی به منابع و قدرت دولتی و اقتصادی محروم می‌شود.» گفتار بازارگرا بر رقابت و انگیزه‌های فردی برای فعالیت اقتصادی و تولید ثروت تأکید دارد و گفتمان برنامه‌ریزی و نهادگرا بر همکاری تأکید بیشتری دارد اگرچه به رقابت نیز توجه دارد: «در بازی اقتصاد در دوران اخیر آنچه می‌شود گفت تا حدود زیادی نقش کلیدی پیدا کرده «مکانیسم همکاری» است. برای سال‌های متمادی کشورها در نظام اقتصادی مسئله رقابت‌پذیری را مورد توجه قرار می‌دادند. در نظریه‌های اقتصادی، رقابت مکانیسم اصلی بود اما امروزه همکاری مکانیسم کانونی است. بنابراین، همکاری می‌تواند ابزارساز توسعه اقتصادی باشد.»

یکی از زمینه‌های این همکاری، همکاری نهادی بین بخش‌های مختلف دولت، بازار و جامعه مدنی است. اما امروزه دولت، عرصه را برای جامعه مدنی تنگ کرده است: «یکی از آن مسائلی که ایجاد می‌کند این است که ما جامعه مدنی کنترل شده و مدیریت شده‌ای برای حاکمیت سیاسی تعیین شده است به جهت جلوگیری از نفوذ سیاسی و به جهت اینکه اینها را راهبری و هدایت کنیم در مسیری که حاکمیت تشخیص می‌دهد. این دو مسئله باعث شده که همیشه

دغدغه کنترل و مدیریت جامعه مدنی را داشته باشیم. من دو نکته را بگویم که به همین بحث می‌پردازد. یکی قواعدی که سازنده بازار است و دیگری مداخلات بازاری است. این دو نکته مهمی است که سیاست را به بازار و جامعه مدنی پیوند می‌دهد که هر دو در کشور ما به شکست انجامیده است. وقتی نگاه می‌کنید که کارگر و کارفرما در این کشور تضاد دارند وقتی می‌گوییم جامعه مدنی با دولت تضاد دارد و صنعت علیه جامعه مدنی دارد عمل می‌کند به قواعد نگاه کنید. قواعد تجارت، قواعدی که قانون کار و قانون گمرک نگاه کنید. همین‌ها نشان می‌دهد که آرایش مناسبی وجود ندارد و آخرین جمله من مداخلات دولت در بازار مداخلاتی نیست که جامعه مدنی را در این فرایند بازی دهد. فرانسه هم یک کشور مداخله‌گر در اقتصاد است ولی ما آن را جزو کشورهای پیشرفته می‌دانیم. آلمان یک دولت مداخله‌گر در اقتصاد می‌دانیم ولی بازار و اقتصاد را با این مداخله‌گری در ارتباط با جامعه قرار می‌دهد. ما توانستیم این ارتباط را ایجاد کنیم.»

از انتهای اظهار نظر قبلی مشخص می‌شود که قواعد و مقررات و نهادهای مناسب برای اقتصاد اهمیت اساسی دارد: «سرمایه اجتماعی از طریق مشارکت و همکاری و ایجاد اعتماد موجب می‌شود تولید در کشور سامان پیدا کند. به چه نیاز دارد؟ در سطح دولت نیاز دارد که قوانین، مقررات، مالکیت‌ها و نرخ ارز و متغیرهای دیگر نقش اصلیشان را بازی کنند. وقتی دولت این کار را نکند یقیناً سرمایه اجتماعی ما دچار تحلیل خواهد شد. یعنی تولیدکننده ما هیچ وقت مقبولیت و مشروعیت هر یک از نهادهای حوزه تولید خود را نمی‌تواند دقیق بشناسد و به آنها اطمینان کند. چقدر به نرخ ارز و سیاست‌های مالکیتی اعتماد داریم و چقدر به قانون پایبند هستیم. اینها مسائلی است که در تولیدمحوری وجود دارد.» در اینجا می‌بینیم که زمینه‌های قانونی و نهادهای قانونی برای اقتصاد در کشور غیرمنسجم است.

حاکمیت قانون و انسجام در مقررات گذاری اقتصادی، از سازوکارهای اصلی توسعه اقتصادی و جلب سرمایه اجتماعی است: «در این صد سال اخیر سرمایه اجتماعی از چه نشئت گرفته است. یکی از آن حتماً قانون یا حکومت قانون است. حتماً باید بررسی شود که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را داریم و مشخص است و قطعاً تأثیر خود را گذاشته است. دقت کنیم که بدانیم در کجاها روی سرمایه اجتماعی تأثیر گذاشته است. بعد از قانون، کیفیت مقررات است. هر قانونی که در کشور وضع می شود بخشنامه هایی برای اجرای آن باید تنظیم شود. بخشی از مشکلات ما همین جاست. گاهی یک دستگاه دولتی به تنهایی مقررات تنظیم می کند و گاه مجموعه ای از دستگاهها مقررات تنظیم می کنند. عامل سوم که بسیار مهم است مبحث حسابدگی است. نکته بعدی صحبت سیاسی است که اینها همه روی سرمایه اجتماعی تأثیر می گذارد و کارایی یا اثربخشی اجرایی که دوستان این را تحت عنوان حکمرانی نام می برند و بعد از همه اینها فسادزایی است. الان در مورد مسئله فساد بحث می شود و این هم بخشی از سرمایه اجتماعی را شکل می دهد.»

بنابراین در رویکرد نظام حکمرانی، اینکه دولت باید برنامه ریزی کند یا بازار منابع را تخصیص دهد، سوالی است که با توجه به شرایط پاسخ می یابد: «ما باید ترکیب بهینه دولت و بازار را با اقتضای به اینکه در چه زمانی و در چه مکانی و در چه مرحله ای از توسعه هستیم دنبال کنیم.» در رویکرد شیوه حکمرانی، آنچه مهم است بهترین آرایش برنامه ریزی دولتی، نیروهای بازار و حضور جامعه مدنی است. آنچه مهم است شیوه تصمیم گیری برای افزایش تولید است که این مبتنی بر شرایط روز یک جامعه و مقتضیات آن در مورد بازار یا دولت تصمیم گرفته می شود و همچنین جامعه مدنی توانمند که هم مشارکت داشته باشد و هم نظارت:

«در حوزه اقتصادی اگر می‌خواهید اعتماد عمومی را تقویت کنید بهترین درجه‌اش تقویت تولید ملی است. دلیلش این است که در تولید ملی مشارکت عمومی بالاست. در هر عرصه‌ای افراد زیادی دخیل‌اند و همه مشارکت داده می‌شوند. بنابراین، اگر زنجیره تولید ملی در همه عرصه‌ها و در همه پیش‌نیازها و زمینه‌ها تقویت شود، عملاً مشارکت عمومی تقویت می‌شود و با افزایش اشتغال، اعتماد عمومی افزایش می‌یابد. عرضم این است که به تقویت تولید ملی به‌عنوان یک امر سرمایه اجتماعی ساز نگاه کنیم. تکیه دولت به سیاست‌های بازاری به خصوص در مورد تکیه بر دولت حداقلی یا سلب مسئولیت دولت از تعهدات، اعتماد و سرمایه اجتماعی را از بین می‌برد. فرمودید که سرمایه اجتماعی کاهش پیدا کرده است تحلیل من به لحاظ آسیب‌شناسی این است که آن نگاهی که در اقتصاد حاکم بوده است و تقریباً در همه دولت‌ها بوده است بازارگرایی است که البته نقش خود را ایفا کرده است و حضور خود را در اقتصاد جهانی داشته است و پیامدهای آن مشخص شده است. در همین انگلستان حتماً سیاست‌گذاری اقتصادی را متفاوت می‌بینید. در همین سه ماه اخیر میزان پولی که دولت وارد اقتصاد کرده است، تاریخی و بی‌نظیر بوده است. در آمریکا هم همین طور است. بنابراین، تصور می‌کنم نقطه عزیمت مشخص ما باید بحث تولید ملی باشد.»

فهرست منابع

- اسملسر، نیل جی (۱۳۹۵) جامعه‌شناسی اقتصادی. ترجمه محسن کلاهیجی. نشر کویر
- بابیو، نوربرتو (۱۳۸۴) چپ و راست: اهمیت یک تفکیک سیاسی. ترجمه علی اصغر سعیدی. نشر علم و ادب
- سومبارت، ورنر (۱۳۸۴) یهودیان و حیات اقتصادی مدرن. ترجمه رحیم قاسمیان، نشر ساقی
- سومبارت، ورنر (۱۳۹۹) تجمل و سرمایه‌داری: روایت فرهنگی تاریخ تحول سرمایه‌داری. ترجمه امیرحسین مجتهدزاده، انتشارات دنیای اقتصاد
- سوئدبرگ، ریچارد (۱۳۹۷) ماکس وبر و جامعه‌شناسی اقتصادی. ترجمه شهین احمدی. انتشارات دنیای اقتصاد
- سوئدبرگ، ریچارد (۱۳۹۷) منفعت. ترجمه حمزه نوذری و علیرضا اسکندری نژاد. انتشارات دنیای اقتصاد
- سوئدبرگ، ریچارد (۱۳۹۸) اصول جامعه‌شناسی اقتصادی. ترجمه سمیرا کاظم پوریان، انتشارات دنیای اقتصاد
- سوئدبرگ، ریچارد و مارک گرانووتر (۱۴۰۰) جامعه‌شناسی اقتصادی: ساخت اجتماعی و کنش اقتصادی. ترجمه علی اصغر سعیدی، نشر تپسا
- عجم اغلو، دارون، جیمز، رابینسون (۱۳۹۴) چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟ ترجمه محسن میردامادی و محمدحسین نعیمی پور. تهران: نشر روزنه
- عزیزی مهر، خیام (۱۴۰۰) «فرهنگ اقتصادی ایرانیان»، مرکز رصد فرهنگی کشور
- غلامی پور، اسماعیل (۱۳۹۷) «پنداشت از عدالت و نابرابری اجتماعی در ایران»، در کتاب «جستارهایی در ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان»؛ وهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
- غلامی پور، اسماعیل (۱۴۰۰) صنعت نفت و تغییر اجتماعی در ایران: وهشی درباره صنعت پتروشیمی در ماهشهر، انتشارات روابط عمومی وزارت نفت
- کشافی نیا، وحید و دیگران (۱۴۰۲) افکارسنجی درباره نگرش مردم به آسیب‌های اجتماعی در کشور، مرکز افکارسنجی ملت و دفتر مطالعات اجتماعی مرکز وهش‌های مجلس
- کلمن، دیوید و نیکسون، فرود (۱۳۷۸) اقتصاد شناسی توسعه نیافتگی. ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی. نشر وثقی

- گر، ند رابرت (۱۳۷۸) چرا انسان ها شورش می کنند؟ ترجمه علی مرشدی زاد. تهران: وهشکده مطالعات راهبردی
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷) فراسوی چپ و راست. ترجمه محسن ثلاثی. نشر علمی
- مرکز افکارسنجی ملت (۱۴۰۱) نگرش مردم به وضعیت اقتصادی کشور: مقایسه پنج موج از آبان ۱۴۰۰ تا آبان ۱۴۰۱
- مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی (۱۳۷۹) ارزش ها و نگرش های دانشجویان ایرانی: یافته های پیمایش ملی ارزش ها و نگرش های ایرانیان (موج دوم)
- مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی (۱۳۹۴) ارزش ها و نگرش های دانشجویان ایرانی: یافته های پیمایش ملی ارزش ها و نگرش های ایرانیان (موج سوم)
- نگاهداری، بابک (۱۳۸۶). فرهنگ اقتصادی. مجله مهندسی فرهنگی، شهریور و مهر ۱۳۸۶. شماره ۱۲
- نگرش های اقتصادی ایرانیان: گزارشی تحلیلی از یافته های یک پیمایش ملی (۱۳۹۹)، وهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
- نودری، حمزه (۱۳۹۹) نظرات قابل تأمل دانشجویان درباره اقتصاد ایران. روزنامه شرق
- نورث، داگلاس (۱۳۷۷) نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی. ترجمه محمدرضا معینی، انتشارات سازمان برنامه و بودجه
- هریس، کوان (۱۴۰۱) انقلاب اجتماعی: سیاست و دولت رفاه در ایران. ترجمه محمدرضا فدایی. نشر شیرازه
- وبر، ماکس (۱۳۸۸) اخلاق پروتستانی و روح سرمایه داری. ترجمه عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی. نشر شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- وبر، ماکس (۱۳۹۴) اقتصاد و جامعه. ترجمه عباس منوچهری و دیگران. انتشارات سمت
- وبلن، تورستن (۱۳۸۶) نظریه طبقه تن آسا. ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی